



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده حقوق
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش : حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان :
نقش ریاست جمهوری در پیشگیری از وقوع جرم

استاد راهنما :
جناب آقای دکتر غلامحسین الهام

استاد مشاور :
جناب آقای دکتر امیرحسین نیازپور

نگارش :
فرزاد توتچی فتیله‌هی

تابستان ۱۳۹۲

برای حمایت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/۱ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایراندک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدفهای علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوطه شذنی است.

فهرست مطالب

۱. چکیده.....
۲. مقدمه.....
۲. بیان مسئله.....
۳. اهمیت و فایده پژوهش.....
۴. انگیزه و اهداف پژوهش.....
۴. سوالات پژوهش.....
۵. فرضیات پژوهش.....
۵. پیشینه پژوهش.....
۶. موانع و مشکلات.....
۶. ساماندهی پژوهش.....
۸. بخش اول: مبانی نقش آفرینی ریاست جمهوری در پیشگیری از وقوع جرم.....
۹. فصل اول – مبانی دینی و حقوقی پیشگیری از جرم.....
۹. مبحث اول - تبیین جرم‌شناسی پیشگیری از جرم.....
۱۰. گفتار اول- مفهوم پیشگیری از جرم.....
۱۰. الف- معنای لغوی و اصطلاحی.....
۱۱. ب - مفهوم پیشگیری از جرم.....
۱۲. ج - تعاریف پیشگیری از جرم.....

- گفتار دوم - اقسام پیشگیری از جرم..... ۱۳
- الف- تقسیم‌بندی های گوناگون پیشگیری..... ۱۴
۱. تقسیم‌بندی پیشگیری بر اساس سن..... ۱۴
۲. تقسیم‌بندی پیشگیری بر اساس عمومیت و اختصاصی بودن..... ۱۵
۳. پیشگیری بر اساس انفعالی و فعال بودن؛..... ۱۵
۴. پیشگیری بر اساس سطوح پیشگیری (الگوی پزشکی)..... ۱۵
۵. پیشگیری دفاعی، تهاجمی و رهایی بخش..... ۱۵
۶. پیشگیری بر اساس ماهیت اقدامات پیشگیرانه..... ۱۶
- ب - پیشگیری وضعی و اجتماعی..... ۱۶
۱. پیشگیری وضعی..... ۱۷
- ۱-۱- تعریف پیشگیری وضعی..... ۱۷
- ۱-۲- اشکال پیشگیری وضعی..... ۱۷
۲. پیشگیری اجتماعی..... ۱۸
- ۲-۱- تعریف پیشگیری اجتماعی..... ۱۹
- ۲-۲- انواع پیشگیری اجتماعی..... ۱۹
- مبحث دوم - پیشگیری از جرم در منظر حکومت اسلامی..... ۲۰
- گفتار اول - اصول پیشگیری از جرم در آیات قرآن کریم..... ۲۱
- الف - احترام به حقوق یکدیگر..... ۲۱

- ب - احترام به اموال و مالکیت ۲۲
- ج - رعایت امانتداری ۲۲
- د - دوری از کم فروشی، گرانفروشی و ربا ۲۲
- ه - جلوگیری از اشاعه فحشا و گناه در جامعه ۲۳
- گفتار دوم - آموزه‌های پیشگیرانه از جرم در شریعت اسلام ۲۳
- گفتار سوم - روش‌های پیشگیری از جرم در حکومت علوی ۲۴
- الف - روش‌های غیرکیفری در حکومت علوی ۲۴
۱. رفع نیازهای اساسی ۲۴
۲. مبارزه با جهل و ارائه آموزش همگانی ۲۵
۳. گسترش فضای دینی ۲۵
۴. اصلاح ارتباطات اجتماعی ۲۶
۱. کوشش برای اصلاح مجرمان ضمن اجرای مجازات ۲۷
۲. عفو مجرمان و توصیه به عفو و توبه ۲۷
۳. برخورد مناسب با بزه‌دیده و بزه‌کار ۲۸
- مبحث سوم - پیشگیری از جرم در قوانین و مقررات ۲۸
- گفتار اول - پیشگیری از جرم در سطح مقررات فراتقنینی ۲۸
- الف - پیشگیری از جرم در اجرای اصل ۱۵۶ قانون اساسی ۲۹
۱. نهاد متولی پیشگیری از جرایم در قانون اساسی ۲۹

۲. چگونگی اجرای بند ۴ و ۵ اصل ۱۵۶..... ۳۱
- ب - پیشگیری از جرم در اجرای سایر اصول پیشگیرانه قانون اساسی..... ۳۱
۱. امر به معروف و نهی از منکر..... ۳۲
۲. استقلال و عدالت اقتصادیا جامعه..... ۳۲
۳. حفاظت محیط زیست..... ۳۳
۴. بررسی داری‌های مسئولین..... ۳۴
- گفتار دوم - پیشگیری از جرم در سطح مقررات تقنینی، فروتقنینی..... ۳۴
- الف - پیشگیری از جرم در قانون مجازات اسلامی..... ۳۵
- ب - پیشگیری از جرم در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی..... ۳۵
- ج - پیشگیری از جرم در قانون نیروی انتظامی..... ۳۶
- د - پیشگیری از جرم در آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور..... ۳۶
- ه - پیشگیری از جرم در لایحه پیشگیری از وقوع جرم..... ۳۷
- گفتار سوم - پیشگیری از جرم در سطح مقررات فراملی..... ۳۷
- فصل دوم - مبانی دینی، قانونی و سیاستی جایگاه ریاست جمهوری..... ۳۹
- مبحث اول- نقش ریاست جمهوری به عنوان حاکم اسلامی..... ۳۹
- گفتار اول - حاکم و حکومت دینی و بایسته‌های آن..... ۴۰
- الف - مفهوم شناسی حکومت و حاکمیت دینی..... ۴۰

۱. تفاوت حکومت و حاکمیت ۴۰
۲. اقسام حکومت و حاکمیت ۴۱
- ب - حکومت دینی در آیین اسلام..... ۴۲
 ۱. مؤلفه های حکومت دینی در قرآن کریم..... ۴۲
 ۲. اهداف حکومت دینی اسلام..... ۴۳
- ۲-۱- کامل نمودن مصالح الاخلاق و مکارم الاخلاق..... ۴۴
- ۲-۲- اجرای احکام و قوانین اسلامی..... ۴۴
- ۲-۳- اجرای عدالت و احقاق حق مردم..... ۴۵
- ۲-۴- توجه به رفاه و معیشت مسلمانان..... ۴۵
- ۲-۵- شکوفایی علمی..... ۴۶
- گفتار دوم - حاکم دینی در منظر امام علی 7..... ۴۶
- الف - ملاک‌های تخصصی گزینش کارگزاران..... ۴۷
 ۱. داشتن دانش و آگاهی..... ۴۷
 ۲. برخورداری از سابقه و تجربه کاری..... ۴۷
 ۳. اهل مشاوره و احترام به نظر کارشناسان..... ۴۸
 ۴. پرتلاش و سختکوش بودن برای رسیدن به هدف..... ۴۸
 ۵. شجاعت، قاطعیت و توانایی..... ۴۸
- ب - ملاک‌های ارزشی و مکتبی گزینش کارگزاران..... ۴۹

۱. صالح بودن و پایبند به اخلاق..... ۴۹
 ۲. الگو بودن و پیشگامی در عمل..... ۴۹
 ۳. فروتن و مهربان با مردم..... ۵۰
 ۴. عدالت خواه بودن..... ۵۱
 ۵. امانت دار نسبت حکومت..... ۵۱
- مبحث دوم- نقش ریاست جمهوری در قوانین و مقررات..... ۵۲
- گفتار اول-وظایف و اختیارات ریاست جمهوری در سطح مقررات فراتقنینی(قانون اساسی)..... ۵۳
- الف - وظایف و اختیارات رئیس جمهور در اداره عالی کشور..... ۵۴
۱. مسئولیت اجرای قانون اساسی..... ۵۴
 - ۱-۱- گستره مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی..... ۵۵
 - ۲-۱- هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی..... ۵۶
 ۲. مسئولیت رییس جمهور در امور بین الملل..... ۵۷
 ۳. ریاست و مسئولیت و عضویت در شوراهای عالی..... ۵۸
 - ب-وظایف و اختیارات رئیس جمهور در ریاست و اعمال قوه مجریه..... ۵۸
 ۱. ریاست هیأت وزیران..... ۵۸
 ۲. ریاست عالی سازمانهای وابسته..... ۵۸
 ۳. تعیین معاون اول، سرپرست موقت وزارتخانه‌ها و معاونین مختلف..... ۵۹

ج -وظایف و اختیارات رئیس جمهور در ارتباط با قوای مقننه و قضائیه ۵۹

۱. رئیس جمهور و قوه مقننه ۵۹

۲. رئیس جمهور و قوه قضائیه ۵۹

گفتار دوم -وظایف و اختیارات رئیس جمهور در سطح مقررات تقنینی و فروتقنینی..... ۶۰

الف - قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران

..... ۶۰

ب - قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و اصلاحات آن ۶۱

ج - آیین نامه داخلی هیئت دولت ۶۲

د - آیین نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام ۶۲

هـ - آیین نامه داخلی شورای عالی اداری ۶۳

مبحث سوم - نقش رئیس جمهور در سیاستگذاری های جنایی پیشگیرانه ۶۳

گفتار اول- نقش رئیس جمهور در سیاستگذاری جنایی تقنینی ۶۴

الف - قانون سازی از طریق لوایح قانونی ۶۵

۱. مرحله تدوین، بررسی و نگارش لوایح قانونی در دولت ۶۵

۲. مرحله ارائه لوایح قانونی دولت به مجلس و دفاع از آنها ۶۶

ب - ریاست شوراهای عالی سیاستگذار کشور ۶۶

۱. شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری ۶۷

۲. شورای عالی آموزش و پرورش ۶۸

۳. شورای اقتصاد..... ۶۹
۴. شورای عالی اشتغال..... ۶۹
۵. شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی..... ۷۰
۶. شوراي عالي فضاي مجازي..... ۷۰
- گفتار دوم- نقش رئیس جمهور در سیاستگذاری جنایي اجرائي..... ۷۱
- الف - مدیریت منابع مالی و انسانی کشور..... ۷۱
۱. مدیریت منابع مالی کشور..... ۷۲
۲. مدیریت منابع انسانی کشور..... ۷۲
- ب- تعامل با برخی نهادهای مجري قوانین درکشور..... ۷۳
۱. نیروي انتظامي..... ۷۳
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامي..... ۷۵
۳. سازمان تعزیرات حكومتي..... ۷۶
۴. سازمان بهزیستي..... ۷۶
- بخش دوم - ارتباط جایگاه ریاست جمهوری با پیشگیری وضعي و اجتماعي از جرم..... ۷۸
- فصل اول - نظارت ریاست جمهوری بر دستگاههاي دولتي متولي پیشگیری وضعي..... ۷۹
- مبحث اول - ریاست جمهوری و نهادهای متولي پیشگیری وضعي..... ۷۹
- گفتار اول - نقش وزارت دادگستري به مثابه وزارت بين قوا..... ۸۰
- الف- وظایف و کارکردهای وزارت دادگستري..... ۸۰

- ب - نقش وزارت دادگستری در پیشگیری از جرایم..... ۸۲
- گفتار دوم - نقش وزارت کشور و هماهنگی نهادهای امنیتی..... ۸۴
- الف - مأموریت‌ها و وظایف اصلی وزارت کشور..... ۸۵
- ب- نقش وزارت کشور در پیشگیری از جرایم..... ۸۵
- گفتار سوم - نقش وزارت اطلاعات..... ۹۰
- الف- وظایف وزارت اطلاعات..... ۹۱
- ب- نقش وزارت اطلاعات در پیشگیری از جرم..... ۹۱
- گفتار چهارم - نقش سایر وزارتخانه‌ها و نهادهای مسئول..... ۹۴
- الف - وزارت صنعت، معدن، تجارت..... ۹۴
- ب - وزارت آموزش و پرورش..... ۹۴
- ج - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی..... ۹۵
- د - وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی..... ۹۵
- هـ - سازمان حفاظت محیط زیست..... ۹۵
- مبحث دوم - ریاست جمهور و کمیته‌های موضوع اصل ۱۲۷ ق.ا..... ۹۷
- گفتار اول - ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز..... ۹۸
- الف- علل و عوامل شکل‌گیری پدیده قاچاق و پیامدهای آن..... ۹۸
- ب - بررسی راهکارهای مقابله با پدیده قاچاق..... ۱۰۱
- گفتار دوم - ستاد مبارزه با مواد مخدر..... ۱۰۳

- الف - علل و عوامل شکل گیری پدیده اعتیاد..... ۱۰۳
- ب - راهکارهای پیشگیری و درمان اعتیاد در جامعه..... ۱۰۴
- گفتار سوم - ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی..... ۱۰۶
- الف- مفهوم فساد اقتصادی و آثار آن در جامعه..... ۱۰۶
- ب- علل پیدایش فساد اقتصادی و راهکارهای پیشگیری از آن..... ۱۰۸
- گفتار چهارم - سازمان هدفمندی یارانه ها..... ۱۱۰
- الف- ضرورت تأسیس سازمان هدفمندی یارانه ها و کارکرد آن..... ۱۱۱
- ب- تأثیر هدفمندی سازی یارانه ها بر سیمای جنایی کشور..... ۱۱۲
- فصل دوم- نقش ریاست جمهوری در تحقق پیشگیری اجتماعی..... ۱۱۶
- مبحث اول - بررسی تقابل احقاق حقوق ملت در پیشگیری از جرم..... ۱۱۸
- گفتار اول - علل فردی و اجتماعی وقوع جرم..... ۱۱۸
- الف - علل فردی وقوع جرم..... ۱۱۹
- ب - علل اجتماعی وقوع جرم..... ۱۲۱
- گفتار دوم - نحوه تقابل حقوق ملت با عوامل جرمزا..... ۱۲۴
- الف - حقوق آزادی های فردی (شخصی)..... ۱۲۴
- ب - حقوق آزادی های مدنی (اجتماعی)..... ۱۲۶
- ج - حقوق آزادی های قضایی..... ۱۲۷
- د - آزادی های اساسی مردم..... ۱۲۹

- مبحث دوم - رئیس جمهور و الگوسازی در گفتمان پیشگیری از جرم ۱۳۰
- گفتار اول - گفتمان پیشگیری از جرم..... ۱۳۱
- الف - انواع گفتمان‌های روسای جمهور در ایران..... ۱۳۱
۱. دوره رقابت گفتمانی..... ۱۳۲
۲. گفتمان توسعه اقتصادی دولت محور با گرایش توزیعی..... ۱۳۲
۳. گفتمان توسعه اقتصادی دولت محور با محوریت تشویق اقتصاد بازار و خصوصی سازی..... ۱۳۲
۴. گفتمان توسعه سیاسی با محوریت اصلاحات و جامعه مدنی و گفتگو..... ۱۳۲
۵. گفتمان «توسعه اقتصادی با محوریت عدالت توزیعی»..... ۱۳۳
- ب - ویژگی‌های يك گفتمان پیشگیرانه از جرم..... ۱۳۳
۱. جامعیت..... ۱۳۴
۲. هدفمند بودن..... ۱۳۴
۳. ترکیبی..... ۱۳۴
۴. تساوی در نگرش به بزهدیده و بزهار..... ۱۳۵
۵. احترام به حقوق شهروندی..... ۱۳۵
- گفتار دوم - راهکارهای رییس جمهور در گفتمان سازی پیشگیرانه از جرم..... ۱۳۵
- الف - احقاق حقوق شهروندی برای پیشگیری از جرم..... ۱۳۵
۱. حق امنیت..... ۱۳۶

۱۳۸	۲. حق آزادي.....
۱۴۰	۳. حق اشتغال.....
۱۴۲	۴. حق تحصيل.....
۱۴۴	۵. حق آتیه، رفاه و تأمين اجتماعي.....
۱۴۷	۶. حق مسکن و شهرنشيني.....
۱۵۱	۷. ساير حقوق شهروندي موثر در پيشگيري از جرم.....
۱۵۲	ب - الگوسازي در ايجاد گفتمان غالب پيشگيري اجتماعي.....
۱۵۴	۱. الگوي رفتاري.....
۱۵۵	۲. الگوي کلامي.....
۱۵۵	۳. الگوي ظاهري.....
۱۵۶	۴. الگوي معنوي.....
۱۵۸	نتيجه‌گيري و پيشنهادات.....
۱۵۹	نتيجه‌گيري.....
۱۶۳	پيشنهادات.....
۱۷۷	فهرست منابع و مأخذ.....
۱۹۴	Abstract.....

چکیده

ریاست جمهوری به عنوان «حاکم اسلامی» و «مجری قانون اساسی» از اختیارات و ویژگی‌های زیادی برخوردار می‌باشد که می‌تواند در زمینه «پیشگیری از جرم» که یکی از مهمترین مباحث اجتماعی می‌باشد، نقش آفرین باشد.

بر اساس تقسیم‌بندی رایج پیشگیری از جرم به پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی، رئیس جمهور نیز می‌تواند به سهم خود نقشی تأثیرگذار داشته باشد. استفاده از ابزارهایی که قانون اساسی و سایر قوانین به او عطاء نموده است همچون نهادهایی از قبیل وزارت کشور، اطلاعات، دادگستری، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مواد مخدر، مفسد اقتصادی، هدفمندی یارانه ها و... به رئیس جمهور این قدرت را می‌دهد که بتواند بر اساس رویکرد پیشگیرانه وضعی از جرم، در وضعیت های ارتکاب جرم تغییر ایجاد نماید و موقعیت‌های پیش جنایی را کاهش دهد. همچنین نقش فردی و اجتماعی رئیس‌جمهور در ایجاد گفتمان پیشگیرانه از جرم بر اساس رویکرد پیشگیری اجتماعی از جرم نیز می‌تواند از سوی این منتخب مردم، اثرگذار باشد. توجه به احقاق حقوق شهروندی در تقابل با علت‌های وقوع جرایم که رابطه عکس با یکدیگر دارند، از راهکارهای رئیس‌جمهور در طراحی نمودن پیشگیری جامعوی از جرم می‌باشد و الگوسازی گفتاری، رفتاری، ظاهری و معنوی نیز می‌تواند در الگوبرداری مردم از رئیس‌جمهور در زندگی روزمره خویش و سیمای جنایی جامعه موثر باشد. بطورکلی می‌توان گفت که ریاست جمهوری، جدایی از افراط و تفریطی که در خصوص اختیاراتش در باور مردم وجود دارد، می‌تواند با نظارت و مدیریت ابزارهایش و ایجاد يك گفتمان الگویی مبتنی بر احقاق حقوق شهروندان، در «پیشگیری از وقوع جرم» نقش آفرینی نماید.

واژگان کلیدی:

ریاست جمهوری، جرم، پیشگیری، قانون اساسی، پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی.

مقدمه

بیان مسئله

ریاست جمهوری به عنوان دومین مقام عالی رتبه کشور یا عالیتزین مقام رسمی کشور پس از رهبري، از نقش و جایگاه ویژه‌ای در بسیاری از امور سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور برخوردار می‌باشد. اصولاً در کشور ما به دلیل بالابودن حوزه اختیار ریاست جمهوری که هر چهار سال یکبار در معرض رأی اعتماد مستقیم مردم قرار می‌گیرد، سطح انتظارات جامعه از شخص رئیس‌جمهور بسیار گسترده و متنوع است و مردم به نوعی همه مشکلات را از منظر کارایی و عملکرد رئیس‌جمهور مورد ارزیابی قرار می‌دهند و تا زمانی که شرایط مساعد و مطلوب است، از رئیس‌جمهور به خوبی و در شرایط سختی و گرفتاری، از رئیس‌جمهور و دستگاه حکومتی با انتقاد یاد می‌کنند. سایه سنگین این باور اجتماعی نیز که رئیس‌جمهور می‌تواند همه کار در مملکت انجام دهد و با صدور يك دستور، هزاران مشکل را نیز حل نماید از دیگر مواردی است که باید با آن توجه کرد.

نکته بسیار مهم در خصوص مفهوم و منظور از انتخاب عنوان پایان نامه و تأکید بر ذکر «ریاست جمهوری» نیز این بوده است که در ایران، برخلاف تصور، نمی‌توان آنگونه که باید و شاید از خود رئیس‌جمهور انتظارات فوق‌العاده‌ای داشت و در واقع منظور از رئیس‌جمهور یا ریاست جمهوری در این نگارش، مجموعه دستگاهی متشکل از رئیس‌جمهور، معاونین، وزراء، استانداران و... می‌باشد که تحت عنوان «ریاست جمهوری» قدرت اجرایی کشور را برعهده دارند و هر يك چون اهرم این دستگاه عظیم باید نقش خویش را به خوبی ایفاء نمایند تا بتوان حرکتی در چرخ پیشرفت کشور مشاهده نمود.

با این حال، واقعیت موجود در خصوص «نقش رئیس‌جمهور از منظر جرم‌شناسی» این می‌باشد که جایگاه ریاست قوه مجریه، در کنار برخورداری از اختیارات و توانمندی‌های گوناگون، دارای وظایفی در طراحی و تبیین و اجرای سیاست جنایی کشور و ساماندهی آن است و مسئول اجرای برنامه‌ها، طرح‌ها و قوانین مختلف در حوزه پیشگیری از وقوع جرائم می‌باشد.

پیشگیری از وقوع جرم، پدیده‌ای تقریباً نوظهور در عرصه جرم‌شناسی می‌باشد که به عنوان یکی از مهمترین اهداف و چالش‌های سیاست جنایی تثبیت شده است و اینپژوهش به این مسئله خواهد پرداخت که ریاست جمهوری، از چه نقش و جایگاهی در اجرای بهتر فرآیند پیشگیری از وقوع جرم در جامعه برخوردار می‌باشد.

در واقع ما در این نگارش، به دنبال این هستیم که مبانی دینی و حقوقی پیشگیری از جرم در دین مبین اسلام و قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران چه می‌باشد و ریاست جمهوری به عنوان يك «حاکم اسلامی» از چه نقش و جایگاه در این زمینه برخوردار می‌باشد و مبانی این نقش‌آفرینی چه خواستگاه‌هایی است.

همچنین مطالعه وظایف و اختیاراتی که برای رئیس جمهور در سطوح مقررات فراتقنینی (قانون اساسی)، تقنینی و فروتقنینی مقرر شده است و نقش آفرینیکه او می‌تواند به عنوان رئیس قوه مجریه کشور، در دو بُعد مهم سیاست جنایی پیشگیرانه از وقوع جرم یعنی سیاست جنایی تقنینی و اجرائی ایفاء نماید چه و چگونه می‌باشد. در واقع ما در این پژوهش، در ابتدا باید جایگاه واقعی رئیس جمهور در هرم نظام جمهوری اسلامی ایران را مورد ارزیابی و بررسی دقیق قرار داده و سپس به ابزارهایی که او در این مقام، جهت اعمال برنامه‌های خود که یکی از آنها باید «پیشگیری از جرایم» باشد بپردازیم و از منظر دانش جرم‌شناسی و تقسیم بندی‌های رایج پیشگیرانه از جرم یعنی پیشگیری وضعی و اجتماعی از جرم، قدرت و راهکارهایی را که رئیس‌جمهور به عنوان منتخب مردم در اختیار دارد را در اعمال سیاست‌های «پیشگیرانه از جرم» بررسی نماییم.

در کنار این موارد نیز، نقاط قوت و ضعف و خلاءهای موجود را دقیقتر ارزیابی کرده و از رفتار شخص رئیس‌جمهور در مقام حقیقی و حقوقی خود، الگوسازی لازم را ارائه نماییم و در نهایت، نتیجه‌گیری مناسب و پیشنهاداتی کاربردی در حوزه‌های مختلف براساس رویکرد «پیشگیری از جرم» ارائه بدهیم.

اهمیت و فایده پژوهش

در حال حاضر مسئله «پیشگیری از وقوع جرم» یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و مسائل قابل توجه و تأمل در حوزه علوم جنایی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی می‌باشد که بررسی راهکارهای ماهوی و شکلی جهت اجرای بهتر آن یکی از موضوعات مطرح در تحقیقات، رساله‌ها و پایاننامه‌های حقوقی می‌باشد.

طرح يك موضوع جدید که از سویی کم‌تر به آن پرداخته شده باشد و از سویی دیگر، ضمن حفظ مباحث نظری و تئوری، قابلیت کاربردی نیز داشته باشد، نگارنده را بر این مسئله و اداهت که از منظر «فاعلی» و ساختاری به بحث پیشگیری از وقوع جرم بپردازد و یکی از مهم‌ترین

«نهادهای مسئول» در این حوزه را در نظام جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و تحقیق قرار دهد که از این بین «ریاست جمهور» به عنوان رئیس قوه مجریه و اجرائی کشور که نقش مهم و کلیدی در اجرای مطلوب قوانین مصوب شده، خصوصاً قوانین جزائی را برعهده دارد را برای موضوع پایان نامه انتخاب کرده است و به بررسی جایگاه این نهاد و شخصیت حقوقی-سیاسی در مقام پیشگیری از وقوع جرم بپردازد.

انگیزه و اهداف پژوهش

۱. بررسی و تبیین نقش ریاست جمهوری در نظام جزائی جمهوری اسلامی ایران.
۲. تحقیق در خصوص مبانی، کارکردها، صلاحیت‌ها، وظایف و اختیارات مقرر شده برای ریاست جمهور در سطوح مختلف قوانین ایران (فراقننی، تقنینی و فروعقننی).
۳. بررسی عملکرد ابزارها و نهادهای تحت نظر ریاست جمهوری در حوزه سیاست جنایی تقنینی و اجرائی. همچون وزارت دادگستری، وزارت کشور، وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، کمیته‌های اصل ۱۲۷ و....
۴. ارزیابی نقش‌آفرینی رئیس جمهور در عرصه پیشگیری وضعی و اجتماعی بصورت غیرمستقیم با ابزار نظارتی و یا مستقیم بوسیله گفت‌وگو سازی.
۵. ارائه الگوهایی جدید از ورود و ظهور رئیس جمهور در عرصه‌های مختلف اجتماعی خصوصاً سیاست جنایی.

سوالات پژوهش

۱. ریاست جمهوری چگونه می‌تواند در زمینه پیشگیری از وقوع جرم نقش‌آفرین باشد؟
۲. برای ایفای نقش ریاست جمهوری در زمینه پیشگیری از وقوع جرم چه ابزارهایی مورد نیاز است؟
۳. چه قوانینی در جمهوری اسلامی ایران در خصوص نقش ریاست جمهوری در زمینه پیشگیری از وقوع جرم، تدوین شده است؟
۴. شخص رئیس جمهور چگونه می‌تواند، فارغ از ابزارهای خویش، شخصاً در فضای جنایجامعه تأثیرگذار باشد؟

فرضیات پژوهش

۱. ریاست جمهوری می‌تواند با استفاده از ابزارهایی که قانون اساسی و سایر قوانین در اختیارش قرار داده است و همچنین با الگوسازی گفتمان خویش و احقاق حقوق شهروندان در قانون اساسی و سایر قوانین و حذف و یا کاستن از علل وقوع جرایم، در زمینه پیشگیری از جرم نقش آفرینی نماید.

۲. کلیه مجموعه تابعه دستگاه ریاست جمهوری اعم از وزارتخانه‌ها، ارگان‌ها، معاونتها و سازمان‌ها می‌توانند از ابزارهایی رئیس‌جمهور در پیشبرد مسئله پیشگیری از جرم باشند اما به طور خاص و تخصصی وزارتخانه‌های دادگستری، کشور، اطلاعات و کمیته‌های اصل ۱۲۷ قانون اساسی از قبیل ستادهای مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مواد مخدر، مفاصد اقتصادی و هدفمندی یارانه‌ها از ابزارهای رئیس‌جمهور در «پیشگیری از وقوع جرم» می‌باشد.

۳. قانون اساسی، راه حل پیشگیری از وقوع جرایم را علت‌زدایی از وقوع جرم می‌داند و با این رویکرد، «احقاق حقوق ملت» در اصول ۱۹ تا ۴۳ قانون اساسی از قبیل حق تحصیل، اشتغال، مسکن، تأمین اجتماعی و... را چاره مسئله پیشگیری از جرم می‌داند و رئیس‌جمهور را به عنوان مجری قانون اساسی و اصول آن، مسئول تحقق این حقوق می‌نامد و اوست که باید با فراهم نمودن شرایطی مناسب، حقوق ملت را به آنان ادا نماید و زمینه‌ها و دلایل سوق آنان به ارتکاب جرم را کاهش دهد.

۴. رئیس‌جمهور می‌تواند با احقاق حقوق شهروندی و الگوسازی در گفتمان مطرح شده توسط خود با الگوساختن رفتار، گفتار، ظاهر و معنویت خویش و براساس حدیث شریف نبوی که مردم بیشتر شبیه امیران خود هستند تا پدران خود در فضای جنایی جامعه تأثیرگذار باشد. در واقع مردم آنگونه رفتار اجتماعی می‌کنند که حاکمانشان رفتار می‌کنند.

پیشینه پژوهش

بر اساس جستجوی‌های صورت گرفته در میان کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی، تاکنون عنوانی با محوریت موضوع پایان‌نامه و حتی نزدیک به آن نگارش نشده است. یک کتاب در خصوص «نقش رئیس‌قوه قضاییه در فرایند کیفری ایران» توسط آقای غلامحسین آماده به نگارش در آمده است که به نقش رئیس‌قوه قضاییه در تحقق دادرسی عادلانه و نظارت بر آراء قطعی کیفری پرداخته است. همچنین یک پایان‌نامه با عنوان «پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان‌های مسئول در قوانین ایران» توسط آقای حمید ایرانشاهی در دانشگاه تهران

دفاع شده است که بیشتر به معرفی سازمان های متولی و وظایف و عملکردشان پرداخته است. همچنین دو کتاب کوچک با نام های «نقش حکومت در پیشگیری از جرم» و «وظایف دولت در پیشگیری از جرم در جامعه اسلامی» توسط آقای محمد عابدی میانجی به رشته تحریر در آمده است که بیشتر با رویکرد دینی و مذهبیه مقوله «نقش آفرینی رئیس جمهور» نگرینسته است و خالی از مباحث جرمشناسی و سیاست جنایی بوده است.

موانع و مشکلات

خاص بودن موضوع، نبود منابع کافی خصوصاً در زمینه جرمشناسی و سیاست جنایی، محدودیت دانشجویان در استفاده از منابع موجود در دانشگاه های دیگر غیر از محل تحصیل خود و عدم امکان استفاده بهینه از آن منابع، مجمل و مبهم بودن آنان، ضعف در سابقه پژوهشی و حتی مقاله نویسی نگارنده و نگرانی از سیاسی شدن یا ورود مباحث به حقوق عمومی و جرمشناسانه نبودن پایان نامه، بخشی از موانع و مشکلات پیش روی این پژوهش بوده است، به نحوی که موجب گردید مدت زمان این نگارش کمی به درازا و تأخیر افتد؛ ولی به هر حال «خدای مهربان» را به خاطر همه لطف های بی نهایتش و همسر عزیزم را به خاطر صبوری و انتظارش در اتمام این پژوهش صمیمانه سپاسگزارم.

ساماندهی پژوهش

این پایان نامه همانگونه که از نامش پیداست یک پایان نامه میان رشته ای بین رشته حقوق جزا و جرمشناسی و حقوق عمومی می باشد و ما به ارتباط و نقش آفرینی یکی از مهمترین ارکان حقوق عمومی یعنی ریاست جمهوری در یکی از مهمترین بسترهای جرمشناسی یعنی پیشگیری از جرم پرداخته ایم. روش این تحقیق بصورت کتابخانه ای و بر اساس قوانین مصوب در حوزه وظایف و اختیارات ریاست جمهوری و نهادهای تابعه، سیاست های جنایی و مباحث اجتماعی مربوط به بحث پیشگیری از وقوع جرم می باشد.

این پایان نامه بر اساس دستورالعمل نگارش پایان نامه ها دارای ۲ بخش می باشد:

بخش اول، مبانینقش آفرین ریاست جمهوری در پیشگیری از وقوع جرم می باشد که خود دارای ۲ فصل مبانیدینی و حقوقی پیشگیری از جرم و مبانیدینی، قانونی و سیاستی جایگاه ریاست جمهوری می باشد. بخش دوم این پایان نامه نیز به ارتباط جایگاه ریاست جمهوری با پیشگیری وضعی و اجتماعی

از جرم می‌پردازد که دارای ۲ فصل نظارت ریاست جمهوری بر دستگاه‌های دولتی متولی پیشگیری وضعی و نقش ریاست جمهوری در تحقق پیشگیری اجتماعی از جرم می‌باشد و در قسمت نهایی نیز با نتیجه‌گیری از مطالب بیان شده، بیست ۲۰ پیشنهاد کاربردی برای نقش آفرینی شخص رئیس جمهور و دستگاه ریاست جمهوری در مسئله پیشگیری از وقوع جرم ارائه شده است.

باشد که توانسته باشیم به بضاعت قلم دانشجویی خویش، نگارشی به یادگار گذاشته باشیم...

بخش اول: مبانی نقش آفرینی ریاست جمهوری در پیشگیری از وقوع جرم

فصل اول - مبانی دینی و حقوقی پیشگیری از جرم

«مبانی» واژه‌ای عربی و جمع «مبنی» به معنای عمارتها، بناها، بنیان‌ها و اساسها می‌باشد.^۱ بدین ترتیب مبانی هر چیزی، عبارت است از پایه‌هایی که آن چیز بر آنها بنا گردیده و استقرار یافته است. «مبانی» در اصطلاح حقوق، کلی‌ترین اصول، قواعد و معیارهایی هستند که نظام حقوقی مبتنی بر آنمی‌باشد.

ما در این بخش، مبانی و خواستگاه‌های نقش‌آفرینی ریاست جمهوری را به عنوان یکی از عالی‌ترین مقامات حکومت دینی و مردمی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

در ابتدا در فصل اول به «مبانی دینی و حقوقی پیشگیری از جرم» خواهیم پرداخت و سپس در فصل دوم «مبانی دینی، قانونی و سیاسی جایگاه ریاست جمهوری» را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مبحث اول - تبیین جرم‌شناسی پیشگیری از جرم

«جرم‌انگاری» و «جرم‌زدایی» دو روی سکه‌ای هستند که دارای دو مفهوم و در عین حال دو سازوکار مهم در سیاست جنایی محسوب می‌شوند. جرم‌انگاری یا جرم‌زایی فرایندی است که براساس آن قانونگذار از طریق تصویب قوانین، اعمالی را به جهت حفظ ارزشهای اجتماعی و نظم عمومی و یا جهات دیگر، جرم قلمداد می‌نماید. نقطه مقابل این فرایند جرم‌زدایی است که از این طریق، صلاحیت تعیین و تحمیل ضمانات اجراها به عنوان واکنش علیه بعضی رفتارها از نظام کیفری گرفته می‌شود.^۲ در کنار این ۲ مفهوم، پدیده‌ای جدید و نوینی به نام «جرم‌شناسی» نیز مطرح گردیده است.

این رشته علمی ابتدا، تحت‌تأثیر مطالعات لمبروزودر مسئله ارتباط ارتکاب جرم با خصوصیات جسمی بزهاکاران، انسان‌شناسی جنایی نام گرفت.^۳ در واقع جرم‌شناسی، یک دانش چندرشته‌ای است و به همین دلیل دانشمندان هریکاز رشته‌ی زیست‌شناسی، روانشناسی، روانپزشکی، پزشکی،

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد ۱۲، انتشارات مجلس، تهران، ۱۳۲۸، ص ۱۷۷۴۱.

۲. مهرا، نسرين، در آمدی بر جرم زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی، مقدمه گزارش «کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی» وابسته به شورای اروپا، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱ و ۲۲، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷، ص ۳۰۳.

۳. دانش، تاج‌زمان، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، انتشارات کیهان، چاپ یازدهم، تهران، اسفند ۱۳۸۸، ص ۱۹.

جامعه‌شناسی و... از منظر خود، تعریف‌های گوناگونی از قبیل "علم مطالعه جرایم"، "بررسی علمی پدیده‌ی جنایی" و... در مورد جرم‌شناسی ارائه کرده اند بصورت شفاف می‌توان جرم‌شناسی را، شاخه‌ای از علوم جناییکه با روش علمی و عینی به تحلیل علل و عوامل زیستی، روانی و اجتماعی پیدایش جرم، به هدف‌پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و درمان بزهکاران، می‌پردازد. از تقسیم‌بندی جرم‌شناسی می‌توان به دسته بندی جرم‌شناسی به نظری و کاربردی اشاره کرد که جرم‌شناسی عمومی و اختصاصی را زیر مجموعه جرم‌شناسی نظری و جرم‌شناسی بالینی، جرم‌شناسی پیشگیرانه و جرم‌شناسی انتقادی یا حقوقی را به عنوان زیر مجموعه جرم‌شناسی کاربردی ذکر کرده اند.^۱

«پیشگیری از جرم» نیز یکی از مهمترین و بحث برانگیزترین مباحث علوم جنایی می‌باشد که تاکنون جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان علوم جنایی، از زوایای مختلف این پدیده اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند و نتایج و نظریه‌های گوناگونی را در تکامل این رشته و تخصص جنایی ارائه نموده‌اند.

گفتار اول- مفهوم پیشگیری از جرم

الف- معنای لغوی و اصطلاحی

پیشگیری در ادبیات محاوره‌ای عامیانه معمولاً به معنای «مانع وقوع امری شدن»، «جلوی وقوع امر ممکن را گرفتن» و به «پیشواز خطر رفتن و مانع تحقق آن شدن» است.^۲ واژه پیشگیری در لغت نامه دهخدا، به معنای دفع، جلوگیری کردن، مانع گشتن، منع کردن، به نگهداری برخاستن، از پیش مانع شدن مانند مانع شدن از سرایت امراض، جلوگیری بستن، پیش بندی کردن مانند سیل یا جریان آب^۳ معنا شده است. همچنین دکتر محمد معین، جلوگیری، دفع، تقدم به حفظ، صیانت، حفظ صحت، جلوی مرضی را گرفتن، جلوگیری، پیش بندی کردن^۴ را از معنای لغوی پیشگیری دانسته اند. «جرم» از ریشه جَرَمْ به فتح جیم و سکون را، به معنی گناه، خطاء و بزه می‌باشد.^۵ جرم از نظر لغوی نیز به معنی قطع کردن، بریدن، چیدن، تمام کردن، کسب

۱. مظلومان، رضا، جرم‌شناسی (کلیات)، جلد ۲، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۷، ص ۱۲۲.

۲. مهدوی، محمود، پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد مدار)، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۸.

۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد هفتم، انتشارات مجلس، ۱۳۲۸، ص ۷۳۳.

۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۹۳۳.

۵. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، تهران، ۱۳۶۴، ص ۶۸۶.

نمودن و نیز خطاء و گناه به کار رفته است.^۱ استاد دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی در تعریف جرم بیان می‌دارند: «جرم عملی است که قانون آن را از طریق تعیین کیفر منع کرده باشد»^۲ جرم از نظر قانونی نیز تعریف خاص خود را دارد؛ بطوریکه قانون مجازات اسلامی در ماده ۲ خود جرم را «هر فعل یا ترک فعلی می‌داند که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد.» به طور کلی از معنای لغوی واژه «پیشگیری از جرم»^۳ چیز استنباط می‌شود: اول، جلوی وقوع جرم را گرفتن و در واقع به استقبال آن رفتن است و دوم هشدار در مورد وقوع جرم است که این خود یک فن پیشگیرانه محسوب می‌شود که منظور واضع از پیشگیری از جرم همان معنای مورد اول، «مانع وقوع جرم شدن» است.

اگر پیشگیری از تبهکاری متضمن «آگاهی دادن» از چیزی است، منحصرأً به عنوان یکی از تکنیکهای ممکنه مداخله است. مثلاً مخاطب قرارداد جمعیت یا بعضی از اشخاص که به علت عدم رعایت بعضی از اقدامات حمایتی در معرض خطر جرم هستند، از مصادیق آگاهی دادن است.^۴ از منظر جرم‌شناسی، در واقع «نقض قواعد و هنجارهای لازم الاتباع در فرهنگ معین، جرم است» و این تعریفی است که ساترلند در مورد یک فعل یا ترک فعل ضدا اجتماعی با نام «جرم» ارائه می‌دهد.^۵

در ادبیات جرم‌شناسی، پیشگیری اگر در «مفهوم موسع» کلمه به کار برده شود طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیر کیفری را در جهت‌خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری در بر می‌گیرد. اما اگر در «مفهوم مضیق» کلمه به کار برده شود فقط «تدابیر غیرکیفری» را در بر می‌گیرد.^۶

ب - مفهوم پیشگیری از جرم

بر اساس مفهوم موسع پیشگیری از جرم، هر آنچه که علیه جرم بوده است و آن را کاهش می‌دهد پیشگیری محسوب می‌شود. لذا مجازات(عدالت کیفری)، ترمیم خسارت مجنی‌علیه(عدالت

۱. بندریگی محمد، المنجد الطلاب، انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۶۸، ص ۶۵.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ چهاردهم، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۹۱.

۳. اکبری، لیلا، بررسی شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در قواعد و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۴.

۴. حقیقت خواه، سعید، نقش دادستان در پیشگیری از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دپارتمان حقوق دانشگاه مفید، ۱۳۸۹، ص ۲۲.

۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، تقریرات درس جرم‌شناسی(پیشگیری)، صص ۷۴۸ - ۷۴۷.

ترمیمی) و فردی کردن مجازات توسط قاضی، نوعی پیشگیری به شمار می‌آید. در این مفهوم که به نوعی پیشگیری در معنای عام است، مسکن، اشتغال و فرهنگ سازی در زمره عوامل پیشگیرانه تعریف شده اند.^۱ لازم به ذکر است که پیشگیری موسع، به پیشگیری بعد از ارتکاب جرم گفته می‌شود که ابزارهای آن، هم کیفری و هم غیرکیفری می‌باشند.

در این تعریف پیشگیری بعد از ارتکاب جرم و جلوگیری از تکرار آن مدنظر ما نیست بلکه ناظر به اقدامات قبل از ارتکاب جرم می‌باشد که در این مفهوم، پیشگیری مجموعه‌ای از وسایل و ابزارهایی است که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از ۲ طریق مورد استفاده قرار می‌دهد:

۱. حذف یا محدود کردن عوامل جرم زا (پیشگیری اجتماعی)

۲. اعمال مدیریت نسبت به عوامل محیطی و فیزیکی جهت کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم (پیشگیری وضعی)

پیشگیری در مفهوم مضیق، مفهوم کنونی جرم شناسی پیشگیرانه می‌باشد که قبل از وقوع جرم و فقط بر اساس «ابزارهای غیرکیفری» تبیین می‌شود.

ج - تعاریف پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم را می‌توان بر اساس هدف حداقلی «محدود کردن امکان جرم» اینگونه تعریف کرد:

پیشگیری از جرم، مجموعه اقدام‌های سیاست‌جنایی به استثنای اقدام‌های کیفری که غایت و هدف انحصاری یا لاقلاً جزئی از آن اقدامات، محدود کردن امکان وقوع مجموعه‌ای از جرائم باشد.^۲ ریموند گسن جرم‌شناس فرانسوی در نگاهی جامع‌تر، برای پیشگیری یعنی «اقدام نسبت به عوامل و فرآیندهای بزهکاری» چهار معیار در نظر گرفته‌است. از نظر او پیشگیری شامل "مجموع تدبیرهای سیاست جنایی - به استثنای تدبیرهای نظام کیفری- می‌شود، که، غایت انحصاری یا دست‌کم جزئی آن، تحدید امکان وقوع مجموع اقدام‌های مجرمانه از راه غیرممکن کردن، دشوارتر کردن یا کمتر محتمل کردن آنها است.^۳ " مرس کوسن، جرم شناس کانادایی از منظری دیگر پیشگیری از جرم را مجموعه اقدامها و تدابیر غیرقهرآمیزی می‌نامد که با هدف خاص مهار بزهکاری، کاهش احتمال جرم، کاهش وخامت جرم پیرامون علل جرایم اتخاذ

۱. همان، صص ۱۲۳۷ - ۱۲۳۶.

۲. همان، صص ۷۵۳.

۳. جوانفر، عباس، پیشگیری از جرم و جایگاه دستگاه قضایی در آن، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۳۹، خرداد ۱۳۸۴، صص ۳۷.

می‌شود.^۱ لایحه پیشگیری از وقوع جرم نیز، پیشگیری از جرم را اینگونه تعریف می‌کند: پیشگیری از وقوع جرم عبارتست از پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن؛ در این بخش، با توجه به آنچه که بیان شد می‌توان چنین تعریفی را برای "پیشگیری از جرم" ارائه داد:

«پیشگیری از جرم، مجموعه اقداماتی است که در مقام جلوگیری از وقوع جرایم و تکرار آنان و یا کاهش میزان ارتکاب آنان در سطح جامعه اتخاذ می‌شود که این اقدامات می‌تواند در قالب اقدامات کیفری و غیرکیفری، قبل و یا بعد از ارتکاب جرم تعریف گردد»

گفتار دوم - اقسام پیشگیری از جرم

در جرم شناسی بر اساس علل و عوامل گوناگون، می‌توان دسته‌بندی متفاوتی از پیشگیری از جرم ترسیم نمود. در منظر کلی می‌توان پیشگیری از جرم را به پیشگیری کیفری (واکنشی) و پیشگیری غیرکیفری (کنشی) تقسیم نمود. جرم شناسان عموماً انواع پیشگیری را از حیث تقدم و تأخر تاریخ ظهور، آنها به ۲ دسته تقسیم می‌کنند: ۱. پیشگیری سنتی و ۲. پیشگیری جدید^۲؛ پیشگیری سنتی در واقع همان پیشگیری‌های مرسوم مانند پیشگیری‌های اولیه، ثانویه و ثالثیه، انفعالی و فعال، عام و خاص است و پیشگیری جدید هم به پیشگیری‌های وضعی و اجتماعی و پیشگیری دفاعی و آزادی بخش گفته می‌شود.

از نظر مکانیسم پیشگیری، پیشگیری را می‌توان به ۳ دسته تقسیم کرد:

۱. استفاده از سیستم عدالت کیفری (پلیس، دادگاه، زندان و...) برای منع ارتکاب جرم یا تکرار آن؛

۲. کاهش فرصت‌های وقوع جرم: در انگلستان و امریکای شمالی این کار پیشگیری وضعی نامیده می‌شود و معمولاً با اصلاح امنیت محیطی یا طراحی ساختمان‌ها و محله‌ها آغاز می‌شود.

۳. کاهش انگیزه ارتکاب جرم: که گاهی پیشگیری از مجرمیت یا پیشگیری اجتماعی نامیده

۱. cusson. Maurice. La criminology. P ۲۸

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۲۲.

می‌شود.^۱

سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه‌های شورای اقتصادی اجتماعی خود پیشگیری از وقوع جرم را به ۲ دسته تقسیم نموده است:

۱. پیشگیری اولیه و جلوگیری از تکرار جرم (بند یک بخش D قطعنامه ۱۹۹۵/۹ شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد)

۲. پیشگیری اجتماعی (از طریق توسعه اجتماعی)، وضعی و سازمان یافته (مواد ۲۵، ۲۶ و ۲۷ قطعنامه شماره ۲۰۰۲/۱۳)^۲

در مجموع با توجه به تقسیمات گوناگون، پیشگیری از جرم را می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم نمود:

۱. پیشگیری بر اساس سن (اطفال و بزرگسالان)؛

۲. پیشگیری بر اساس عمومیت و اختصاصی بودن؛

۳. پیشگیری بر اساس انفعالی و فعال بودن؛

۴. پیشگیری بر اساس سطوح پیشگیری (الگوی پزشکی)؛

۵. پیشگیری دفاعی، تهاجمی و آزادی بخش بودن؛

۶. تقسیم‌بندی پیشگیری بر اساس ماهیت اقدامات پیشگیرانه؛

۷. پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی؛

ما در این مبحث به صورت مختصر به بررسی پیشگیری‌های متداول خواهیم پرداخت و با توجه به رایج بودن و کارکرد تقسیم‌بندی پیشگیری به پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی، این ۲ نوع پیشگیری را به طور ویژه مورد مطالعه و بررسی قرار خواهیم داد.

الف- تقسیم‌بندی‌های گوناگون پیشگیری

۱. تقسیم‌بندی پیشگیری بر اساس سن

در این تقسیم‌بندی سیاست پیشگیری افتراقی میان «اطفال و نوجوانان بزهکار» و «بزهکاران بزرگسال» اعمال می‌شود. بدین معنی که چون شخصیت کودکان و نوجوانان در حال شکل‌گیری و تثبیت است لذا در مورد آنان تدابیر پیشگیرانه پرورشی و اصلاحی استفاده می‌شود در حالی که

۱. محمد نسل، غلامرضا، پلیس و پیشگیری از جرم (مجموعه مقالات)، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری (ناجا)، تهران، ۱۳۸۷، ص ۳۹.

۲. promoting the prevention of crime, ۲۰۰۴, p۸

در مورد بزرگسالان تدابیر پیشگیرانه ارضایی و تنبیهی اعمال می‌گردد.^۱ پیشگیری رشدمدار که خود نوعی از پیشگیری اجتماعی است در واقع گویای همین تمرکز بر روی مسائل کودکان و نوجوانان می‌باشد.

۲. تقسیم‌بندی پیشگیری بر اساس عمومیت و اختصاصی بودن

پیشگیری عام یا پیشگیری عمومی، در واقع مجموعه اقدامات و تدابیری است که برای کلیه عوامل جرم‌زا اعمال می‌شود و مربوط به جرم خاصی نمی‌باشد و در مقابل پیشگیری خاص، اقداماتی است که برای جلوگیری از وقوع یک جرم خاص تعریف و اجرا می‌شود.

۳. پیشگیری بر اساس انفعالی و فعال بودن؛

پیشگیری انفعالی در واقع نوعی هشدار به جامعه برای جلوگیری از قربانی شدن و بزه‌دید شدن است که در این نوع، به همین اخطار به کسانی که بالقوه استعداد قربانی شدن را دارند کفایت می‌شود در پیشگیری فعال به هشدار صرف بسنده نمی‌شود و یک سری اقدامات مثبت در جهت پیشگیری از جرم انجام می‌شود. پیشگیری انفعالی اصطلاحاً بزه‌دیدمدار و پیشگیری فعال بزه‌کارمدار است.^۲

۴. پیشگیری بر اساس سطوح پیشگیری (الگوی پزشکی)

پیشگیری اولیه از بین بردن فرصت‌های ارتکاب جرم در محیط فیزیکی، اجتماعی و شرایط زمینه‌ساز بزهکاری است.^۳ پیشگیری ثانویه مربوط به افرادی می‌شود که در شرایط خطر بزهکاری (حالت خطرناک) قرار دارند و پیشگیری ثالثه نیز مربوط به زمانی است که فرد مرتکب جرم شده است و برای قطع روند ارتکاب جرم، جلوگیری از تکرار آن، حرفه‌ای شدن مجرم و کاستن از جدیت بزهکاری صورت می‌گیرد^۴ و مربوط به آینده نگری در خصوص تکرار جرم می‌باشد.

۵. پیشگیری دفاعی، تهاجمی و رهایی بخش

پیشگیری دفاعی پیشگیری از طریق ایجاد رعب، عبرت و طرد مجرم (دفع کننده) است و

۱. مجموعه مقالات همایش پیشگیری از جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۲.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، منبع پیشین، صص ۷۵۹ - ۷۵۸.

۳. آرگراس، داگلاس و کیپوزی، دیوید، رهیافتهایی به پیشگیری، ترجمه محمود مهدوی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۵، سال ۱۳۸۶، ص ۱۹۱.

۴. کتاب راهنمای سازمان ملل متحد در باب دادرسی ویژه نوجوانان، ترجمه سهیلا ماهرینیا، تصحیح و ویرایش لاله خاکپور، به سفارش سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی (PRI)، انتشارات وفاق، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۴.

پیشگیری رهایی‌بخش در جهت جذب مجرم صورت می‌گیرد. همچنین در طبقه‌بندی پیشگیری دفاعی - تهاجمی، پیشگیری دفاعی، دفاع جامعه از خود در مقابل يك مسأله و عامل جرم‌زا و خاتمه آن است که شبیه پیشگیری فعال است و پیشگیری تهاجمی، اقدام جامعه بر اساس امکانات موجود و اعتماد به امکانات و افراد مبتنی بر اعتماد به نفس است و شبیه پیشگیری انفعالی است.

۶. پیشگیری بر اساس ماهیت اقدامات پیشگیرانه

این نوع پیشگیری بر اساس نوع و طرق اقدامات پیشگیرانه می‌باشد که در قالب پیشگیری کیفری و غیرکیفری و یا در اقسام پیشگیری‌های تنبیهی، اصلاحی، فنی (مکانیکی) و علی تقسیم گردد. پیشگیری تنبیهی، تهدید به مجازات با تداعی و القای حتمیت و قطعیت آن است. پیشگیری اصلاحی به بهبود شرایط شخصی یا عمومی به منظور کسب اطمینان از عدم تکرار جرم یا تقبیح رفتار مجرمانه توسط جامعه می‌پردازد؛^۱ پیشگیری فنی نیز در واقع قراردادن موانع مختلف در مسیر گذار از اندیشه به عمل (توسط بزهدار احتمالی) است تا ارتکاب جرم را دشوار سازد. پیشگیری علی از جرم یا پیشگیری علت‌مدار نیز با هدف قراردادن علل خطرزای جرم، باعث پیشگیری از وقوع آن خواهد شد.^۲

ب - پیشگیری وضعی و اجتماعی

رایجترین تقسیم‌بندی پیشگیری از وقوع جرم، تقسیم‌بندی آن بر اساس عوامل موثر در ارتکاب جرم به پیشگیری وضعی و اجتماعی است. بدین صورت که پیشگیری اجتماعی ناظر به عوامل اجتماعی و پیشگیری وضعی ناظر به عوامل مربوط به محیط می‌باشد.^۳ از نظر جرم‌شناسی، پیشگیری اجتماعی مبتنی بر علت‌شناسی جرم است و بر این باور تأکید می‌نماید که چون عوامل مختلفی در به‌وجود آوردن يك جرم نقش دارند، بنابراین عوامل اجتماعی باید در مقام مداخله و خنثی‌سازی این عوامل محیط اجتماعی عمومی و شخصی موثر در جرم بر آیند.^۴

از سوی دیگر پیشگیری وضعی به دنبال تغییر و قطع فرایند دینامیک جنایی می‌باشد تا معادله جرم به هرگونه که محاسبه شود، به ضرر مجرم باشد. در پیشگیری وضعی هدف اصلی،

۱. محمد نسل، غلامرضا، منبع پیشین، ص ۴۵.

۲. حقیقت خواه، سعید، منبع پیشین، صص ۶۱ - ۵۹.

۳. مهدوی، محمود، منبع پیشین، ص ۲۳.

۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، منبع پیشین، صص ۷۶۰ - ۷۵۹.

بهم‌زدن وضعیت ماقبل جرم است تا با تصور تولد يك جرم نیز مقابله شود و منافع فرضي آن نیز بی‌ارزش گردد.

۱. پیشگیری وضعی

۱-۱ تعریف پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی که نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ میلادی در انگلستان به عنوان راهکار جدید پیشگیرنده از بزهکاری و جانشین گونه‌های متعارف پیشگیری از جرم به ویژه پیشگیری اجتماعی مطرح گردیده است صرفاً بر کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم تکیه دارد.^۱ پیشگیری وضعی دربرگیرنده تدابیر و اقدامات غیر کیفری است که اوضاع و احوال و شرایط خاصی که يك سلسله از جرایم در آن به وقوع پیوسته و یا احتمال وقوع آن موجود است را با هدف ممانعت از به قوه در آوردن اندیشه مجرمانه تغییر می‌دهد. به عبارت دیگر هدف این نوع پیشگیری، ایجاد تغییرات در اوضاع و احوال خاصی است که انسان متعارف در آن ممکن است مرتکب جرم شود.

در واقع پیشگیری وضعی از يك سو، با کاهش وضعیت‌های پیش‌جنایی یا وضعیت‌های قبل از بزهکاری مانند حمایت از افراد بزه‌دیده بالقوه صورت می‌گیرد و از سوی دیگر، با افزایش خطر شناسایی و دستگیری بزهکاران بالقوه و کاهش عوامل محرک جرم‌ها تدابیری مانند دزدگیر و نصب دوربین مدار بسته تعریف می‌شود.^۲

در نهایت می‌توان گفت که خروجی پیشگیری وضعی، رسیدن به فرمول حسابگری کیفری ژرمی بنتام می‌باشد که «هر فرد حتی به طور ناخودآگاه، بنابر محاسبه خوبی (نفع لذت) و بدی (رنج و ناراحتی) حاصل از کردار خود، امور خویش را اداره می‌کند. اگر دریابد که نتیجه عملی که از آن سود می‌برد کیفر خواهد بود در آن صورت این اندیشه با نوعی قدرت وی را از ارتکاب آن عمل باز می‌دارد.»^۳

۱-۲ اشکال پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی را در نگاه کلان می‌توان به دوگونه جلوگیری از مجرم شدن (اعمال اقدامات

۱. کوسن، موریس، جرم‌شناسی، ترجمه میرروح‌ا... صدیق، انتشارات دادگستر، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱.

۲. معظمی، شهلا، پیشگیری جرم‌شناختی، فصلنامه مجله، شماره اول، سال ۱۳۸۶، ص ۹۳.

۳. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه کیفری، ترجمه دکتر نجفی ابرندآبادی، نشر یلدا، بهار ۱۳۷۳، صص ۶۷ - ۶۰.

پیشگیرانه) و جلوگیری از بزه‌دیده شدن (با مصون‌سازی جان و مال)^۱ تقسیم کرد. اما در تقسیم‌بندی شفافتر و خردتر، «اشکال پیشگیری وضعی»، را باید به شش شکل‌شيوه سنتی نظارت و کنترل، ایجاد حفاظت‌های فیزیکی و اقدام‌های مادی، کنترل ورودی‌ها و خروجی‌ها، کنترل ابزار تسهیل‌کننده جرم، ایجاد مانع در سر راه برقرار تماس بین بزه‌کار بالقوه و بزه‌دیده بالقوه، جاذبه زدایی تقسیم نمود.

۲. پیشگیری اجتماعی

در پیشگیری اجتماعی به دنبال هماهنگ‌سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی هستیم، محور اقدامات در این نوع پیشگیری فرداست، به عبارت دیگر، پیشگیری اجتماعی «مجرم محور» و «فردمحور» است؛ زیرا کلیه اقدامات روی فرد یا محیط وی صورت می‌گیرد. در حقیقت، پیشگیری اجتماعی ریشه‌های بزه‌کاری را نشانه می‌گیرد و مانع از شکل‌گیری علل بزه‌کاری می‌گردد. بنابراین، شیوه‌های پیشگیری اجتماعی بیشترین تمرکز را بر روی برنامه‌ها و سیستم‌های تکمیلی دارد که سعی در بهبود وضعیت بهداشت، زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی و اوقات فراغت دارد تا با ایجاد محیطی سالم بتواند به هدف ایده‌آل خودمبني بر حذف یا کاهش جرم دست یابد و این نسبت به پیشگیری وضعی، زمان و فرصت بیشتری برای موثر واقع شدن می‌طلبد.

پیشگیری اجتماعی در ایران، علاوه بر صدر بنده اصل ۱۵۶ قانون اساسی که اصل راهبردی "حقوق پیشگیری ایران" محسوب می‌شود، در اصول راهبردی دیگر قانون اساسی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. تأکید بر اهمیت خانواده به عنوان واحد بنیادی (اصل ۱۰)، حمایت از مادران در نگاهداری و تربیت فرزندان (اصل ۲۱)، فراهم‌کردن فرصت‌های شغلی (اصل ۲۸)، برخورداری از تأمین اجتماعی (اصل ۲۹)، تأکید بر ساختن وسایل آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه (اصل ۳۰)، تأمین مسکن متناسب با نیاز افراد (اصل ۳۱) و سایر اصول قانونی اساسی در فصل سوم یعنی "حقوق ملت" نقش اصلی در فرایند رشد مادی - معنوی - اجتماعی فرد، یعنی جامعه‌پذیری وی دارد که هر سوء عملکرد در هر یک از این بخش‌ها، می‌تواند جریان رشد فرد را دچار اختلال کرده و از نظر جرم‌شناسی فرد را غیراجتماعی و

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، منبع پیشین، صص ۷۶۱ - ۷۶۰.

حتی ضد اجتماعی بار بیاورد.^۱

۱-۲ - تعریف پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی به تدابیر و اقدامات پیشگیرنده‌ای اطلاق می‌شود که هدف آن‌ها حذف و یا خنثی نمودن سلسله عوامل موثر بر ارتکاب جرم می‌باشد.^۲ این نوع پیشگیری مشتمل بر اقداماتی است که با هدف اجتناب از ارتکاب اعمال مجرمانه توسط افراد، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر شخصیت افراد اثر می‌گذارد.^۳ مرکز بین المللی پیشگیری از جرم پیشگیری اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند:

"هر چیزی که بزهکاری، خشونت و ناامنی را از طریق هدف‌گیری موفقیت آمیز علل شناخته شده جرم (از طریق عملی) کاهش دهد."^۴

پیشگیری اجتماعی در پیش‌نویس لایحه پیشگیری از جرم نیز با یک تعریف چندوجهی تبیین شده بود که نهایتاً از متن لایحه حذف گردید؛ آنچه که کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «پیشگیری اجتماعی» تدوین کرده بودند عبارت بود از: "تدابیر و روشهای آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دولت، نهادها و سازمان‌های غیردولتی مردمی در زمینه سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم."^۵

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که پیشگیری اجتماعی مربوط است به شناسایی عوامل جرم‌زا و در اقل علت شناسایی جرایم می‌باشد تا در مقابل آن علل، اقدامات خنثی‌کننده و تعدیل‌کننده‌ای را ساماندهی و پیاده‌سازی نماید و با این راهکار راندمان وقوع جرم را کاهش دهد.

۲-۲ - انواع پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی بر اساس اقدامات تأثیرگذاری که بر فرایند شکل‌گیری شخصیت فرد یا محیط‌های پیرامون او می‌باشد به پیشگیری اجتماع‌مدار (محیطی) و پیشگیری رشد‌مدار (زودرس) تقسیم می‌شود.

۱. ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۰، ص ۶۲.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، منبع پیشین، ص ۱۳۹.

۳. گسن، ریموند، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه دکتر نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹ و ۲۰، سال ۱۳۷۶، ص ۶۱۱.

۴. palmarty, ۲۰۰۱, p۳

۵. بند الف ماده یک مصوب کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی، www.lri.ir

منظور از پیشگیری جامعوی یا جامعه مدار، مداخلات و اقداماتی است که برای تغییر در شرایط جامعه که در بزهکاری مؤثر است، تأثیر می‌گذارد و با شناسایی مکان‌های وقوع جرم و ویژگی‌های ساختاری جوامع و اصلاح آن‌ها، به مقابله با جرم می‌پردازد.

به هر حال عدم تعادل در هر یک از این محیط‌های اجتماعی چهارگانه اجتناب‌ناپذیر، اتفاقی، انتخابی و تحمیلی می‌تواند منجر به بزهکاری و یا حتی تکرار آن گردد که در این مقام، اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی که به نوبه خود فرصت‌های مناسب را برای ارتکاب جرم ایجاد می‌نمایند، از سیاست‌های پیشگیری اجتماع‌مدار است.^۱

پیشگیری رشد مدار یا زود هنگام نیز، مجموعه اقدام‌ها و تدابیر پیشگیری است که در مسیر رشد کودک و نوجوان ناسازگار اعمال می‌گردد و شامل اقدام‌های روان‌شناختی - اجتماعی زودرس، جهت پیشگیری از بروز رفتارهای مجرمانه در کودکان و نوجوانان در محیط‌های جامعه‌پذیری آنان از جمله خانواده، مدرسه و گروه‌های همسالان می‌شود.^۲

در پیشگیری رشد مدار، علل رفتارهای نابهنجار و پرخاشگرانه کودکان و نوجوانان شناسایی می‌گردد و در کنار این تلاش برای جلوگیری از رشد پتانسیل جنایی و بهبود عوامل خطر، سعی می‌شود تا عوامل حمایتی نیز برای تقویت مقاومت افراد در مقابل تمایل به بزهکاری را در آنان به وجود آید تا پس از ورود به جامعه بتوانند در مقابل مشکلات و نابسامانی‌ها، به سوی ارتکاب جرم کشانده نشوند. آدر مجموع می‌توان گفت پیشگیری رشد‌مدار، به معنای مداخله در دوره‌های مختلف رشد کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری به منظور پیشگیری از تمایل و گرایش آنان به ارتکاب جرم بوده و شامل اقدام‌هایی است که ناظر به گروه خاص کودکان و نوجوانان و نهادهای اولیه جامعه‌پذیری مانند خانواده، مدرسه و گروه همسالان است و هدف آن از بین بردن یا بهبود عوامل خطر بزهکاری و نیز ایجاد عوامل حمایتی برای تقویت مقاومت افراد در مقابل گرایش به بزهکاری در آینده است.^۴

مبحث دوم - پیشگیری از جرم در منظر حکومت اسلامی

حکومت در کنار همه اهداف خرد و کلانی که برای خود در نظر گرفته است، رفع وقایع ناپسند

۱. معظمی، شهلا، منبع پیشین، ص ۹۳.

۲. همان، ص ۹۳.

۳. Farrington and welsh, op. cit., p.۳۲۳.

۴. متولی زاده، نفیسه، پیشگیری رشد‌مدار، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره دوم، بهار ۸۶، ص ۱۲۳.

و ناهنجاری‌های اجتماعی را نیز در دستور کار خود قرار داده است که در راستای رسالت «نهی از منکر» در مسیر «پیشگیری از جرایم» که يك منکر الهی و زمینی می‌باشد گام بر می‌دارد. این فرایند، خود نیازمند منبع و مستندی در نصوص دینی اعم از قرآن و احادیث می‌باشد و همچنین راهکارهایی که دین مبین اسلام به عنوان نسخه و درمانی برای جلوگیری از جرایم پیش بینی کرده است.

گفتار اول - اصول پیشگیری از جرم در آیات قرآن کریم

همانطور که بیان شد رابطه معناداری که بین «امر به معروف و نهی از منکر» با موضوع «پیشگیری از جرم» دارد به گونه‌ای که در ضمن اینکه رابطه عام و خاص مطلق بین آن دو می‌باشد به این معنا که هر جرمی منکر است اما هر منکری جرم نیست، رابطه سبب و مسبب نیز بین این دو وجود دارد.

قرآن کریم بر همین پایه و بنیان، در آیات مکرر به اهمیت «امر به معروف و نهی از منکر» اشاره می‌کند و آنرا در ردیف «اقامه نماز» و «پرداخت زکات» ذکر می‌کند و مومنان را به آن دعوت و امر می‌نماید

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمانبرداری می‌کنند. خدا اینان را رحمت خواهد کرد، خدا پیروزمند و حکیم است.

اما در کنار آیات ناظر بر «امر به معروف و نهی از منکر» که بطور کلی متناسب با بحث «مبانی پیشگیری از جرم» می‌باشد، قرآن از آیات و دستورات دیگری که خود مانعی بر ارتکاب جرایم می‌باشند، نیز برخوردار می‌باشد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.^۱

الف - احترام به حقوق یکدیگر

احترام به حقوق یکدیگر، یکی از مهمترین دستوراتی است که در قرآن کریم آمده است چرا که نادیده گرفتن حقوق دیگران و تضییع آن، علاوه بر عذاب اخروی باعث جرم‌انگاری‌هایی خواهد شد که پیامد آن طرح دعاوی و شکایت برای احقاق حق توسط زیان‌دیده می‌شود.^۲

۱. www.amozesh-khanevadeh.blogfa.com&www.edalat-va-ghezavat.blogfa.com

۲. آیات ۲۹ بقره، ۱۰۸ آل عمران، ۴۹ نساء، ۳۹ مائده، ۱۵۲ سوره انعام، ۶۰ انفال، ۷۰ توبه، ۴۷ یونس، ۱۰۱ هود، و...

در خصوص احترام به حقوق دیگران در قرآن کریم می‌توان به رعایت حقوق والدین توسط فرزندان^۱، رعایت حقوق زنان خصوصاً ادای حقوق مالی مانند نفقه و مهریه و جهیزیه^۲ و عدم تجاوز و تصرف در مال یتیمان و مهمتر از همه احترام به حق زندگی و حیاتانسان‌ها نیز اشاره کرد.

ب - احترام به اموال و مالکیت

بیشترین پرونده های حقوقی ومدنی در مورد اموال وتصرف عدوانی اموال مردم و...می باشد که در آیات متعددی به رعایت حرمت واحترام حدود اموال مردم وعدم تجاوز وتصرف در آن اشاره شده است^۳ همچنین قرآن بیان نموده است که اموال یکدیگر را به ناحق نخورید و کار را به محاکمه نکشائید که بوسیله رشوه وزور بخواهید حق را پایمال کنید^۴. همچنین قرآن ضمن نکوهش سرقت اموال و وضع مجازات سنگین برای آن به دادن مهلت به بدهکار نیز توصیه و تأکید نموده است.^۵

ج - رعایت امانتداری

خدواند در آیات مختلفی^۶ از جمله در آیه ۷ از سوره مؤمنون می‌فرماید مؤمنان به امانت‌ها وعهد وپیمان خود کاملاً وفا می‌کنند. خیلی از جرائم موجود در جامعه ناشی از عدم ایفای تعهد وعدم توجه به امانت‌ها اتفاق می‌افتد که شاید بیشترین رقم پرونده های کیفری را تشکیل می‌دهند.

د - دوری از کم فروشی، گرانفروشی و ربا

یکی دیگر از جرائمی که شاید هر روزه اتفاق می‌افتد وجزء جرائم تعزیراتی است کم فروشی وگرانفروشی است که در آیات متعددی به کیل و میزان اشاره شده است.^۷ ربا ونزول نیز یک عمل حرام وطالح وزشت است که متأسفانه خیلی از پرونده های حقوقی که به محاکم قضایی ارجاع می‌شود ریشه در این قضیه دارد در قرآن کریم زیر به آنها اشاره شده است.^۸

۱. آیات ۱۵ و ۸۳ بقره، ۳۶ نساء، ۱۵۱ انعام، ۲۳ تا ۲۵ اسراء، ۸ عنکبوت، ۱۴ و ۱۵ القمان و...

۲. آیات ۷ و ۱۱ و ۱۹ و ۳۲ و ۲۰ و ۱۹ و ۴ نساء، آیات ۲ و ۶ و ۱۰ نساء، ۱۵۲ انعام، ۳۴ اسراء، آیات ۸۴ بقره، ۹۳ نساء، ۳۲ مائده.

۳. آیات ۲۷۹ بقره، ۱۸۶ آل عمران، ۲۴ نساء، ۲۸ انفال، ۶۹ توبه، ۸۸ یونس، ۸۷ هود، ۱۶ اسراء، و...

۴. آیه ۱۸۸ از سوره بقره.

۵. آیات ۳۸ مائده و ۱۲ ممتحنه، آیه ۲۸۰ سوره بقره.

۶. آیات ۲۸۳ بقره، ۷۵ و ۷۶ آل عمران، ۵۸ نساء، ۲۷ انفال، ۸ مؤمنون، ۷۲ و ۷۳ احزاب، ۳۲ تا ۳۵ معراج، ۱ مائده.

۷. آیات ۸۵ اعراف، ۲۷ انفال، ۳۵ اسراء، ۱۸۱ تا ۱۸۳ اشعراء، ۲۳ و ۲۴ احزاب، ۱۷ شورا و ۷ تا ۹ الرحمن، ا تا ۵ مطففین و...

۸. آیات ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ بقره، ۱۳۰ آل عمران، ۳۹ سوره روم

ه - جلوگیری از اشاعه فحشا و گناه در جامعه

بخشی از پرونده‌های کیفری که در محاکم تحت رسیدگی است نه صرفاً ناشی از فحشاء و منکرات بلکه به خاطر اشاعه فحشاء است که افرادی بدون توجه به اعتقادات دینی مردم در جامعه آنرا ترویج می دهند و این در حالی است که در قرآن از فحشاء بعنوان یک عمل ناپسند نام برده شده است.^۱

گفتار دوم - آموزه‌های پیشگیرانه از جرم در شریعت اسلام

قرآن کریم با طراحی یک سیاست فراگیر، برآن است تا با پیشگیری اصلاحی و تعلیم و تربیت فردی و اجتماعی بر اساس آموزه‌های وحیانی و همچنین تقویت جنبه‌های معنوی و رفع فقر و ایجاد تعهدات مذهبی و حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، درصدد تأثیرگذاری در مرحله «تصمیم‌گیری» افراد است تا آنان با اتخاذ تصمیم‌های غلط و ناروا وارد دنیای جرم و جنایت و خلاف نشوند.^۲ در صورتیکه شیوه‌های مرحله اول مؤثر واقع نشود و فرد تصمیم قاطع به ارتکاب جرم بگیرد، قرآن با راهنمایی و استفاده از پیشگیری وضعی از طریق کاهش فرصتها و دستاوردها و موقعیتهای ارتکاب جرم و سلب ابزار و آلات آن و افزایش میزان خطر دستگیری و حفاظت از آماج جرم، وقوع جرم را ممتنع و خنثی می‌نماید یا حداقل کاهش می‌دهد. مطابق این شیوه باید وضعیتی ایجاد شود که تحقق عمل مجرمانه دشوار و پرخطر یا ناممکن گردد.^۳ همچنین با دستور به مجازات مجرمان و ایجاد رعب در بین همه آنانی که مستعد ارتکاب جرم هستند، ما را به پیشگیری کیفری رهنمون کرده است. قرآن کریم برای پیشگیری از جرم، برخلاف مکتب تحقیقی و پوزیتیویستی، تنها به اصلاح مجرم و رفع زمینه‌های فردی و اجتماعی گرایش‌های مجرمانه، بسنده نکرده است و نیز همانند مکاتب سزادهی تنها پیشگیری کیفری و مجازات مجرم را توصیه نکرده است، بلکه سیاست پیشگیری فراگیر و واقع بینانه‌ای را در این زمینه ارائه داده است و این همان دیدگاه و نتیجه‌ای است که امروز جرم‌شناسان و حقوقدانان پس از سالها بحث و جدل بدان دست یافته‌اند.^۴ بطور کلی آموزه‌های پیشگیرانه در دین اسلام را می‌توان به ۳ گروه اعتقادات پیشگیرانه، خُلاقیات پیشگیرانه و احکام و مقررات

۱. آیات ۱۹ و ۲۵ نساء، ۱۵ انعام، ۲۸ و ۳۳ اعراف، ۹۰ نحل، ۳۲ اسراء، ۳ و ۱۹ و ۲۱ و ۳۳ نور، ۳۰ احزاب، و ۳۲ نجم و ۱۲ ممتحنه و...

۲. کریمی، عبدالوهاب، پیشگیری از جرم از منظر قرآن، نشریه معرفت، شماره ۱۴۸، فروردین ۱۳۸۹، ص ۷۴.

۳. میرخلیلی، محمود، پیشگیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام، فقه و حقوق، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۳، ص ۶۱.

۴. علی صفاری، مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴، بهار تا زمستان ۱۳۸۰، صص ۳۱۳-۳۱۴.

پیشگیرانه تقسیم‌بندی نمود.^۱

گفتار سوم - روشهای پیشگیری از جرم در حکومت علوی

حکومت علوی امام علی 7 به عنوان تنها حکومت راستین اسلامی پس از رسول خدا 9، هر چند که فرصت بسیار کوتاهی را در تاریخ به خود اختصاص داد.

ایشان در حکمت ۲۴۴ نهج البلاغه در چرایی احکام الهی می‌فرمایند: «خداوند ایمان را برای پاک شدن از شرک، قصاص را به‌خاطر حفظ خونها (از ریخته‌شدن بی‌مورد)، اجرای حدود را برای اهمیت‌دادن به جرایم، ترک شراب‌خواری را برای حفظ عقل، ترک دزدی را برای حفظ پاکدامنی، ترک زنا را برای محافظت از نسب و ترک لواط را برای استمرار نسل واجب نمود.» در واقع امام ضمن بیان فلسفه مجازاتها، به‌صرف اجرای احکام الهی بسنده نمی‌کنند و به فایده‌سنجی آنها نیز توجه دارند و ۳ هدف والا را برای اجرای مجازاتها تعریف می‌نمایند: اجرای عدالت، اصلاح مجرمان و پیشگیری از جرم؛^۲ وظیفه فرض‌کردن «پیشگیری از جرم و انحراف» برای حکومت اسلامی یکی از ارکانی بوده است که امام در خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های خویش بر آنها تأکید می‌ورزیدند. حضرت علی 7 چه در منظر پیشگیری و بازداري قبل از انحراف و نزدیکی به خطر و وقوع جرم و چه در مرحله بازدارندگی و پیشگیری از تکرار جرایم، راهکارهای غیرکیفری و کیفری را ارائه داده‌اند.

الف - روش‌های غیرکیفری در حکومت علوی

۱. رفع نیازهای اساسی

از دیدگاه امیرالمومنین 7 عدم تأمین و یا تأمین نامناسب هر یک از نیازهای اساسی انسان می‌تواند عامل مهمی در شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه و منحرفانه افراد باشد. مهمترین نیاز يك فرد در هر جامعه‌ای برای تداوم حیاتی سعادت‌مند، تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی او می‌باشد. مشغول شدن به کسب و حرفه‌ای که از آن درآمدی بیابد و تأمین شدن از پرداخت دستمزد مکفی که در کار خیانت نوزند و کمی رزق خصوصاً در مورد کارگزاران حکومتی آنان را به سوی تعدی و تجاوز نسبت بیت المال نفریبد. اصلاح نظام مالیاتی و مصلحت‌سنجی مالیات دهندگان به وقت

۱. خسروشاهی، قدرت ا...، پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، شماره ۳۰-۳۱، خرداد ۱۳۸۲ ص ۶۲.

۲. خسروی، محمد حسن، راهکارهای کنترل جرم از نگاه امیرالمومنین 7، انتشارات نورالسجاد(ع)، چاپ دوم، قم، ۱۳۹۱، صص ۱۱۰-۱۱۴.

تنگدستی و اوضاع بد اقتصادی و نهایتاً توجه ویژه به محرومان جامعه مانند یتیمان و بی سرپرستان و سالخوردگان، بخشی از دستوراتی است که امیرالمومنین 7 در راستای تأمین نیازهای اساسی مردم برشمرده‌اند.^۱

۲. مبارزه با جهل و ارائه آموزش همگانی

امام علی 7 حکومت را به تعلیم و آگاهی بخشی مردم موظف می‌داند و این را از حقوق شهروندان می‌نامد که بر حاکم واجب است آنان را دانش بیاموزد تا جاهل نمانند و از سوی دیگر نسبت به مردم اذعان می‌دارند که «یا دانا باش یا جوینده دانایی، و جز این دو مباش که نابود خواهی شد.»^۲ در واقع در نقش مبارزه با جهل و بیسوادی همین بس که به مشابه اینکه در مدرسه‌ای باز شود، در یک زندان بسته خواهد شد. فراتر از ترویج دانش و ترغیب جامعه به علم‌آموزی، ارائه آموزش همگانی و اجتماعی و «سبک‌زدگی» می‌باشد. امامدر این باب و براساس «پیشگیری وضعی» سفارشهایی را فرموده‌اند که از آنها می‌توان به پرهیز از حضور در مکانهای جرم‌خیز، خلوت‌گزینی، همنشینی با نامحرمان و رعایت حجاب، مدیریت غریزه جنسی، و مهم‌تر از همه برنامهریزی اوقات فراغت نام برد.

۳. گسترش فضای دینی

ثبیت و افزایش باورهای دینی مردم یکی دیگر از راهکارهایی می‌باشد که مولای متقیان در راستای پیشگیری از جرم و انحراف مدنظر قرار داده‌اند. ایشان شمشیر را جداکنند و دین را پیوند دهنده می‌نامند. دین امر به معروف می‌کند و شمشیر نهی از منکر. آیین رویکرد امام؛ در دنیای امروز نیز پاسخگویی مناسب به آسیب‌های فردی و اجتماعی بوده است تا جایکه در کنگره نهم پیشگیری از جرم و اصلاح سازمان ملل متحد، «مذهب» یکی از عواملی بوده است که در سالم سازی جامعه و پیشگیری از رفتارهای مجرمانه و منحرفانه موثر دانسته شده است.^۳

۱. ارفع، سیدکاظم، ترجمه روان نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، انتشارات فیض کاشانی، چاپ دوم، غدیر ۱۳۷۹، ص ۱۱۳.

۲. حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیاء، جلد ۱، انتشارات دلیل ما، چاپ نهم، قم، ۱۳۸۶، ص ۷۱، حکمت ۴.

۳. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، انتشارات دارالحدیث، چاپ نهم، قم، ۱۳۸۷، حکمت‌های ۱۲۵۸۶ و ۱۲۶۰۱.

۴. حرّ عاملی، محمد، وسائل الشیعه، جلد ۱۴، انتشارات ذوی القربی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۷، ص ۱۷۴.

۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، جلد ۶، انتشارات دارالکتاب اسلامی، چاپ سوم، قم، ۱۴۲۹ هـ. ق، ص

۱۰، حکمت ۹۲۵۱.

۶. همان، حکمت ۲۱۳۵.

۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، دی ۱۳۷۴، ص ۴۴۷.

درخصوص نقش دین و زمان‌ها و مکان‌های دینی در پیشگیری از جرایم از منظر امام علی⁷ می‌توان به اختصار و بطور کلی «تقوا و خداباوری» را به همراه آخرت‌محوری از مهمترین ابزارهای دین در مقابله با جرایم و انحرافات نامید. التزام به احکام دینی مانند نماز و روزه و همچنین آیین‌های مذهبی مانند عاشورا و جشن‌های نیمه شعبان، نیز نقش بسیار بازدارنده‌ای در انسجام دینی افراد دارد که انجام آنها بصورت گروهی و شبکه‌های اجتماعی و حمایت مادی و معنوی حاکمیت از آنها، بر اهمیت این کارکرد خواهد افزود.

۴. اصلاح ارتباطات اجتماعی

اصلاح ارتباطات اجتماعی و کوشش در جهت بهینه‌سازی فرایند جامعه‌پذیری، آموزه دیگری است که امام⁷ در خشکاندن زمینه‌های اجتماعی رشد بزه برای آن دستورالعملی ارائه داده‌اند. سفارش به پرهیز از الگوهای منحرف، همنشینی با پلیدان،^۱ تقویت پیوندهای اجتماعی و انجام امر به معروف و نهی از منکر^۲ از آموزه‌هایی است که امام در راستای اصلاح ارتباطات اجتماعی بر آن تأکید ورزیده است.

ب - روش‌های کیفری در حکومت علوی

امام علی⁷ فلسفه کیفر و پاداش را اختیار و آزادی انسان و مسئولیت‌پذیری او در مقابل اعمال و رفتارش می‌داند.^۳ ایشان مجرم را علی‌رغم خطا و خطری که از سوی وی مردم بر جامعه تحمیل شده است، مستحق «رأفت و شفقت» می‌داند و در فحوای کلام و عمل خویش بر لطف، عفو و بخشش، مداوا و باسازی مجرمین و منحرفین تأکید کرده و بیان نموده است: سزاوار است که اهل جرم و گناه مورد رحم و شفقت قرار گیرند.^۴ در واقع نظریه امام علی⁷ تداوم همان سیره «طیب» دوار» رسول اکرم⁹ بوده است که اگر مرهم می‌نهد یا داغ می‌کشد، جز در پی مداوا نبود و حکومت نیز وظیفه دارد با این نگاه، ضمن کیفر مجرم بر اساس نوع جرم (حق‌الناس بودن) و توجه به هدف مجازات، او را از شفقت و مهربانی و حمایت خود محروم نسازد. بر همین اساس ما، در ادامه صرفاً به چند مورد از روشهای برخورد امام علی⁷ با مجرمین خواهیم پرداخت که امام چگونه براساس عدالت، ضمن کیفر، حق بزهدیده و بزهدار را مراعات

۱. شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۶۹، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ۲۹، تهران، ۱۳۸۹، ص ۳۵۳.

۲. همان، نامه ۴۷، ص ۳۲۱.

۳. ارفع، سید کاظم، منبع پیشین، حکمت ۷۵، ص ۱۲۱۷.

۴. معادینخواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، جلد ۴، انتشارات ذره، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۶، ص ۸۵۹.

می‌نموده‌اند. رویکردهایی که بعدها نظریات و مکاتب گوناگون جرم‌شناسی برای تعمیق خود از آنها نیز بهره جستند و دیدگاه‌های عدالت ترمیمی، زندان‌اصلاحی، بازپروری، بزهدیده‌شناسی و... را ترسیم نمودند.

۱. کوشش برای اصلاح مجرمان ضمن اجرای مجازات

یکی از نکات مهمی که در روش‌های برخورد امام علی⁷ با مجرمان به دست می‌آید این می‌باشد که ایشان به صرف اجرای مجازات بسنده نمی‌کردند بلکه می‌کوشیدند تا موجبات سازگاری و اصلاح هرچه بیشتر مجرمان را پدید آورند. در واقع امام تلاش می‌نمودند تا آثار سوء اجرای مجازات در ذهن مجرم کمتر نقش ببندد و آنان به خاطر اجرای عدل الهی، از دین و حکومت اسلامی خارج نشوند. حمایت‌های ایشان از سارقینی که قطع ید شده بودند،^۱ رویکرد اصلاحی و تہذیبی و تربیتی‌بزه‌دانیان در خصوص فراگیری اجباری دانش و خواندن و نوشتن،^۲ پرداخت هزینه ازدواج فرد گناهکار از بیت المال^۳ و... از اقداماتی بوده است که امام علی⁷ در ضمن اجرای مجازات، برای بازگشت بزهاران به دامن جامعه انجام داده‌اند.

۲. عفو مجرمان و توصیه به عفو و توبه

تلاش برای صرف نظرکردن از اجرای مجازات خصوصاً در جرایم حق الله و توصیه به عفو و توبه به درگاه الهی و مجازات مجرم را آخرین مرحله برخورد قرار دادن، رویکرد دیگری بوده است که امام علی⁷ در برخورد با مجرمان مدنظر داشته‌اند. امام در مورد ارزش والای توبه به پیشگاه خداوند و مذمت رسواسازی و آشکارساختن جرم و گناه در نزد مردم می‌فرمایند: «چقدر قبیح است که فردی از شما مرتکب اینگونه جرایم شود و خود را در حضور مردم رسوا نماید. آیا نمی‌تواند در خانه اش توبه کند؟ به خدا قسم، توبه این فرد بین خود و خدا، بهتر از اقامه حد توسط من بر او است.»^۴

مجازات نکردن مجرم در سرزمین دشمن به خاطر سرافکنده نشدن وی^۵، رعایت پرده پوشی

-
۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد ۴، انتشارات داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۲، ص ۵۴۲.
 ۲. محدث نوری طبرسی، میرزاحسین، مستدرک الوسائل و المستنبط المسائل، جلد ۱۷، انتشارات موسسه آل‌البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، چاپ اول، قم، ۱۴۰۷ هـ ق، ص ۴۰۳.
 ۳. حرّ عاملی، محمد، وسائل الشیعه، جلد ۱۸، انتشارات ذوی القربی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۷، ص ۵۷۴.
 ۴. کلینی الرازی، محمدمحمد ابن یعقوب، الفروع من الکافی، جلد ۷، انتشارات انصاریان، قم، ص ۱۸۸.
 ۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، جلد ۷۹، نشر فقه، چاپ اول، قم، ۱۳۸۵، ص ۹۷.

عیوب مجرمان و ارزش‌گذاری برای عفو مجرمان که زکات و زینت قدرت است،^۱ توصیه به گذشت حتی نسبت به قاتل خویش^۲ و تأکید بر رفع حدود به کمترین شبهه از دیگر راهکارهایی بوده است که امام در مضمون اجرای عدالت و مجازات، آن را به همگان خصوصاً کارگزارانش توصیه می‌نموده است.

۳. برخورد مناسب با بزه‌دیده و بزه‌کار

رفتار و برخورد مناسب با بزه‌دیده و بزه‌کار جدای از هر نوع طبقه بندی و تیپ بندی شخصیتی، یکی دیگر از اصولی بوده است که امام علی^۷ در اجرای مجازات مورد توجه قرار می‌داند. آزاد ساختن مجرم در انتخاب نوع مجازات به جهت کاهش اندیشه انتقام اجتماعی و افزایش تحمل آن توسط مجرم، تأخیر در مجازات مجرمین ناتوان مانند بیماران و زنان، قائل شدن به بقای حقوق شرعی و شهروندی برای مجرمی که مجازات شده است، بازگرداندن حق بزه‌دیده به وی خصوصاً در مواردی که به بیت‌المال تعدی شده باشد از حساسیتهای امام در برخورد با بزه‌دیده و بزه‌کار و رعایت حقوق متقابلشان بوده است.^۳ درخاتمه این مبحث، بار دیگر برای مرور مبانی دینی نقش‌آفرینی حاکمان اسلامی، کلامی از امیرالمومنین علی^۷ را یادآور می‌شویم: پروردگارا، تو خود شاهدهی آنچه از ما صادر شد، نه از میل و رغبت و در سلطنت و خلافت بود و نه برای بدست آوردن چیزی از متاع دنیا، بلکه برای این بود که آثار دین تو را بازگردانیم و اصلاح و آسایش در شهرهای تو برقرار کنیم تا بندگان ستم‌دیده در امنیت باشند و موازین و حدود معطل مانده تو، به جریانافتند.^۴

مبحث سوم - پیشگیری از جرم در قوانین و مقررات

گفتار اول - پیشگیری از جرم در سطح مقررات فراتقنینی

پیشگیری از جرم در قانون اساسی، بطور کلی به عنوان یکی از مسائل مورد توجه در سیاستهای مذهبی، فرهنگی و اجتماعی می باشد که در اصول ۸، ۴۳، ۵۰، ۱۴۲ و ۱۵۶ ذکر شده است. محوریت موضوع پیشگیری از جرم به عنوان یک «رسالت دینی و ملی» را می توان در اصل

۱. ارفع، سید کاظم، منع پیشین، حکمت ۴۹، ص ۱۲۰۹.

۲. همان، نامه ۲۳، ص ۹۶۱.

۳. خسروی، محمدحسن، منع پیشین، ص ۱۱۰ تا ۱۱۴.

۴. شریف رضی، محمد بن حسن، نهج البلاغه، ترجمه و شرح علینقی فیض الاسلام، انتشارات موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام، تهران، ۱۳۷۹، خطبه ۱۳۱.

۸ قانون اساسی که مربوط به فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» است یافت که بر اساس آن «همه مردم» در پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی مسئولند اما در مقام انجام وظیفه و متولی، نص قانون اساسی «قوه قضاییه» را متولی پیشگیری از جرایم در جامعه می‌داند و می‌شناسد و سایر قوا را ملزم به همکاری با آن می‌نماید. همچنین اصل ۴۳ که به «اصل اقتصادی» قانون اساسی معروف است و رکن رکین عامل و مانع جرایم شمرده می‌شود نیز بازخوردی پیشگیرانه می‌تواند داشته باشد. اصل دیگری که به نوعی در حوزه پیشگیری از جرایم تعریف شده است، اصل ۵۰ در خصوص «حفاظت محیط زیست» در مقابل آلودگی و یا تخریب که برای آنان جرم‌انگاری شده است می‌باشد. اصل ۱۴۲ نیز که بررسی‌های دارایی‌های مسئولین می‌پردازد در مقام پیشگیری از سوءاستفاده از موقعیت به جهت افزایش به ناحق دارایی‌های مسئولین اعم از رهبر، رئیس جمهور، وزرا و... می‌باشد.

الف- پیشگیری از جرم در اجرای اصل ۱۵۶ قانون اساسی

۱. نهاد متولی پیشگیری از جرایم در قانون اساسی

همانگونه که بیان گردید قانون اساسی در موضوع نهاد متولی پیشگیری از جرایم بصورت صریح، بر نقش قوه قضاییه در بند ۴ و ۵ اصل ۱۵۶ تأکید دارد و سایر قوا و نهادها هرچند از نگاه حاکمیتی، مسئول و پاسخگو نسبت به جرایم و حوادث جامعه می‌باشند اما این موضوع و عنوان پیشگیری در حوزه وظایف قوه قضاییه تعریف شده است و دیگر قوا به عنوان همکار مرتبط با این قوه در این امر تعریف می‌شوند. در این میان، نقش قوه مجریه به عنوان مجری قانون و خط مقدم تعامل و ارتباط با مردم نسبت به دیگر قوه کشور یعنی قوه مقننه که قانونگذار است پررنگتر است. بر همین اساس درباره اینکه «پیشگیری اجرایی از وقوع جرم» وظیفه قوه مجریه می‌باشد یا قوه قضاییه اختلاف نظر می‌باشد. کسانی که معتقدند این وظیفه بر عهده قوه مجریه می‌باشند بر این نظر هستند که وظیفه ایجاد نظم و امنیت عمومی بر عهده قوه مجریه است و پیشگیری از وقوع جرم امری اجرایی است و قاعداً باید در اختیار قوه مجریه باشد که ابزار اجرا در اختیار دارد. در واقع پیشگیری از جرم يك امر کنشی است و تنها آن بخش از پیشگیری که واکنشی به جرم است در حوزه وظایف قوه قضاییه می‌باشد و اصل را باید تفسیر مضیق نمود. قانون نیروی انتظامی، این نهاد مجری و مرتبط با جرایم را وابسته به وزارت کشور می‌داند که وظیفه آن نیز ایجاد نظم و امنیت در جامعه می‌باشد که در حوزه اجرا و قوه مجریه تعریف می‌شود و پیشگیری از جرم نیز صریحاً جزء شرح وظایف این نیرو ذکر می‌گردد.

اما کسانی که قوه قضاییه را نهاد متولی پیشگیری از جرایم در جامعه می‌دانند معتقدند در کنار نص صریح قانون اساسی در اصل ۱۵۸، وجود سایر قوانین که خاص می‌باشند در مقابل با قانون اساسی که عام است قابل استناد و مقابله نمی‌باشند.

در بطن موضوع تعارضی بین قانون اساسی و قوانین عادی نمی‌باشد چرا که ایجاد امنیت اقدامی اجرایی می‌باشد که قاعداً در حوزه قوه مجریه تعریف می‌شود اما این وظیفه با وصف عمومیتش بر عهده نیروی انتظامی و قوه مجریه می‌باشد و منافاتی وجود ندارد که بخشی از ایجاد امنیت از طریق پیشگیری از جرم به نهاد دیگری مانند قوه قضاییه محول شده باشد. در واقع این نیروی انتظامی می‌باشد که ضابط قوه قضاییه در پیشگیری از جرم عمل می‌نماید.

لازمه و مقدمه پیشگیری از جرم، خود یک قضاوت و محکمه‌ای را می‌طلبد که مشخص کند که آیا آنچه مورد تنازع است جرم است و نیاز به اقدام پیشگیرانه دارد یا خیر؟ تشخیص این امر تنها بر عهده نهاد قضا و قوه قضاییه می‌باشد که با تکیه بر استقلال قضایی و قضات مستقلش، جلوی هرگونه اعمال نظر شخصی و سلیقه‌ای را بگیرد و مانع سوء استفاده و نوعاً تعدی، تحدید و تهدید آزادی‌ها و حقوق ملت خصوصاً از سوی نهاد اجرایی کشور شود.

مقدمه قانون اساسی هرچند که اعتبار اصول آن را ندارد ولی در مقام تفسیر قانون می‌تواند منبعی جدی باشد که اشعار می‌دارد "مسأله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی" ذکر این مطلب در دیباچه قانون اساسی، گواه وظیفه نگاشته شدن پیشگیری از جرم برای قوه قضاییه می‌باشد.

تصریح اصل ۱۴۲ نسبت به رسیدگی رییس قوه قضاییه درخصوص ازدیاد به ناحق اموال مسئولین نیز تأییدی بر آنچه ذکر شد می‌باشد. برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی نیز در بند ۴ قسمت «ز» ماده ۱۳۰ از بخش توسعه امور قضایی، بر تمهید سازوکارهای لازم برای پیشگیری از وقوع جرم براساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی توسط قوه قضاییه تأکید می‌نماید.

بطور خلاصه می‌توان گفت که تنها پیشگیری وضعی از وظایف قوه قضاییه می‌باشد و در پیشگیری اجتماعی از جرایم، تمامی قوای اجرایی، تقنینی و قضایی و حتی سازمان‌های

غیردولتی و آحاد مردم می‌بایست مشارکت داشته و آنرا وظیفه خود بدانند.^۱

۲. چگونگی اجرای بند ۴ و ۵ اصل ۱۵۶

بند ۴ اصل ۱۵۶، "کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمان و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام" را از وظایف قوه قضاییه می‌داند که در برگیرنده پیشگیری و اکتشی عام و خاص است یعنی پیشگیری از طریق نظام کیفری که در آن ارباب فردی و جمعی ناشی از مجازات‌ها، از بزهکاری نخستین افراد و تکرار جرم بزهکاران جلوگیری می‌کند. در واقع در بند ۴، رویکرد جرم‌شناسی حقوقی و جرم‌شناسی بالینی مورد نظر بوده است.^۲

اما بند ۵ که ترجمه عنوان کنگره‌های پنج‌سالانه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین سازمان ملل متحد می‌باشد دارای دو قسمت می‌باشد که قسمت دوم آن، به تکرار رویکرد پیشگیری خاص در عبارت «اصلاح مجرمین» می‌باشد و قسمت نخست آن ناظر به جرم‌شناسی پیشگیرانه می‌باشد که به نظر می‌رسد مقصود نگارندگان و خبرگان قانون اساسی تکرار بند ۴ نبوده و منظوری غیر از پیشگیری کیفری (واکنشی) داشته‌اند در واقع نقش قوه قضاییه در خصوص «تصدی» پیشگیری از جرم، بر اساس بند ۴ و قسمت دوم بند ۵ که پیشگیری کیفری (واکنشی) است می‌باشد و از آنجایی که در نظام جمهوری اسلامی ایران همچون سایر کشورها، نهاد و وزارتخانه خاصی به عنوان مسئول و مدیر پیشگیری از جرایم تعریف نشده است، این نقش «مدیریتی و سیاست‌گذاری» که نوعی پیشگیری کنشی می‌باشد بر عهده قوه قضاییه گذاشته شده است^۳ که مانند یک مدیر، اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های خود را به نهادهای اجرایی می‌سپارد.

بدین صورت که این دستگاه با حضور سایر نهادهای دولتی و غیردولتی و حتی مجلس، باید در قالب کمیسیون یا شورایی به سیاست‌گذاری در این زمینه مبادرت نماید و تدابیر اتخاذ شده را از طریق نهادهای اجرایی یا در قالب قانون با کمک سایر نهادهای دولتی و حتی جامعوی عملیاتی کند.^۴ این برداشت در نگارش لایحه پیشگیری از جرم نیز مدنظر قرار گرفته است.

ب - پیشگیری از جرم در اجرای سایر اصول پیشگیرانه قانون اساسی

به غیر از اصل ۱۵۶ که بصورت صریح و کلی از عبارت «پیشگیری از جرایم» در تدوین

۱. خلفی، مسلم، مبانی حقوقی پیشگیری از جرم، انتشارات نورالسجاد، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸، صص ۹۰-۸۵.

۲. برنارد بولک، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۳.

۳. نیازپور، امیرحسین، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، زمستان ۸۲، ص ۱۴۴.

۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات جرم‌شناسی نظری (دوره دکتری)، ص ۴۴.

وظایف قوه قضاییه نام برده است، ۴ اصل دیگر قانون اساسی نیز به مسئله پیشگیری از جرایم خصوصاً جرایم موردی پرداخته است.

۱. امر به معروف و نهی از منکر

اصل هشتم قانون اساسی که به اصل «امر به معروف و نهی از منکر» مشهور می‌باشد براساس آیه مبارکه وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ نگارش شده است که بیان می‌دارد که در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت که شرایط و حدود کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

کلمه «نهی» به معنی «پیشگیری» و واژه «منکر» معادل «جرم» می‌باشد و «نهی از منکر» را می‌توان «پیشگیری از جرم» معنی نمود که در اینصورت همانگونه که نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی است، پیشگیری از جرم نیز وظیفه‌ای همگانی قلمداد می‌شود که تقابل آن بین مردم، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت نشان دهنده حق و تکلیف بودن آن است و مهمترین حق انگاری و تکلیف نگاری درخصوص نهی از منکر دولت توسط مردم است که روایت شده است از حضرت رسول اکرم^۹ که برترین جهاد، سخن حقی است که نزد حاکم ستمگر گفته شود.^{۱۰} حضرت علی^{۱۱} نیز بر این موضوع تأکید نمودند که ملت اصلاح نشود مگر به اصلاح حاکمان و حاکمان اصلاح نگردند مگر به درستی ملت؛ در واقع با آنچه بیان گردید می‌توان نتیجه گرفت که از آنجایی که اصل امر به معروف و نهی از منکر بر تمامی امور و شئون فردی و اجتماعی، عمومیت دارد، دولت يك نظارت مستمر در قالبهای نظارت امنیتی و انتظامی، اقتصادی و بهداشتی بر جامعه دارد و در مقابل مردم با ابزارهایی چون مطبوعات و رسانه‌های گروهی(اصل ۲۴ و ۱۷۵)، احزاب و تشکیلات سیاسی(اصل ۲۶) و اجتماعات و راهپیمایی‌ها(۲۷) بر عملکرد دولت و دولت مردمان نظارت دارند.^{۱۲}

۲. استقلال و عدالت اقتصادی جامعه

همانطور که در مقدمه قانون اساسی آمده است در اسلام، اقتصاد وسیله است نه هدف و در

۱. سوره مبارکه توبه، آیه ۷۱.

۲. احسائی، ابن ابی جمهور، غوالی(عوالی) اللثالی العزیزیه، جلد ۱، انتشارات دار سید الشهداء، چاپ اول، قم، ۱۴۰۵ هـ.ق، ص

۴۳۲

۳. وکیل، امیرساعد، عسکری، پوریا، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات مجد، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۱، ص ۸۶.

تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل است. بر همین اساس اصل ۴۳ قانون اساسی که ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی را بیان می نماید بر محورهای تامین نیازهای اساسی، تامین شرایط و امکانات کار برای همه، توجه به فرصت خودسازي معنوي، سياسي و اجتماعي و رهبري کشور، رعایت آزادي در شغل، منع اضرائيه غير و احتکار، ربا، اسراف، تبذیر و...، استفاده از علوم و فنون و افراد ماهر، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه، تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی و نهایتاً خودکفایی بنا نهاده شده است.

به طور کلی، عدالت اقتصادی و متعاقب آن عدالت اجتماعی، یکی از اهداف عالییه زمامداری می باشد و رئیس جمهور و دولت باید محور فقر و نیل به عدالت را در سرلوحه سیاستهای اجرایی خویش قرار دهند. ضوابط اسلامی در مبارزه با فقر شامل زکات، خمس و انفال، انفاق، وقف، هبه و صدقه توصیه شده اند که دولت باید در اجرایی نمودن آنها به نفع قشر ضعیف جامعه گام بردارد.

ریشه شناسی جرایم گواه این واقعیت تلخ است که اقتصاد ضعیف، فقر و بی عدالتی به بار میآورد و یکی از خروجی های آن در جامعه جرایم است. پس اگر دولت بتواند ریشه فقر اقتصادی را بخشکاند کار اساسی نموده است و نیمی از راه پیشگیری را قبل از وقوع جرم پیموده است. در این راه نیز می توان به تأمین اجتماعی، حقوق کار و اشتغال، استفاده از ثروت های عمومی، توزیع عادلانه منابع طبیعی، استرداد ثروت های نامشروع و سیاستگذاری های ویژه در برنامه های توسعه اشاره کرد.

۳. حفاظت محیط زیست

بر اساس اصل پنجاهم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی، «حفاظت محیط زیست» «وظیفه عمومی» تلقی می گردد. بر اساس آنچه که از اصل پنجاهم استنباط می شود انسان در مواجهه با محیط زیست، ۲ وظیفه دارد: یکی آنکه خود از فعالیت های اقتصادی و امثال آن که موجب آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن می شود، اجتناب کند و دیگری اینکه از ارتکاب چنین اعمالی توسط دیگران جلوگیری کند. صورت اصل، ظاهراً فقط صرف وظیفه خویشتن داری یعنی وظیفه اول را بیان می کند اما غایت قانونگذار که «حفاظت از محیط زیست» را وظیفه عمومی دانسته است به مسئله ای فراتر از خویشتن داری از آلودگی محیط زیست اشاره می کند و

«پیشگیری از هر اقدامی علیه محیط زیست» را نیز در بر می‌گیرد.^۱ در واقع حق برخورداری از «محیط زیست سالم» به معنی محیط اجتماعی مناسب برای فعالیت انسان و رشد او در ابعاد گوناگون می‌باشد که بنیان همگانی بودن این وظیفه را تأیید می‌نماید. در نظام جمهوری اسلامی ایران در کنار رسالت همگانی مردم نسبت به پاسداشت این اصل، این وظیفه خطیر برعهده «سازمان حفاظت محیط زیست» از سازمان‌های تحت نظر مستقیم ریاست جمهوری می‌باشد.

۴. بررسی داری‌های مسئولین

اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی که به اصل «از کجا آورده ای؟!» نیز مشهور است مقرر می‌دارد داری‌های رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضاییه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد. آنچه که در اصل فوق، مورد توجه است این مطلب می‌باشد که چنین افرادی که در رأس حکومت قرار دارند معمولاً در جریان تصمیم‌گیری‌های خطیر کشور خصوصاً در خصوص تصمیمات کلان اقتصادی باخیر هستند و به همین جهت می‌توانند مستقیماً توسط خودشان و یا غیرمستقیم توسط نزدیکانشان از طریق «رانت اطلاعات» که در اختیارشان می‌باشد از قدرت و جایگاه خود، سوء استفاده نمایند و ثروتی را به ناحق به دست بیاورند؛ همانگونه که در بسیاری از کشورها، سوء استفاده مسئولین از قدرت و جایگاه حکومتی تحت عناوینی مانند «فساد اقتصادی» تعبیر شده است و تحت تعقیب قرار گرفته است، در قانون اساسی ایران، اجرای این اصل بر عهده «رئیس قوه قضاییه» گذاشته شده است که داری‌های افراد مذکور را قبل و بعد از خدمت بررسی نماید تا برخلاف حق، افزایش نیافته باشد.

گفتار دوم - پیشگیری از جرم در سطح مقررات تقنینی، فروتقنینی

در تداوم قوانین اساسی، مسئله پیشگیری از جرم در سطح مقررات تقنینی و فروتقنینی نیز مورد توجه قانون‌نویسان و قانون‌گذاران بوده است. لیست بلند قوانینی که مستقیم یا غیر مستقیم در زمینه‌های مختلف کیفری، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، اداری و... که در بانک قوانین کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشد^۲ نیز گواه این مطلب می‌باشد که باید در پرداختن به مسئله پیشگیری از جرم از ابزارها و سیاست‌گذاری‌های گوناگونی برای رسیدن به يك جامعه امن و ایمن استفاده کرد.

۱. خلفی، مسلم، منبع پیشین، ص ۹۱.

۲. ر.ک خلفی، مسلم، منبع پیشین، صص ۳ الی ۶.

ما در این نگارش، به برخی از این قوانین که مهمترین مقررات تقنینی و فروتقنینی در حوزه پیشگیری از جرم می‌باشند می‌پردازیم.

الف - پیشگیری از جرم در قانون مجازات اسلامی

از منظر کسانی که مجازات را یکی از عوامل پیشگیری از جرم می‌دانند، تمامی مقررات مندرج در مجموعه قوانین مجازات در سراسر دنیا، عامل پیشگیرانه محسوب می‌شوند و در مقابل برخی دیگر با نگرش عینی بر این عقیده می‌باشند که آنچه که رخ داده، گویای عدم تأثیر جدی مجازات در پیشگیری و تکرار جرم است. به همین علت قانون مجازات اسلامی علاوه بر مجازات‌هایی مانند حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، مجازات‌هایی تحت عنوان «مجازات‌های بازدارنده» مقرر نموده است که بنا به تعریف قانونی آن در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، کلیه مواد کیفری کتاب پنجم قانون مجازات یعنی جرایم ضد امنیت ملی، فرار محبوسین، تخریب اموال فرهنگی، هتک حرمت اشخاص، تبانی، تهدید و اکراه، تخریب و اطفال اموال و ... ارتباط مستقیم با پیشگیری از وقوع جرم دارند.^۱ مورد دیگری که در قانون مجازات اسلامی در خصوص پیشگیری از جرم مطرح می‌باشد، تحقق ماده ۶۱ و «پیشگیری از جرم در مقام دفاع» می‌باشد به اینصورت که فردی برای پیشگیری از ارتکاب جرم توسط دیگری، خود مرتکب جرم می‌شود. مواد ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۸ و ۶۲۹ ق.م.ا نیر بر همین نظریه «دفاع مشروع» تأکید دارد. سومین مورد پیشگیری از جرم در قانون مجازات اسلامی نیز، ناظر به «پیشگیری از جرم محاربه و افساد فی الارض» می‌باشد که براساس ماده ۱۸۴ ق.م.ا، در صورتی که حاکم اسلامی که بالذات وظیفه مبارزه با محارب و مفسد فی الارض را دارد، نیاز به یاری مردم داشته باشد، این حرکت مردم در دست بردن به اسلحه برای مبارزه با محاربان و از بین بردن فساد، اقدامی پیشگیرانه محسوب می‌شود.

ب - پیشگیری از جرم در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی

اقدام تأمینی، عبارتست از واکنش حمایتی پیشگیرانه متضمن درمان و اصلاح مجرمین (مسئول یا غیر مسئول) که درحالت خطرناک به سر می‌برد.^۲ در واقع جهت‌گیری این اقدامات، پیشگیری از جرم از طریق اصلاح، درمان، تربیت و کنترل اشخاص حقیقی یا حقوقی خطرناک است. رویکردی مطابق با سیاست کیفرزدایی که واکنش‌های غیرکیفری را در باره عمل مجرمانه توصیه

۱. خلفی، مسلم، منبع پیشین، ص ۱۰۷.

۲. برنارد بولک، منبع پیشین، ص ۴۶.

می‌کند. راهاندازی نهادهایی چون کانون اصلاح و تربیت، تبعیدگاه مجرمین به عادت، مراکز معالجه و بازپروری معتادین، کارگاه‌های کشاورزی و... از نهادهای تولیدی جهت اجرای این قانون در فرایند پیشگیری از جرم و تکرار آن می‌باشند. همچنین ممنوعیت از اقامت و اشتغال معین، ضبط اشیای خطرناک، ضمانت احتیاطی، انتشار حکم و... از دیگر راه‌مهای قانون اقدامات تأمینی در راستای پیشگیری از جرم است.

ج - پیشگیری از جرم در قانون نیروی انتظامی

به طور کلی، هدف از تشکیل نیروهای انتظامی، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی فردی و نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی است. قسمت (د) بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹، صریحاً «پیشگیری از وقوع جرایم» را در حوزه وظایف نیروی انتظامی ذکر می‌نماید اما با این تصریح که انجام این وظیفه بر طبق قانون، به عنوان «ضابط قضایی» به نیروی انتظامی محول شده است و رسالت اصلی این مسئله با قوه قضاییه می‌باشد، هرچند که احاله این وظیفه به نیروی انتظامی به عنوان خط مقدم مبارزه با جرایم منافاتی با اصل ۱۵۶ ق.ا.ن خواهد داشت. مبارزه با مواد مخدر، منکرات و فساد، قاچاق، دستگیری متهمین و مجرمین، حراست از اماکن، حفاظت از مسولین و شخصیت‌ها، مبارزه با خرابکاری، شورش، تروریسم و... برخی از وظایف و کارکردهای نیروی انتظامی در مسئله پیشگیری از جرم می‌باشد.

د - پیشگیری از جرم در آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

بر اساس آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که یک سند فروتقنینی می‌باشد زندان محلی است که نه فقط به منظور تحمل کیفر، بلکه با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی افراد تعریف شده است و سعی شده است بر اساس این تعریف از ابزارها و دانش نوین کیفرشناسی در راستای «پیشگیری از وقوع جرم و تکرار آن» استفاده لازم صورت گیرد. ایجاد مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، دایر نمودن مؤسسات کاردرمانی (اردوگاه)، صنعتی، کشاورزی و خدماتی، انجام خدمات مشاوره‌ای، برنامه‌های مذهبی، تفریحی، ورزشی و فرهنگی، برنامه‌ریزی در جهت تهذیب و تقویت مبانی دینی محکومان، اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از فرار، خودزنی و خودکشی زندانیان و بدرقتاری مأموران با آنان، اجرای برنامه‌های نظیر انجمن حمایت از زندانیان، ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه، تأسیس دفتر حمایت از حقوق شهروندی زندانیان و... از مواردی است که در متون آیین‌نامه سازمان زندان‌ها

و اقدامات تامیني و تربيتي پیش بینی شده است تا زندان از يك نگاه صرفاً کيفري به نگاهی کيفري - غیرکيفري همسو با پیشگيري هاي کيفري و غیرکيفري تغيير يابد.

ه - پیشگيري از جرم در لايحه پیشگيري از وقوع جرم

اجرای بنده اصل ۱۵۶ ق.ا، تمرکز گرایی در مدیریت پیشگيري از جرم و حمایت از جامعه مدني در برابر آن و استانی کردن اقدامات پیشگیرانه از اهداف نگارش نگارش لايحه اي برای پیشگيري از جرم بوده است.^۱ این لايحه چند نهاد «شورای عالی پیشگيري از جرم، سازمان پیشگيري از جرم و شورای استانی و شهرستانی پیشگيري از جرم» را تأسیس می نماید.

شورای عالی پیشگيري از جرم که برپا تهیه، تنظیم و پیگیری سیاست های جامع و هماهنگ در زمینه پیشگيري از وقوع جرم، نظارت بر اجراء آن و حمایت از مشارکت مردم و نهادها و انجمن های مردمی به ریاست قوه قضاییه و با حضور مقامات عالی رتبه کشور از هر سه قوه و حتي نمایندگان نهادهای غیردولتي و جامعه مدني تشکیل می شود در واقع عالی ترین نهاد سیاستگذار در حوزه برنامه ریزی برای پیشگيري از جرم می باشد.^۲ در کنار این شورا، از ادغام ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و ستاد مبارزه با موادمخدر، سازمانی به نام «سازمان پیشگيري از وقوع جرم» برای نظارت بر اجراء دقیق مصوبات شورای عالی، کمک به پیشبرد راهبردها و سیاست ها و برنامه های ملی و منطقه ای پیشگيري و مطالعه و پژوهش در حوزه های راهبردی پیشگيري، در قوه قضاییه تشکیل می شود. به طور کلی لايحه پیشگيري از وقوع جرم، تاکنون بیشتر به ساختارها و نهادسازی پرداخته است و در پی آن، نیازمند آیین نامه اجرایی می باشد. هر چند که در حال حاضر، چندین سال است لايحه مذکور، بصورت مسکوت باقی مانده است.

گفتار سوم - پیشگيري از جرم در سطح مقررات فراملي

الف - در اسناد و رهنمودهاي سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد در قطعنامه ها و اساسنامه هاي خود، درباره حقوق کودکان، حقوق زنان و حقوق بزهدیدگان اسناد متعددي را به تصویب رسانده است. کنوانسیون حقوق کودک، اعلامیه امحای خشونت علیه زنان، اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزهدیدگان و سوء استفاده از قدرت، کنوانسیون سازمان ملل در مقابله با جرایم سازمان یافته فراملي و پروتکل الحاقی به آن در خصوص پیشگيري سرکوب و مجازات قاچاق انسان، خصوصاً زنان و کودکان، سند توسعه

۱. نیازپور، امیرحسن، منبع پیشین، ص ۱۴۴.

۲. مواد ۲ و ۳ لايحه پیشگيري از جرم.

هزاره و... از اسنادی می‌باشد که توسط سازمان ملل متحد به عنوان یک نهاد جامعه بین‌المللی در حوزه مبارزه و مقابله با نقض حقوق بشر مصوب شده است.^۱ اما ۴ سند و در واقع ۴ رهنمود اصلی و مهم در حوزه «پیشگیری از جرم» که توسط سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است عبارتند از:

– رهنمود همکاری و کمک‌های فنی درخصوص پیشگیری از جرایم شهری (پیوست قطعنامه ۱۹۹۵/۹ شورای اقتصادی سیاسی)

– رهنمود پیشگیری از جرم (پیوست قطعنامه ۲۰۰۲/۱۳ شورای اقتصادی و سیاسی)

– رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض)

– اقداماتی در بهبود در پیشگیری موثر از جرم^۲

ب- در توصیه‌های کنگره‌های جهانی پیشگیری از جرم

علاوه بر این، سازمان ملل متحد از سال ۱۹۵۵ تا کنون به منظور دستیابی به راهکارهایی به منظور پیشگیری از جرم و طراحی حداقل استانداردهای برخورد با مجرمین، کنگره‌هایی تحت عنوان «کنگره‌های جهانی پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد» برگزار کرده است. در این کنگره‌ها که به همت دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد برگزار می‌گردد حدود ۳ هزار نفر شامل هیات‌های عالی‌رتبه از ۱۲۰ کشور جهان در قالب نمایندگان دولتها و ملتها، متخصصان عدالت کیفری، محققان صاحب‌نام جهانی و اعضای وابسته به سازمان‌های غیر دولتی شرکت داشته‌اند و درباره مشکلات عمومی، تجربیات مشترک و یافتن راه‌حلی در مورد رهنمودهایی ارائه نموده‌اند.

کودکان، جوانان و جرم، تروریسم، پیشگیری از جرم، قاچاق مهاجران و اشخاص، پول شویی، جرایم رایانه‌ای، همکاری بین‌المللی در مبارزه علیه جرم و جلوگیری از خشونت علیه مهاجران و خانواده‌های آنان هشت موضوعی هستند که در دستور کار این کنگره قرار دارند.^۳ برگزاری کنگره پیشگیری از جرم از ۱۹۵۵ تا کنون آغاز و هر پنج سال یکبار در نقاط مختلف جهان برگزار شده است و دوازدهمین دوره آن در سال ۲۰۱۰ در شهر سالوادور برزیل برگزار شده

۱. جوان جعفری، عبدالرضا، سیدزاده ثانی، سید مهدی، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱، ص ۹.

۲. جوان جعفری، عبدالرضا، سیدزاده ثانی، سید مهدی، منبع پیشین، صص ۷۱ و ۷۲.

۳. پیشگیری از جرم و خشونت، هدف مشترک جهانی، مروری بر کنگره‌های جهانی پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، روزنامه مردم سالاری، نسخه شماره ۲۳۲، ۱۳۸۹/۱/۱۸.

است.

بطور کلی توصیه‌های این کنگره‌ها مربوط به نهادهای قانون گذاری و سیاست گذاری سازمان ملل متحد و دولت های محلی و ملی بوده است.

فصل دوم - مبانی دینی، قانونی و سیاسی جایگاه ریاست جمهوری

در حکومت جمهوری اسلامی ایران که بر اساس خواست و آرای ملت از ترکیب «جمهوریت» یعنی حکومت قانون و «اسلامیت» یعنی اجرای احکام دین تشکیل شده است، مقامات حکومتی اعم از رهبر، ریاست‌جمهور، روسای قوای قضاییه و مقننه، نمایندگان مجلس و... نیز باید دارای شخصیت حقوقی مبتنی بر این ۲ مبنا باشند؛ مبنایی بر اساس آنچه که در «دین مبین اسلام» برای کارگزاران حکومتی (اعم از حاکم، والی، خلیفه و...) متصور شده است و نیز مبنایی که در «قانون اساسی» به عنوان عالی‌ترین سند مدون حکومتی تدوین شده است.

در این بین، مقام و جایگاه خطیر «ریاست جمهوری» به عنوان مجری قانون اساسی و عالی‌ترین مقام اجرایی کشور پس از رهبری نیز، باید از یک مبانی روشنی بر اساس همین ۲ عنصر «دین» و «قانون» برخوردار باشد تا بتواند در تحقق و پیشبرد یک حکومت «جمهوری» «اسلامی» همسو با آنچه که ملت برای آن انقلاب نموده و پای آن ایستاده‌اند اقدام نماید.

مبحث اول- نقش ریاست جمهوری به عنوان حاکم اسلامی

مبانی دینی همانطور که پیش‌تر بیان گردید، پایه‌ها و اصولی می‌باشند که موضوع مربوطه بر اساس آن، طرح و اثبات می‌گردد. ریاست‌جمهور به عنوان مجری قانون اساسی، در ابتدای خدمت خویش، بر اساس اصل ۱۲۱ قانون اساسی، در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران، به «خداوند قادر متعال» سوگند یاد می‌کند که پاسدار ۳ عنوان مهم یعنی «مذهب رسمی»، «نظام جمهوری اسلامی» و «قانون اساسی کشور» باشد. ذکر پاسداری از مذهب رسمی کشور، در آغاز سوگندنامه ریاست‌جمهوری، نشانگر نقش خطیر و رسالت مهمی است که شخص رئیس‌جمهور باید در برنامه‌ها و اهداف خویش آن را در رأس قرار دهد. اعطای چنین وظیفه‌ای، بر اساس مبانی شرعی و دینی است که در نگارش اصول قانون اساسی در مورد جایگاه حاکمان و حکومت مداران نظام جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. مبانی که از آیات قرآن کریم، سیره مدیریتی و نبوی رسول اکرم 9، ساختار شکلی و ماهوی حکومت علوی امیرالمومنین علی 7 و نظرات و روایات ائمه اطهار : منشعب شده است و در لایه لایه اصول قانون اساسی به

عنوان پشتوانه و اصطلاحاً سندبالادستی مورد استناد و استفاده قرار گرفته است. اینکه رئیس‌جمهور به عنوان یکی از کسانی که می‌تواند مصداق يك «حاکم‌دینی» پس از مقام رهبری، در نظام دینی جمهوری اسلامی ایران باشد، نیاز به بررسی مبانی دارد که حکومت دینی و حاکم دینی را تشریح نماید تا قابلیت انطباق و تسری آن از آموزه‌های فقهی قرون گذشته به قوانین مدون شده امروز را بیابد. مبانی که به مفهوم و ضرورت شکل‌گیری حکومت و آن هم از نوع دینی و اسلامی بپردازد و ویژگی‌های يك حاکم صالح اسلامی را ترسیم نماید. ما نیز بر همین اساس در این محث به «تبیین نقش حاکم و حکومت دینی» و «اصول پیشگیری از جرم از منظر حکومت امام علی⁷» خواهیم پرداخت.

گفتار اول – حاکم و حکومت دینی و بایسته‌های آن

الف - مفهوم شناسی حکومت و حاکمیت دینی

حکومت از ماده حکم به لحاظ واژه‌شناختی به معنی حکم‌دادن، فرمانروایی کردن و اداره شئون اجتماعی و سیاسی مردم می‌باشد^۱ و اگر با صفتی به‌کار رود، برای بیان نوع رژیم سیاسی کاربرد دارد.^۲ حکومت، در اصطلاح جامعه‌شناسی، عبارتست از فرایند اجرای منظم سیاست‌ها و تصمیمات مقامات اداری درون یک دستگاه سیاسی در قلمرو معین، و اقتدار آن به وسیله یک نظام حقوقی و با استفاده از زور در اجرای سیاست‌هایش حفظ می‌گردد.^۳ در مقابل معانی لغوی، حکومت به لحاظ مفهومی دارای دو معنی می‌باشد؛ Government به معنی اعضای هیأت‌دولت (کابینه) است که اداره امور کشوری را به عهده می‌گیرند و دائماً تغییر می‌کنند و State که به معنی ساختار سیاسی مفهومی کل کشور است که بر اساس یک قانون اساسی موجودیت دارد.^۴

۱. تفاوت حکومت و حاکمیت

بر اساس آنچه بیان شد در مقابل حکومت، حاکمیت عبارت از قدرت عالی‌ای است که اولاً بر کشور و مردم آن برتری بلامنازع دارد به‌ترتیبی که همگان در داخل کشور از آن اطاعت

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، جلد دوم، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، تهران، ۱۳۶۴، ص ۹۵۳.

۲. آشوری، داریوش، دانش‌نامه سیاسی، انتشارات مروارید، چاپ بیست و یکم، تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱.

۳. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات نی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۸، صص ۳۲۵-۳۲۴.

۴. نظری، نصرالله، حکومت‌دینی از منظر قرآن کریم، تارنمای مرکز علمی فرهنگی طلوع فجر، www.toloufajr.com

می‌کنند و ثانیاً کشورهای دیگر آن را به رسمیت شناخته و مورد احترام قرار می‌دهند.^۱ در واقع حکومت مجموعه‌ای از افراد، ابزار و ساختار تشکیلاتی است که حاکمیت به وسیله آن اعمال می‌گردد؛ در مقابل ویژگی‌های سه گانه حاکمیت (مطلق، دائمی و یکپارچه بودن)، حکومت در درون خود تفکیک قوا و توزیع قدرت را می‌پذیرد، تغییر یافتنی و قابل تجزیه است. حکومت مردم‌سالار دینی که از دو مولفه اساسی مردم‌سالاری و دینی‌بودن حکومت و حاکمیت است بر اساس «نظریه تلفیق و نظریه نظارت و اشراف» تشکیل شده است. مردم‌سالاری نشانگر اهتمام و توجه به آرای مردم در حکومت است که در سه عرصه تحقق می‌یابد: الف: انتخاب حکومت و رهبر؛ ب: مشارکت در اداره امور؛ ج: حق نظارت، انتقاد و عزل. دینی‌بودن حکومت و حاکمیت نیز بدین معناست که حکومت مردمی می‌بایست احکام دینی را به عنوان قانون اساسی خود پذیرفته و در جهت آن حرکت کند.^۲

۲. اقسام حکومت و حاکمیت

حاکمیت بر اساس حقوق بین الملل عمومی دو بعد حاکمیت داخلی یا برونی (حاکمیت در دولت) و حاکمیت خارجی یا برونی (حاکمیت دولت) تقسیم می‌گردد.^۳ در مورد حکومت‌ها، در باب منشأ قدرت نیز، دو نظریه «تئوکراتیک» که حکومت را دارای منشأ الهی می‌داند و «نظریه دموکراتیک» که منشأ حکومت را آرای مردم و خواسته عمومی جامعه می‌داند در تاریخ ثبت شده است. از نگاهی جامع‌تر، حکومت‌ها، به دو قسم مردمگرا (دموکراسی) و دیکتاتوری (غیر مردمی) تقسیم می‌شوند که هر یکاز آنها دو نوع دینی و غیردینی دارند: ۱- حکومت دیکتاتوری دینی؛ ۲- حکومت دیکتاتوری غیردینی؛ ۳- حکومت مردمی غیردینی؛ ۴- حکومت مردمی دینی.^۴

بر اساس آنچه بیان گردید حکومت دینی عبارتست از یک نظام و سازمان سیاسی مبتنی بر آموزه‌های دینی که حاکمان آن که به تعبیری همچون امام، خلیفه، امیر، سلطان، والی، ناظر، فقیه

۱. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم: حاکمیت و نهادهای سیاسی، انتشارات میزان، چاپ هفدهم، تهران، ۱۳۸۶، صص ۱ و ۲.

۲. قدردان قراملکی، محمدحسن، حکومت دینی از منظر استاد شهید مطهری، انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۹، ص ۸۸.

۳. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۸۸ و ۱۸۷.

۴. قدردان قراملکی، محمدحسن، مبانی حکومت مردم‌سالار دینی از دیدگاه علامه طباطبایی، اندیشه نویندینی، شماره ۵، بهار و

مأمون و...^۱ مشهوراند حق حاکمیت را از سوی خداوند بدست می‌آورند و رفتارهای سیاسی مردم نیز بر اساس باورها و دستورالعمل‌های دینی صورت می‌گیرد.

حکومت جمهوری اسلامی ایران نیز که بر اساس اصل اول قانون اساسی، بر اساس اعتقاد دیرینه ملت به حکومت حق و عدل قرآن، و در پی همه‌پرسی از آحاد ملت تشکیل شده است یک «حکومت مردم سالار دینی» است که حاکمان یعنی رهبری و روسای سه قوه باید به این ۲ رکن «مردم سالاری» و «دینی بودن» اهتمام ویژه نمایند که این دو رکن نیز در وظایف و اختیارات همه متولیان در قانون اساسی پیش‌بینی شده است و در مقابل هر یک از تخطی آنان از این ۲ رکن رکن، ضمانت اجرایی متعددی نیز طراحی شده است تا هدف انقلاب که حکومت اسلامی است از مسیر منحرف نشود.

ب - حکومت دینی در آیین اسلام

۱. مؤلفه های حکومت دینی در قرآن کریم

خداوند متعال، همواره بر مسئله «حکومت» توجه خاص داشته است و در رسالت‌های رسولان خویش، تشکیل یک «حکومت الهی» را هدف کلان ادیان قرار می‌دهد. این اهمیت و اعتبار حکومت به گونه‌ای است که خداوند متعال در آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده در کنار معانی بلندی که ابلاغ می‌کند، به پیامبر اکرم ۹ نسبت به تعیین جانشین خویش برای تضمین و استمرار حکومت، هشدار می‌دهد که:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ

«ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را

نرسانده‌ای»

این آیه نشان‌دهنده این است که این موضوع به اندازه‌ای اهمیت دارد که اگر به آن اهتمام نشود با عدم ابلاغ رسالت مساوی است. جایگزینی حکومت "الله" به جای "طاغوت" نیز به آن دلیلست که کسانی که خلیفات و روحیات الهی دارند و "خليفة الله في الأرض" نامیده می‌شوند، حکومت کنند. چنانکه آیه ۳۶ سوره مبارکه نحل به خوبی روشن می‌سازد که وظیفه یکایک مسلمانان،

۱. رحمان ستایش، محمد کاظم، حکومت اسلامی در اندیشه فقیهان شیعه، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، ۱۳۸۳، صص ۲۴ تا ۳۰.

روی‌گردانی از حکومت طاغوت و روی آوردن به حکومت الهی است^۱

حکومت دینی و الهی، حکومتی است که نه بر محور اراده فرد یا افراد می‌چرخد و نه بر محور اراده اکثریت مردم، بلکه براساس اراده خداوند تبارک و تعالی است. به همین منظور در چندین آیه صریحاً در مورد حکومت، به تعلق آن به خداوند قادر و جانشینان آن اشاره می‌کند. به عنوان مثال در ابتدای آیه ۲۶ سوره مبارکه آل عمران^۲ با عبارت "مَلِكِ الْمُلْكِ" به معنی مالک حکومت‌ها، به حکومت خداوند اشاره می‌کند. همچنین در آیات ۵۷ سوره مبارکه انعام^۳، ۴۰ و ۶۷ سوره مبارکه یوسف^۴ نیز، حکم را تنها برای «خدا» می‌داند و در آیات ۱۲۶ سوره مبارکه نساء^۵ و ۱۲ سوره مبارکه غافر^۶ نیز به این موضوع اشاره می‌کند. همچنین در قرآن کریم، آیات فراوان دیگری نیز درباره مسائل مختلف حکومتی قبیل قضاوت و قانونگذاری^۷، شرایط کارگزاران حکومتی^۸، حدود و تعزیرات^۹، امر به معروف و نهی از منکر^{۱۰} و... نیز نازل شده است که همگی نظریه استقرار حکومت اسلامی را تأیید می‌کنند. حکومت‌های الهی برخی از پیامبران مانند حضرت داوود، سلیمان، یوسف و نهایتاً حکومت نبوی رسول اکرم ۹ نیز در قرآن مورد ذکر قرار گرفته‌اند.

۲. اهداف حکومت دینی اسلام

در نگاه کلان و کلی، "نجات انسان از ظلمت به سوی نور" بارزترین و مهمترین هدف حکومت اسلامی پیامبر بوده است که همه اهداف دیگر نیز در آن گنجانده شده است. خداوند منان، در آیه اول سوره مبارکه ابراهیم با ذکر عبارت «تُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» هدف نزول قرآن را بیان می‌دارد؛ در کنار این هدف کلان، اهداف دیگری نیز تعریف شده است که به «مهمترین»

۱. معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، انتشارات التمهید، چاپ اول، قم، ۱۳۷۷، ص ۱۱۹.

۲. قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ / بگو: «بارها! مالک حکومتها تویی، به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی، و از هر کس بخواهی، حکومت را می‌گیری؛

۳. إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقُّ / حکم و فرمان تنها از آن خدا است، حق را از باطل جدا میکند؛

۴. إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ / حکم تنها از آن خداست، فرمان داده که غیر از او را نپرستید؛

۵. وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ / آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست؛

۶. فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ / داوری با خداوند بلند مرتبه بزرگ است؛

۷. آیات مربوط به قضاوت: ص؛ آیه ۲۶ - آیات مربوط به قانونگذاری: کهف، ۲۶ / شوری، ۱۰ / نور، ۵۱

۸. آیات مربوط به شرایط کارگزاران حکومت: شعراً، ۱۵۱ / نساء، ۵ / کهف، ۵۱ / قلم، ۸ و ۱۰ - ۱۳ / نساء، ۱۳۵

۹. آیات مربوط به حدود و تعزیرات: مائده، ۳۳ و ۳۸ / نور، ۲ و ۴ / نحل، ۱۰۶ / آل عمران، ۸۶ - ۸۷

۱۰. آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر: آل عمران، ۱۰۴ و ۱۱۰ و ۱۱۳ - ۱۱۴ / توبه، ۷۱ و ۱۱۲ / حج، ۴۱

و «بارزترین» آنان که رسالت‌نبوی و ولایت‌ائمه‌اطهار: بر آنها استوار شده است خواهیم پرداخت.

۲ ۱. کامل نمودن مصالح الاخلاق و مکارم الاخلاق

تعلیم و تربیت مردم، ادب آموختن و توصیه‌آنان به رعایت آداب الهی، داشتن اخلاق صالح و دوری از خلق زشت و رذیله، یکی از مهمترین اهداف بعثت پیامبر اکرم 9 بوده است؛ تا جایی که ایشان یکی از فلسفه‌های بعثت خویش را در «اتمام اخلاق صالحه و حسنه» می‌دانند و می‌فرمایند:

«انا بعثت لاتمم صالح الاخلاق؛ بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»^۱

من مبعوث شدم برای کامل کردن اخلاق صالح. مبعوث شدم برای تکمیل فضائل اخلاقی در حال حاضر نیز ترویج ارزش‌ها و رفع کاستی‌های اخلاقی وظیفه‌ای همگانی است که در قالب اصل مترقی «امر به معروف و نهی از منکر»، شرط سلامت دینی و اخلاقی جامعه تعریف شده است.

۲ ۲. اجرای احکام و قوانین اسلامی

هدف دیگر حکومت اسلامی از صدر اسلام، اجرای احکام، قوانین و مقررات اسلامی بوده است؛ احکامی که شامل قوانین و مقررات متنوعی می‌باشند که یک نظام اجتماعی را می‌سازد و از سوی دیگر اجرای احکام خاص کیفری اسلام، مانند حدود، دیات، قصاص و نیز فریضة والای جهاد و دفاع از سرزمین و حقوق مسلمانان و حتی امر به معروف و نهی از منکر، بدون وجود حکومت و نیروی اجرایی مقتدر، میسر نیست و ضمانت اجرایی بر تداوم آن احکام و عاقبت امور نخواهد بود.^۲

قرآن کریم درباره خواسته خداوند در مقابل اعطای قدرت بندگان خود می‌فرماید:

الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

«مؤمنان همانند هاییکسانی‌اند که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را بپا دارند و زکات بپردازند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و سرانجام کارها به دست خدا است.»

۱. ر.ک محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، جلد ۱۶، ص ۲۱۰ و محمد حسین طباطبایی، سنن النبی، ص ۲۱.

۲. خمینی، روح ا...، ولایت فقیه «حکومت اسلامی»، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۹، صص ۳۳ و ۳۲.

۲ ۳- اجرای عدالت و احقاق حق مردم

بر اساس آیات قرآن کریم، هدف بعثت انبیا و نزول کتاب و میزان بر آنان، قیام به قسط و اقامه عدل مقرر شده است^۱ و تشکیل حکومت و ایجاد امنیت پلی است برای رسیدن به این هدف؛ حضرت رسول اکرم 9 نیز با جمله گهربار و تاریخ ساز که "حکومت با کفر باقی می ماند اما با ظلم نه" پایداری هر حکومتی حتی حکومت اسلامی را "عدل و داد" می نامد. حضرت امیرالمؤمنین 7 نیز در خطبه شقشقیه،^۲ دلیل قبول مسؤلیت حکومت را دو عامل معرفی می کند: اول، حضور مردم به عنوان پشتیبان حکومت اسلامی و مقبولیت مردمی؛ دوم، مسؤلیت عالمان در برابر ستمدیدگان و بیچارگان جامعه. ایشان در مورد دیگر، علاوه بر اقامه شرع و عمل به حدود الهی، یکی از علل قبول حکومت در آن شرایط را قراردادان امور در جایگاه خود و احقاق حقوق مردم می دانند.^۳

۲ ۴- توجه به رفاه و معیشت مسلمانان

توجه به رفاه اقتصادی، اهتمام به تأمین معیشت و رفع فقر و محرومیت، یکی دیگر از اهداف کلانی است که در اسلام بدان توجه جدی شده است. اسلام بر دارایی های اغنیا، سهمی برای نیازمندان در قالب مالیات همچون زکات و خمس قرار داده است و دولت به عنوان متولی مالیات باید این سهم را به نیازمندان برساند. پیامبر اسلام 9 در خصوص اهمیت «معیشت» می فرماید: «خداوندا! به نان ما برکت ده! بین ما و آن جدایی میفکن! اگر نان نباشد، نمی توانیم نماز بخوانیم و روزه بگیریم و واجبات الهی را انجام دهیم».^۴ و این مصداق همان مثل است که از دري که فقر وارد می شود ایمان خارج می گردد و نهایتاً فرد را به این تفکر می رساند که حکومت کفر باشد و مردم در رفاه، به از این است که حاکم و حکومت اسلامی باشد و مسلمانان در فقر! از همین رو تقسیم برابر بیت المال، استرداد اموال ناعادلانه تصرف شده، اصلاح بلاد و عمران قلمرو حاکمیت جزو برنامه های اصلی بوده است که امام علی 7 در جهت رفع فقر و تبعیض در حکومت خود داشته^۵ و به کارگزارانش نیز آنرا توصیه می نموده است.

۱. سوره مبارکه حدید؛ آیه ۲۵ / سوره مبارکه شوری؛ آیه ۱۵ / سوره مبارکه نحل؛ آیه ۹۰

۲. دشتی، محمد، منبع پیشین، خطبه ۳، ص ۳۰.

۳. ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، جلد ۲۰، انتشارات انوار الهدی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۹ هـ. ق، ص ۲۵۳.

۴. کلینی الرازی، محمد محمد ابن یعقوب، اصول کافی، جلد ۵، انتشارات انصاریان، قم، ص ۷۲.

۵. دشتی، محمد، منبع پیشین، خطبه ۱۵ و نامه ۵۳.

۲ شکوفایی علمی

بر اساس قرآن کریم که می‌فرماید: «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۱ از دیگر اهداف حکومت دینی تعلیم و تربیت است. در واقع وظیفه آموزش و گسترش دانش خصوصاً علوم روز که جامعه بدان نیازمند است، به اندازه‌ای خطیر است که حکومت اسلامی موظف است زمینه‌های تعلیمی و تربیتی آن را فراهم سازد و برای ارتقا و شکوفایی علمی آنان توجه و اهتمام لازم را بورزد. در خاتمه لازم به ذکر است که در نگارش اصول ۲ و ۳ قانون اساسی که بیانگر مبانی نظام جمهوری اسلامی و وظایف دولت می‌باشد، از مهمترین اهدافی که يك حکومت اسلامی در خود تعریف می‌کند استفاده شده است و در این میان رئیس جمهور نیز به عنوان دومین شخصیت نظام جمهوری اسلامی و عالی‌ترین مجری قوانین در کشور نیز باید این اهداف و آرمان‌ها را همواره مدنظر داشته باشد و بر اساس بندهای ۱۶ گانه اصل ۳ در جهت پیشبرد برنامه‌ها و تحقق حکومت اسلامی گام بردارد.

گفتار دوم – حاکم دینی در منظر امام علی 7

مهمترین سندی که در خصوص «ملاک‌های گزینش کارگزاران در حکومت علوی» وجود دارد «نامه پنجاه و سوم نهج البلاغه» است که حضرت امیر به همراه حکم حکومت بر مصر برای مالک اشتر نوشتند که به «عهدنامه مالک اشتر» معروف است. این عهدنامه که زیباترین و طولانی‌ترین عهدنامه نهج البلاغه است بی‌تردید از مهمترین اسناد سیاسی حقوق اسلامی شیعی است که در آن به زیبایی ویژگی‌های حکومت اسلامی، حاکم اسلامی، حقوق شهروندان، رابطه دولت با شهروند... نه تنها در عصر علوی بلکه در تمامی قرون تبیین شده است. مهمترین ویژگی‌های يك مدیر اسلامی در عهدنامه مالک اشتر را می‌توان به اختصار اینگونه بیان نمود:

۱. پیروی از الگوهای ارزشمند پیامبر اسلام 9 و ائمه ۲. پرده‌پوشی نسبت به عیوب مردم ۳. نیکی کردن به مردم ۴. خوش سابقه‌تر بودن نزد مردم ۵. صلابت در مقابل قدرتمندان ۶. سخاوت و بخشش‌گری ۷. دیرخشم بودن ۸. صدق و راستی ۹. عاقل‌تر بودن نزد مردم ۱۰. داشتن تقوای الهی و پرهیزکاری ۱۱. تسلط بر هوای نفس ۱۲. ترس از خدا ۱۳. رعایت عدالت و انصاف ۱۴. گذشت و پرهیز از انتقام‌جویی ۱۵. تواضع علمی ۱۶. پرهیز از شتاب در امور ۱۷. روحیه صلح

۱. سوره مبارکه جمعه، آیه ۲.

دوستی ۱۸. پرهیز از گفتار دو پهلو ۱۹. پرهیز از خودپسندی ۲۰. پرهیز از منت‌گذاری و امتیاز بر مردم ۲۱. پرهیز از خلف‌وعده و عهدوپیمان ۲۲. یاری‌خواستن از خدا و صبر در کارها ۲۳. فروتنی در برابر خدا ۲۴. پرهیز از فاصله‌گرفتن از مردم و تشریفات ۲۵. اختصاص بهترین وقت به مناجات با خدا ۲۶. تعهد به انجام امور در وقت خود ۲۷. برپاداشتن حدود الهی ۲۸. فروتنی در برابر مردم ۲۹. عالم‌تربودن نزد مردم ۳۰. توانمندتربودن نزد مردم؛

طی آنچه که گفته شد برای مدیران اسلامی ویژگی‌های زیادی را می‌توان متصور شد اما ما در این نگارش، مهمترین آنان که باید در کارگزاران و مدیران کلان حکومت اسلامی مانند رهبر، ریاست جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس و... وجود داشته باشد را در قالب ویژگی‌های «تخصصی» شامل دانش، تجربه، تدبیر و... و ویژگی‌های «ارزشی و مکتبی» مشتمل بر الگوبودن، امانتداری، تلاش برای تعالی و...^۱ از منظر حکومت علوی امام‌علی ۷ مورد بررسی قرار خواهیم داد.

الف - ملاک‌های تخصصی‌گزینه‌ش کارگزاران

۱. داشتن دانش و آگاهی

داشتن دانش و برخورداری از علم و آگاهی لازم هم در حوزه کاری که اصلاً «تخصص» نامیده می‌شود و هم در زمینه‌آشنایی و اطلاع و التزام به احکام دینی و شرعی که «تعهد» نامیده می‌شود یکی از بارزترین ویژگی‌های یک مدیر اسلامی است و اهمیت آن تا آنجاست که نادیده انگاشتن آن، خیانت به خدا و رسول او و تمامی مسلمانان به شمار آمده است.^۲

۲. برخورداری از سابقه و تجربه کاری

در آئین اسلام و منشور سیاسی حضرت علی ۷ در انتخاب کارگزاران، مسند مدیریت، شایسته کسی است که از تجربه کافی و وفایدر مقام اجرا برخوردار باشد. امیرالمؤمنین در نامه به مالک اشتر «کفایت» را نیز یکی از شرایط واگذاری مسئولیت‌ها می‌داند.^۳ در جامعه امروزی نیز اشخاصی باید به عنوان بالاترین مناصب و مقامات عالی برگزیده شوند که «هم‌کفو» و «لایق» سمتی باشند که می‌پذیرند. افرادی که با تلاش خویش از سمت‌های پایین اداری مانند متصدی و

۱. آقاجانی، آرش، تبیین ویژگی‌های مدیران از دیدگاه حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه، نشریه اندیشه‌صادق، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۸۵، ص ۲۹.

۲. حکیمی، محمدرضا و دیگران، منبع پیشین، ص ۳۱۵.

۳. ابن ابی‌الحدید، منبع پیشین، ص ۲۷۶.

کارشناسی آغاز نموده باشند و تا کارشناس مسئول و مدیرکل و معاون و ریاست پیش‌رفته باشند.

۳. اهل مشاوره و احترام به نظر کارشناسان

مشاوره، همفکری و هم‌اندیشی و کسب نظر صاحب‌نظران و کارشناسان از دیرباز يك امر فطری و عقلایی بوده است. قرآن کریم نیز در خود سوره‌ای به نام «شورا» دارد که در آیات ۳۶ تا ۳۸ آن «مشاوره» به‌عنوان یکی از صفات ویژه مؤمنان و در ردیف توکل، اجتناب از گناه (تقوا)، اجابت پروردگار، اقامه نماز، انفاق و... مطرح گردیده است. امام حسن ۷ نیز به زیبایی به نتیجه مشاوره اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: هیچ ملتی با هم مشورت نکردند مگر آنکه راه درست خود را پیدا کردند.^۱ اهمیت و کارکرد مشاوره و مشورت در عصر مدیریتی امروز برای مدیران نظام نیز لازم‌الاجرا است که در حال حاضر در قالب «شورای مشاوران» «مشاوران جوان» «نظام پیشنهادات و انتقادات» «بانک ایده» «کارگروه‌های هم‌اندیشی» و... در حال ارائه مشاوره و راهکار به مدیران نظام می‌باشند.

۴. پرتلاش و سختکوش بودن برای رسیدن به هدف

ایمان به هدف و نهایت تلاش برای دستیابی به آن، یکی دیگر از ویژگی‌های بارز مدیریت اسلامی است. درباره ایمان و اعتقاد راسخ رسول خدا (ص) روایت شده است که در پاسخ پیشنهاد مخالفان عقیده‌شان فرمود: اگر خورشید را در کف دست راست و ماه را در کف دست چپ بگذارید هرگز از راه و عقیده‌ام دست برنخواهم داشت. این به این معناست که ایشان به اندازه‌ای به راه و هدف خویش ایمان داشتند که بالاترین چیزها ایشان را از پیمودن راهشان منصرف نخواهد ساخت. مولای متقیان نیز در مقام تبیین ویژگی‌های مالک اشتر به عنوان يك مدیر نمونه، به ایمان و اعتقاد راسخ او به عقیده و خسته نشدن از دفاع از آن اشاره کرده است. در کنار این ایمان به هدف، تلاش و سختکوشی برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های پیش‌بینی شده از دیگر ملزومات يك مدیریت موفق اسلامی است و ریاست‌جمهور که عالی‌ترین قدرت اجرایی کشور است باید به اندازه همه ملت کار و تلاش نماید.

۵. شجاعت، قاطعیت و توانایی

مولای متقیان برای افرادی که طرف مشورت قرار می‌گیرند شرایطی را در نظر گرفته از جمله اینکه ترسو نباشند بنابراین حال که شخص ترسو قابلیت مشورت ندارد به یقین نمی‌تواند مدیر و

۱. حرانی، حسن، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات آل علی (ع)، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲، ص ۲۳۳.

کارگزار جامعه دینی نیز باش.^۱ و ریاست جمهور باید با شجاعتی که از خود نشان می‌دهد این اطمینان را به ملت بدهد که او با شجاعت کامل مدافع حقوق آنان می‌باشد. همچنین امیرالمومنین نیز در مورد قدرت تصمیم‌گیری و نکو هوش‌دو دلی و تردید مدیران می‌فرماید: دانش خویش را نادانی و یقین خود را شک میندازید! آنگاه که به علم دست یافتید عمل کنید و آنگاه که به یقین رسیدید اقدام کنید!^۲ همچنین اهمیت قدرت و توانایی مدیر نسبت به قلمرو مسئولیتش بیانگر این مطلب است که مدیر باید از قدرت جسمی لازم برای انجام دادن وظیفه اش برخوردار باشد تا بتواند با شناخت دقیق مشکلات و نیازها، برای حل آنان دست به چاره اندیشی و نوآوری و ابداع بزند.^۳

ب- ملاک‌های ارزشی و مکتبی‌گزینش کارگزاران

۱. صالح بودن و پایبند به اخلاق

در منشور سیاسی حضرت علی^۷، سوابق دینی و اخلاقی کارگزاران یکی از مهمترین ملاک‌هاست و ایشان در خصوص رعایت اخلاق کارگزاران می‌فرمایند: «برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر^۹ و امام تو بیشتر، و دامن او پاک‌تر، شکیبایی او برتر باشد، از کسانی که دیر به خشم آید، و عذر پذیرتر باشد، و بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندان، با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد»^۴ همچنین امام به مالک اشتر توصیه می‌کند که اهل تجربه و حیا را به کار گیرد و از تجارب آنان به خوبی استفاده کند؛^۵

۲. الگو بودن و پیشگامی در عمل

مردم همیشه در طول تاریخ از اسوه‌های انتخابی خویش الگو گرفته‌اند و در این الگودهی، زمامداران و عالمان هر جامعه‌ای بیشترین نقش را داشته‌اند. در آیات قرآن کریم نیز، مدیران و زمامدارانی که مردم را به کارهای پسندیده و خیر فرا می‌خوانند بی‌آنکه خودشان پیشگام در

۱. دشتی، محمد، منبع پیشین، نامه ۵۳، ص ...

۲. همان، کلمات قصار، ص، شماره ۲۷۴.

۳. رحمانی، محمد، ملاک‌های گزینش کارگزاران در حکومت علوی، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۷۹، ص ۲۳۵.

۴. دشتی، محمد، منبع پیشین، نامه ۵۳، ص ...

۵. تاجریان، علیرضا، وظایف مردم و حاکمان در منشور اخلاقی و سیاسی علی (ع)، www.tajerian.ir

انجام دادن آن‌ها باشند مورد سرزنش و توبیخ واقع شده‌اند.^۱ حضرت علی^۷ روایت معروفی در این باره که می‌فرماید:

«الناسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» مردم به امیران شان شبیه‌ترند تا به پدران شان؛^۲

و همچنین: «الناسُ عَالِي دِينِهِمْ وَدِينِهِمْ» دین مردم بر طبق دین رهبران و حاکمان آنان است.^۳

حضرت علی^۷ نه تنها در بُعد نصیحت و تبیین ملاک‌های مدیران بر این مطلب پای فشرده که در مقام عمل نیز چنین رفتار کرده است.^۴ ایشان در خصوص صداقت در نامه به مالک اشتر می‌فرماید که با اهل صدق بیبوندند و مسئولیت‌های کلیدی را به آنان بدهد^۵ و همچنین فرموده‌اند که پیشوای قوم باید با مردم خود به راستی سخن گوید.^۶ در واقع ریاست‌جمهوری علی^۷ رغم همه فشارهای گوناگون نسبت به موقعیت خویش باید «آدمیت» و شأنتیت یک «انسان محترم» را رعایت نماید تا الگوی رفتاری مناسبی برای آحاد جامعه باشد که در واقع این مصداق این جمله معروف است که: «ادب مرد به زدولت اوست»

۳. فروتنی و مهربانی با مردم

خداوند نیز در قرآن کریم بر لزوم فروتنی و مهربانی با مردم برای رهبران الهی و مدیران اصرار و در مواردی به آن اشاره کرده است. از جمله اینکه از رسول خدا^۹ به عنوان «اسوه حسنه به معنای سرمشق نیکو»^۷ نام می‌برد و به ایشان در خصوص الگو قرار گرفتن برای دیگر زمامداران و رهبران فرمان می‌دهد که در ارتباط با مردم فروتن و متواضع باشید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

بالت و پر از (مهر و عطف) خویش را برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند بگستران.

امام علی^۷ نیز در اینخصوص می‌فرماید: «پر و بالت را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده روی و فروتن باش، و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان

۱. تأمرون الناس بالبر و تسون أنفسكم؛ بقره، ۴۱

۲. حرانی، ابومحمد حسن، منبع پیشین، ص ۲۰۸ و مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، جلد ۷۵، ص ۴۶.

۳. بهاء‌الدین اربلی، علی، كشف الغمّه فی معرفه الاثمه، جلد ۲، انتشارات محمدباقر کتابچی حقیقت، تبریز، ۱۳۸۱ هـ.ق، ص ۲۱.

۴. شهیدی، سید جعفر، منبع پیشین، خطبه ۱۷۵، ص ۱۸۱.

۵. آقاجانی، آرش، منبع پیشین، ص ۴۷.

۶. شریف رضی، محمد بن حسن، منبع پیشین، خطبه ۱۵۴.

۷. آیه ۲۱ سوره مبارکه احزاب: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَذِكْرٍ

باش، تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند، و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند»^۱ در کنار رئوفت و مهربانی حاکم نسبت به مردم، او باید از مشکلات و معضلات شخصی و روحی کارکنان و زیردستان خود نیز غافل نمانند. رحیم بودن و رحم کردن به مردم و در واقع «مهرورزی» ویژگی است که علاوه بر نمود ظاهری باعث نزدیکتر شدن مردم و حاکمان می‌گردد و وجود این صفت در ریاست جمهور به عنوان یکی از عالی‌ترین مقامات کشور می‌تواند تحمل مشکلات جامعه را بر مردم راحتتر نماید و بر صبوری آنان در مساعدت و همراهی ریاست جمهور بیافزاید.

۴. عدالت خواه بودن

در فرهنگ اسلامی، عدالت از واژه‌هایی است که بیشترین تقدس و کاربرد را دارد تا آنجا که یکی از اصول پنج‌گانه مذهب تشیع نیز است. امام علی^۷ درباره «عدالت» می‌فرماید: «خداوند، عدالت را برای استواری مردم و پاکیزگی از ستم و گناهان و وسیله علو و سربلندی اسلام قرار داده است.»^۲ علاوه بر اصلاح امور مردم و رشد فضایل اخلاقی، از آثار دیگر عدالت می‌توان به پایداری و قدرت دولت اشاره کرد چرا که ثبات الدول باقامه سنن العدل یعنی پایداری دولت‌ها با برپایی سنت‌های عادلانه است.^۳ در واقع وجود همین نگاه عدالت خواهی و عدالت طلبی در مدیران اسلامی می‌تواند حرکتی رو به جلو در رسیدن و نزدیک شدن به عدالت و تحقق این آرزوی دیرینه جامعه بشری باشد چرا که «گرفتن حق» و «دادن حق» خود از لوازم عدالت است و مدیر عادل هم درصدد احقاق حقوق خود و دیگران برمی‌آید (حق طلبی) و هم حقوق دیگران را به آنان باز می‌گرداند (حق دهی).^۴

۵. امانت دار نسبت حکومت

امانت دانستن مناصب و پست‌ها و حکومت‌ها، یکی دیگر از ویژگی‌های مدیران اسلامی است که به زیبایی در سوگندنامه ریاست جمهوری نیز بیان شده است؛ «قدرتی» را که ملت به عنوان «امانتی مقدس» به ریاست جمهور می‌سپارند و او نیز همچون امینی پارسا و فداکار نگهدار آن خواهد بود و آن را به منتخب خود پس از ملت می‌سپارد. روایات زیادی که درباره آیه ۵۸ سوره

۱. شریف رضی، محمد بن حسن، منبع پیشین، نامه ۴۶.

۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، منبع پیشین، جلد ۳، ص ۲۰۶.

۳. همان، ص ۳۵۳.

۴. الهامی نیا، علی اصغر، اخلاق اسلامی، انتشارات موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع)، تهران، ص ۱۳۴.

مبارکه نساء در خصوص اهمیت «امانت داری» وارد شده دلالت دارد که مقصود از «امانات» که باید به اهلش واگذار شود عبارت از «مناصب و مسؤولیت‌ها» است که از جمله آن‌ها «ولایت و امامت» نیز شامل می‌شود. امام علی⁷ نیز بر همین اساس خطاب به کارگزار خویش در آذربایجان، مسؤولیت و منصب پذیري رانوعي «امانت داری» تفسیر کرده‌اند و به کارگزاران خویش در اصفهان و آذربایجان نوشته‌اند: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است»^۱ و «همانا بزرگترین خیانت خیانت به ملت، و رسواترین دغلكاری، دغلبازی با امامان است»^۲ در نظر عالمان دین‌نیز بزرگترین خیانت عبارتست از «خیانت به امت» زیرا خیانت فی نفسه قبیح و بد است هرچند نسبت به کسانی که به آن‌ها اعتماد نشده باشد و اما خیانت به کسانی که به آن‌ها اعتماد شده بدتر است.^۳ چرا که آنان با این کار ریشه و فرهنگ امین و امانتداری را از بین می‌برند و اعتمادها را سلب می‌کنند. در هر صورت از نگاه دین مقدس اسلام و حکومت علوی، مسؤولیت پذیري «ریاست پذیري» نیست بلکه «امانت پذیري» است.

مبحث دوم- نقش ریاست جمهوری در قوانین و مقررات

رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است که بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی، «مسئولیت اجرای قانون اساسی» و «ریاست قوه مجریه» را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، «رهبری» بر اساس مفهوم مخالف اصل ۶۰ قانون اساسی، عهده‌دار اعمال قوه مجریه و «رئیس‌جمهور» بر اساس اصل ۱۱۳، به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی، رئیس قوه مجریه شناخته می‌شوند با این تفاوت که رهبری در نظام جمهوری اسلامی درست همانند رؤسای ممالک دیگر، فاقد مسئولیت «سیاسی» در برابر ارکان دیگر حاکمیت است و بر عکس، رئیس‌جمهور به همراه هیأت وزیران خود در برابر مجلس مسئولیت سیاسی اعم از سؤال و استیضاح و رای عدم اعتماد و

۱. دشتی، محمد، منبع پیشین، نامه ۵، ص

۲. همان، نامه ۲۶، ص

۳. حسن زاده آملی، حسن، کمره‌ای، محمد باقر، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، جلد ۱۹، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۸، ص ۵۲.

عدم کفایت دارد.^۱

سوگندنامه رییس‌جمهور که وی در آن به پاسداری از قانون اساسی، حفظ نظام و دین و میهن، تضمین حقوق و آزادیهای مردم و حراست از استقلال کشور مکلف می‌شود، نشان‌دهنده تکالیف سنگینی است که ملت بر دوشش نهاده‌اند. مسلماً عمل به چنین تکالیف خطیری، نیاز به ابزارها و اختیاراتی دارد که در حد و شأن چنین رسالتی باشد. ابزارهایی که در قالب «معاونتها»، «وزارتخانه‌ها» و سازمان‌های تابعه در اختیار رئیس‌جمهور می‌باشد و براساس دستور او سیاست‌های خویش را تنظیم می‌کنند. در خصوص شرایط رییس‌جمهور نیز به اختصار می‌توان گفت که به موجب اصل ۱۱۵ قانون اساسی، رئیس‌جمهور باید از میان «رجال مذهبی، سیاسی و ایرانی‌الاصل و دارای تابعیت ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه، امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» باشد. همچنین او براساس اصل ۱۲۲ نیز در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد، در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی، مسئول است.

گفتار اول - وظایف و اختیارات ریاست جمهوری در سطح مقررات فراتقنینی (قانون اساسی)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. فصل نهم این قانون، مربوط به قوه مجریه شامل رییس‌جمهوری و وزراء و معاونین ایشان، شرایط، اختیارات و وظایف آنها، صلاحیت و مشروعیتشان و دوره خدمتشان می‌باشد که ۳۰ اصل از اصول ۱۱۳ تا ۱۴۳ قانون اساسی در این خصوص تدوین شده است و در مجموع ۳۷ بار در قانون اساسی به «قوه مجریه» اشاره شده است و در این میان نیز حدود ۴۰ بار رییس‌جمهور و اختیارات و وظایف او در قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است و درباره وزراء و وزارتخانه‌ها حدود ۲۳ بار، اصول قانون اساسی تاکید نموده است.^۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در آغاز فصل نهم که به قوه مجریه می‌پردازد نقش و وظیفه مهم و کلان برای رییس‌جمهور تعریف می‌نماید: ۱. مسئولیت اجرای قانون اساسی و ۲. ریاست قوه مجریه؛ نقش اول، در واقع همان وظیفه «پاسداری از قانون اساسی» است که رییس‌جمهور در سوگندنامه

۱. رنجبر، احمد، جایگاه رئیس‌جمهور در رژیم‌های سیاسی مختلف، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۴، ص ۲۹؛

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت؛ پاسخ به شبهات در خصوص اصل ۱۱۳ قانون اساسی؛ www.dolat.ir

خویش بر آن عهد می‌بندد. قانون اساسی، خود برای این پاسداری، از نظر «تقنینی» و «اجرایی»، قائل به تفکیک شده است به گونه‌ای که بر اساس اصل ۹۱، پاسداری «تقنینی» از خود را بر عهده شورای نگهبان قانون اساسی نهاده است که از طریق نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی در مطابقت آنها با شرع و قانون اقدام می‌نماید و پاسداری اجرایی، تحت عنوان «مسئولیت اجرای قانون اساسی» بر اساس اصل ۱۱۳، بر عهده رئیس جمهور قرار داده شده است. در واقع با این تقسیم‌بندی قانون اساسی، در نگاه کلان تر، ۳ وظیفه مهم را می‌توان برای رئیس جمهور تعریف نمود:

۱. وظایف و اختیارات رئیس جمهور در اداره عالی کشور؛

۲. وظایف و اختیارات رئیس جمهور در ریاست و اعمال قوه مجریه؛

۳. وظایف و اختیارات رئیس جمهور در ارتباط با قوای مقننه و قضائیه؛

الف - وظایف و اختیارات رئیس جمهور در اداره عالی کشور

۱. مسئولیت اجرای قانون اساسی

اولین و مهم‌ترین وظیفه رئیس جمهور، همانگونه که از اصل ۱۱۳ قانون اساسی مستفاد می‌شود، "اجرای قانون اساسی" است. زمینه اولیه سپردن مسئولیت اجرای قانون اساسی به رئیس جمهور از اصل هفتاد و پنجم پیش‌نویس قانون اساسی می‌باشد که اشعار می‌داشت: "رئیس جمهور بالاترین مقام رسمی کشور در امور داخلی، روابط بین‌المللی و اجرای قانون اساسی است". این اصل که از ماده پنجم قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه اقتباس شده بود و رئیس جمهور را "مراقب اجرای قانون اساسی" می‌دانست^۱ در تصویب نهایی اصل یکصد و سیزدهم، به این سرانجام رسید که رئیس جمهور «پس از مقام رهبری» عالیترین مقام رسمی کشور قرار داد شد و در واقع این نگاه را بیان نمود که با توجه به مقام عالی رهبری، نمی‌توان از رئیس جمهور مسئولیت مطلق و تمام عیار اجرای قانون اساسی را انتظار داشت اما با این حال حدود اختیارات این جایگاه در مقام عملی‌انگرم این می‌باشد که نقش ریاست جمهوری اگر بیش و یا هم‌تراز رهبری نباشد، کمتر از آن نیست چرا که بر اساس قانون اساسی برای رئیس جمهور، چهار خاصیت ممتاز می‌توان ترسیم کرد: ۱. نماینده منتخب و مستقیم مردم و یکی از مظاهر برجسته حاکمیت ملی (اصل ۱۱۴)؛ ۲. عالیترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری (اصل ۱۱۳)؛ ۳.

۱. "Le president de la Republique veille Au respect la Constitution": Art ۵ de la Consitution francaise (۱۹۵۸)

مورد تأیید مقام رهبری (بند ۹ اصل ۱۱۰)؛ ۴. رئیس قوه مجریه (اصل ۱۳۳)^۱

سنگینی رسالت اصل دوم نیز که در راستای نیل به اهداف نظام، وظایف شانزده‌گانه‌ای را برای دولت تبیین نموده است، خواسته و یا ناخواسته بر دوش «رییس جمهور» نهاده می‌شود و بخش اعظم رعایت حقوق ملت مثل حق مسکن، حق شغل، حق ازدواج و تشکیل خانواده، حق آزادی بیان و مذهب در حدود اسلام و حق تحصیل، حق تأمین اجتماعی، احیای امر به معروف و نهی از منکر، حفظ استقلال و تمامیت ارضی و امنیت مردم در قانون اساسی از وظایف دولت و قوه مجریه شمرده شده است. پیگیری و نظارت بر اجرای صحیح قانون اساسی نیز به اندازه‌ای خطیر است که نقض قانون اساسی در صورتی که همراه با عناصر سه‌گانه جرم باشد، جرم محسوب شده و بر اساس مواد ۵۷۰ و ۵۷۱ قانون مجازات اسلامی مستوجب مجازات دانسته شده است.^۲

۱-۱ - گستره مسئولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی

در خصوص "محدوده مسئولیت رییس‌جمهور در خصوص وظیفه اجرای قانون اساسی" باید گفت که برای مسئولیت رییس‌جمهور، ۲ نظریه مسئولیت‌گسترده و مسئولیت محدود بیان شده است. بر اساس نظریه مسئولیت گسترده، مسئولیت اجرای قانون اساسی رییس‌جمهور، فراتر از حوزه ریاست قوه مجریه می‌باشد. در واقع اصل ۱۱۳ قانون اساسی دو شأن برای رییس‌جمهور در عرض هم قائل شده است. شأن «ریاست قوه مجریه» که در عرض روسای قوه مقننه و قضائیه قرار دارد و هر یک از قوا بر اساس استقلال و تفکیک قوای نسبی وظایف خود را انجام می‌دهند و شأن «بالاترین مقام رسمی کشور» بعد از رهبری، که در آن رییس‌جمهور بر کار دو قوه دیگر نظارت دارد که از اصول قانون اساسی تخطی نکنند و شاید این درجه نازله‌ای از رهبری است.^۳ اما بر اساس نظریه مسئولیت محدود، رییس‌جمهور تنها مسئول اجرای قانون اساسی در قوه مجریه است؛ آن هم جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود. بر این اساس، اصل ۱۱۳ در مقام بیان وظایف و اختیارات «رییس قوه مجریه» است و نمی‌توان آن را مطلق یا عام دانست و اصل مذکور را باید با اصول کلی دیگر نظیر اصل تفکیک و استقلال قوا و یا اختیارات رهبری

۱. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، حاکمیت و نهادهای سیاسی، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۸۹.

۲. بداغی، فاطمه، تفسیر اصل ۱۱۳ قانون اساسی، پایگاه هیأت نظارت بر اجرای قانون اساسی www.ghanoonasasi.ir

۳. مهرپور، حسین، رییس‌جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی، جلد ۱، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵، ص ۴۷.

مقید کرد. در ضمن این اصل در «فصل نهم» قانون اساسی و تحت عنوان «قوه مجریه» جای گرفته است و لذا باید در همین حوزه نیز تفسیر گردد و قید «جز در اموری» تنها مربوط به «ریاست قوه مجریه» نیست بلکه «مسئولیت‌های اجرای قانون اساسی» را هم مقید می‌کند^۱ بنابراین رئیس جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است اما «جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود» و طبیعی است که طبق اصل ۵۷ و بند ۷ اصل ۱۱۰ «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه» از اموری است که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود.^۲ در نتیجه گیری صواب این موضوع باید گفت رئیس جمهور، «مسئول نظارت بر اجرای قانون اساسی» در «همه قوا» است و این وجه جمع با واژه «پاسدار قانون اساسی» مذکور در اصل ۱۲۱ و با برداشت مفسر رسمی قانون اساسی، یعنی شورای نگهبان نیز قابل انطباق است. زیرا آنچه شورای نگهبان، بویژه با تائید مواد ۱۳ تا ۱۶ قانون وظایف و اختیارات ریاست جمهوری پذیرفته است چیزی فراتر از نظارت و بازرسی نیست؛ زیرا این اخطار و تذکر، دخالت و اقدام عملی در حوزه اختیارات قوای مقننه و قضائیه را تجویز نمی‌کند و نهایتاً بر فرض اختلاف نظر جدی رئیس جمهور با قوای دیگر بر سر مفاد قانون اساسی، موضوع می‌تواند با تفسیر آن توسط مرجع رسمی (شورای نگهبان) بر اساس اصل ۹۸ و یا با تصمیم و اقدام رهبری بر اساس اصل ۱۱۰، به عنوان «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه» خاتمه یابد.

به این ترتیب ظاهر اصل ۱۱۳ در حد امکان محفوظ مانده است و استقلال قوا و دیگر قواعد و اصول قانون اساسی آسیب ندیده است و مرجعی قانونی به نام «ریاست جمهوری» برای نظارت بر اجرای قانون اساسی وجود خواهد داشت تا با کشف و بازرسی و پیگیری، اقدام لازم، اخطار و تذکر، اعلام آمار برای استمداد از افکار عمومی و بالاخره گزارش به عالیترین مقام کشور ضمانتی برای اجرای قانون اساسی فراهم آورد.^۳

۱-۲ - هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی

مسئولیت رییس جمهور در پاسداری از قانون اساسی به معنی «نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم در خصوص اجرای قانون اساسی» در حال حاضر، توسط

۱. اسماعیلی، محسن، نقش رییس‌جمهور در اجرای قانون اساسی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۳، ص ۲۲.

۲. جباری، شعبانعلی، نقش رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی، پورتال شورای نگهبان www.shora-gc.ir

۳. اسماعیلی، محسن، منبع پیشین، ص ۲۸.

هیئتی به نام «هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی» در حال پیگیری می‌باشد و رییس جمهور نیز به عنوان ریاست عالی آن، اعضای این هیئت و شرح وظایف و مدت مسئولیت آنان را تعیین می‌نماید.

نظارت بر حسن اجرای اصول قانون اساسی و گزارش موارد عدم اجرای آن به رییس‌جمهور، پیگیری تحقق اهداف قانون اساسی، ارائه پیشنهاد برای وضع یا اصلاح قوانین و مقررات در جهت اجرای بهتر و کاملتر اصول قانون اساسی، آسیب شناسی موارد عدول از اجرای قانون اساسی، ایجاد نظام ارزیابی اجرای قانون اساسی، برنامه‌ریزی برای مشارکت مردم در نظارت بر اجرای قانون اساسی و فرهنگ‌سازی و ترویج گفت‌وگو مبتنی بر مبنای و نگرش و حقوق اساسی مندرج در قانون اساسی، وظایفی است که در حال حاضر بر این هیئت نهاده شده است.^۱ درخصوص بحث حقوقی این هیئت که متشکل از ۱۱ نفر از اساتید حقوقدان حوزه و دانشگاه و مرتبط با قوای دیگر می‌باشد به اختصار می‌توان بیان نمود از آنجاییکه به رییس‌جمهور در اصل ۱۲۴ اجازه داده شده است که برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد^۲، در واقع رییس‌جمهور با تشکیل این هیئت تحت «معاونت نظارت بر اجرای قانون اساسی ریاست جمهوری» بر آن است که به سوگندی که یاد کرده، عمل کند و اجرای قانون اساسی را مورد پیگیری قرار داده و بر آن نظارت کند. در واقع جایگاه قانونی این هیأت جایگاهی است که اصول ۱۱۳، ۱۲۱ و ۱۲۲ برای رییس‌جمهور رقم زده است؛^۳

۲. مسئولیت رییس‌جمهور در امور بین‌الملل

بر اساس اصل ۱۲۵ قانون اساسی، رییس‌جمهور در مقام اعمال حاکمیت و اقتدار ملی در روابط بین‌المللی و به عنوان نماینده عالی دستگاه دیپلماسی ایران و طرف متعاقد، «اصل قرارداد بین‌المللی» را که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است را امضاء می‌نماید و یا امضای آن را به نماینده قانونی خود مانند معاونین و یا وزرای مربوطه می‌سپارد. همچنین بر اساس اصل ۱۲۸ قانون اساسی

نصب سفرای ایران و توشیح استوارنامه‌آنان و قبول استوارنامه سفرای کشورهای دیگر در ایران نیز با رییس‌جمهور ایران است

۱. پایگاه ریاست جمهوری اسلامی ایران؛ www.president.ir/fa/۳۵۵۸۶

۲. تارنمای هیئت نظارت بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران www.ghanoonasasi.ir

۳. شریف، محمد، جایگاه حقوقی هیأت نظارت بر اجرای قانون اساسی، www.hamshahrionline.ir/details/۱۷۶۸۳۶

۳. ریاست و مسئولیت و عضویت در شوراهای عالی

رئیس جمهور در سه شورای مذکور در قانون اساسی یعنی شورای عالی امنیت ملی، ریاست، شورای بازنگری قانون اساسی و شورای موقت رهبر، مسئولیت و عضویت دارد. رسالت اصلی شورای عالی امنیت ملی که بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی به ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌گردد، اتخاذ تصمیم شایسته برای اجرای صحیح امور دفاعی امنیتی می‌باشد که فی الواقع و در نفس امر از امور قوه مجریه به شمار می‌رود و به همین جهت رئیس جمهور در مقام ریاست قوه مجریه، ریاست شورای عالی امنیت ملی را بر عهده داشته باشد. همچنین بر اساس اصل ۱۷۷ قانون اساسی، مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می‌نماید.

ب- وظایف و اختیارات رئیس جمهور در ریاست و اعمال قوه مجریه

۱. ریاست هیأت وزیران

به موجب اصل ۱۳۴ ق.ا.ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم‌های وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجراء می‌کند. در واقع وظیفه ریاست هیأت وزیران، بر پایه سه محور نظارت بر کار وزیران، هماهنگی تصمیمات آنان و تعیین خط‌مشی می‌باشد.^۱

۲. ریاست عالی سازمانهای وابسته

اداره خاص امور مربوط به ریاست جمهوری در «نهاد ریاست جمهوری» متمرکز است. علاوه بر آن، قانون اساسی و قوانین عادی، برخی دیگر از سازمانها را نیز وابسته به ریاست جمهوری اعلام داشته‌اند که از آنها می‌توان به سازمان‌های حفاظت محیط زیست، انرژی هسته‌ای، میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و بنیاد شهید و امور ایثارگران اشاره کرد که رؤسای آنان، معاونین رئیس جمهور محسوب می‌شوند.

۳. تعیین معاون اول، سرپرست موقت وزارتخانه‌ها و معاونین مختلف

گستره فعالیت‌های دولت، رئیس جمهور را ناخواسته مکلف به داشتن معاونینی در امور مختلف کشور می‌کند زیرا رئیس جمهور اگر چه اصولاً خود مسئول انجام ریاست جمهوری می‌باشد اما

۱. پاک‌نهاد، ندادسات، حقوق و وظایف رئیس جمهور، تارنمای موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان www.tebyan.net

از آنجایی که نمی‌تواند همیشه بطور فعال در صحنه باشد، ضرورت ایجاد می‌کند که معاونینی داشته باشد تا مسئولیت‌های وی را به عهده بگیرند. براساس اصل ۱۲۴ قانون اساسی، «رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد» این اصل به همراه اصل ۱۲۷ در مورد نمایندگان ویژه رئیس جمهور، «صلاحیت‌های اختیاری» رئیس جمهور را بیان داشته است. اعطای نشان‌های دولتی مشتمل بر نشان‌های: «انقلاب اسلامی»، «جمهوری اسلامی»، «استقلال»، «آزادی» و نشان‌های عمومی (ایثار، جهاد، عدالت، تربیت، شجاعت و...) و نشان‌های تخصصی (مدیریت، علم، فرهنگ، عمران، کشاورزی، صنعت، ورزش و...) نیز براساس اصل ۱۲۹ قانون اساسی با رئیس جمهور است.^۲

ج- وظایف و اختیارات رئیس جمهور در ارتباط با قوای مقننه و قضائیه

۱. رئیس جمهور و قوه مقننه

تعامل و ارتباط رئیس جمهور با رئیس و نمایندگان قوه مقننه را می‌توان در در امضای قوانین (اصل ۱۲۳)، در امر همه‌پرسی (اصل ۵۹)^۳، در نصب و عزل وزیران و رأی اعتماد به هیئت دولت (اصول ۱۳۳ و ۱۳۶)، پیشنهاد توقف انتخابات (اصل ۶۸) در حضور و احضار به مجلس^۴، در تقاضای تشکیل جلسه غیر علنی مجلس (اصل ۶۹) و ارسال مصوبات دولت برای رئیس قوه مقننه جهت اطلاع (اصل ۱۳۸) تبیین نمود.

۲. رئیس جمهور و قوه قضائیه

بین رئیس جمهور و قوه قضائیه ارتباط چندانی وجود ندارد و این، به خاطر اقتضای استقلال قوه قضائیه و جلوگیری از نفوذ مقامات بر کار این قوه می‌باشد. اما می‌توان در سه مورد انتخاب وزیر دادگستری به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه (اصل ۱۶۰)، رسیدگی به تخلفات قانونی ریاست جمهور توسط دیوان عالی (اصل ۱۴۰) و تخلفات سیاسی باشد که به رهبری منعکس می‌شود و

۱. صفار، محمد جواد، حقوق اساسی، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۲۸.

۲. ماده ۱ آیین‌نامه اعطای نشان‌های دولتی مصوب ۱۳۶۷/۱۱/۱.

۳. ماده ۳۶ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸/۴/۴.

۴. ماده ۷ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی.

رهبری در خصوص آن تصمیم می‌گیرد^۱ و رسیدگی به دارایی رئیس‌جمهور (اصل ۱۴۲)؛ البته این اصل چنان «انشا» نشده است که رئیس قوه قضاییه به انتظار بنشیند تا افراد مذکور در این اصل که رئیس‌جمهور، معاونان او، وزیران و همسر و فرزندان آنانند، لیست اموال خویش را قبل و بعد از مسئولیت اعلام کنند، بلکه وظیفه ریاست‌قوه است که خود راساً مبادرت به چنین کنترلی بنماید.^۲ اگر نتیجه‌ی رسیدگی، افزایش دارایی برخلاف حق باشد و این افزایش مربوط به جرایم عادی مقامات گردد، باید براساس به اصل ۱۴۰ مراتب را جهت تعقیب و رسیدگی به دادگستری عمومی ارجاع دهد. البته تأکید قانون بر ایناست که اگر این افزایش دارایی به‌حق باشد تخلفی صورت نپذیرفته است.^۳

گفتار دوم - وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور در سطح مقررات تقنینی و فروتقنینی

در سطح مقررات تقنینی با دو قانون مهم و مصوب مجلس یعنی «قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸/۲۲ / ۱۳۶۵» و «قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱/۲۰ / ۱۳۷۹» مواجه هستیم و در سطح مقررات فروتقنینی به بررسی آیین‌نامه‌های داخلی هیئت دولت، مجمع تشخیص مصلحت‌نظام، شورای عالی اداری و سایر قوانین و مقررات دخیل در نقش آفرینی برای ریاست‌جمهور خواهیم پرداخت.

الف - قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران

بسیاری از وظایف و اختیارات مندرج در این قانون، صریحاً یا تلویحاً در قانون اساسی نیز ذکر شده است اما آنچه که در این قانون بیشتر به چشم می‌خورد و مورد استفاده و استناد قرار می‌گیرد مواد فصل دوم این قانون یعنی مواد ۱۳ تا ۱۶ در خصوص مسئولیت رییس‌جمهور در اجرای قانون اساسی می‌باشد. اصولاً نقض قانون اساسی در لوای سوءبرداشت، نادیده انگاری یا نقض آشکارا، ناتوانی از اجرا یا مسکوت گذاشتن اصولی از قانون اساسی پدیدار می‌شود که گاهاً عناوین مجرمانه نیز می‌یابد. این جرائم، تخلفات و یا نقض‌ها که در کشورهای مختلف در

۱. قانون اساسی، مسئولیت اجرا و تفکیک قوا، در گفت و گو با آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی، دکتر حسین مهرپور و دکتر سید محمد هاشمی، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۲۰، ص ۱۵.

۲. الهام، غلامحسین، جامعه علوی و اصل ۱۴۲ قانون اساسی، www.elham.ir

۳. مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی، انتشارات پایدار، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۰، صص ۳۲۵ و ۳۲۶.

«محاكم عادي» و يا «دادگاه قانون اساسي» مورد رسيدگي قرار مي‌گيرند، اصولاً مربوط به حقوق ملت مي‌باشند.^۱ البته از آنجايي كه مخاطب و مجري قواعد حقوق اساسي غالباً بخشهاي مختلف خود حاكميت هستند و به بيان ديگر قانونگذار، مجري قانون و متخلف از قانون، غالباً يكي هستند، ضمانت اجراي (قضايي يا اداري) تخلف از قانون اساسي مشكل‌زا مي‌باشد^۲ اما با اين حال، قانون مذکور با تكيه بر نظام تفكيك قوا و نظارت آنها بر هم و استفاده از ابزارهايي مانند احزاب و مطبوعات آزاد كه ارکان دموكراسي هستند، براي مسؤليت رئيس جمهور در اجراي قانون اساسي، ضمانت‌هاي اجرايي سياسي پيش‌بيني کرده است.^۳ اين ضمانت اجراها در قالب اطلاع به بالاترين مقام مسئول در خصوص چرایی علت توقفاً عدم اجراي قانون اساسي، حق اخطار و تذکره قوای سه‌گانه کشور، ارائه ساليانه آمار موارد توقف، عدم اجرا و نقض و تخلف از قانون اساسي به اطلاع مجلس در مجموع در مواد ۱۴، ۱۵ و ۱۶ اين قانون بصورت صريح براي رياست جمهوري در نظر گرفته شده است.

ب - قانون آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي و اصلاحات آن

قانون آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۰ از جمله قوانين مهمي است كه ناظر بر حفظ حقوق قوای سه‌گانه و آحاد افراد جامعه در فرايند قانونگذاري و خصوصاً تعامل فيما بين قوای مقننه و مجريه است. موادي از اين قانون در ارتباط بين قوای مقننه و مجريه، به حوزه اختيارات و وظائف رئيس جمهوري مي‌پردازد كه در اين بين به موارد زير مي‌توان به اختصار اشاره كرد:

حق شركت انفرادي و يا اجتماعي رئيس جمهور در جلسات علني مجلس با هيئت همراه درخواست جلسه اضطراري غير علني در خصوص مسائل امنيتي کشور
ارائه اسامي هيئت وزيران به همراه شرح حالشان و برنامه دولت
حضور در مجلس طي مهلت يكماهه براي پاسخ به سوالات نمايندگان

۱. سعيد، پدram و مقصودي، مجتبي، حدود، وظائف، اختيارات و مسؤليت‌هاي رياست جمهوري، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۱۲.
۲. قاضي، ابوالفضل، منبع پيشين، ص ۵۵.
۳. هدايت‌نيا، فرج ا...، نقد و بررسي لايحه اصلاح «قانون تعيين حدود وظائف و اختيارات رياست جمهوري، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۱۵، اسفند ۱۳۸۱، ص ۶۶.

دفاع از وزیر یا وزرا در جلسه استیضاح^۱

اظهار نظر در خصوص لوایح و طرح‌های مطرح در مجلس^۲

ج - آیین نامه داخلی هیئت دولت

آیین‌نامه داخلی هیئت دولت مصوب سال ۱۳۶۸ می‌باشد که در خصوص ترتیب تشکیل هیات‌دولت و کمیسیون‌های آن از قبیل کمیسیون اقتصادی، امور اجتماعی و دولت‌الکترونیک، فرهنگی، امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست، لوایح، سیاسی-دفاعی، علمی تحقیقاتی و فناوری، دفتر هیات‌دولت و بررسی حقوقی، نحوه رسیدگی و تصویب پیشنهاد، تنظیم و ابلاغ مصوبات، لوایح و دفاع از آنها و... می‌پردازد.

بسیاری از مواد این آیین‌نامه در خصوص ریاست جمهور بر هیئت دولت می‌باشد.^۳ در کنار وظایفی که برای معاون اول به قائم‌مقامی رییس جمهور پیش‌بینی شده است تکالیف و اختیاراتی منحصراً برای رییس جمهور نیز تعیین شده است. حق تعیین موضوع و دستور جلسه، امضاء مشترک لوایح توسط رئیس جمهور و وزیر یا وزراء یا روسای دستگاه‌های مربوطه، تشخیص قید فوریت برای لوایح تقدیمی و قید اهمیت برای لوایح متضمن عهود، مقاله نامه‌ها، قراردادهای، موافقتنامه‌های بین‌المللی و نیز تقاضای سلفوریت از لوایح با تصویب هیات‌وزیران و در موارد فوری، هماهنگی جهت استفسار دستگاه‌ها از شورای نگهبان از جمله موارد نقش‌های ریاست‌جمهوری و هماهنگی جلسه غیر علنی نمایندگان مجلس با هر یک از وزرا^۴ از مواردی است که در این آیین‌نامه در حوزه اختیارات و عملکرد ریاست‌جمهور تبیین شده است.

د - آیین نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام

بر اساس ماده ۲۵ آیین نامه، جدای از دستورات مجمع در خصوص حل تعارض مصوبات مجلس و شورای نگهبان، رئیس جمهور نیز می‌تواند رسیدگی به مصوبه مجلس شورای اسلامی را از مجمع تشخیص بخواهد؛ در واقع این یک امتیاز و ویژگی برای ریاست‌جمهور محسوب می‌شود که بتواند بررسی یک مصوبه را در دستور کار مجمع قرار دهد.

۱. مواد ۷، ۱۰۳، ۱۸۸، ۱۹۷ و ۲۳۱ قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۰.

۲. قانون الحاق یک تبصره به ماده ۷۴ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۱۴.

۳. ماده ۵ آیین نامه داخلی هیئت دولت مصوب ۱۳۶۸/۹/۸.

۴. ماده ۲۲ آیین نامه داخلی هیئت دولت مصوب ۱۳۶۸/۹/۸.

۵. مواد ۳۹، ۴۰ و ۴۱ آیین نامه داخلی هیئت دولت مصوب ۱۳۶۸/۹/۸.

هـ - آیین نامه داخلی شورای عالی اداری

شورای عالی اداری در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۲۶ بنا به پیشنهاد سازمان (منحل شده) مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، آیین نامه داخلی شورای عالی اداری را تصویب نموده بود که ریاست جلسات شورا به عهده رئیس جمهور می‌باشد. ریاست جمهور علاوه بر ریاست عالی، بر اساس ماده ۶ آیین نامه، مقام تأیید کننده مصوبات شورای عالی اداری نیز می‌باشد.

برای ریاست جمهور، نقش‌های و شئون عالی دیگری نیز در سایر قوانین و مقررات پیش بینی شده است. ریاست هر شورایی به نام «شورای عالی» مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش، شورای عالی علوم تحقیقات و فناوری اطلاعات و... با شخص رئیس جمهور که عالی‌ترین مقام اجرایی کشور است می‌باشد. همچنین قانون همه پرس‌جمهوری اسلامی ایران، قانون حمایت از آزادگان بعد از ورود به کشور و... مسئولیت ابلاغ و نظارت بر حسن اجرای آنان را بر عهده رئیس جمهور قرار داده است.

مبحث سوم - نقش رئیس جمهور در سیاست‌گذاری‌های جنایی پیشگیرانه

ریاست جمهوری به عنوان مجری قانون، هر چند که بیشتر نقش سیاست‌گذار اجرایی در کشور را دارا می‌باشد اما با توجه به گستره کاری او در ریاست هیئت دولت و شوراهای عالی که نقش یک شورای سیاست‌گذار در امورات اجرایی کشور می‌باشد می‌توان جایگاه سیاست‌گذاری تقنینی را برای ریاست جمهوری قائل شد. از سوی دیگر مسئول اجرا و پاسداشت قانون اساسی بودن ریاست جمهوری، ترکیبی از سیاست‌گذاری قضایی و مشارکتی را بر ریاست جمهور مفروض می‌نماید که می‌تواند در مقام یک ناظر و گزارش دهنده به مردم، از حقوق ملت در قانون اساسی دفاع نماید.

در میان تقسیمات گوناگون برای سیاست و سیاست‌گذاری نیز، سیاست جنایی یکی از مهمترین سیاست‌های اجتماعی می‌باشد که در واقع سازوکار ساماندهی واکنش‌ها در مقابل پدیده مجرمانه است. قانونگذار در سیاست جنایی برای کنترل جرم، علاوه بر ابزارهای حقوق کیفری، از ظرفیت نهادهای غیرکیفری نیز بهره‌مند می‌شود چرا که حقوق کیفری یک بخشی از سیاست جنایی می‌باشد که هدف آن مبارزه با جرایم و کنترل و پیشگیری از آن می‌باشد. در تعریف سیاست جنایی، آن را هم علم و هم هنر دانسته‌اند و در ۲ مفهوم مضیق و موسع آن را بسط داده‌اند. در مفهوم مضیق، سیاست جنایی همان سیاست کیفری است که در مقابل عمل مجرمانه،

۱. ماده ۴ آیین نامه داخلی شورای عالی اداری مصوب ۱۳۷۹/۷/۲۶.

مجازات را پیش بینی کرده است اما در مفهوم موسع، سیاست جنایی تنها به حقوق کیفری بسنده نمی شود و تدابیر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دینی و... را در مقابله با جرایم در بر می گیرد.^۱

از همین منظر است که می توان بسط سیاست گذاری جنایی را در حوزه تقنین، اجرا و نظارت مورد بررسی قرارداد. در واقع قانونگذار، مقام اداری و مقام قضایی، مقام های مسئول یک سیاست جنایی می باشند که نوع و مبانی نقش آفرینی آنان متفاوت می باشد و هر یک در حوزه وظایف خود مسئول و پاسخگو نسبت به حسن کارایی سیاست جنایی هستند. مقام های مسئول در سیاست جنایی باید مستمراً در حال افزودن، حذف کردن و منطبق کردن فرایند سیاست جنایی با سایر سیاست های کلان جامعه بوسیله ابزار های آن باشند و در این وظیفه سنگین، هماهنگ کردن و منطبق کردن قوانین و مقررات با وضعیت و تحولات اجتماعی، برحسب هدف های مورد نظر و تدوین یک برنامه کلی به نظر می رسد دولت نقش اصلی را بر عهده دارد که فعالیت قانون گذاری را به حرکت در می آورد، یا آنرا کنترل می کند و رهنمود های لازم را به مقام اداری تابعه می دهد.^۲

در کشور ما، علی رغم قائل شدن به اصل تفکیک قوا، می توان مبانی نقش آفرینی ریاست جمهوری در سیاست گذاری های جنایی کشور را علاوه بر حوزه سیاست گذاری جنایی اجرایی در حوزه سیاست گذاری جنایی تقنینی نیز مورد مطالعه قرار داد. رییس جمهور در حوزه سیاست گذاری جنایی تقنینی با استفاده از ظرفیت قانون سازی از طریق لوایح قانونی و ریاست شوراهای عالی سیاست گذار کشور به نوعی نقش آفرین در همه حوزه های سیاست گذار کشور می باشد که در مسائل کلان جامعه مانند ناهنجاری ها و آسیب های اجتماعی نیز ریاست جمهوری حق و وظیفه ورود و اعمال نظر دارد. در حوزه سیاست گذاری جنایی اجرایی نیز از طریق مدیریت منابع مالی و انسانی کشور و نظارت بر برخی نهادهای مجری قوانین، بر حسن اجرای قوانینی که بازخوردهای جنایی در سطح کشور دارد نظارت دارد.

گفتار اول- نقش رئیس جمهور در سیاست گذاری جنایی تقنینی

۱. عظیم زاده اردبیلی، فائزه و حسابی، ساره، سیاست جنایی و تطور مفهومی، نشریه تعالی حقوق، شماره ۱۵، بهمن و اسفند ۹۰، ص ۱۱۳؛

۲. لواسور، ژورژ، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات جنایی، شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ و بهار و تابستان ۱۳۷۲، ص ۴۱۵.

بر اساس اصل ۱۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهوری با همکاری وزیران، برنامه و خطمشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. اصل ۱۳۸ نیز شخصیت قانون نگاری و قانون گذاری برای هیئت دولت قائل شده است. یکی از مهمترین دستورات کار هیئت دولت، بررسی مسائلی است که پیشتر در کمیسیون‌های هیئت دولت مطرح شده و پس از کار کارشناسی جهت اخذ تصمیم نهایی، در هیئت دولت مطرح می‌شود. در واقع ساز و کار هیئت دولت به عنوان يك پارلمان كوچك مي‌باشد كه مسائل مهم و مرتبط اجرائي کشور در آنها طرح و تصميم گيري لازم صورت مي‌گيرد. خروجي اين تصميم گيري ها، گاه در قالب يك دستور، يك انتصاب، يك سياستگزارى كلان، يك آيين نامه يا دستورالعمل و يا در قالب يك لايحه جهت ارسال به مجلس شوراي اسلامي مي‌باشد. قانون سازي از طريق لوايح قانوني، اولين ابزار رياست جمهوري در جهت حركت در مسير سياستگذاري تقنيني مي‌باشد.

الف - قانون سازي از طريق لوايح قانوني

رياست جمهوري به عنوان رييس دولت و هيئت وزيران، از فرايند تدوين مصوبات دولتي و ارائه لوايح قانوني به عنوان يك فرصت و ظرفيت استفاده مي‌نمايد تا موارد دي را كه در حوزه وظايف قوه مجريه مي‌باشد و يا قوه مجريه براي اجرائي بهتر قوانين و سياست‌هاي كلان نظام به آنها احتياج دارد سياستگذاري نمايد. در اين مرحله، بسته به نوع خروجي دستگاه هيئت دولت كه دستورالعمل يا آيين نامه مي‌باشد، نوعي سياستگذاري تقنيني با رياست عاليه رييس جمهور در هيئت دولت و تفويض اختيارات خاص در كميسيون‌هاي مربوطه، صورت مي‌گيرد كه اين مرحله با ابلاغ سياستگذاري تقنيني، با ابلاغ مصوبه توسط رياست جمهوري و تأييد مجلس به پايان مي‌رسد اما اگر خروجي دولت، لوايحي قانوني باشد كه براي تصويب و اجراء، نياز به طرح در مجلس شوراي اسلامي مي‌باشد، فاز ديگري پيش روي رياست جمهوري خواهد بود. در واقع سياست تقنيني در حوزه رياست جمهوري شامل ۲ مرحله مي‌باشد كه يك بخش آن بصورت مستقل و بخش ديگر آن بصورت تعاملی با مجلس شوراي اسلامي مي‌باشد.

۱. مرحله تدوين، بررسي و نگارش لوايح قانوني در دولت

بر اساس بندب آيين‌نامه داخلي هيئت دولت، هيئت دولت از ۷ كميسيون دائمي تشكيل مي‌شود كهوظيفه اصلي "تدوين لوايح دولت در زمينه‌هاي مختلف" بر عهده كميسيون لوايح است. بطوركلي موضوعاتي مي‌توانند در جلسات كميسيونها و نهايتاً در هيأت دولت مطرح شوند كه منحصرأ از طرف رييس جمهور و معاونان رييس جمهور و وزراء براي معاون اول رييس جمهور ارسال

شده باشد.

مصوبات هیأت وزیران و کمیسیون‌های موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی در صورتی که صرفاً برای وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت حق یا تکلیف ایجاد نماید، ولو آن که در روزنامه رسمی منتشر نشده یا نشود. لازم به ذکر است که تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در اصل ۱۳۸ و نیز مصوبات موضوع اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

۲. مرحله ارائه لوایح قانونی دولت به مجلس و دفاع از آنها

بر اساس اصل ۷۴ قانون اساسی، ماده ۱۳۵ آیین‌نامه داخلی هیئت دولت و ماده ۸۸ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، لوایح دولت به امضاء مشترک رییس جمهور و وزیر با وزرا یا رؤسای دستگاه‌های مربوط می‌رسد و از طریق معاون امور مجلس رییس جمهور، تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد. همچنین در مورد طرح‌هایی که نمایندگان در مجلس مطرح می‌کنند، معاون امور مجلس رییس جمهور طرح‌های مذکور را به طور منظم به اطلاع رییس جمهور، اعضاء دولت و دفتر هیأت دولت خواهد رساند.

از لوایح مهمی که هم اکنون توسط دولت به مجلس شورای اسلامی فرستاده شده است و در حال بررسی می‌باشد و اثرات خاصی در مسئله پیشگیری از جرم آسیب‌های اجتماعی دارد می‌توان به لوایح ذیل اشاره نمود: لایحه پیشگیری از وقوع جرم، لایحه حمایت از بزه دیدگان، لایحه آیین دادرسی کیفری، لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست، لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، لایحه قضازدائی و حذف برخی عناوین مجرمانه از قوانین، لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان، لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، لایحه بیمه بیکاری، لایحه قانون مجازات اسلامی، لایحه شورای حل اختلاف و نهاد قاضی تحکیم و...^۱

در خصوص لوایح پیشنهادی از سوی دولت همانگونه که از عناوین آنان پیداست، برخی از لوایح مستقیماً به مسائل جنایی و کیفر و مجازات می‌پردازند و برخی دیگر بصورت غیرمستقیم و در مواجهه با علل و عوامل وقوع جرم، به مسئله پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی توجه دارند.

ب - ریاست شوراهای عالی سیاستگذار کشور

در فصل مبانی قانونی نقش آفرینی ریاست جمهوری بیان نمودیم که در خصوص شوراهای عالی

۱. تارنمای مجلس شورای اسلامی www.parliran.ir

مذکور در قانون اساسی یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی، آنچه که مربوط به رئیس جمهور می‌شود موضوع ریاست یا مسؤلیت آنهاست که بر عهده عالی‌ترین مقام کشور پس از رهبری یعنی ریاست جمهور قرار داده شده است. این ۲ شورا به همراه ۲ شورای بازنگری قانون اساسی و شورای موقت رهبری، به نوعی از شوراهای رکن نظام محسوب می‌شوند که برای مشورت، همفکری و هماهنگی مجموع زمامداران عالی کشور با وظایف و اختیارات مشخص پدیدار شده‌اند و با توجه به اعضای حقیقی و حقوقی آنان، به نوعی زیرمجموعه دولت محسوب نمی‌شوند اما سایر شوراهای عالی که معروف به شوراهای عالی ۱۸ گانه می‌باشد و به موجب سایر قوانین در حوزه عملکردی رئیس جمهور تعریف شده‌اند، از ابزارهای ریاست جمهوری در سیاستگذاری‌های عالی و کلان در جامعه محسوب می‌شوند. این شوراهای عالی ۱۸ گانه عبارتند از: علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش، فضای، فناوری اطلاعات، انرژی اتمی، انرژی، اقتصاد، اشتغال، توسعه صادرات غیرنفتی، رفاه و تأمین اجتماعی، بیمه، آب، پول و اعتبار، میراث فرهنگی و گردشگری، استاندارد، حفاظت محیط زیست، انفورماتیک و هیأت امناء حساب ذخیره ارزی؛

البته پیش از انحلال و احیای این شوراهای عالی ۱۸ گانه در سالهای ۸۶ و ۸۷، شوراهای عالی بیشتری مانند شورای عالی صادرات، شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی، شورای عالی الگویی مصرف، شورای عالی اطلاع رسانی، شورای عالی امنیت فضای تبادل اطلاعات کشور، شورای عالی پشتیبانی نهضت سوادآموزی، شورای عالی علمی کاربردی و شورای زیست فناوری موجودیت داشته‌اند که پس از آن بخشی از این شوراها به حیات خود ادامه و بخشی از آنها عملاً غیرفعال شده‌اند.

در ادامه، به معرفی مختصره شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش، اقتصاد، اشتغال، رفاه و تأمین اجتماعی و همچنین شورای تازه تأسیس «فضای مجازی» می‌پردازیم که نقش و اثر بیشتری در فرایند سیاستگذاری‌تقنینی در مسائل فرهنگی و اجتماعی خصوصاً مسئله پیشگیری از جرم دارند.

۱. شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه مبدأ همه تحولات و کارخانه انسان‌سازی است و بسیاری از تغییرات جامعه براساس تفکرات و خواست و مطالبه‌گری دانشجویان تعریف می‌شود. در حال حاضر برای تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های کلان دانشگاه توسط وزارت علوم، شورای عالی علوم، تحقیقات و

فناوری با نام اختصاری "شورای عالی عتف"، به عنوان نهاد فرابخشی سیاستگذار و با هدف ایجاد هماهنگی و یکپارچگی در سیاستگذاری کلان اجرایی در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری، تشکیل شده است. اولویت‌بندی و انتخاب طرح‌های اجرایی بلندمدت سرمایه‌گذاری کلان در بخش‌های آموزشی و پژوهشی و فناوری و بررسی و پیشنهاد منابع مالی مورد نیاز در حوزه‌های علوم، تحقیقات و فناوری از وظایف و اختیارات این شورا می‌باشد.^۱ از مهمترین مصوبات این شورا در این سالها می‌توان به الزام دستگاه‌های اجرایی به اختصاص بخشی از اعتبارات خود برای اجرای تحقیقات دانشگاهی و همچنین الزام شرکت‌های دولتی به هزینه کردن بخشی از اعتبارات تحقیقاتی خود را از طریق دانشگاه‌ها نام برد. به موجب قانون، دبیرخانه شورای عالی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مستقر است و مصوبات آن پس از ابلاغ ریاست محترم جمهور برای کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور لازمالاجراست.

۲. شورای عالی آموزش و پرورش

تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان که با مشارکت و همکاری خانواده و مدرسه در بازه زمانی تقریباً ۱۲ ساله تعریف می‌شود نیز نیاز به نهادی عالی برای سیاست‌گذاری کلان می‌باشد. شورای عالی آموزش و پرورش به عنوان مرجع سیاستگذاری در حوزه وظایف آموزش عمومی و متوسطه در چارچوب سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات موضوعه، عهده دار امر سیاستگذاری، تدوین خط مشی‌ها و راهبردها، تعیین ضوابط و وضع مقررات، تصویب اساسنامه‌ها و آیین نامه است و بیش از ۱۱۰ سال قدمت دارد؛^۲ براساس ماده ۲ قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۵۸، ریاست شورای عالی آموزش و پرورش با «رییس جمهور» است و درغیاب وی وزیر آموزش و پرورش ریاست جلسه را برعهده خواهد داشت.

تعیین خطی مشی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، بررسی و تصویب هدفها و نظام آموزشی، برنامه‌های درسی و تربیتی، طرح‌ها و لوایح قانونی، اساسنامه هر نوع موسسه تعلیماتی جدید، مقررات اجرایی و انضباطی مدارس، آیین نامه‌ها و مقررات امتحانات، ضوابط ارزشیابی نظام آموزشی، اصول لازم برای گزینش تخصصی و تربیت و استخدام معلمان، شوراهای منطقه‌ای و شوراهای فرهنگی محلی و شوراهای مدارس و... برخی از وظایف و اختیارات عالی آموزش و

۱. www.atf.gov.ir

۲. www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۱۱۱۰۹۰۱۰۷۱

پرورش می‌باشد.^۱

۳. شورای اقتصاد

بر اساس قانون اساسی اقتصاد وسیله است نه هدف و در این راه، رئیس جمهور که مسئول عالی اقتصاد و امور برنامه و بودجه را بر اساس قانون اساسی عهده‌دار است ابرازهای مختلفی برای ساماندهی اقتصاد کشور دارد که یکی از مهمترین آنها «شورای اقتصاد» کشور می‌باشد. بر اساس ماده ۲ قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰، به منظور «هدایت و هماهنگ کردن امور اقتصادی کشور» شورایی مرکب از وزیران و مسئولین اقتصادی کشور به نام «شورای اقتصاد» تشکیل شده است. این شورا که زیر مجموعه سازمان برنامه و بودجه سابق و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی فعلی ریاست جمهوری می‌باشد به ریاست عالی ریاست جمهور تشکیل می‌گردد.

وظیفه اصلی شورای اقتصاد، تعیین راهبردها و سیاست‌های کلان اقتصادی کشور خصوصاً در امور بودجه می‌باشد. تعیین هدف‌های کلی برنامه‌های عمرانی، بررسی سیاست‌های اقتصادی اجتماعی برای طرح در هیأت وزیران، تعیین خط مشی بودجه و بررسی آن برای طرح در هیأت وزیران، تصویب سیاست‌های مربوط به اعطا و اخذ وام و مشارکت دولت در سرمایه‌گذاری خصوصی، اتخاذ تصمیم در زمینه مسائلی که دستگاه‌های اجرایی در مورد آن با مشکل مواجه شده‌اند از جمله وظایف شورای اقتصاد است. بر این اساس، شورای اقتصاد تصمیم‌گیرنده نمی‌باشد بلکه ارائه‌دهنده نظر مشورتی است. موضوعاتی مانند میزان واردات، ارقام کالاهای اساسی، چگونگی توزیع کوبن، نحوه توزیع کالاهای اساسی، قیمت آب و برق مسکونی، تجاری، مساجد، نیروگاه‌ها، سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی، ترک مناقصات، موضوع نرخ سود بانک‌ها و دلار، اعطای تسهیلات تکلیفی به اقشار خاص در واقع هر موضوعی که ممکن است تبدیل به بحران شود قابل طرح در شورا می‌باشد. بودجه قبل از اینکه در دولت مطرح شود، به شورا می‌آید و بر اساس نظر شورای اقتصاد به دولت تدوین می‌شود.^۲

۴. شورای عالی اشتغال

ایجاد اشتغال و رفع بیکاری که یکی از مهمترین علل و عوامل ارتکاب جرایم می‌باشد نیازمند

۱. ماده ۲ قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۵۸

۲. شورای اقتصاد؛ از تنظیم بازار تا برنامه‌های خروج از بحران، گفتگو با بیژن رحیمی دانش، مدیر کل اسبق دفتر شورای اقتصاد،

سایت خبری تابناک www.tabnak.ir/fa/news/297433

تدبیری اساسی، کارشناسی شده و البته زودبازده می‌باشد. بر همین اساس به منظور بررسی عرضه و تقاضای بازار کار و چگونگی ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا و همچنین ایجاد هماهنگی بین دستگاههایی که تصمیمات آنها مؤثر بر عرضه و تقاضای بازار کار و اشتغال و بیکاری می‌باشد و نظارت و پیگیری بر چگونگی تحقق اهداف کمی و کیفی اشتغال در برنامه‌های مصوب "شورای عالی اشتغال" به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود.^۱ این شورای عالی فرصت‌های شغلی را در بخش‌های مختلف اقتصادی، برنامه‌ریزی می‌کند و راهکارهای عملی را برای رشد و توسعه اشتغال در روستاها، شهرهای کوچک و گروه‌های خاص ارائه می‌دهد. به واقع این شورا در ایجاد فضا و مقررات حمایتی از کارآفرینان و سرمایه‌گذاران، به منظور ایجاد اشتغال مولد با رعایت مقررات مربوط و اتخاذ تدابیر لازم برای برقراری نظم بیشتر در بازار کار و همچنین اعتبار به بخش‌های مختلف اقتصادی استان را عهده‌دار است.^۲

۵. شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی

آموزش و پرورش، بهداشت، درمان، تغذیه، مسکن، اشتغال جمعیت و نیروی انسانی، هزینه و درآمد تأمین اجتماعی شاخص‌هایی هستند که در ایران برای رفاه اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند. در کنار این شاخص‌های اصلی چند شاخص فرعی مانند گذران اوقات فراغت و دسترسی به تسهیلات فرهنگی، محیط زیست، امنیت فرد در برابر تجاوزات مالی و جانی نیز برای رفاه در نظر گرفته می‌شود؛ بطورکلی رفاه اجتماعی را به عنوان پاسخی مستقیم به نیازهای انسان، تعریف کرد.^۳

شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی که بر اساس قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، یکی از ۴ رکن نظام جامع تأمین اجتماعی می‌باشد به منظور هماهنگی سیاست‌های اجتماعی در حوزه‌های اشتغال، آموزش و پرورش، تربیت بدنی، مسکن، بهداشت و درمان و سایر بخش‌های مرتبط با حوزه تأمین اجتماعی به ریاست رئیس‌جمهور و دبیری وزیر رفاه و تأمین اجتماعی تشکیل می‌گردد..

۶. شورای عالی فضای مجازی

۱. ماده ۱ قانون تشکیل شورای عالی اشتغال.

۲. ماده ۳ قانون تشکیل شورای عالی اشتغال.

۳. زاهدی اصل، محمدرضا، مفاهیم رفاه اجتماعی و تأمین اجتماعی (مجموعه مقالات دومین سمینار جامعه‌شناسی و توسعه)، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۱۵.

شورای عالی فضایی مجازی در اسفند سال ۱۳۹۰ متشکل از روسای قوای و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی به ریاست رئیس جمهور و با حکم رهبری بنا نهاده شد. ضرورت تشکیل این شورا به دلیل سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از اینترنت و برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از این فن‌آوری بوده است که شورای عالی، نقطه کانونی متمرکز برای فضای مجازی کشور در سه محور سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی می‌باشد. به همین جهت مقرر شد مرکزی به نام مرکز ملی فضای مجازی کشور ایجاد شود تا اشراف کامل و به روز نسبت به فضای مجازی در سطح داخلی و جهانی و تصمیم‌گیری نسبت به نحوه مواجهه فعال و خردمندانه کشور با این موضوع از حیث سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و محتوایی در چارچوب مصوبات شورای عالی و نظارت بر اجرای دقیق تصمیمات در همه سطوح تحقق یابد.

گفتار دوم- نقش رئیس جمهور در سیاست‌گذاری جنایی اجرایی

الف - مدیریت منابع مالی و انسانی کشور

بر اساس اصل ۱۲۶ قانون اساسی، ریاست جمهوری، مسئولیت امور «برنامه»، «بودجه»، «امور اداری» و «امور استخدامی کشور را "مستقیماً" برعهده دارد و می‌تواند آنرا به عهده دیگری بگذارد. بطور کلی، نقش مهم و کلیدی ریاست جمهوری چه در زمان حیات و چه در زمان انحلال «سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور» به جهت نظارت و تابعیت مستقیم رئیس قوه مجریه بسیار پررنگ می‌باشد؛ دستورهای مستقیم سیاست‌ها و مصوبات دولت که مرتبط با این امور می‌شود در واقع نوعی اختیار کلان ریاست جمهوری در مدیریت منابع در کشور می‌باشد؛ حال این منابع می‌تواند منابع مالی باشد اعم از بودجه‌های کشور، سرمایه‌های ملی، ذخایر ارزی و... یا منابع انسانی و سرمایه اداری کشور باشد مانند نیروهای استخدامی دستگاه‌های دولتی، پرسنل اداری و...؛

بطور کلی مدیریت واژه‌ای عمومی برای اداره کردن است؛ واژه عمومی برای هماهنگی و هدایت منابع، سرمایه و نیروی انسانی با هدف دستیابی به اهداف سازمان در خصوص اهمیت مدیریت در زندگی اجتماعی نیزگفته‌اند که مدیریت موثر جز منابع اصلی توسعه ملت‌ها شده و مهم‌ترین منبع برای توسعه ملت‌ها محسوب می‌شود لذا اعمال مدیریت توسط مدیر در موفقیت یک سازمان نقش بسزایی دارد، هرچه سازمان پیچیده تر باشد، نقش مدیریت دشوارتر خواهد شد. به عبارت دیگر مدیریت یعنی تصمیم‌گیری در زمان مناسب، با افراد مناسب در جایی که

فعالیت در آن جریان دارد^۱

ما در بحث مدیریت کشور توسط ریاست جمهور در حرکت در مسیر سیاستگذاری اجرایی، بر اساس تقسیم‌بندی فوق، به دو موضوع کلان مدیریت منابع مالی و مدیریت منابع انسانی کشور می‌پردازیم.

۱. مدیریت منابع مالی کشور

در یک تعریف ساده می‌توان مدیریت مالی را دانش و فن تأمین و کاربرد وجوه برای رسیدن به هدف و یا دانش و علم اداره‌ی پول تعریف کرد^۲. با این تعریف، مدیریت منابع مالی مهمترین و حساس‌ترین کارکرد هر بنگاه اقتصادی در معنای عام آن دولت که يك بنگاه بزرگ اقتصادی است می‌باشد. انواع منابع عمومی دولت، به طور کلی به درآمدي و غیردرآمدي قابل تقسیم است. «مالیات» به عنوان مهمترین منابع درآمدي و «نفت» نیز به عنوان مهمترین منابع غیردرآمدي دولت است^۳ که در اختیار ریاست جمهور قرار دارد تا درخصوص نحوه مدیریت آنان برنامه ریزی‌های لازم را انجام دهد. در لایحه بودجه سالیانه که براساس سیاست‌های اقتصادی مدنظر رییس جمهور توسط دولت (اعم از شورای اقتصاد، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی و...) نگارش می‌شود، به ۵ منبع بودجه و تغییرات آنها به عنوان عوامل و فاکتورهای تأثیرگذار توجه می‌شود.

۲. مدیریت منابع انسانی کشور

مدیریت منابع انسانی، رشته‌ای تخصصی است که می‌کوشد با ابداع و تهیه برنامه‌ها، سیاست‌ها، و فعالیت‌های کارآمد به ارتقای برآورد نیازها، آرمان‌ها و هدف‌های فردی و سازمانی بپردازند^۴.

باید توجه داشت که مدیریت منابع انسانی، مدیریتی متفاوت از مدیریت کارکنان است چرا که مدیریت کارکنان در وهله اول، غیر از مدیران را مورد توجه قرار می‌دهد در حالیکه مدیریت منابع انسانی بیشتر خود مدیران را هدف قرار می‌دهد و بر آنان که در فرایند مدیریت فرهنگ

۱. میرایی، وحید رضا، مدیریت (مبانی و استراتژی)، انتشارات شهر آشوب، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۰.

۲. مدرس، احمد و عبدالله‌زاده، فرهاد، مدیریت مالی، جلد ۱، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۶، ص ۲.

۳. توکلی، احمد، مالیه عمومی، انتشارات سمت، چاپ هفتم، تهران، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۷۱.

۴. مارک، ج، سینگر، مدیریت منابع انسانی، ترجمه دکتر فریده آل آقا، مرکز آموزش مدیریت دولتی، صص ۲-۴.

سازمانی موثر است تأکید دارد.^۱

امروزه عقیده بر این است که «مدیر بدون برنامه فاقد کارنامه است» برآوردن نیازهای آینده سازمان به مهارت مدیریت بر منابع انسانی اولین دلیل برنامه ریزی منابع انسانی است. بخش اعظم این برنامه ریزی، ماهیتاً راهبری است و متوجه اهداف اصلی سازمان و رویه‌های لازمی است که برای وصول به این اهداف باید از آن پیروی شود. برنامه ریزی راهبردی، فرایند تنظیم اهداف بلند مدت سازمان و تصمیم‌گیری درباره روش‌ها و فرایندهایی است^۲ در فرایند برنامه ریزی راهبردی، منابع و شرایط بازار تغییرات فن آوری، توسعه تولید و سرمایه مورد نیاز، همه مورد توجه کافی قرار می‌گیرد.

ب- تعامل با برخی نهادهای مجری قوانین در کشور

۱. نیروی انتظامی

در میان ابزارهایی که در میان عوامل اجرایی دولت وجود دارد نیروی انتظامی به علت برخورد و تقابل مستقیم با جرایم و مجرمین، نقش بیشتری را در علوم جنایی و جرم‌شناسی از قبیل پیشگیری از جرم خصوصاً پیشگیری وضع دارد. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا)، سازمانی مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و ابسته به وزارت کشور می‌باشد که براساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی، فرمانده آن را فرمانده کل قوا منصوب می‌کند. بر اساس قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ۲۶ مأموریت و وظایف برای نیروی انتظامی در زمینه‌های مختلف نظامی و انتظامی، امنیتی، سیاسی، حفاظتی، داخلی و بین‌المللی، آموزشی، دفاعی، فرهنگی و اجتماعی و... پیش بینی شده است که برخی از آنها جنبه «پیشگیرانه از جرایم» دارند به عنوان مثال براساس مورد هشتم از وظایف نیروی انتظامی در خصوص انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قضایی بعهده نیروی انتظامی محول است، «پیشگیری از وقوع جرائم» یکی از مواردی است که در کنار مبارزه با منکرات و فساد، کشف علمی جرایم، حفظ آثار و دلایل جرم و... برعهده نیروی انتظامی قرار داده شده است.^۳

ناجا دارای سه بخش کلی است، فرماندهی، حفاظت و اطلاعات و بخش عقیدتی سیاسی. بیشتر

۱. آرمسترانگ، مایکل، خلاصه کتاب مدیریت استراتژیک منابع انسانی (راهنمای عمل)، ترجمه دکتر سیدمحمد اعرابی و داوود ایزدی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۵.

۲. خنیفر، حسین، مدیر و منابع انسانی در سازمان،

www.hawzah.net/fa/magazine/magart/۴۴۷۳/۴۴۷۹/۳۴۷۵۷۴۴

۳. ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۱/۴/۲۷.

بخش‌های نیروی انتظامی وظیفه امنیتی و نظامی دارند و دارای نیروهای مسلح هستند اما برخی بخش‌ها نیز بیشتر جنبه خدمات اجتماعی و دولتی دارد. افزایش جمعیت، رشد دانش و گسترش اطلاعات در عصر حاضر، پلیس ایران را نیز به سوی توسعه در زمینه‌های مختلف سوق داده است که استقلال پلیس راهنمایی و رانندگی (راهور)، پلیس آگاهی (کشف تخصصی جرایم) و به تازگی پلیس فتا (فضای تبادل اطلاعات) و همچنین نهادهای خصوصی سازی چون «پلیس +۱۰» از ابزارهای جدیدی است که در ساختار نیروی انتظامی طراحی شده است.

آموزش آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی به خانواده‌ها خصوصاً از طریق مدارس و ادارات با استفاده از رسانه‌های گوناگون مانند روزنامه‌ها، صدا و سیما، اینترنت، تیزروهای طنز و...، برگزاری مانورها و طرح‌های ضربتی مقابله با جرایم جهت ثبات امنیت در شهر، تسهیل در دسترسی و ارتباط سریع با پلیس (۱۱۰)، تقویت پلیس اماکن، تعریف و راه اندازی پلیس و نگهبان محله، پلیس مدرسه، تأسیس دفتر نظارت همگانی مردمی و ارزیابی عملکرد پلیس (۱۹۷)، آموزش صحیح قوانین راهنمایی و رانندگی، استفاده از پلیس زن در کلانتری‌ها، استفاده از پتانسیل کودکان در خانواده‌ها مانند طرح همیار پلیس، میانجیگری کیفی بین بزهکار و بزه‌دیده بر اساس عدالت ترمیمی، راه‌اندازی مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی، اجرای طرح شناسنامه اموال، حساسیت بر کنترل سرعت در جاده‌های بین شهری خصوصاً در خصوص اتوبوسهای بین شهری و... از مواردی که می‌توان به عنوان اقدامات نیروی انتظامی در راستای حرکت در مسیر پیشگیری از وقوع جرم (وضعی و اجتماعی) بیان نمود.

رئیس جمهور به عنوان رییس شورای عالی امنیت ملی و بالاترین مقام حفظ و برقراری امنیت در کشور، از طریق وزارت کشور که نیروی انتظامی تابعه آن می‌باشد بر عملکرد این نیرو درخصوص اجرای قوانین در کشور نظارت دارد. درخصوص مسئله «نظارت ریاست جمهوری» بر «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» باید به این نکته توجه کرد که هرچند این نیرو بر اساس قانون تأسیس خود از نظر تشکیلاتی زیر نظر وزارت کشور است اما از آنجایی که فرمانده این نیرو از طرف فرمانده کل قوا منصوب می‌گردد، پاسخگویی نسبت به چرایی و چگونگی اقدامات نیروی انتظامی در مقابل فرماندهی کل قوا خواهد بود. در واقع رییس جمهور درخصوص مواردی که مربوط به حقوق اساسی ملت می‌باشد می‌تواند بر اساس نظریه شورای نگهبان، از مقامات مسئول اجرایی و قضایی و نظامی «توضیحات رسمی» بخواهد و مقامات مذکور از جمله فرمانده نیروی انتظامی موظفند توضیحات لازم را در اختیار

ریاست جمهوری بگذارند و چنانچه ریاست جمهوری جریانی را مخالف مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی تشخیص دهد، اقدامات لازم را معمول دارد.^۱ همانطور که بیان شد حیطه اختیار رییس جمهوری در خصوص بازخواست عملکرد نیروی انتظامی صرفاً یک نظارت اطلاعی است و نه استصوابی که مخالفت برخی از روسای جمهور با سیاست‌های عملی این نیرو در سالیان گذشته مانند «گشت ارشاد» و... نمونه‌ای از این موارد است که رییس جمهور می‌تواند ضمن اعلام نظر مخالف خود، آنها را با ملت در میان بگذارد.

۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، طبق ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور ایران، مسئول تنظیم و اجرای سیاست اعتباری و پولی بر اساس سیاست کلی اقتصادی کشور می‌باشد.^۲ بانک مرکزی یک بانک تجاری نیست و نرخ بهره، میزان پول در گردش، تورم و حتی بیکاری و توزیع درآمد را می‌تواند در اهداف فعالیت خود قرار دهد. در برخی از کشورها مانند ایران این بانک به عنوان بازوی پولی دولت عمل می‌کند ولی در برخی از کشورها، مثلاً در کشورهای دیگر، این بانک مستقل از دولت و سیاست‌های دوره‌ای دولت‌ها به اهداف کلان خود می‌پردازد. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دارای ۵ رکن مجمع عمومی، شورای پول و اعتبار، هیات عامل، هیات نظارت اندوخته اسکناس، هیات نظار می‌باشد. مجمع عمومی بانک مرکزی به ریاست رییس جمهور و متشکل است از وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزیر بازرگانی و یک نفر از وزرا به انتخاب هیأت وزیران می‌باشد. رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به پیشنهاد رئیس جمهور و بعد از تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با حکم رئیس جمهور منصوب می‌گردد. دبیرکل بانک مرکزی نیز به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و پس از تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با حکم رئیس جمهور منصوب می‌شود. در خصوص تعامل و همراهی بانک مرکزی به عنوان مجری و تسهیل کننده و متعادل کننده سیاست‌های اقتصادی دولت باید به این نکته توجه کرد که هر چند بانک مرکزی و دولت در واقع هر دو جزء یک نهاد حکومتی هستند اما بانک مرکزی بطور خاص، بانکدار دولت است^۳ و تابع

۱. نظر شماره ۴۲۱۴ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱ شورای نگهبان در پاسخ به نامه شماره ۳/۱۲۸۹ مورخ ۱۳۶۰/۱۰/۱۳ رئیس جمهور.

۲. تارنمای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران www.cbi.ir/section/۱۳۷۵.aspx

۳. یادداشت: درباره رابطه بانک مرکزی با دولت، نشریه بانک و اقتصاد، شماره ۹۲، خرداد ۱۳۸۷، ص ۶.

دستوراتی که از سوی دولت و شخص ریاست جمهوری به رئیس بانک مرکزی صادر می‌گردد و بانک مرکزی ملزم به اجرای آنهاست. یکی از این موارد دستوری است که ریاست جمهوری در خصوص تثبیت قیمت دلار و ارز در بازار به بانک مرکزی صادر نمود. در کنار این موارد، برنامه ریزی و تلاش برای با ارزش نگه داشتن پول ملی و پیشگیری از کاهش ارزش آن نیز رسالتی است بر عهده رئیس جمهور که پاسخگویی در قبال آن با بانک مرکزی است.

۳. سازمان تعزیرات حکومتی

سازمان تعزیرات حکومتی، تنها سازمان وابسته به وزارت دادگستری است و این سازمان به صورت مستقل و تحت نظارت وزیر دادگستری به وظائف خود عمل می‌کند.

وظایف سازمان تعزیرات حکومتی در سه محور رسیدگی به تخلفات اقتصادی بخش دولتی موضوع قانون تعزیرات حکومتی، رسیدگی به تخلفات بهداشتی، دارویی و درمانی موضوع قانون تعزیرات حکومتی- تخلفات امور بهداشتی و رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز می‌باشد. در خصوص تعامل و گستره کاری این سازمان با دولت و نهادهای دولتی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

سازمان حمایت از تولید کننده و مصرف کننده در خصوص پرونده‌های مرتبط با تخلفات اقتصادی در بخش کالا و خدمات، وزارت بهداشت و درمان در ارتباط با تشکیل پرونده‌های بهداشتی و کارشناسی پرونده‌های ذیربط، دانشگاه علوم پزشکی در ارتباط با تشکیل پرونده‌های دارو و درمان و کارشناسی پرونده‌ها، سازمان دامپزشکی در ارتباط با تشکیل پرونده‌های مرتبط با امور دام، نیروی انتظامی و گمرکات کشور در ارتباط با پرونده‌های قاچاق کالا، وزارت اطلاعات در ارتباط با پرونده‌های قاچاق ارز، سازمان‌های شیلات، دخانیات و میراث فرهنگی در ارتباط با پرونده‌های قاچاق آبیان، دخانیات و آثار باستانی و ارتباط با پرونده‌های پیمان‌سپاری و عدم ایفای تعهدات؛^۱

بطور کلی نقش سازمان تعزیرات حکومتی را در يك جمله می‌توان «حمایت از حقوق مصرف کننده» نامید. حقوقی که مصرف کننده به عنوان يك شهروند از دولت جهت برقراری ثبات اقتصادی در بازار و قیمت‌ها انتظار دارد.

۴. سازمان بهزیستی

سازمان بهزیستی کشور به موجب لایحه قانونی مورخ ۱۳۵۹/۴/۲۴ از ادغام ۱۶ سازمان، نهاد،

۱. www.tazirat.gov.ir/default-۶۴.aspx?init

موسسه و انجمن تشکیل شد. در میان تعریفهای گوناگون بهزیستی، تعریف سازمان ملل متحد، از همه پذیرفته شده تر است: «سازمان بهزیستی، عبارت است از مجموعه‌ای هماهنگ از برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که زیر نظارت یا کمک دولت، برای بهبود زندگی افراد و گروه‌های آسیب پذیر جامعه، انجام می‌شود.» به طور کلی، پنج گروه از افراد جامعه، نیازمند محسوب شده و در برنامه ریزی‌های سازمان بهزیستی کشور، مورد توجه قرار می‌گیرند. این گروه‌ها عبارت‌اند از: کودکان، زنان، سالخوردگان، بزهکاران و معلولان. سازمان بهزیستی، برای کمک به حداقل هزینه زندگی افراد و خانواده‌های نیازمند و بی سرپرست، و ایجاد زمینه‌های مناسب برای خودکفایی آنان برنامه ریزی‌های وسیعی صورت می‌دهد. تلاش برای حفظ کیان خانواده های آسیب دیده و آسیب پذیر، نگهداری و مراقبت و توان بخشی معلولان و آماده سازی آنان برای از سرگیری زندگی عادی در جامعه، توسعه پژوهش‌های کاربردی برای پیشگیری از معلولیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی بازپروری، اصلاح و ارشاد ناسازگاران و آسیب دیدگان اجتماعی، تأمین موجبات تشویق و جلب مشارکت‌های مردمی به منظور بهبود کیفیت خدمات رسانی و حمایت از اقشار محروم و آسیب پذیر، و نیز تشویق و حمایت از بخش غیردولتی به منظور سرمایه گذاری در هر یک از حالت‌های توان بخشی، اجتماعی و حمایت، از عمده ترین وظایف و مسؤلیت‌های سازمان بهزیستی ذکر شده است.^۲

وظایف تخصصی سازمان بهزیستی در سه معاونت ارائه می‌شود و در بحث پیشگیری نیز دفاتر پیشگیری از اعتیاد، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و مشاوره مشغول به خدمت هستند. همچنین در معاونت اجتماعی بحث آسیب دیدگان اجتماعی به خصوص کودکان و نوجوانان و دفتر زنان و خانواده وظیفه حمایت از زنان و کودکان در معرض آسیب را به عهده دارند. علاوه بر معاونت‌ها و دفاتر ذکر شده معاونت مشارکت‌های مردمی نیز در سازمان بهزیستی ایجاد شده است که در حقیقت سهم مردم را در فعالیت‌های بهزیستی افزایش داده است به طوریکه امروزه حدود ۸۰٪ از مراکز سازمان بهزیستی توسط مردم اداره می‌شود و دولت وظیفه‌ی نظارتی و سیاست گذاری و برنامه ریزی را بر عهده دارد.^۳

۱. سوری، محمود، آشناترین همدرد (آغاز هفته بهزیستی)، نشریه گلبرگ، شماره ۵۲، تیر ۱۳۸۳، ص ۱۲۹.

۲. www.hawzah.net/fa/occasion/occasionview/66552

۳.

www.mehrbaran.com/index.php?option=com_content&task=view&id=239&Itemid=37

بخش دوم – ارتباط جایگاه ریاست جمهوری با پیشگیری وضعی و اجتماعی از جرم

فصل اول - نظارت ریاست جمهوری بر دستگاه‌های دولتی متولی پیشگیری وضعی

همانطور که در بخش قبل در فصل «مبانی پیشگیری از جرم» بیان شد، پیشگیری وضعی به دنبال تغییر و قطع فرایند دینامیک جنایی با استفاده از استفاده از تدابیر و اقدامات غیر کیفری می‌باشد. به عبارت دیگر پیشگیری وضعی، برآن است تا با بر تسلط بر محیط و شرایط پیرامونی جرم و مهار آن، موقعیت‌های پیش‌جنایی را کاهش و خطر شناسایی و دستگیری بزهکاران بالقوه را افزایش دهد.^۱ در واقع پیشگیری وضعی همانطور که از نامش پیداست «پیشگیری بر اساس وضعیت» است و استفاده از ابزارها و راهکارهایی در مقابله و مواجهه با جرم؛

دولت و قوه مجریه و در معنای خاص آن، «ریاست جمهوری» نیز بر اساس رسالت پیشگیری از جرم، از ابزارهایی در زیر مجموعه خود برخوردار می‌باشد که می‌تواند بر اساس قانون اساسی و سایر قوانین از این ابزارها در پیشگیری وضعی که به نوعی مقابله مستقیم با جرایم می‌باشد استفاده نماید.

این ابزارها که در قالب وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، ستادها و کمیته‌ها در اختیار ریاست جمهوری می‌باشند به نوعی بازوان رییس جمهور در پیگیری موضوع پیشگیری از جرم می‌باشند که هر یک می‌توانند بر اساس راهکارهای مشخص به پیشگیری وضعی از جرایم در حوزه وظایف و عملکرد خود بپردازند. در این فصل به ارتباط ریاست جمهور و دولت به معنای خاص آن یعنی وزارتخانه‌ها و همچنین تعامل ریاست جمهور و کمیته‌های موضوع اصل ۱۲۷ ق.ا در امور محوله به آنها خواهیم پرداخت و کارکرد هر یک از آنها در منظر پیشگیری وضعی از جرایم را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبحث اول - ریاست جمهوری و نهادهای متولی پیشگیری وضعی

هیئت دولت به عنوان مجموعه‌ای از وزراء، معاونین رئیس جمهور و روسای سازمان‌های تابعه و یا مرتبط با دستگاه قوه مجریه، نقشی کلان و سیاست‌گذار در خصوص امور اجرایی کشور را بر عهده دارد. در این بین، هر یک از وزارتخانه‌ها در کنار شرح وظایف قانونی خود، دستورات، منویات و سیاست‌گذاری‌هایی که در هیئت دولت و شخص رییس جمهور نیز برای آنان مقرر می‌گردد را هم در طراحی و تدوین برنامه‌های خویش لحاظ می‌نمایند.

۱. معظمی، شهلا، پیشگیری جرم شناختی، فصلنامه مجد، شماره اول، سال ۱۳۸۶، ص ۹۳.

در این بین، برخی از این دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها بنا به رسالتشان، تعاملی نزدیکتر با مسائل و پدیده‌های اجتماعی دارند؛ البته این به معنای انحصاری و اختصاصی نگریستن وزارتخانه‌ها به مسئله‌های اجتماعی نیست اما برخی از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها به خاطر نوع کارشان، برخورد و مواجهه‌ای بیشتر با پدیده‌ها و انحرافات اجتماعی از قبیل جرایم، ناامنی، بی‌نظمی و... دارند که این باعث می‌شود سطح توقعات و خواسته‌های دولت و جامعه از این وزارتخانه‌ها بیشتر و بالاتر باشد.

با جستاری در بین دستگاه‌ها، وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی که مستقیماً زیر نظر ریاست جمهوری اداره می‌شوند و در جبهه «پیشگیری وضعی از جرم» در حال برنامه‌ریزی و پیکار هستند، می‌توان به وزارتخانه‌های دادگستری، کشور و اطلاعات اشاره کرد که خاصیت کارشان، غالبیت پیشگیری وضعی بر پیشگیری اجتماعی می‌باشد. البته وزارتخانه‌های دیگری نیز مانند فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، کار، تعاون و رفاه اجتماعی و... نیز بی‌ارتباط با حوزه پیشگیری از جرم نیستند اما آنچه که بیشتر در این نگارش مدنظر است نهادهایی هستند که بطور خاص در راستای پیشگیری وضعی از جرم مسئولیت دارند و رئیس جمهور از آنها بعنوان بازوان خویش در این امر مهم استفاده می‌کند.

گفتار اول - نقش وزارت دادگستری به مثابه وزارت بین قوا

وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران به موجب اصل ۱۶۰ قانون اساسی، مسئولیت امور مربوط به روابط قوه قضاییه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد و وزیر آن از بین کسانی که رئیس قوه قضاییه به رییس جمهوری پیشنهاد می‌کند، توسط مجلس شورای اسلامی انتخاب می‌شود.

اصل ۱۶۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره وظایف وزارت دادگستری تصریح دارد: وزیر دادگستری مسئولیت تمام مسایل مربوط به روابط قوه قضاییه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد و از بین کسانی که رییس قوه قضاییه به رییس جمهوری پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌شود. در واقع وزیر دادگستری تنها وزیری است که برای انتخاب به این سمت، نیازمند «کسب اعتماد روسای هر سه قوه» است.

الف- وظایف و کارکردهای وزارت دادگستری

همانگونه که بیان گردید وزارت دادگستری يك وزارت بینا قوه‌ای می‌باشد که مهمترین وظیفه‌اش، «برقراری رابطه بین قوه قضاییه با قوه مجریه و مقننه» می‌باشد که تهیه و تدوین و پیگیری

تصویب آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و مجوزهای مورد نیاز قوه قضاییه در هیات دولت و تسلیم لوایح قضایی ارائه شده از سوی رئیس قوه قضاییه به دولت و دفاع در مراحل تصویب جهت تقدیم به مجلس شورای اسلامی در حوزه این وزیر می باشد.

وزیر و وزارت دادگستری همچنین از سوی دیگر مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضاییه با قوه مقننه را بر عهده دارد که بررسی طرحهای قانونی مرتبط با قوه قضاییه و انعکاس نظرات قوه قضاییه، مشارکت در تنظیم لوایح قضایی پیگیری و دفاع از آن در مجلس شورای اسلامی و انعکاس نظرات قوه قضاییه و ارائه پاسخهای قوه قضاییه در ارتباط با شکایات و تحقیق و تفحص از قوه قضاییه موضوع اصول ۷۶ و ۹۰ قانون اساسی در این چارچوب تعریف می شود.

در کنار این ۲ رسالت و وظیفه اصلی بین قوه ای، وزارت دادگستری وظایف مشابهی نیز دارد از قبیل:

۱. مسئولیت و پاسخگویی در قبال رئیس‌جمهور و مجلس در رابطه با وظایف خود و مصوبات هیات دولت.

۲. انجام وظایف و اعمال اختیاراتی که از سوی رئیس‌جمهور یا هیات دولت محول می‌گردد.

۳. تهیه و وضع آیین نامه‌ها و صدور بخشنامه‌ها در حدود وظایف محوله و مصوبات هیات وزیران.

۴. امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای قضایی با سایر دولت‌ها در صورت اعطای نمایندگی از سوی رئیس‌جمهور با هماهنگی قوه قضاییه.

۵. اقدام در جهت احقاق حقوق شهروندان ایرانی مقیم خارج از کشور.

۶. معاضدت حقوقی به اتباع ایرانی مقیم سایر کشورهای جهان.

۷. هماهنگی در امور بین‌الملل نظیر قراردادهای همکاری و معاضدت قضایی استرداد مجرمین، انتقال محکومین و... با رعایت قانون اساسی و نظر رئیس قوه قضاییه.

۸. مدیریت امور پرداخت دیه از بیت المال، حمایت از قربانیان جرم و مجرمین جرایم غیر عمد.

۹. مدیریت امور مربوط به کانونهای کارشناسان، وکلاء و مترجمین رسمی دادگستری.

۱۰. رسیدگی صدور حکم و تعزیر متخلفین قانون تعزیرات حکومتی.^۱

در کنار وظایف مقرر و محوله، پیشنهاد مواد الحاقی و اصلاحی به لایحه اصلاحی قانون بیمه

۱. تارنمای وزارت دادگستری www.justice.ir

اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث، پیشنهاد تشکیلات و وظایف جدید صندوق تأمین خسار آتبدنی، پیشنهاد برابری پرداخت خسارت بدنی زن و مرد مسلمان و غیر مسلمان، پرداخت دیه افراد مشمول دریافت خسارت از بیت المال (بزه دیدگان)، تاسیس شورای سیاست گذاری مالکیت معنوی (وایپو)، تعیین وزارت دادگستری به عنوان مرجع ملی حقوق کودک و هماهنگی مبارزه با فساد، اقدامهای لازم در خصوص استرداد مجرمان و انتقال محکومان به حبس، کمک به آزادی زندانیان حوادث غیر عمد و پرداخت دیه آنها یا کمک سایر دستگاه های و امضاء موافقتنامه های معاضدت قضایی در امور کیفری، ایجاد و نهادینه کردن صندوق حمایت از بزه دیدگان جرایم خاص، استرداد مجرمان، انتقال محکومان به حبس یا کشورهای مختلف و پیگیری برای تصویب آنها، تشکیل کارگروه های حل مشکلات تشبیه قضایی دستگاه های اجرایی و...^۱ از حوزه های ارتباطی و فعالیت وزارت دادگستری نیز می باشند که در ادامه به آنها بیشتر خواهیم پرداخت.

ب - نقش وزارت دادگستری در پیشگیری از جرایم

۱. تهیه و وضع آیین نامه و صدور بخشنامه

تهیه و وضع آیین نامه ها و صدور بخشنامه ها در حدود وظایف محوله و مصوبات هیات وزیران یکی از مهمترین وظایفی است که بر عهده وزارت دادگستری نهاده شده است. «قانون سازی» که یکی از مهمترین ابزارهای ریاست جمهوری در اعمال سیاست های خود می باشد به معنای خاص خود، گامی در برنامه ریزی برای اقدامی است. اقدامی که با تهیه و وضع آیین نامه و صدور بخشنامه و تصویب هیئت وزیران و نظارت شخص رییس جمهور، از قابلیت و شأنت بالایی در ضمانت اجرا برخوردار می شود. همچنین مکدر تهیه و پیگیری لوایح بنیانیقو ه قضاییه مانند لایحه قانون مجازات اسلامی و لایحه قانون آیین دادرسی کیفری که مهمترین قوانین انسانی و اجتماعی مورد نیاز می باشد و در برنامه ریزی برای پیشگیری از جرم بسیار موثر است، از دیگر کارکردهای وزارت دادگستری می باشد.

۲. معاضدت حقوقی و احقاق حقوق شهروندان ایرانی مقیم خارج از کشور

یکی از این معاضدت های حقوقی، پیگیری مسئله زندانی شدن شهروندان ایرانی در کشورهای دیگر به دلایل مختلف می باشد. بر اساس آخرین آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای مسئول در

۱. تحول چشمگیر در وزارت دادگستری، هفته نامه برنامه، ویژه عملکرد دولت نهم، سال هشتم، شماره ۳۳۰، ۷/۶/۱۳۸۸، صص ۴

سال ۱۳۹۰ حدود ۳ هزار ایرانی در زندانهای کشورهای مختلف جهان در بند هستند و تعداد زندانیان خارجی با احتساب افغانها در زندان های ایران حدود ۵ هزار نفر است که بیشتر به دلیل جرائم مواد مخدر و قاچاق هستند.^۱

آمارها نشان می‌دهد بیش از سه هزار ایرانی در خارج از کشور زندانی هستند. با این حال وزارت دادگستری ایران توانسته است سال ۱۳۹۱ بر اساس تفاهم نامه های منعقد شده با کشورها ۶۲ زندانی را به کشور منتقل کند.^۲ همچنین براساس گزارش ارائه شده، وزارت دادگستری از سال ۸۴ تاکنون با ۱۴ کشور موافقت نامه استرداد مجرمین و با ۹ کشور در حوزه انتقال محکومین موافقتنامه امضاء نموده است. درخصوص معاضدت قضائینیز تاکنون با ۲۱ کشور موافقتنامه معاضدت‌های قضایی در امور حقوقی، مدنی، کیفری امضاء شده است.^۳

۳. حمایت از بزهدیدگان و بزهاران جرایم غیر عمد محکوم به ديه

مدیریت امور پرداخت ديه از بیت‌المال، حمایت از قربانیان جرم (بزهدیدگان) و مجرمین جرایم غیر عمد (بزهاران) یکی از دیگر وظایفی است که وزارت دادگستری در راستای جلوگیری از وضعیت‌های منجر به جرم می‌تواند ایفای نقش نماید. در قانون بودجه سال ۸۸ کل کشور ذیل ردیف اعتبار وزارت دادگستری ردیف جدیدی تحت عنوان «کمک برای حمایت از بزهدیدگان» تصویب و ابلاغ شد که بر اساس گزارش‌های وزارت دادگستری، در این رابطه در همان سال از بین ۲۲۶ پرونده مطرح شده، ۱۵۰ پرونده تصویب شده و از ۵۰ میلیارد ریال اعتبار مصوب در این خصوص مبلغی بالغ بر ۳۲ میلیارد ریال تخصیص داده شد و در سالهای بعد نیز این آمار افزایش یافت.

همچنین در در حوزه آزادی زندانیان جرایم غیر عمد، تعداد زندانیان آزاد شده در دور دوم و سوم سفر استانیبیش از ۴۰۰۰ نفر و بالغ بر ۷۰ میلیارد تومان کمک به واسطه مصوبات سفرهای استانی درخصوص وزارت دادگستری بوده است. همچنین اعتبارات مربوط به ديه محکومین معسر در ۵ سال گذشته از رشد اعتباری پانصد درصدی برخوردار بوده است. همچنین براین اساس، در پایان سال ۸۹ و در آستانه سال ۹۰، از سوی «رئیس جمهور» علاوه بر تمامی کمک

۱. گفتگو با مدیرکل امور ایرانیان خارج از کشور وزارت امور خارجه، خبرگزاری فارس www.farsnews.com

۲. گفتگو با شاهرخ هدایتی مشاور وزیر دادگستری و سرپرست اداره کل ارتباط با قوه قضائیه، خبرگزاری مهر
www.mehrnews.com/detail/News/2033367

۳. گزارش عملکرد وزارت دادگستری در دولت نهم و دهم، تارنمای وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران www.justice.ir

های عادی و اعتباری در طول سال برای آزاد سازی زندانیان جرائم غیر عمد و محکومیت‌های مالی غیرکلاهبرداری، مبلغ پانصد میلیارد ریال اعطا شد که با تلاش مسئولان ستاد دیه در استان‌ها و مرکز و نیز سایر دست اندرکاران از این محل تعداد ۳۷۷۹ نفر زندانی که مبلغ بدهی معادل ۱۶۶ میلیارد تومان داشته‌اند آزاد شده و مابقی بدهی از محل رضایت اولیاءدم و طلبکاران و همچنین کمک‌های مردمی مرتفع شده است.^۱

۴. رسیدگی صدور حکم و تعزیر متخلفین قانون تعزیرات حکومتی

سازمان تعزیرات حکومتیکه یکی از سازمان‌ها تابعه وزارت دادگستری است از ابزارهای مهم دولت برای تنظیم بازار و مبارزه با گرانفروشی و اخلال در توزیع کالا است. به طور کلی می‌توان حوزه تعزیرات حکومتی وزارت دادگستری در پیشگیری از جرم را در برخورد با افزایش قیمت، نظارت بر توزیع اقلام ضروری مورد نیاز مردم، رسیدگی به تخلفات شرکت‌های تولیدی و توزیعی و اجرای طرح‌های ضربتی کنترل قیمت در ایام خاص در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، انضباط بخشی به مرزها، معابر شبه قانونی، بازارچه‌های مرزی و...، تلاش برای انضباط بخشی به بازدید از طریق همکاری با اصناف و اتحادیه‌ها و پیشگیری از عرضه خارج از شبکه موقت بیان نمود.^۲

رسالت وزارت دادگستری بر «توسعه قضایی» استوار است^۳ و تعامل بین قوه‌های آن خصوصاً در مورد لوایح قانونی که مستقیماً از طریق قوه مجریه و غیرمستقیم از طریق قوه قضاییه به قوه مقننه ارسال می‌شود، بیانگر نقش مهم وزیر دادگستری می‌باشد که نیاز به افزایش اختیارات آن در راستای اجرای بهتر وظایف خصوصاً وظایف محوله از سوی رییس جمهور در بحث پیشگیری از جرم می‌باشد.

گفتار دوم - نقش وزارت کشور و هماهنگی نهادهای امنیتی

وزارت کشور به منظور فراهم نمودن موجبات حفظ و امنیت در سراسر کشور و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی و سایر قوانین مملکتی و اجرای سیاست عمومی دولت به منظور پیشبرد برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عمرانی و

۱. نگاهی به عملکرد وزارت دادگستری در دولتهای نهم و دهم، خبرگزاری ایرنا، کدخبر: ۸۰۲۹۶۰۸۷-۱۳۹۱/۶/۷
www.iran.ir

۲. نگاهی به عملکرد وزارت دادگستری در دولتهای نهم و دهم، ایرنا، کد خبر ۸۰۲۹۶۰۸۷-۱۳۹۱/۶/۷

۳. تارنمای وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران www.justice.ir

حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی با استفاده از مشارکت‌های عمومی و نظارت بر اداره امور مناطق کشور از طریق استانداران، فرمانداران و بخشداران و همچنین شناسایی و تعیین هویت افراد و رفع بحران‌های ناشی از حوادث و وقایع غیرمترقبه، تأسیس شده است.

الف - مأموریت‌ها و وظایف اصلی وزارت کشور

رسالت اصلی وزارت کشور، فراهم نمودن موجبات حفظ نظم و امنیت در سراسر کشور و تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی است و به همین علت، وزیر کشور و سپس استانداران و فرمانداران، بالاترین مقام امنیتی در سطوح مختلف کشور می‌باشند.

برخی از مهمترین شرح وظایف این وزارتخانه که مرتبط با موضوع می‌باشد عبارتست از:

۱. تأمین و حفظ امنیت داخلی و استقرار نظم و آرامش در کشور و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و نظامی و حفاظت از مرزها.

۲. تمشیت امور نیروی انتظامی.

۳. زمینه سازی برای فعالیت مطلوب احزاب و تشکلهای سیاسی و غیردولتی و نظارت بر فعالیت آنها.

۴. سیاست گذاری، راهبردی و نظارت بر امور مربوط به اتباع و مهاجرین خارجی

۵. اجرای سیاست‌های عمومی دولت به منظور پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و عمرانی

۶. برنامه ریزی بمنظور انجام امور انتخابات

۷. برنامه ریزی و اعمال مدیریت در جهت رفع بحرانهای ناشی از حوادث طبیعی و سوانح غیر مترقبه

۸. شناسایی و تعیین هویت ایرانیان^۱.

ب- نقش وزارت کشور در پیشگیری از جرایم^۲

۱. برقراری و حفظ امنیت کشور و حفاظت از مرزها

ناامنی جامعه، بستر حوادث است. حکومت بدون امنیت حکومت نیست و یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مقولات هر حکومتی تأمین امنیت و برقراری آن برای مردم و دفاع از حقوق آنها می‌باشد.

۱. تارنمای وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران www.moi.ir

۲. ر.ک نادری، محمدعلی، نقش و جایگاه وزارت کشور در پیشگیری از بزهکاری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.

در فرهنگ و معارف و فقه اسلامی باب مستقلی تحت عنوان امنیت تدوین نشده اما به صورت‌های گوناگون بحث امنیت مطرح شده مثل جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع فردی و ملی و عمومی، برقراری قسط و عدل، قضاوت عادلانه، اجرای حدود الهی، برخورد با اشرار و محاربان و مفسدان، برخورد با عناصر شرور و اسلحه به دست که در مردم خوف ایجاد می‌کنند.^۱

هرچند امنیتی که بر عهده دولت اسلامی می‌باشد، امنیت همه جانبه یعنی امنیت شغلی و روانی و سیاسی اقتصادی و اجتماعی که حق شرعی و قانونی فرد فرد ملت است می‌باشد اما آن امنیتی که بر دوش «وزارت کشور» نهاده شده است، بیشتر بعد امنیت جانی افراد بوده است و ایجاد و ثبات سایر امنیت‌ها مانند امنیت شغلی، اقتصادی و... بر عهده وزارت کار، وزارت اقتصاد و... خواهد بود.

یکی از ابزارهای وزارت کشور که تأمین و حفظ امنیت داخلی و استقرار نظم و آرامش در کشور و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و نظامی و حفاظت از مرزها را در سرلیست وظایف خود قرار داده است، «شورای امنیت کشور» می‌باشد که ریاست عالی این شورا که یکی از شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی می‌باشد بر اساس اصل ۱۷۶ بر عهده رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود می‌باشد.

بر اساس قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳۶۲/۶/۸، پیشگیری از بزهکاری در سطح ملی، استانی و شهرستانی در شمار وظایف شورای امنیت کشور، شورای تأمین استان و شورای تأمین شهرستان قرار گرفته است.

شورای تأمین استان‌ها، شهرستان‌ها و بخش‌ها نیز از رهگذر لایحه قانونی اختیارات استانداران در خصوص «استانی کردن پیشگیری از جرم» تبیین شده‌اند که به منظور «حفظ نظم و امنیت»، «رفاه مردم» و «آرامش عمومی» در هر استان به پیشگیری از ناامنی و بزهکاری می‌پردازند. در واقع شورای تأمین استان هرچند که ساختاری امنیت گرا دارد اما برخلاف شورای امنیت کشور، با دو رویکرد «امنیتی» و «اجتماعی» به پیشگیری از بزهکاری می‌پردازد و در کنار تدابیر امنیت مدار برای پیشگیری از جرم، تدابیر اجتماعی جامعه مدار را نیز مدنظر قرار

۱. در نجف آبادی، قربانعلی، نگاهی به امنیت از منظر امیرمومنان(ع)، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۸، ۱۳۸۶، ص ۲۸۱.

می‌دهد.^۱

به طور کلی شورای امنیت کشور، به منظور ایجاد امنیت در جامعه و حفظ آسایش عمومی به پیشگیری از ایجاد ناامنی در سطح کشور از جمله پیشگیری از بزهکاری عمومی که یکی از جلوه‌های ناامنی در جامعه است می‌پردازد. بر اساس قانون، این شورا برای پیشگیری از ناامنی در چند مرحله تدابیر مناسب را اتخاذ می‌کند. در گام اول، گزارش‌های مربوط به رخداد‌های امنیتی، سیاسی، اجتماعی و منطقه‌ای را گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و سپس سیاست‌های کلان امنیتی را تعیین می‌کند. سپس وظایف و اختیارات نهادهای مرتبط به پیشگیری از ناامنی را مشخص نموده و درگام آخر، سیاست‌های اتخاذ شده در این زمینه را پیگیری و مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

۲. تمشیت امور نیروی انتظامی به عنوان خط مقدم پیشگیری از جرم

کلمه «تمشیت» به معنای روان ساختن، به راه انداختن و سر و سامان دادن دادن است^۲ و تمشیت نیروی انتظامی یکی دیگر از وظایف و مأموریت‌هایی است بر وزارت کشور در مقام پیشگیری از جرم نهاده شده است.

مطابق ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹، چهارگونه وظیفه «خدماتی»، «امنیتی»، «قضایی» و «انتظامی» بر عهده نیروی انتظامی قرار داده شده است. این نیرو که خط مقدم مقابله با جرایم می‌باشد در حال حاضر هرچند که نیروی تابعه وزارت کشور می‌باشد اما انتخاب مستقیم فرمانده آن توسط مقام رهبری، نشان دهنده تابعیت و فرمانبری عملی فرمانده نیروی انتظامی از فرماندهی کل قوا می‌باشد نه وزیر کشور؛ در واقع وزیر و وزارت کشور يك نقش نظارتی و اطلاعی در خصوص عملکرد نیروی انتظامی دارند و جنبه حمایتی و به تعبیر قانون «تمشیت» نیروی انتظامی از وظایفی است که این وزارتخانه در قبال نیروی انتظامی بر عهده دارد.

پلیس به حکم وظیفه خود امر جلوگیری از ارتکاب جرایم، دستگیری مجرمان جلوگیری از امحای آثار جرم و حمایت‌های مقدماتی از بزه دیدگان را بر عهده دارد. اقدامات این ارگان بیشتر جنبه فیزیکی و محسوس دارد و سالهاست که مردم با وظایف و نحوه فعالیت آن خو گرفته اند.

۱. نیازپور، امیرحسین، حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۱۹۶ و ۱۹۷.

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰.

پلیس سازمان امنیتی- انتظامی است که در تمام کشورها از جمله وظیفه پیشگیری از جرایم را بر عهده دارد و بیشتر اولین نماینده عدالت کیفری است که با شهروندان در ارتباط می‌باشد. به همین دلیل نوع برخورد پلیس با مردم در شکل‌گیری طرز تلقی صحیح یا اشتباه از نظام امنیت شهری واجد اهمیت سیاسی است. اعضای پلیس افراد آموزش دیده و ورزیده‌ای هستند که پیشگیری از جرایم می‌نمایند. در مقام وظایف پلیس اقدامات زیر را انجام می‌دهد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در پیشگیری از جرایم مؤثر است:

حمایت از بزه دیدگان بالقوه جرایم، ایجاد احساس امنیت عمومی از طریق حضور در سطح شهر و اماکنی که احتمال وقوع جرم در آن وجود دارد، دریافت گزارشهایی راجع به ارتکاب یا احتمال ارتکاب جرایم، حضور در صحنه‌های جرم یا محتمل به بزه‌کاری، ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی به شهروندان در زمینه‌های امنیتی و پیشگیری از جرایم، ارائه برنامه‌ها و طرح‌های امن سازی محله‌ها و محیط‌های خاص شهری در مقابل مجرمان حرفه‌ای، ارائه پیشنهادات علمی و سازنده برای اصلاح ساختارهای جرم خیز و تصویب قوانین متناسب به مقامات ذیصلاح، تهیه آمار جرایم اعم از شروع به جرم، جرایم تام، عقیم و محال به تفکیک جرایم علیه اشخاص اموال و امنیت و...^۱

در واقع آنچه که مربوط به وظیفه پلیس در ارتباطش با وزارت کشور می‌باشد، حفظ نظم و مقررات است. در این رابطه پلیس را عامل کنترل اجتماع Social Control Agent و نیز عامل حفظ صلح و آرامش Peace Keeping Agent خوانده‌اند. در واقع تا این مرحله پلیس ارتباطی با دستگاه عدالت ندارد و بیشتر اقداماتش بر پیشگیری از برهم خوردن نظم و کنترل استقرار می‌یابد.^۲ در حال حاضر پلیس ایران (ناجا) با گستره حوزه‌های فعالیت خویش توانسته است در زمینه‌های مختلف پیشگیری از جرم، نقش آفرینی خوبی ایفا نماید. راه اندازی مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی، استفاده از میانجیگری کیفری، آموزش قوانین راهنمایی و رانندگی با روش‌های گوناگون، همکاری کلانتری و مدرسه، طرح ثبت مشخصات لوازم و اثاثیه (شناسنامه اموال)، به کارگیری پلیس زن، طرح حرین حفاظتی مناطق خاص مانند مجلس، نهاد ریاست جمهوری و...، استفاده از دوربین‌های کنترل سرعت، فعال سازی پلیس اماکن عمومی

۱. اسدالهی، قنبر، نقش پلیس در پیشگیری از وقوع جرم، www.haghgostar.ir

۲. شریفی، صادق، مبانی حقوق اداری در عهدنامه مالک اشتر با توجه به دوران خلافت حضرت علی(ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۶.

و پلیس محلات، راه اندازی پلیس ۱۱۰ و پلیس ۱۹۷، طرح همیار پلیس، پلیس دیپلماتیک و...^۱ از برنامه‌های اجرا شده و در حال اجرای نیروی انتظامی در موضوع پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی می‌باشد.

۳. هماهنگی و هدایت استانداران برای تحقق سیاست‌های عمومی و برنامه‌های دولت

بر اساس ماده یک شرح وظایف استانداران و فرمانداران مصوب ۱۳۷۷/۷/۲۸ شورایی عالی اداری، استانداران در قلمرو مأموریت خویش بعنوان نماینده عالی دولت، مسئولیت اجرای سیاست‌های عمومی کشور در ارتباط با وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و سایر دستگاههایی که بنحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می‌نمایند، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای انتظامی، شوراهای اسلامی شهر و شهرداریها و مؤسسات عمومی غیر دولتی را عهده دار خواهند بود. همچنین استاندار بعنوان نماینده عالی دولت در برابر رئیس جمهور و هیأت وزیران مسئول بوده و بعنوان نماینده وزارت کشور مسئولیت اجرای وظایف و اختیارات آن وزارت در استان را عهده دار خواهد بود و در مقابل وزیر کشور پاسخگوست.

قانون برای استانداران، ۴۰ وظیفه مصوب نموده است اما اگر بخواهیم تقسیم بندی انجام دهیم وظایف و اختیارات استاندار به سه قسم وظایف سیاسی، اداری و امنیتی تقسیم می‌شود.^۲ در کنار دو مسئولیت سیاسی و اداری، استاندار طبق ماده ۱۵ قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور، مسئول امنیت در استان می‌باشد و به عنوان نماینده حکومت مرکزی، ریاست آن را بر عهده دارد.

در واقع استانداران به نوعی دارای ۲ بعد ارتباطی و مسئولیتی می‌باشند. یک بعد در ارتباط با وزارت کشور می‌باشد که به نمایندگی وزارت کشور، مسئول امنیت استان را بر عهده دارند و بعد دیگر در ارتباط با دولت می‌باشد که نماینده قوه مجریه در تحقق سیاست‌های عمومی و برنامه‌های دولت می‌باشند و وزارت کشور نیز در این بعد، نقش هماهنگی و هدایت استانداران را بر عهده دارد.

البته ناگفته نماند که هرچند که استانداران به عنوان ریاست شورای تأمین استان، می‌توانند در

۱. ایران‌شاهی، حمید، پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان‌های مسئول در قوانین ایران، انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹، صص ۱۴۹ - ۱۸۹.

۲. جباری، شعبانعلی، واژه استاندار، فرهنگ علوم اسلامی و انسانی، تارنمای پژوهشکده باقرالعلوم (ع)،
www.pajoohe.com

وظایف امنیتی محوله، به پیشگیری از ناامنی و جرایم اقدام نمایند اما به استناد ماده ۵ لایحه قانون اختیارات استانداران کشور جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۹ شورای انقلاب، علاوه بر حفظ نظم و امنیت و رفاه مردم آرامش عمومی در هر استان، استانداران موظفند تأمین ارزاق و مایحتاج عمومی و مراقبت دقیق در اجرای برنامه‌های عمرانی و نوسازی و بهسازی شهرها و دهات و امثال اینها از طریق شورای سازمانهای ذیصلاح را عهده دار شوند. همچنین با تدقیق در بین ۴۰ وظیفه که مصوبه شورای عالی اداری برای استانداران و فرمانداران تعریف نموده است می‌توان تیپ‌ها و انواع مختلف پیشگیری از جرم (وضع، اجتماعی، ثالث و...) را استنباط نمود. برخی از این وظایف عبارتند از:

- ایجاد زمینه های لازم برای تأسیس و توسعه مجامع و تشکل های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تخصصی و نظارت بر فعالیتهای آنها بمنظور گسترش مشارکت های مردمی در همه زمینه‌ها و نهادینه شدن آزادیهای سیاسی و اجتماعی.
- ایجاد زمینه مناسب جهت رشد و ارتقاء فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بانوان و ایجاد هماهنگی بین دستگاههای ذیربط و نظارت بر فعالیت آنها.
- فراهم آوردن زمینه های مناسب برای رشد و پیشرفت و گسترش آموزش و پرورش، ورزش همگانی، بهداشت عمومی، آموزش عالی و تحقیقات.
- فراهم آوردن زمینه های عدالت اجتماعی و فقر زدایی.
- هدایت و هماهنگی اقدامات مربوط به پیشگیری و جلوگیری از منکرات و مفساد اجتماعی.
- برنامه‌ریزی و اعمال مدیریت در جهت رفع بحرانهایی ناشی از حوادث طبیعی و سوانح غیرمترقبه .
- سیاست گذاری، راهبردی و نظارت بر امور مربوط به اتباع و مهاجرین خارجی

گفتار سوم - نقش وزارت اطلاعات

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، به منظور کشف و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات و ضدجاسوسی و بدست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی جهت پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان علیه انقلاب

اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است.^۱ گستره فعالیت وزارت اطلاعات در داخل کشور عموماً معطوف به اقدامات پیشگیرانه، صیانتی، توجیهی و در راستای اطلاع‌رسانی به مردم و تنویر افکار عمومی جامعه می‌باشد. اما در مواجهه با توطئه‌های خارجی، عملکرد وزارت در برخورد با دشمنان و عناصر مخل امنیت به صورت پنهان، اطلاعاتی و بسیار سنجیده است که سرویس‌های اطلاعاتی حریف نتوانند از شگردهای به کار گرفته شده در شناسایی جواسیس آگاهی یابند. لذا اقدامات مقابله‌ای که از سوی این وزارت صورت می‌گیرد، پس از بررسی و تشکیل پرونده، متهمان را جهت اعمال قانون به مرجع قضایی دلالت و درخواست صدور رای می‌نماید و پس از آن وزارتخانه، نسبت به ابعاد توطئه و عوامل موثر در آن طی گزارش خبری به اطلاع مردم می‌رساند.^۲ براین اساس وزارت اطلاعات هم در راستای پیشگیری از وقوع توطئه علیه کشور و هم جهت مقابله و سرکوبی توطئه‌ها در صورت شکل گرفتن و تشکل یافتن ایجاد شده است

الف- وظایف وزارت اطلاعات

به استناد قانون تاسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران وظایف این وزارتخانه در ۴ محور اصلی تدوین و تبیین شده است و مهم‌ترین ماموریت‌های محوله بر پایه جمع‌آوری اخبار و تولید، تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی اطلاعات مورد نیاز در ابعاد داخلی و خارجی، کشف توطئه‌ها و فعالیت‌های براندازی، جاسوسی، خرابکاری و اغتشاش علیه استقلال و امنیت و تمامیت ارضی کشور استوار می‌باشد.

به طور کلی وزارت اطلاعات وظیفه جمع‌آوری اطلاعات، حفاظت اطلاعات و فعالیت‌های ضداطلاعاتی در داخل و خارج از ایران را بر عهده دارد. همچنین رسیدگی به امر مهم ضد جاسوسی، رسیدگی به جرائم و تخلفات شرکت‌های هرمی، فعالیت در زمینه قاچاق فرش، طلا، عتیقه‌جات و کتب خطی نیز به مرور در شرح وظایف وزارت اطلاعات گنجانده شده است.^۳

ب- نقش وزارت اطلاعات در پیشگیری از جرم

به طور کلی نقش وزارت اطلاعات در پیشگیری از جرم، همانگونه که از نام و وظایفش پیداست

۱. ماده ۱ قانون تاسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مصوب ۲۷ مرداد ۱۳۶۲.

۲. تارنمای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران www.vaja.ir

۳. تصویب‌نامه مورخه ۱۳۶۸/۲/۲۷ هیأت وزیران.

نه بصورت آشکارا و علنی بلکه بصورت سری و غیر علنی و به اصطلاح بصورت اطلاعاتی در مقام پیشگیری از جرم خصوصاً جرایم علیه امنیت ملی عمل می‌نماید. این وزارت به منظور اجرا و انجام کامل ماموریت‌های خود طبق ماده ۴ قانون تاسیس از ضابطین قوه قضاییه (نیروهای انتظامی) کمک می‌گیرد و از این لحاظ موقعیت منحصر به فردی دارد.^۱

بطور کلی در نگاه اول به شش وظیفه مصوب شده برای این وزارتخانه این تصور برداشت می‌شود که اقدام وزارت اطلاعات، بیشتر در زمینه‌های کسب اخبار و اطلاعات و رصد آنها و سپس در اختیار قرار دادن آن اطلاعات به سایر نهادها پیش‌تاز در مقابل جرم (مانند وزارت کشور، ناجا و...) می‌باشد اما واقعیت درونی این وزارتخانه به اینگونه می‌باشد که این وزارتخانه علی‌رغم موقعیت حساس خویش، صرفاً یک وزارتخانه پشتیبان و برنامه ریز در مقام پیشگیری از جرم نمی‌باشد بلکه خود در مسائل امنیتی به عنوان ضابط قضایی و در موارد خاص فراتر از آن عمل نمود و وارد میدان مقابله با جرایم می‌شود. در ادامه به چند وظیفه مهم این وزارتخانه در امر پیشگیری از جرم می‌پردازیم.

۱. پیشگیری از اقدام علیه استقلال، امنیت، تمامیت ارضی و نظام کشور

کشف توطئه‌ها و فعالیت‌های براندازی، جاسوسی، خرابکاری و اغتشاش علیه استقلال و امنیت و تمامیت ارضی کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را شاید بتوان غایت و هدف اصلی از تأسیس وزارت اطلاعات دانست. فصل اول از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، به جرایمی تحت عنوان «جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور» اختصاص دارد^۲ که حول محور این وظیفه وزارت اطلاعات بیان شده است.

در واقع همانگونه که در شرح وظیفه وزارت اطلاعات بیان شده است، نقش وزارت اطلاعات در این امور، «کشف جرایم» می‌باشد؛ عنصر مادی این جرم نیز در قالب توطئه، عمل براندازانه، جاسوسی، خرابکاری و اغتشاش می‌باشد که در این موارد به مأموران وزارت اطلاعات اجازه داده شده است در مواردی که اتهام متهمین ضد انقلابی را محرز تشخیص دهد در صورت فوتی بودن مورد، رأساً وارد عمل شده و متهم را حد اکثر تا ۲۴ ساعت بازداشت

۱. صادق متی‌نژاد، بررسی جایگاه قانونی نقش و اهمیت دستگاه‌های نظارتی قوای سه‌گانه در جمهوری اسلامی ایران،

www.hoghoogh.com.online.fr/nezaratbardoolat.htm

۲. مواد ۵۰۲، ۵۳۸، ۵۵۴، ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.

نماید. ادامه بازداشت متوقف بر حکم دادستان است.^۱ در واقع در این وضعیت، مأمورین وزارت اطلاعات که تحت عنوان «سربازان گمنام امام زمان (عج)» فعالیت می‌کنند نقش خط مقدم در مواجهه با جرایم حوزه وزارت اطلاعات را ایفاء می‌نمایند.

۲. رصد اخبار اطلاعاتی داخلی و خارجی و ارائه آنها به نهادهای عالی نظام

کسب و جمع‌آوری اخبار و اطلاعات مورد نیاز داخلی و خارجی و تجزیه و تحلیل آنها با کمک کارشناسان خبره و طبقه‌بندی اطلاعات آنها از لحاظ محرمانه و غیرمحرمانه بودن، سری و فوق سری و... و همچنین استفاده از سرویس‌های خبری و اطلاعاتی و ضدجاسوسی در خصوص مسائل مهم امنیتی و اطلاعاتی کشور و سپس ارائه این اطلاعات مهم به نهادهای امنیتی، نظامی، انتظامی، مسئولین و نهادهای عالی کشور اعم از رهبری، ریاست جمهوری، شورای عالی امنیت ملی، مجلس شوریا اسلامی و و آگاه ساختن به موقع آنها نسبت به توطئه‌ها و اقدامات خطرآفرینی که در داخل و خارج کشور در حال شکل‌گیری و انجام است از دیگر ظرفیت‌ها و وظایف وزارت اطلاعات در مقام پیشگیری از جرایم می‌باشد. مسائلی مانند پیگیری و پیشگیری از بمب‌گذاری در مجامع و مکان‌های عمومی و حساس مانند مراکز نفت و انرژی، هسته‌ای، مخابرات و زیرساخت‌های سایبری مانند پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌های اتمی، برق و مخابرات...، تأمین امنیت دانشمندان هسته‌ای و پیگیری عاملان بمب‌گذاری و ترور آنان، دستگیری جاسوسان، اشرار و تروریست‌های سیستان و بلوچستان خصوصاً ریگی، حضور در عرصه جنگ نرم و جرایم سایبری، مقابله با شبکه‌های هر می و...^۲ همه و همه به پشتوانه و توان اطلاعاتی بالایی وزارت اطلاعات در مقام گردآوری و رصد اخبار و اطلاعات و در ارائه آنها به نهادهای مربوطه جهت اقدام می‌باشد.

۳. استفاده از پتانسیل مردمی در راستای ثبات امنیت در سطح کشور

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران متمایز از سایر سازمان‌های اطلاعاتی، در کنار سرویس‌های خبری، اطلاعاتی و جاسوسی خود از پتانسیل و فرصت دیگری بر اساس سیاست جنایی مشارکتی تحت عنوان «ستادهای خبری وزارت اطلاعات» که با یاری و همراهی آحاد جامعه شکل می‌یابد نیز بهره‌مند است. این ستاد که بصورت شبانه روزی با تلفن شماره ۱۱۳

۱. دستورالعمل نحوه مقابله با متهمین ضد انقلابی مورخ ۱۳۶۶/۱/۲۶ (اجلاس سران قوا).

۲. وزیر اطلاعات دستاوردهای وزارت اطلاعات را تشریح نمود، روزنامه جام جم، کدخبر: ۱۰۰۸۳۸۵۷۱۴۵۵

آماده دریافت گزارشات امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد به نوعی بر نقش نظارتی مردم در پیشگیری از جرم تأکید دارد.

گفتار چهارم - نقش سایر وزارتخانه‌ها و نهادهای مسنول

در میان سایر وزارتخانه‌ها و نهادها و سازمان‌هایی که تحت نظر ریاست جمهوری و دولت مشغول به فعالیت هستند و در زمینه پیشگیری وضعی از جرم فعالیت می‌کنند می‌توان به وزارت صنعت، معدن، تجارت که از ادغام وزارتخانه‌های بازرگانی و صنایع و معادن تشکیل شده است و همچنین سازمان حفاظ محیط زیست اشاره کرد.

الف - وزارت صنعت، معدن، تجارت

وجود سازمانی مشابه با سازمان تعزیرات حکومتی به نام «سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات» که در سال ۱۳۷۳ تحت نظر وزارت بازرگانی وقت تشکیل گردید^۱ و هنوز نیز پابرجاست، نقش وزارت صنعت، معدن و تجارت را در پیشگیری از برخی از جرایم همچنان حفظ نموده است. همچنین حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت در ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز بر معرفی بسیاری از پرونده‌ها تحت عنوان قاچاق از سوی ستاد مذکور به مجتمع قضایی رسیدگی به جرایم اقتصادی، ناشی از اقدامات وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌باشد.

ب - وزارت آموزش و پرورش

مدرسه، خانه دوم همه مردم می‌باشد و نقش بی‌بدیل آموزش و پرورش در شکل‌گیری و ساختن شخصیت آیندگان بر همگان روشن است. وزارتخانه‌ای با جمعیتی تقریباً ثابت در طول سالهای گذشته با مخاطبانی بالغ بر ۱۵ میلیون نفر یعنی ۲۰٪ از جامعه که بصورت مستقیم در قالب دانش آموز، معلم و اولیای مدرسه بازیگران عرصه تعلیم و تربیت جامعه می‌باشند در ارتباط است و وزیر و وزارتخانه‌ای که همواره مورد سؤال، پرسش و پیگیری افکار عمومی خصوصاً خانواده‌ها قرار دارد.

بطور کلی این وزارتخانه یکی از وزارتخانه‌های مهمی است که با تعاملات گوناگونی که بوسیله ابزارهای خویش مانند انجمن اولیاء و مربیان دارد می‌تواند در موضوع پیشگیری از جرم، آموزش دهند و آگاه‌کننده باشد و نمونه‌ای از آنها طرح همیار پلیس می‌باشد که موفقیت‌های

۱. آیین‌نامه اجرایی سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات (تصمیم نماینده ویژه رییس جمهور) مصوب هیئت وزیران. ۱۳۷۳/۸/۱

زیادی را در کاهش جرایم رانندگی و متعاقب آن سوانح ناگوار داشته است.

ج - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

فرهنگ، واژه غریب و مظلومی است که در کشور ما گاهی موارد چند صاحب و گاهی بی صاحب می شود. یکی از متولیان رسمی و دولتی این امر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد که مستقیماً زیر نظر رئیس جمهور مدیریت می شود. در حال حاضر تنها چیزی که می توان در تعامل این وزارتخانه به عنوان ابزار رئیس جمهور در پیشگیری از جرم یافت، ورود عملی و اجرایی به کار فرهنگی و دست کشیدن از تئوری ها و نظریه پردازی های صرف می باشد. بطن جامعه فعلی از مهندسی فرهنگی خسته و به دنبال مهندسی فرهنگی جهت پاسخ به نیازهای فرهنگی و اجتماعی خویش می باشد. نیازهایی که اگر رفع شوند، خود مانعی در رفتن به سوی ناهنجاری خواهند شد.

د - وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی

این وزارتخانه نیز که ترکیبی از دو وزارت مهم و حیاتی در مسئله پیشگیری از جرم می باشند هم باید فراتر از آنچه که بوده عمل نماید و سه رسالت پیشگیرانه از جرم یعنی «کار»، «رفاه» و «تأمین اجتماعی» را به طور عام برای همه فراهم کند تا بتوان یک عدالت توزیعی اجتماعی را در جامعه احساس کرد و از مردم نیز توقع داشت به این عدالت اکتفاء نموده و به التزامات آن پایبند باشند.

هـ - سازمان حفاظت محیط زیست

هدف سازمان حفاظت محیط زیست تحقق اصل ۵۰ ق.ا به منظور حفاظت از محیط زیست و تضمین بهره مندی صحیح و مستمر از محیط زیست بنحوی که ضمن حفظ تعادل مناسبات زیستی موجبات توسعه پایدار و بهبود، رشد و اعتدالی کیفی انسان ها فراهم آید می باشد. در واقع یکی از نقش های سازمان حفاظت محیط زیست، همانطور که از نامش پیداست، شناسایی و تشخیص فعل مجرمانه علیه بهداشت عمومی و محیط زیست براساس ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۱ آن است. همچنین حفاظت و بهسازی محیط زیست و پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب و محیط زیست می شود و نیز کلیه امور مربوط به جانوران وحشی و آبیان آبهای داخلی درحوزه وظایف

سازمان محیط زیست می‌باشد.^۱ همچنین پیشنهاد ضوابط به منظرو مراقبت و جلوگیری از آلودگی آب، هوا، خاک، پخش فضولات و... و همچنین صدور پروانه و مجوز برای هرگونه شکار و صید و پرورش، تکثیر، نگهداری و خرید و فروش جانوران وحشی از اختیارات سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد.^۲ بنابراین سازمان حفاظت محیط زیست با اعمال نظارت بر بهداشت عمومی محیط و هرگونه صید و شکار به ویژه از طریق صدور بخش نامه، از وقوع جرایم زیست محیطی و صید و شکار غیرمجاز^۳ که در قانون جرم انگاری شده اند، پیشگیری می‌کند.

۱. ماده ۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۵۲/۳/۲۸.

۲. ماده ۸ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ با اصلاحات مصوب ۱۳۵۳/۱۰/۳۰ و ۱۳۷۵/۹/۲۵.

۳. ایرانشاهی، حمید، منبع پیشین، ص ۲۶۶.

مبحث دوم - ریاست جمهور و کمیته‌های موضوع اصل ۱۲۷ ق.۱

بر اساس اصل ۱۲۷ که در اصلاحات ۱۳۶۸ به قانون اساسی افزوده شد، رییس جمهور می‌تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیأت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در واقع تأسیس چنین نهادی به منظور حل و فصل صحیح امور اتفاقی می‌باشد.

ضرورت وضع این اصل، احتمال پیش آمدن مسائلی با ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی، بین المللی و... می‌باشد که پرداختن یک وزارت معین یا یک مسئول محلی به به آن ممکن نیست. این عنوان در کنوانسیون‌های بین‌المللی تحت عنوان «فرستاده» رییس جمهور شناخته می‌شود و کنوانسیون ۱۹۶۱ وین، تداعی کننده قسمتی از صلاحیت‌های این سمت می‌باشد.^۱

در واقع رئیس جمهور از طریق اصل ۱۲۷ توانسته است با تصویب هیأت وزیران برخی از وظایف و مسئولیت‌های خود را به سایر اشخاص حقیقی و حقوقی منتقل نماید و علی‌رغم قیود پیش‌بینی شده در این اصل یعنی «در موارد خاص» و «بر حسب ضرورت» که اقتضای پرداختن به امور موقتی و غیر مستمر را دارد، دست به ایجاد نهادهای دایمی تخصیص دهد.^۲ البته بر اساس نظر شورای نگهبان، محدوده این اصل شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شوند و منحصرأ شامل «تصمیمات» خواهد بود.^۳ و به همین دلیل نیاز به ارسال این «تصمیمات» به رییس مجلس جهت اطلاع نمی‌باشد چرا که اصل ۱۳۵ ق.۱، لزوم ارسال خروجی‌های دولت برای ریاست مجلس شورای اسلامی را ناظر به «مصوبات» دانسته است نه «تصمیمات»؛ درخصوص ماهیت اصل ۱۲۷ نیز باید بیان نمود که ماهیت اعطای صلاحیت، «تفویض اختیار» و واگذاری امکان «تصمیم‌گیری» رئیس جمهوری و هیأت وزیران به نمایندگان ویژه می‌باشد.^۴

در حال حاضر رییس جمهور نمایندگی ویژه‌ای در موضوعات مختلف سیاسی، بین‌المللی، اداری، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... دارد که برخی از آنها بصورت مستقیم و برخی

۱. عبدالمهدی، حسین، نگاهی به ابعاد حقوق اساسی، تحلیل اصل ۱۲۷ قانون اساسی درخصوص نماینده ویژه رییس جمهور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۱۲۱۹۷، ۱۳۹۰/۱۱/۳، ص ۳.

۲. شریف، محمد، تحلیل اصل ۱۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۳، ص ۹۳

۳. نظر ۷۹/۲۱/۷۳۷ شورای نگهبان در پاسخ به نامه شماره ۲۷۵۸/هـ/ب مورخ ۱۳۷۹/۵/۴ مجلس شورای اسلامی.

۴. عبدالمهدی، حسین، منبع پیشین، ص ۲۶.

غیرمستقیم با مسائل حقوقی (اعم از حقوق عمومی، خصوصی، اداری، جزا و جرم‌شناسی و...) مرتبط هستند که در این میان با چند تن از این نهادها که تحت عنوان کمیته‌های موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی، نماینده ویژه رییس جمهور در آن موضوع خاص می‌باشند خواهیم پرداخت و نقش آنها در پیشگیری از وقوع جرم و تعامل و پاسخگویی شان در مقابل ریاست جمهوری را بیان خواهیم نمود.

گفتار اول - ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز

ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز که به‌دنبال ابلاغ فرمان رهبر معظم انقلاب پیرامون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۸۱ تاسیس شد زیرمجموعه نهاد ریاست جمهوری است که رئیس آن با عنوان نماینده ویژه رییس‌جمهور و رییس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز منصوب می‌شود.

بر اساس سند راهبردی ملی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گام‌های زیر در راستای تحقق چشم انداز مطلوب در مبارزه با قاچاق کالا و ارز بیان شده است: تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، حمایت از تولید داخلی، روان‌سازی تجارت قانونی، شفافیت انضباط اقتصادی، پیشرفت

و توسعه مناطق آسیب‌پذیر از قاچاق با تأکید ویژه بر اشتغال، تقبیح

قانونی، شریعو عرفی قاچاق از سوی عموم مردم و میانجام اقدامات

فرهنگی تبلیغی و شومندان، جلوگیری از فساد اداری

باتکیه‌بر

سرمايه‌هاي

انسانیکار آمد، بکارگیری فناوری‌های نوین و دانش روز

برگردشکالا و ارز، پیشگیری و مقابله با قطع موثر با حذف صرفه‌های قاچاق؛

الف- علل و عوامل شکل‌گیری پدیده قاچاق و پیامدهای آن

قاچاق به عنوان فعالیتی غیرقانونی در سراسر جهان همواره با ریسک ناشی از برخورد عوامل قانونی کشورها مواجه بوده است اما ریسک ناشی از قاچاق کالا و ارز در ایران تنها ۲۵٪ است و فقط ۱۰٪ از کالاهای قاچاق کشف می‌شود.^۱ آمارهای ارائه شده در خصوص قاچاق در کشور جمهوری اسلامی ایران نیز بیان‌کننده این واقعیت می‌باشد که در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ به ترتیب میزان قاچاق، ۲۰ میلیارد و ۱۴ میلیارد دلار و با سیر کاهشی در سال ۱۳۹۰، ۱۰ میلیارد

۱. محسنی، حسن، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پدیده قاچاق، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم،

دلار بوده است^۱ که اثرات بسیاری ناگوار و پنهانی بر اقتصاد، اشتغال، تولید ملی، فرهنگ و... دارد. به طور کلی علل و عوامل متعددی در زمینه شکل گیری پدیده قاچاق وجود دارد که می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم نمود:

۱. تعدد و ناکارآمدی قوانین و مقررات

به طور کلی تعدد، ناکارآمدی و ضعف قوانین مرتبط با قاچاق و تنظیم مصوبات پی در پی اصلی‌ترین دلیل شیوع پدیده قاچاق در حوزه سیاست تقنینی می‌باشد. متعدد بودن عوامل موازی اعم از سازمانهای شاکتی، کاشف و رسیدگی کننده، وجود باراندازه‌ها و اسکلتهای تعریف نشده، تعرفه‌های سنگین گمرکی و تشریفات زاید، سوء استفاده از امتیازات انحصاری در واردات یا صادرات و گران و پیچیده بودن واردات رسمی نیز از سایر دلایلی است که به یاری و مساعدت وضع قوانین و سخت‌گیری‌های بی‌مورد بر افزایش جرم قاچاق تأثیر گذاشته است.

۲. فایده سنجی و منفعت طلبی اقتصادی

بطور کلی کیفیت پایین و قیمت بالایی کالای داخلی در برابر کیفیت بالا و قیمت پایین تر کالای قاچاق خارجی، توانی برای مقابله و فایده سنجی برای مشتری نخواهد گذاشت. وجود تقاضا در داخل کشور، اعطای یارانه‌های کلان به برخی کالاها مانند بنزین و سوخت، وجود بیکاری در نواحی مرزی و ریسک پایین قاچاق کالا، پایین بودن سطح امنیت اقتصادی، ضعف بخش خصوصی و دولتی بودن اقتصاد و گسترش حضور بنگاه‌های زیرزمینی در اقتصاد کشور در مقابل ارائه آمارهای اشتباه از تولیدات داخلی منجر به واردات بی رویه، خواسته و یا ناخواسته میل و رغبت مصرف کننده داخلی را به سوی کالای قاچاق و طبیعتاً حمایت مادی و معنوی از واسطه‌های این امر خواهد نمود.

۳. آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی

وجود تبلیغات گسترده برای کالای خارجی از سویی و از سوی دیگر رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و گرایش به تجملات و پایین بودن سطح فرهنگ و نگرش قومی از آسیب‌های فرهنگی هستند که باعث می‌شوند تا افراد و خانواده‌ها مقایسه غلطی بین سطح زندگی خویش با دیگران نمایند و نوعاً براساس چشم و هم‌چشمی به خرید کالای خارجی شیک و ارزان و البته نوعاً قاچاق آن بپردازند.

۱. تازه ترین آمار قاچاق در گفتگو هفته نامه تجارت فردا با سردار ابویی، معاون ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سایت تجارت

نیوز، ۲۵ آذر ۱۳۹۱؛ www.tejaratnews.com

۴. ضعف عوامل نظارتی و کنترلی

عدم کفایت امکانات و تجهیزات ردیابی و کشف قاچاق در طول مرزها و گمرک، وجود مبادی اختصاصی نظیر اسکله‌های نامرئی خارج از نظارت گمرک، عدم برخورداری از دانش و آگاهی کاربردی در عوامل نیروی انتظامی و به کارگیری نیروی ناکارآمد، کمبود نیروی انسانی (از لحاظ عدّه و یا عدّه) جهت مقابله با ترانزیت قاچاق مرزی، همکاری عوامل گمرک با قاچاقچیان در قالب اخذ رشوه و پورسانت، هزینهبهر و گران بودن واردات رسمی و همچنین وجود مرزهای طولانی دست به دست هم می‌دهند تا قاچاقچیان از ضعف عوامل نظارتی و کنترلی در پیشبرد مقاصد خود بهره ببرند.^۱

همانطور که بیان شد قاچاق کالا، برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی را مختل نموده و باعث کاهش تولیدات داخلی، خروج سرمایه از چرخه تولید و اشتغال و در نتیجه افزایش بیکاری و به تبع آن فقر و جرم می‌شود. همچنین قاچاق بر سیاست‌های اجرایی دولت نیز اثر منفی دارد چرا که دولت برای کمک به رشد اقتصادی و صنعتی، غالباً سیاست حمایت از صنایع نوپای داخلی را در دستور کار قرار می‌دهد که عرضه کالای ارزان قیمت قاچاق، بازار رقابت برای کالای داخلی را دشوار نموده و چه بسا منجر به زیاندهی، ورشکستگی و نهایتاً تعطیلی واحدهای تولیدی می‌گردد. همچنین قاچاق به علت افزایش تقاضای ارز به دلیل واردات غیرقانونی، موجب برهم خوردن تعادل عرضه و تقاضای ارز شده که این پدیده ضمن فشار به پول رسمی کشور، آثار تورمی نیز با خود به دنبال دارد.

در کنار ایجاد اختلال در سیاستگذاری اقتصادی و اقتصادی، قاچاق، پیامدهای امنیتی نیز به دنبال دارد. قاچاق کالاهای امنیتی مانند اسلحه، اطلاعات محرمانه و همچنین سوء استفاده سرویس‌های جاسوسی از معابر قاچاق از پیامدهای مستقیم قاچاق کالا و ضربه خوردن دولت از تعطیلی واحدهای داخلی و محروم شدن از سود بازرگانی، حقوق گمرکی و مالیات که منجر به کاهش درآمدهای ملی و درآمد سرانه می‌شود از سویی و از سوی دیگر افزایش بیکاری و فقر و فساد در جامعه که امنیت اجتماع را به خطر خواهد انداخت، از پیامدهای غیرمستقیم پدیده قاچاق می‌باشد.

ایجاد اختلال در سیاستگذاری فرهنگی و فرهنگ عمومی که به دلیل کمرنگ شدن ارزش‌های اخلاقی حاصل از حضور کالاهای جذاب و غیرفرهنگی در خانواده‌ها و نبود امکان کنترل

۱. محسنی، حسن، منبع پیشین، ص ۱۶.

استانداردهای لازم خصوصاً در مورد دارو و مواد بهداشتی که منجر به تهدید و ضربه زدن به امنیت جسمی و روانی افراد و نهایتاً جامعه می‌گردد، از دیگر عواقب شوم پدیده قاچاق می‌باشد.

ب - بررسی راهکارهای مقابله با پدیده قاچاق

پدیده قاچاق به عنوان عارضه سیستم اقتصادی یک پدیده چند وجهی است که نخست با اختلال سیستم اقتصادی داخلی و بین المللی از جرائم دیگری نشأت می‌گیرد و علاوه بر جرائم متقارن، زمینه جرائم عدیده دیگری را نیز به وجود می‌آورد. راهکاری مبارزه و مقابله با این پدیده را می‌توان به دوگونه راهکارهای پیشگیرانه و راهکارهای مقابله‌ای تقسیم نمود.

۱. راهکارهای پیشگیرانه

به طور کلی می‌توان گفت پیشگیری از وقوع جرم قاچاق به تقلیل و کاستن موقعیت‌ها برای ارتکاب به این جرم بستگی دارد و با به کار بستن تدابیر زیر برای رسیدن به این مهم امکان‌پذیر است. راهکارهای پیشگیرانه در مقابله با جرم قاچاق عبارتست از:

- تعیین و تثبیت نرخ واقعی ارز که موجب کاهش میل به قاچاق را فراهم می‌سازد.
- برقراری نظام تعرفه‌ای مناسب و منطقی که با احتساب پرداخت وجوه گمرکی و ریسک بالا در انجام قاچاق کالا از سوی دیگر، گرایش به سمت واردات و صادرات از طریق قانونی افزایش یابد.
- تعدیل هزینه‌های سر بار تولید و کاهش عوارض غیر منطقی بر تولیدات داخلی به طوری که موجبات کاهش هزینه تمام شده محصولات داخلی را فراهم آورد.
- افزایش استاندارد و کیفیت محصولات داخلی نسبت به محصولات خارجی به منظور افزایش استقبال مردمان کالاهای ساخت داخل و کاهش تقاضا برای محصولات خارجی قاچاق.
- کاهش یارانه‌های متعلق به برخی کالاها نظیر سوخت و تطبیق قیمت آن با کشورهای همسایه.
- ممنوعیت خرید کالاهای خارجی که مشابه داخلی دارد برای موسسات دولتی.
- تدوین و اجرای برنامه‌های جامع و بلند مدت کلان اقتصادی با هدف رشد و توسعه کشور.
- اطلاع رسانی عمومی در خصوص عوارض قاچاق بر وضعیت زندگی و اقتصاد در بلند مدت.
- ایجاد اشتغال برای افراد جویای کار.
- بهبود و وضعیت معیشتی و شرایط اقتصادی در استان‌های مرزی از نظر تولید و اشتغال.
- بهره‌گیری از تجهیزات مدرن برای کنترل مرزها.
- بهره‌گیری از راهکارهای اطلاعاتی به جای شیوه‌های صرفاً پلیسی در مبارزه با قاچاق.

- اصلاح قوانین و مقررات جاری و ایجاد رویه واحد در سیستم قضایی و تعزیراتی.

۲. راهکارهای مقابله‌ای

راهکارهای مقابله‌ای، به راهکاری گفته می‌شود که علاوه بر اقدام پیشگیرانه که گامی دفاعی در مقابل جرم قاچاق می‌باشد، یک گام به جلو برداشته و حرکتی تهاجمی در مسیر مقابله نسبت به پدیده قاچاق می‌باشد. حال برای تحقق این راهکار مقابله‌ای، الزاماتی نیاز می‌باشد.

سیاست‌گذاران اقتصاد کشور به جای تکیه بر اقتصاد درونگرا، برنامه‌های خود را بر کاهش درونگرایی در سیاست‌های بازرگانی خارجی استوار سازند.

پلیس و سازمانهای کاشف، با تقویت نیروی انسانی و تجهیز امکانات خود از ابزارهای مناسب برای کشف کامل و انعکاس فوری پرونده‌های تشکیل شده به سیستم قضایی و تعزیراتی بهره‌برداری کنند.

قوانین مربوط به جرائم قاچاق کالا و ارز اطلاع و قانون با پیروی از دستاوردهای علمی مراکز دانشگاهی پیش‌بینی و تصویب شود.

شعب ویژه‌ای همانند سازمان تعزیرات حکومتی در سیستم قضایی به امر رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز اختصاص یابد و به تجهیزات علمی و اداری مدرن مجهز شود.

قضات و رؤسای شعب مزبور از بین تحصیل‌کردگان متعهد و متخصص دانشگاه‌های داخلی و معتقد و مصمم به مبارزه با معضل قاچاق انتخاب شوند.

رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز، با در نظر داشتن عوارض و پیامدهای اقتصادی آن در یک مرجع خاص، متمرکز و رویه واحدی در اعمال مقررات جاری اتخاذ شود.

با پیش‌بینی مصونیت و معاضدت قضایی برای عوامل مبارزه با قاچاق از سوی دستگاه‌های قضایی و تعزیراتی، اقتدار شغلی آنان تأمین و زمینه صدور احکام قضایی قانونمند و قابل اجرا فراهم شود.

با تخصیص بودجه و اعتبار مالی کافی به عوامل مبارزه با قاچاق، انگیزه کاری آنان تقویت شود.^۱

در خاتمه به نظر می‌رسد که حل مشکل قاچاق، مستلزم آن است که ضمن بازنگری در قوانین و مقررات جاری، با رفع مشکلات و نابسامانی‌های موجود در صنعت و کشاورزی، به اصلاح نگرش نسبت به تولید داخلی و محصولات خارجی، تغییر فرهنگ و زمینه‌های ذهنی غلط به

۱. آقاخانی، عبدالرضا، راهکارهای مقابله با پدیده قاچاق کالا، اقتصاد پنهان www.epe.ir

برتری‌های کالای خارجی پرداخته شود که این مهم جز با افزایش دانش و توانایی تولید کالاهای با کیفیت و همچنین ایجاد نظام تعرفه‌ای مناسب و نهایتاً، مبارزه قاطع و قانونمند مراجع رسیدگی کننده امکان پذیر نیست.

گفتار دوم - ستاد مبارزه با مواد مخدر

هدف از تأسیس ستاد مبارزه با مواد مخدر که یکی دیگر از کمیته‌های اصل ۱۲۷ ق.ا می باشد و به ریاست رئیس جمهور تشکیل می گردد، پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق موادمخدر^۱ از هر قبیل، اعم از تولید، توزیع، خرید، فروش و استعمال آنها و تمرکز کلیه عملیات اجرایی، قضایی و برنامه‌های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه موادمخدر می باشد.

سازمان بهداشت جهانی مساله مواد مخدر را اعم از تولید، انتقال، توزیع و مصرف را در کنار سه مساله جهانی دیگر یعنی تولید و انباشت سلاحهای کشتار جمعی، آلودگی محیط زیست، فقر و شکاف طبقاتی، از جمله مسائل اساسی شمرده است که حیات بشری را در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در عرصه جهانی مورد تهدید و چالش جدی قرار می دهد. در ایران نیز، پس از فقر و بیکاری، سومین مشکل بزرگ کشور، اعتیاد می باشد.^۲ اعتیاد یک بیماری اولیومز منعصبی-زیستی (نوروبیولوژیک) است که پدیدایش و تظاهر آن تحت تاثیر

عوامل ارثی، روانی-اجتماعی، و محیطی قرار دارد و مشخصه آن وجود حداقل یک یا چند اینتر فکتار هاست: اختلال در کنترل مصرف، مصرف اجبار گونه، ادامه مصرف فعلی ر غمزیانهای آن، و ولعبر ای مصرف آن.^۳ وظایف ستاد مبارزه با مواد مخدر عبارتست از: سیاستگزاری، برنامه ریزی، هماهنگی، نظارت و در تمامی ابعاد از جمله: مقابله با ورود مواد مخدر به داخل کشور، مقابله با عرضه، امور فرهنگی، تبلیغات، آموزش عمومی و کاهش تقاضا، درمان و باز پروری.

الف - علل و عوامل شکل گیری پدیده اعتیاد

علل و عوامل گرایش به اعتیاد اعتیاد معضلی است چندوجهی که علل و عوامل متعددی در بروز و شیوع آن موثر می باشند. در این میان از عوامل فردی و خانوادگی در سطح خرد و عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح کلان می توان نام برد. برای تبیین اعتیاد در سطح کلان به عوامل ساختاری و نارسائی بخشهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه از جمله مسئله

۱. ماده ۳۳ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

۲. احمدی مقدم، اسماعیل، دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر، روزنامه همشهری، چهارشنبه ۱۳ تیر ۱۳۸۶.

۳. سند جامع پیشگیری اولیه از اعتیاد، ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، ۱۳۹۰، ص ۱۰.

شکاف طبقاتی، نابرابری و احساس محرومیت نسبی در حوزه اقتصادی، شکاف میان دولت و ملت، ناکارآمدی مدیران، آشفتگی اجتماعی و بحران هویت در حوزه اجتماعی و فاصله ارزشها و هنجارها با عدم انطباق میان اهداف و امکانات، تعارض ارزشها در حوزه فرهنگی و غیره ... توجه می‌شود. در سطحی پایینتر که بیشتر مورد نظر روانشناسان اجتماعی است، بر محیط نزدیک و بلافصل افراد، روابط افراد، روابط فرد در ارتباط با گروه‌های اجتماعی مانند خانواده، مدرسه، همسالان و ... و نقش آنها در در فراهم کردن زمینه گرایش مستقیم و غیر مستقیم فرد به سوی اعتیاد اشاره می‌شود. در سطح فردی نیز بر شخصیت و ویژگی‌های فردی، عوامل انگیزشی، گذشته فرد، انواع مشکلات جسمانی، روانی و رفتاری فرد، ضعف ایمان و اراده، ترس و اضطراب، تنهایی و افسردگی، کنج‌کاو و کسب تجربه، غرائز جنسی و باورهای نادرست نسبت به اثرات مثبت مواد مخدر نظیر انرژی زائی، کاهش درد و غیره ... توجه می‌شود.^۱ بطور کلی اگر بخواهیم بطور کلی علل و عوامل شکل‌گیری پدیده اعتیاد را بررسی نماییم و دسته‌بندی مشترکی از آن ارائه دهیم، می‌توانیم علل و عوامل را به سه دسته عوامل فردی، خانوادگی و محیطی تقسیم نماییم.

ب - راهکارهای پیشگیری و درمان اعتیاد در جامعه

پیشگیری از اعتیاد به معنای پیشگیری یا لیهاز فر ایند منجر به اعتیاد، شامل گرایش به مصرف، مصرف‌آمیزی، مصرف‌گاه‌گامی، سوء مصرف و وابستگی است. به عبارتی دیگر پیشگیری از اعتیاد به معنای آناستکهاز تبدیل کسانیکه هرگز مصرف کرده‌اند به کسانیکه گرایش به مصرف دارند، و از تبدیل این افراد به مصرف‌کنندگان از مایشی، و از تبدیل این افراد به مصرف‌کنندگان نگاه‌گامی، و از تبدیل این افراد به سوء مصرف‌کنندگان، و از تبدیل این افراد به معتادان یا افراد وابسته همو ادجلوگیری شود.

بقیه این فر ایند از وابستگی به بعد، شامل الگوهای (مثلترریق)، تشدید افتکار کردها یا اجتماعی، خانوادگی (بی خانمانی) و مرگ، موضوع این نظر حنیست.^۲ پیشگیری از اعتیاد باید در دو جهت مورد توجه قرار گیرد: طرف تقاضا و طرف توزیع. هر کدام از این دو جهت ویژگی‌های مخصوص به خود را دارند. راهکارهای پیشگیری از عرضه‌کننده، مجموعه فعالیت‌هایی می‌باشد که از منبع تولید تا مصرف‌کننده را در برمی‌گیرد. بخش دیگر، که مربوط به فرد معتاد (تقاضاکننده) می‌باشد، جنبه وسیعی دارد. از این رو، ضروری

۱. برادران، فاطمه، اعتیاد و روشهای درمان و پیشگیری از آن، بانک مقالات جرم‌شناسی موسسه حقوقی هامون www.vakil.net

۲. سند جامع پیشگیری اولیه از اعتیاد، ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، ۱۳۹۰، ص ۱۰.

است که عوامل مستعدکننده گرایش به مواد مخدر نظیر نابسامانی‌های خانواده، دوستان بد، مدرسه، و محل زندگی نامناسب مورد توجه قرار گیرند.^۱ اما اگر بخواهیم راهکارهایی برای مبارزه با اعتیاد و گسترش آن در جامعه انجام دهیم می‌توان ۳ راهبرد قانونی، تربیتی - آموزشی و درمانی برای آن تعریف نمود.

راهبردهای قانونی شامل کنترل منابع یعنی کنترل و مبارزه با باندهای بین‌المللی قاچاق مواد مخدر، کنترل مرزها برای جلوگیری از ورود مواد به کشور و هدف‌گیری و تمرکز بر روی فروشندگان و توزیع‌کنندگان خرد و کلان مواد مخدر در جامعه می‌باشد. از راهبردهای تربیتی - آموزشی که بسیار موثر نیز واقع می‌شوند نیز می‌توان به آگاهی‌دادن به افراد جامعه و تعالی سطح فکری افراد خصوصاً نوجوانان و جوانان نسبت به آسیب‌ها و مضرات پدیده اعتیاد نام برد. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و ساختن برنامه‌های تلویزیونی اعم از فیلم، سریال و... از راهبردهای تربیتی آموزشی می‌باشد. راهبردهای درمانی نیز به ۲ بخش درمان دارویی یا زیست‌بخشی و درمان غیردارویی تقسیم می‌شود که در درمان دارویی، با روش‌های جانشین‌سازی، درمان مخالف و آزاردهنده فرد را مداوم می‌کنند و در درمان غیردارویی نیز از مدل‌های روان‌پویایی، شرطی‌سازی، شناختی و رفتاری استفاده می‌گردد.^۲

بطور کلی، راهبردی که بیشتر در حوزه عملکرد ستاد مبارزه با مواد مخدر می‌باشد، راهبرد قانونی و تربیتی آموزشی می‌باشد که با تقویت و تشدید قانون و ضمانت اجرای آن همراه با گسترش فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و تربیتی در جامعه از شکل‌گیری پدیده اعتیاد حتی الامکان جلوگیری شود.

در خاتمه بیان می‌گردد که گستره پیشگیری از جرم توسط ستاد مبارزه با مواد مخدر، فقط محدود به مسئله پیشگیری از اعتیاد نمی‌باشد و پیشگیری از دیگر گونه‌های مرتبط با جرایم مواد مخدر مانند قاچاق، خرید و فروش و... را نیز شامل می‌شود^۳ و این ستاد موظف است^۴، با رویکرد «فرهنگی، امنیتی-قضایی» در پرتو ساختاری «اجرائی-امنیتی-قضایی» با بکارگیری روش‌های

۱. صفا، داوود، علل گرایش به اعتیاد، راه‌های پیشگیری و درمان آن، نشریه معرفت، شماره ۹۱، تیر ۱۳۸۴، ص ۴۸.

۲. تقی‌زاده، داریوش، اعتیاد، علل، پیشگیری و درمان آن، فصلنامه علمی - پژوهشی اجتماع درمان‌مدار، سال دوم، شماره ۳، ص ۱۰.

۳. نادری، محمد علی، نقش و جایگاه وزارت کشور در پیشگیری از بزهکاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰، ص ۹۳.

۴. ماده ۳۳ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

مناسب پیشگیرانه به منظور کاهش جرایم مرتبط با اعتیاد، تولید، پخش، خرید، فروش و انتقال مواد مخدر مباردت ورزد.^۱

گفتار سوم - ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی

در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۰، مقام معظم رهبری طی فرمانی که به فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا موسوم شد^۲، ضرورت اهتمام و مبارزه جدی با مفاسد اقتصادی را مورد تأکید قرار دادند. در پی این فرمان، ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی، مشتکل از سران سه قوه تشکیل گردید تا ضمن بررسی راهکارهای پیشگیری از جرایم کلان اقتصادی، سیاست متناسب برخورد با متخلفین و مرتکبین این جرایم را مورد لحاظ قرار دهند. در این راستا، تعامل و همکاری میان بخش‌های نظارتی در سه قوه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات ضروری به نظر می‌رسد.

ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی در دو سطح سران سه قوه و دبیرخانه ستاد مشتکل از وزیر اقتصاد و دارایی، وزیر اطلاعات، وزیر بازرگانی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، معاون اجتماعی قوه قضاییه، رئیس دیوان محاسبات کشور، رئیس سازمان بازرسی کل کشور و رئیس کل دادگستری استان تهران شکل گرفت. براساس فرمان رهبر معظم انقلاب این ستاد وظیفه بررسی راهکارهای مقابله با مفاسد اقتصادی و شناسایی رانت‌خواران و سوءاستفاده‌کنندگان از بیت‌المال را بر عهده داشت.

الف- مفهوم فساد اقتصادی و آثار آن در جامعه

اصطلاح فساد اقتصادی که پس از صدور فرمان هشتمادهای، بر سر زبانها افتاد، فاقدیکتعریف حقو قیاست. در بیانر ایجو حاکم، منظور از مفاسد اقتصادی، سوء استفاده

های کلان‌از امور عمومی بین‌المللی است، اما ملاک کلان نبودن سوء استفاده، در ابهام است.

قوهی قضاییه در تشکیل مجتمعه قضایی امور اقتصادی که پیرو فرمان هشتمادهای

و در استایر سیدگیبهر و ندهای کلان مالی، اقتصادی همو جیبخشنامهیر بیسقوه قضاییه وقت، صورت گرفت، نصابالموضو عجر می‌کهدر تقسیم

کار یصور تگرفته، رسیدگی به آنجر مبهانمجتمعه قضاییو اگذار شده بود را «حداقلدهمیلیاردریال» قرارداد. قانوناصلاحتبصرهی ماده ۸۶ قانونائین دادرسیدادگاههایعمومیوانقلابدر امور کیفری مصوب

۱. نیازپور، امیرحسین، منبع پیشین، صص ۱۹۶ و ۱۹۷.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) www.farsi.khamenei.ir

۱۳۷۸ و الحاق سه تبصره به آن، از جمله اقدامات تقویم‌مقتنهدر مبارزه با مفاسد اقتصادی بود هاست تبصره‌ی ۳ با موضوع عانتشار اسامی اشخاصیکه بهار تکا بآنچه که مفاسد اقتصادی خوانده شد، محکومیت قطع‌عیافته اند، ملاک اجرایتبصره‌ی مذکور را در خصوص جرایم مندرجدر این ماده، راجع به موارد دیدانست که هارزشه‌ی حاصل از بزه ارتکابی، یکصد میلیون ریال یا بیش از آن باشد. غیر از آنچه بیان شد، در متون قانونی‌اشاره‌ی هابه «مفاسد اقتصادی» یا مصادیق آن به گونه‌ی نهایی که بتواند اقلدر دست‌بندی خاص‌یاز جرایم قرار داده شود، نشده است. در ماده ۱۲۴ قانون برنامهی چهارم توسعه اقتصادی، به عبارت «جرایم کلان اقتصادی» تصریح شده و وزارت اطلاعات نیز به عنوان ضابطه در جرایم مذکور تعیین‌گر دیده است، بدون آنکه معلوم شود منظور از جرایم اقتصادی و مصادیق آن کدام است تا به تبیین مفهوم «کلان» این بابها در مورد عنوان «فساد» نیز وجود دارد.^۱

به طور کلی، فساد اقتصادی پدیده‌ی چندبعدی که گسترش آن به کارآمدی سیستم قانونگذاری و شرایط سخت اقتصادی و بهبود بخش عمومی، نوسان مهارتهای فساد اقتصادی و آمادگی برای ورود به عرصه فساد اقتصادی باز میگردد. به عبارت دیگر، در شرایطی که عموم جامعه فساد را پذیرفته‌اند و آن را لازمه فعالیت‌های خودمی دانند، گرایش به رشوه و انواع فساد پذیرفته می‌شود.

سازمان بین‌المللی شفافیت^۲ (TI) که با هدف مبارزه با فساد تأسیس شده است شاخص فساد و یا CPI^۳ را مانند سایر متغیرهای اقتصاد اندازه‌گیری و معرفی می‌نماید. براساس این شاخص صفر بیشترین فساد و ۱۰ کمترین فساد را نشان می‌دهد. این سازمان در سال ۲۰۰۷ برای ۱۸۰ کشور جهان شاخص فساد را بررسی کرده است که کشور دانمارک، فنلاند و سنگاپور با شاخص عددی ۱ و بالاترین نمره از ۱۰ یعنی نمره ۹/۴ دارای کمترین میزان فساد و کشورهای برمه و سومالی با شاخص‌های عددی ۱۷۹ و نمره ۱/۴ از ۱۰ در پایین‌ترین رده قرار گرفته‌اند. ایران با شاخص عددی ۱۳۱ و نمره ۲/۵ از ۱۰ دارا بوده است که این شاخص، برای دستیابی به

۱. دادخواهی، لیلا، نقض قانون اساسی در مبارزه با مفاسد اقتصادی، نشریه تعالی حقوق، سال سوم، شماره ۱۱، خرداد و تیر ۹۰.

۲- Fransparency Internationl

۳- Corruption percentions Index

توسعه که مد نظر دولت در چشم انداز ۲۰ ساله می‌باشد شاخص مناسبی نیست و شاید عامل اساسی در رشد و توسعه اقتصادی کشور تلقی شود.^۱

هدررفت منابع عمومی و ملی به شکلی نامناسب، آسیب پذیری اعتبار دولت در نزد بخش خصوصی، کاهش سرمایه گذاری، انحراف در فعالیت‌های تجاری داخلی و بین‌المللی آسیب‌پذیری اصل رقابت و بازار و ... از آثار اقتصادی فساد و تبانی صاحبان قدرت و ثروت برای تداوم موقعیت متقابل، جناح‌گرایی سیاسی، قوم‌گرایی، و تبارگرایی و ... بخشی از آثار اجتماعی و سیاسی پدیده فساد اقتصادی می‌باشد که پیامدهای ناگواری مانند افزایش انگیزه‌های ارتکاب جرایم را در جامعه پدیدار می‌نماید.^۲

ب- علل پیدایش فساد اقتصادی و راهکارهای پیشگیری از آن

مقررات قانونی در برخورد با سوءاستفاده و بهره‌مندی مفسدین اقتصادی، سیاسی و پولشویی و نیز ثروت‌های نامشروع تحصیل شده در داخل کشور و همچنین انتقال ثروت‌های نامشروع خود به خارج از کشور و بانک‌های خاص و حساب‌های ناشناخته از عوامل ایجاد فساد اقتصادی است که نیازمند وضع قوانین جدید است. از سوی دیگر کمبود مکانیزم لازم در مورد نظارت قضایی کافی بر عملکرد مراکز اقتصادی کشور توسط سازمان بازرسی کل کشور به عنوان بازوی نظارتی قوه قضاییه و عالی‌ترین نهاد نظارتی کشور کاملاً مشهود است و همین امر باعث شده تا این تشکیلات عریض و طویل به نهادی تشریفاتی تبدیل شود.

وجود ابهام و نقص و فقدان شفافیت لازم در ضوابط و مقررات نیز بسترسازی مناسبی برای مفساد اقتصادی ایجاد کرده است که این معضل نیازمند صدور دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه‌هایی شفاف‌ساز در مؤسسات دولتی و بانک‌ها است. از سوی دیگر مقررات قانونی لازم و سیستم اداری کارآمدی در الزام مدیران و مسئولین به ثبت و اعلام صحیح و کامل دارایی خود به قوه قضاییه و نیز ایجاد ابزارهای لازم امکان‌شناسایی ثروت و اموال آنان در صورت عدم اعلام آن و کتمان میزان ثروت خود، وجود ندارد. از دیگر دلایل حقوقی گسترش مفساد اقتصادی در ایران این است که قوه قضاییه به قوانین متروک یا اصول و قوانینی که در جهت مبارزه با مفساد

۱. محنت فر، یوسف، فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن در فرایند توسعه اقتصادی، مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۷، www.confbank.um.ac.ir

۲. قاسمی، علی، ضرورت مبارزه با مفساد اقتصادی با راهکارهای اصلاحی، پایگاه شخصی اقتصاددانان - اقتصاد سیاسی www.alamoot-hir.blogfa.com/post-۳۸.aspx

اقتصادی به طور ناقص اجرا شده توجهی ندارد. از جمله این قوانین می توان به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی کشور مصوب ۱۳۶۳، اصل ۴۲ قانون اساسی و همچنین قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ اشاره کرد.^۱ به هر حال با توجه به آنچه که بیان گردید، راهکارهای اصلاحی ذیل در راستای مبارزه با مفاسد اقتصادی، باید مورد استفاده و بهره برداری قرار گیرد:

- ایجاد بانک ملی اطلاعات مناقصات تا تمامی عملیات مالی دولت در یک سایت به صورت شفاف برای همه قابل دسترسی باشد که این کار می تواند جلوی رانت اطلاعاتی را بگیرد.

- تاکید بر استمرار فعالیت های شورای دستگاه های نظارتی و ارائه الگوهای مناسب نظارتی و هدایتی به دستگاه های اجرایی

- تأکید بر نقش فرهنگ سازی و ایجاد بستر فرهنگی و اجتماعی لازم جهت تحقق نظارت عمومی در دستگاه های اداری و اجرایی کشور با عنایت به اصل اساسی امر به معروف و نهی از منکر

- اجرای دقیق قوانین در راستای مبارزه با فساد

- سرعت در دادرسی های مدنی، تجاری و کیفری و اصلاح فرآیندها و ساختارهای فسادزا

- حمایت از استقلال و اقدامات دستگاه های نظارتی و قوه قضائیه

- لزوم حمایت از تشکل های مردم نهاد در راستای مبارزه با فساد

- تسریع در تهیه و تصویب نهایی لایحه ارتقای سلامت نظام اداری، قانون تجارت، قانون اساسنامه رسیدگی به شکایات مربوط به مناقصات، لایحه ایجاد فضای مساعدکارآفرینی و رفع

موانع کسبوکار

- تسریع در تصویب طرح (اظهارداری های کارگزاران نظام)

- اجرای کردن کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد که ایران به عضویت آن درآمده است.

- اصلاح و اجرای صحیح قانون مدیریت خدمات کشوری

- تهیه و تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی جدید و بروزرسانی استانداردهای موجود

- تجدید نظر در قوانین موجود و در جهت کم کردن حجم قوانین و کارآمد کردن آنها.^۲

۱. مرادی، یاسر، حقوق مفاسد اقتصادی، روزنامه همشهری، سال چهاردهم - شماره ۳۹۵۱، سه شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۸۵.

همشهری ضمیمه www.hamshahrionline.ir/hamnews/1385/850115/world/econw.htm

۲. قاسمی، علی، منبع پیشین، پایگاه شخصی اقتصاددانان - اقتصاد سیاسی. www.alamoot-hir.blogfa.com

که کالا و خدمت مشمول یارانه می‌شود به سه دسته تولیدی، مصرفی و خدماتی تقسیم می‌شوند.^۱

بطور کلی در یک تقسیم بندی انواع یارانه را می‌توان به گونه‌های ذیل تقسیم نمود:

۱- بر اساس اهداف دولت در پرداخت: یارانه های اقتصادی، توسعه ای، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی

۲- بر اساس تقسیم بندی در حساب های ملی: یارانه های مستقیم و یارانه های غیر مستقیم

۳- بر اساس انعکاس یا عدم انعکاس در حساب های ملی: آشکار، یارانه های پنهان یا ضمنی

۴- بر اساس مراحل پرداخت کالا یا خدمت از تولید تا مصرف: یارانه های مصرفی، یارانه های تولیدی، یارانه های توزیعی، یارانه های خدماتی، یارانه های صادراتی.

۵- بر اساس نحوه پرداخت: یارانه نقدی، غیر نقدی یا ترکیبی از این دو

۶- بر اساس گستره ی پرداخت: باز، سرانه، هدفمند^۲

الف- ضرورت تأسیس سازمان هدفمندی یارانه‌ها و کارکرد آن

باید توجه داشت که صرف پرداخت یارانه ضامن دستیابی به رفاه اجتماعی بالاتر نیست. تنها هنگامی می‌توان نسبت به اثربخشی یارانه‌ها در اقتصاد اطمینان یافت، که این ابزار حمایتی، به نحو هدفمند مورد استفاده قرار گرفته باشد. در حقیقت، هدفمند سازی یارانه‌ها - بویژه یارانه انرژی - مسیری است که لاجرم کشور باید در آن گام بردارد و هر چه این حرکت به تأخیر افتد، عوارض و هزینه‌های آن بیشتر خواهد بود. به همین منظور پس از تصویب قانون هدفمندی یارانه‌ها در مجلس و آغاز رسمی پرداخت یارانه‌ها، تشکیل سازمان هدفمندی یارانه‌ها یکی از ضرورتی‌ترین نیازهای اجرایی این قانون بوده است. سازمانی که تحت نظر مستقیم رییس جمهور، به عنوان اتاق فرمان و کنترل این طرح عظیم ملی، بتواند در اجرا و مدیریت هدفمندی یارانه نظارت دقیق و راهبردی داشته باشد.

سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها دارای ۴ رکن مجمع عمومی، هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرس یا بازرسان است که مجمع عمومی سازمان مرکب از ۱۶ عضو می‌باشد و ریاست آن با رئیس جمهور به عنوان رئیس مجمع عمومی خواهد بود. بر اساس ماده ۵ قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، اهداف، مسئولیت‌ها، وظایف و اختیارات موضوع این

قانون سایر قوانین مقرر اتمربوط، جز وظایف و اختیارات سازمان هدفمندسازی یارانه قرار داده شده است.

۱. آشناییمقدماتی با طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۹، ص ۵.

۲. ظریف هنرور، علی، پاورپوینت هدفمند کردن یارانه‌ها، زیر نظر دکتر احمدی، سایت خبری شرکت توانیر، اردیبهشت ۱۳۸۹.

همچنین

مسئولیت‌ها و اختیار‌اتو و وظایف تفویضی قانونی و نیز مدیریتی و جوهره، اعتبارات و هزینه‌های موضوع عقان و نهادمندگر دنیارانه‌ها و سایر قوانین و مقررات عهد‌های سازمانی باشد.

ب- تأثیر هدفمند سازی یارانه‌ها بر سیمای جنایی کشور

بر اساس آنچه که از طرح تحول اقتصادی و قانون هدفمندی یارانه‌ها و سایر قوانین مرتبط استنباط می‌شود می‌توان جلوگیری از گسترش فقر و بحران‌های اجتماعی و تلاش برای برقراری عدالت، به کارگیری صحیح و به جای منابع و امکانات کمیاب کشور (هدفمند کردن استفاده از منابع کمیاب)، ثابت نگه داشتن یا جلوگیری از نوسان زیاد قیمت‌ها (تثبیت قیمت‌ها) و توزیع مناسب و عادلانه درآمدها را از اهداف دولت در اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها دانست.

در خصوص آثار و پیامدهای مثبت و منفی اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها نیز خصوصاً در حوزه مسائل اقتصادی نگارش‌ها و پژوهش‌های بسیاری شده است اما در حوزه مسائل اجتماعی و جامعه‌شناسی و سیمای سیاست جنایی تحت تأثیر این طرح ملی، به آن شکل باز خودگیری صورت نگرفته است و بیشتر به ابعاد گوناگون اجرای این طرح در کاهش و یا تشدید عوامل جرم‌زا مانند بیکاری، فقر، اشتغال، نقدینگی، تورم، افزایش توان خرید و... و نوعاً با نگاه سیاسی پرداخته شده است.

ما در این قسمت به پیامدهای اجرای هدفمند سازی از منظر جرم‌شناسی پیشگیری از جرم می‌پردازیم و مواردی را که در جامعه پس از اجرای این طرح قابل رویت و لمس می‌باشد و یا در آینده به مرور زمان و با بهینه‌سازی اجرای طرح هدفمندی در فازهای بعدی به وقوع خواهد پیوست را بیان می‌کنیم.

۱. برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی در کشور

احساس برقراری عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی، آرزوی دیرینه‌ای است که همواره آرمان حکومت‌های اسلامی در طول تاریخ بوده است. کم شدن فاصله طبقاتی و دسترسی یکسان همگان به سرمایه‌های ملی و بهره‌مندی آحاد جامعه خصوصاً محرومین از سود حاصل از ثروت‌های انرژی در کشور و افزایش توان خرید مردم و کاهش نسبی فقر و... در نگاه کلی از دستاوردها و چشم اندازهای اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها می‌باشد. بر اساس تئوری نابرابری اجتماعی،

۱. سلیمان فام، محمد علی، آشنایی با نظام هدفمند کردن یارانه‌ها، مجتمع آموزشی و پژوهشی بناب، خرداد ۱۳۸۹.

بزهکاری و کج رفتاری اجتماعی یک پدیده اجتماعی است که ریشه‌های آن در نابرابری انسان‌ها یافت می‌شود و انسان‌ها به خاطر احساس تبعیض اجتماعی در دسترسی و سهم بودن در سرمایه‌های ملی خویش، دست به انتقام جویی در قالب ارتکاب جرمی می‌زنند.^۱ فقرزدایی و کاهش بیکاری که ریشه اکثریت جرایم می‌باشد یکی از مهمترین اهداف اجرای طرح هدفمندی بوده و هست و آنچه که بیش از همه این‌ها، این عوامل را تحریک می‌کند احساس بی‌عدالتی در جامعه است، چرا که اگر در جامعه‌ای مردم احساس عدالت نکنند فساد اجتماعی ایجاد خواهد شد.

۲. کاهش مهاجرین داخلی و خروج تدریجی مهاجرین خارجی

مهاجرت یکی از عوامل جرم‌زا خصوصاً در حاشیه‌نشینی می‌باشد که با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها نسبت به این عامل جرم‌زا تغییرات محسوسی مشاهده گردید. حضور تقریباً بی‌ضابطه و مقررات خیل عظیم اتباع کشورهای همسایه مانند افغانستان، عراق، پاکستان و... در ایران و بهره‌مندی بدون محدودیت از سرمایه‌های ملی کشور ایران به دلیل پایین بودن هزینه زندگی و قیمت انرژی از سویی و از سوی دیگر بروز حوادث ناگوار و جرایم متعدد ناشی از عدم تطابق باورها و عقاید فرهنگی، اجتماعی، دینی، خانوادگی و... باعث شده بود که بخشی از سیمای جنایی شهرها و مناطق حاشیه‌نشین تحت تأثیر این حضور کم هزینه برای آنان و پرهزینه برای دولت ایران قرار گرفته بود. پایین بودن سطح توقع برای امرار و معاش زندگی توسط این اتباع خارجی نیز موجب گسترش بیکاری در بین جامعه ایرانی خصوصاً در بین طبقه کارگری گردیده بود که خود این بیکاری، پیامدها و آسیب‌های اجتماعی مانند ارتکاب جرم را به بار می‌آورد. اجرای طرح هدفمندی و افزایش قیمت انرژی و پرداخت یارانه به ایرانیان، هزینه زندگی و معیشت را برای اتباع غیرایرانی سخت نمود و در کنار ضابطه‌مند شدن حضور آنان، تشدید برخورد با جرایمشان و... از هجمه مهاجرت اتباع کشورهای همسایه کاسته و به تبع آن از حجم حاشیه‌نشینی و عواقب و پیامدهای مجرمانه آن مانند سرقت، نزاع دسته جمعی، اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر، جرایم منافی عفت و... کاسته خواهد شد.

۳. کاهش جرایم قاچاق سوخت از داخل کشور به خارج از مرزها

با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و افزایش قیمت سوخت و حامل‌های انرژی (بنزین، گازوئیل و...) که پیش از آن به نرخی ارزان در داخل کشور در دسترس بود، باعث گردید که از حجم بالای قاچاق سوخت خصوصاً در مناطق مرزی کاسته شود. این کاهش تدریجی وقوع جرم

۱. جنیدی، محمدعلی، نقش احتمالی هدفمندکردن یارانه‌ها در کاهش جرایم، پایان نامه دانشگاه پیام نور فرمهبین، ۱۳۹۰، ص ۵۵.

قاچاق سوخت، که خود علاوه بر از بین بردن سرمایه ملی کشور بوده است زمینه اشتغال و زندگی سالم جوانان مناطق مرزی کشور را نیز مجدد احیاء نموده است.

۴. فراهم آوردن امکانات رفاه اجتماعی و تحصیلی بصورت مساوات

بر اساس ماده ۷ قانون هدفمندی یارانه‌ها، دولت مجاز است حداکثر تا پنجاه درصد (۵۰٪) خالص وجوه حاصل از اجراء این قانون را در قالب بند های زیر هزینه نماید:

الف- یارانه در قالب پرداخت نقدی و غیر نقدی با لحاظ میزان درآمد خانوار نسبت به کلیه خانوار های کشور به سرپرست خانوار پرداخت شود.

ب - اجراء نظام جامع تأمین اجتماعی برای جامعه هدف از قبیل:

۱. گسترش و تأمین بیمه های اجتماعی، خدمات درمانی، تأمین و ارتقاء سلامت جامعه و پوشش دارویی و درمانی بیماران خاص و صعب العلاج.

۲. کمک به تأمین هزینه مسکن، مقاوم سازی مسکن و اشتغال.

۳. توانمندسازی و اجراء برنامه های حمایت اجتماعی.

در واقع براساس قانون، دولت ۲ وظیفه همسو دارد. اول پرداخت یارانه نقدی و غیرنقدی بر اساس میزان درآمد خانوار که در طی طرح آمارگیری اقتصادی اجرایی شد و دوم اجراء نظام جامع تأمین اجتماعی برای جامعه هدف؛ برای این هدف کلان، در کنار قانون هدفمندی یارانه‌ها، قانون ساختار نظام جامعه رفاه و تأمین اجتماعی و قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد استفاده و اجرا باید قرار گیرند.

براساس بند الف ماده ۲، ماده ۱۰ و بند ح ماده ۱۶ قانون ساختار نظام جامعه رفاه و تأمین اجتماعی، اتخاذ سیاستهای یارانه‌ای در چارچوب قانون و براساس سیاستهای کلی نظام به منظور هدفمند کردن یارانه‌ها، با استفاده از نظامهای اطلاعاتی جامع و منسجم کشور مانند طرح کد ملی و یا نظام مالیاتی کشور صورت می‌گیرد به نحوی که به تدریج یارانه اعطائی به خانواده‌های پردرآمد کاهش یافته و یا حذف گردد و میزان یارانه اعطائی به خانواده‌های کم درآمد افزایش یابد. منابع حاصل از حذف یا کاهش یارانه خانواده‌های پردرآمد برای تأمین منابع مورد نیاز نظام جامع تأمین اجتماعی منظور خواهد شد. همچنین دولت مکلف است، به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهکهای درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا، از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه‌های پرداختی، برنامه‌های جامع فقرزدایی و

عدالت اجتماعی را با محورهای ذیل تهیه و به اجرا بگذارد و ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، نسبت به بازنگری مقررات و همچنین تهیه لوایح برای تحقق سیاستهای ذیل اقدام نماید:

الف) گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین اجتماعی، در ابعاد جامعیت- فراگیری و اثربخشی.

ب) اعمال سیاستهای مالیاتی، با هدف باز توزیع عادلانه درآمدها.

ج) تعیین خط فقر و تبیین برنامه‌های توانمندسازی متناسب و ساماندهی نظام خدمات حمایتی اجتماعی، برای پوشش کامل جمعیت زیر خط فقر مطلق و نظام تأمین اجتماعی، برای پوشش جمعیت بین خط فقر مطلق و خط فقر نسبی و پیگیری و ثبت مستمر آثار برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی بر وضعیت خط فقر، جمعیت زیر خط فقر، همچنین میزان درآمد سه دهک پایین درآمدی و شکاف فقر و جبران آثار برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی به سه دهک پایین درآمدی از طریق افزایش قدرت خرید آنان.

دولت موظف است کلیه خانوارهای زیر خط فقر مطلق را حداکثر تا پایان سال دوم برنامه چهارم توسعه بصورت کامل توسط دستگاهها و نهادهای متولی نظام تأمین اجتماعی شناسایی و تحت پوشش قرار دهد.

د) طراحی برنامه‌های ویژه اشتغال، توانمندسازی، جلب مشارکتهای اجتماعی، آموزش مهارتهای شغلی و مهارتهای زندگی، به ویژه برای جمعیت‌های سه دهک پایین درآمدی در کشور.

ه) ارتقای مشارکت نهادهای غیردولتی و مؤسسات خیریه، در برنامه‌های فقرزدایی و شناسایی کودکان یتیم و خانواده‌های زیر خط فقر، در کلیه مناطق کشور، توسط مدیریتهای منطقه‌ای و اعمال حمایتی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افراد یاد شده توسط آنان و دستگاهها و نهادهای مسئول در نظام تأمین اجتماعی.

و) امکان تأمین غذای سالم و کافی، در راستای سبد مطلوب غذایی و تضمین خدمات بهداشتی، درمانی و توانبخشی رایگان و تأمین مسکن ارزان قیمت، همچنین حصول اطمینان از قرار گرفتن جمعیت کمتر از هجده (۱۸) سال تحت پوشش آموزش عمومی رایگان برای خانوارهای واقع در سه دهک پایین درآمدی، از طریق جابه‌جایی و تخصیص کارآمد منابع یارانه‌ها.

ز) فراهم کردن حمایتی حقوقی، مشاوره‌های اجتماعی و مددکاری، برای دفاع از حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی فقرا.

ح) اتخاذ رویکرد توانمندسازی و مشارکت محلی، بر اساس الگوی نیازهای اساسی توسعه و

تشخیص نیاز توسط جوامع محلی برای ارائه خدمات اجتماعی، از طریق نظام انگیزشی برای پروژه‌های عمرانی کوچک، متناسب با ظرفیتهای محلی- از طریق اعمال موارد فوق در سطوح محلی و با جلب مشارکتهای عمومی.

ط) طراحی روشهای لازم برای افزایش بهره‌وری و درآمد روستائیان و عشایر ایجاد فرصتهای اشتغال به ویژه در دوره‌های زمانی خارج از فصول کاشت و برداشت با رویکرد مشارکت روستائیان و عشایر، با حمایت از صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی و صندوق اشتغال نیازمندان^۱.

در واقع دولت با اجرای صحیح قوانین اصلی و مرتبط با طرح هدفمندی یارانه‌ها و تحقق واقعی «تأمین اجتماعی» بصورت کلان و جامع از شکل‌گیری پدیده‌های مجرمانه جلوگیری می‌نماید.

فصل دوم- نقش ریاست جمهوری در تحقق پیشگیری اجتماعی

همانطور که بیان نمودیم، پیشگیری اجتماعی مبتنی بر علت‌شناسی جرم است و بر این باور تأکید می‌نماید که چون عوامل مختلفی در به‌وجود آوردن یک جرم نقش دارند، بنابراین عوامل اجتماعی باید در مقام مداخله و خنثی‌سازی این عوامل محیط اجتماعی عمومی و شخصی موثر در جرم برآیند. در حقیقت، پیشگیری اجتماعی ریشه‌های بزه‌کاری را نشانه می‌گیرد و مانع از شکل‌گیری علل جرم آن می‌گردد. بنابراین، شیوه‌های پیشگیری اجتماعی بیشترین تمرکز را بر روی برنامه‌ها و سیستم‌های تکمیلی دارد که سعی در بهبود وضعیت بهداشت، زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی و اوقات فراغت دارد تا با ایجاد محیطی سالم بتواند به هدف خودمبني بر حذف یا کاهش جرم دست یابد و این نسبت به پیشگیری وضعی، زمان و فرصت بیشتری برای موثر واقع شدن می‌طلبد.

پیشگیری اجتماعی در ایران، علاوه بر صدر بنده اصل ۱۵۶ قانون اساسی که اصل راهبردی "حقوق پیشگیری ایران" محسوب می‌شود، در اصول راهبردی دیگر ق.ا نیز مورد اشاره قرار گرفته است. تأکید بر اهمیت خانواده به‌عنوان واحد بنیادی(اصل ۱۰)، حمایت از مادران در نگهداری و تربیت فرزندان(اصل ۲۱)، فراهم‌کردن فرصت‌های شغلی(اصل ۲۸)، برخورداری از

۱. ماده ۹۵ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی.

تأمین اجتماعی (اصل ۲۹)، تأکید بر ساختن وسایل آموزش و پرورش رایگان (اصل ۳۰)، تأمین مسکن متناسب با نیاز افراد (اصل ۳۱) و سایر اصول فصل سوم ق.ا یعنی "حقوق ملت" نقش اصلی در فرایند رشد مادی، معنوی و اجتماعی فرد، یعنی جامعه پذیری وی دارد که هر سوء عملکرد در این بخش‌ها، می‌تواند جریان رشد فرد را دچار اختلال کرده و از نظر جرم شناسی فرد را غیر اجتماعی و حتی ضد اجتماعی بار بیاورد.^۱

رئیس جمهور به عنوان مجری قانون اساسی موظف است در اجرای فصل سوم این قانون یعنی «حقوق ملت» بکوشد. حقوقی که برخاسته از نیازها، آرمان‌ها، آرزوها و باورهای دینی و ملی مردم است و ریاست جمهوری باید در راستای تحقق این اصول باید به پیامدهای مثبت و بازخوردهای گوناگون سیاسی، اقتصادی، شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و... اجرای این اصول نیز اهتمام لازم را بورزد چرا که اگر رئیس جمهوری بتواند از بین همه اصول قانون اساسی، این اصول فصل سوم به نام حقوق ملت را به درستی و راستی اجرا نماید، چه بسا که بسیاری از مشکلات لاینحل تاریخ نظام جمهوری اسلامی ایران مانند فقر، بیکاری، فساد اقتصادی و اجتماعی، امنیت و آتیه زندگی و... را حل نموده است و در راستای پیشگیری و مقابله با جرایم و آسیب‌های اجتماعی نیز گام برداشته است.

ما در این فصل ابتدا به بررسی حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت و سپس به تأثیر و تقابل احقاق حقوق ملت در مقابله با جرایم و آسیب‌های اجتماعی خواهیم پرداخت و بر وظایف رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی بصورت کلی و اجرای فصل سوم آن و تحقق حقوق ملت، تأکید خواهیم ورزید و آن حقوقی را که تحقق آنها تأثیر و نقش بیشتری در کاهش جرایم خواهد داشت را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

مبحث اول - بررسی تقابل احقاق حقوق ملت در پیشگیری از جرم

حقوق ملت از يك طرف مجموعه حقوق طبیعی است که از خصلت عالی انسان ناشی می‌شود و قانونگذاران در تدوین قوانین، حق سلب یا محدودیت آن را ندارند و دولت‌ها نباید مانعی در مقابل آن ایجاد نمایند. از طرف دیگر مجموعه حقوق موضوعه‌ای است که دولت اجرای آن راطبق قوانین داخلی برای اتباع خود تأمین و تضمین کرده و محتوای آن حقوق از يك کشور به کشور دیگر متفاوت می‌باشد. درباره منشأ چنین حقوقی دیدگاه اساسی وجود دارد:

۱. ابراهیمی، شهرام، منبع پیشین، ص ۶۲.

۱) حقوق مذهبی که بر اساس دیدگاه اسلام هیچ کس حق ندارد به حقوق و آزادی هموعان خود که آزاد آفریده شده‌اند، لطمه‌ای وارد کند. در این بار از آیه ۱۳ سوره حجرات دو نکته برداشت می‌شود: «اول: همه افراد از لحاظ حقوق و تکالیف برابرند و تنها ملاک برتری تقوی است. دوم: همه افراد بشر از هر قوم و قبیله، نژاد، مذهب و رنگ که باشند از یک پدر و مادر آفریده شده‌اند و با هم برابرند.

۲) حقوق طبیعی: که حقوقی است که در ذات همه انسانها است و قانونگذار بایستی تلاش کند و آن حقوق را کشف کند و حقوق موضوعه را بر پایه آن قرار دهد.^۱ در واقع این حقوق چه با مبنای مذهبی و چه مبنای طبیعی، پاسخی هستند به خواسته‌ها و نیازهای مردم جامعه؛ پاسخی که اگر شفاف و واقعی باشد مسلماً در روزگار مردمان تأثیرگذار خواهد بود و این احقاق حق و اعطای حقوق شهروندی به آنان، سنگینی احترام به تکالیف شهروندی را نیز بر آنان بار می‌کند و هرچقدر تحقق این حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و... ضعیف و غیرقابل باور و لمس‌تر باشد، مسلماً پاسخ مردم نسبت به تکالیف شهروندیشان نیز ضعیفتر و پایبندی آنان به قانون و احترام به حقوق شهروندی نیز متزلزلتر خواهد بود و پیامدهای ناگوار قانونگریزی و قانون ستیزی را به همراه خواهد داشت. در واقع این احقاق حقوق مردم است که آنان را به مبارزه و مقابله با جرایم وادار می‌دارد و از خلق موقعیت‌های پیش جنایی و حدوث و تولد علل وقوع جرم جلوگیری می‌نماید. علی‌که ریشه آنها در همین نادیده‌انگاری و عدم تحقق حقوق ملت‌هاست.

گفتار اول - علل فردی و اجتماعی وقوع جرم

به هر ویژگی فردی یا اجتماعی که در تکوین و شکل‌گیری بزهکاری نقش موثر ایفا کند عامل جرم گویند. عوامل وقوع جرم فقط زمینه ساز بزهکاری هستند و لاینقش تعیین کننده ندارند دلیل این امر عدم تاثیر عوامل اجتماعی به طور مساوی و یکسان بر روی تمامی افرادی است که تحت تاثیر آن شرایط به سر می‌برند در میان افراد موجود در یک شرایط مساوی بعضی به سوی بزهکاری روی آورده و برخی دیگر با محیط سازگار بوده‌اند.^۲ بطورکلی علل و عوامل ارتکاب جرم را می‌توان در علل فردی و علل اجتماعی وقوع جرم توسط مرتکب یافت.

۱. خداپرست، یونس، حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ علوم اسلامی و انسانی، تارنمای پژوهشگاه باقرالعلوم(ع)، www.pajohe.com

۲. گسن، ریموند، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۰.

همانگونه که از نامش پیداست مربوط به علل و عوامل موجود در شخص مرتکب فارغ از محیط پیرامون او می‌باشد و علل و عوامل اجتماعی، متأثر از دنیای پیرامون او از خانواده تا محله و دوستان و عوامل کلان اقتصادی و اجتماعی می‌باشد که فرد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد.

الف - علل فردی وقوع جرم

۱. سیستم ژنتیکی

در رابطه با تاثیر وراثت و سیستم ژنتیکی بر رفتار جنایی افراد، اندیشمندان نظرات مختلفی بیان داشته‌اند. عده‌ای معتقدند که وراثت (اثرا مستقیم) و عده‌ای معتقدند که وراثت (اثر غیر مستقیم) دارد.

لمبروزو معتقد بود که وراثت در بزهکاری نقش قاطع دارد و سرنوشت تحمیلی بعضی آدمیان که در تمام دوران زندگی دستخوش جنایت باشند به هنگام ولادت از والدین خود به آنان ارث رسیده است. انریکو فری نیز با تاکید بر اصل وراثت معتقد بود که بزهکار بالفطره، اصولاً نابهنجار به دنیا می‌آید و همانطور که سگ شناگر به دنیا آمده بزهکار بالفطره نیز برای ارتکاب جرم متولد شده است. همچنین آزمایشهای پزشکی و روانپزشکی ثابت نموده است که اختلال در کروموزم‌های انتقالی به جنین و عوارض سوء مصرف والدین در دوران بارداری نیز بر شخصیت انسان در زندگی تأثیرگذار می‌باشد.^۱

۲. سن و جنسیت

انسان در هر مرحله از زندگی دارای یک سری اخلاق خاص، برداشت خاص از زندگی و دارای یک شخصیتی خاص است. ناکنون سن دقیق شروع بزهکاری انسان مشخص نشده است اگرچه بعضی از تحقیقات آنرا بین سه تا پنج سالگی می‌دانند. اوج بزهکاری را می‌توان از ۱۸ تا ۲۵ سالگی یعنی در اوج بلوغ دانست؛ چرا که این سالها، مرحله قبول مسئولیت و سن تکامل رشد بدنی و تکامل نیروی شهوانی است و بروز هر گونه مشکل در زندگی شغلی، خانوادگی، عاطفی فرد می‌تواند باعث برهم خوردن تعادل روحی و رفتاری وی و در نتیجه بزهکاری شود.^۲ با گذشت سن ۲۵ سالگی به تدریج بزهکاری کاهش می‌یابد و از ۳۰ سالگی این کاهش کاملاً

۱. ولی پوری، احسان، علل ایجاد جرایم، www.۱۳۶۰۰۰۰۰۰.blogfa.com

۲. نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، *دانشنامه جرم شناسی*، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۷.

محسوس است و سن ۳۵-۴۵ سالگی کاهش سریع بزهکاری است و از ۴۵ سالگی به بعد آمار ارتکاب جرم عملاً کاهش می‌یابد.^۱

لازم به ذکر است که مطالب بیان شده خاص جرایم علیه اشخاص است اما در مورد جرایم علیه اموال این حالت برعکس است به همین جهت ارتکاب جرایمی مثل کلاهبرداری، اختکار، اختلاس و صدور چک بلا محل و... عمدتاً در میان افراد میان سال اتفاق می‌افتد. همچنین در خصوص نسبیت جنسیت با بزهکاری می‌توان به این واقعیت تلخ اشاره نمود که در کشور ما، زنان بزهکار هر چند به ظاهر مرتکب و فاعل جرم هستند اما در بسیاری از جرایم قربانی و بزه‌دیده هستند و به علت شرایط خانوادگی و اجباراً تن به اعمالی مانند ولگردی، فراز از خانه، روسپیگری، توزیع و مصرف مواد مخدر، سرقت، بچه‌کشی، شوهر کشی و... را می‌دهند که جنسیت در آنها عامل پررنگی می‌باشد.

۳. اختلال شخصیت

اصولاً شخصیت هر فرد ناشی از روان و کیفیت شکل‌گیری آن است بنابراین رفتار هر انسان تابع شخصیت اوست.^۲ افراد مبتلا به اختلالات تفکری و شعوری قدرت سازگاری و تطبیق خود را با محیط نداشتند و راحت‌تر از افراد معمول تحت تاثیر شرایط قرار می‌گیرند و در نهایت مرتکب اعمال خلاف هنجارهای حاکم می‌شوند. این‌گونه افراد به دلیل زمینه روانی قبلی دارای اراده‌ی ضعیف بوده و دارای شخصیتی تلقین‌پذیرند و در بر خورد با شرایط جرم‌زا زودتر از سایر افراد تسلیم می‌شود. ^۳ در نتیجه در مورد رابطه افراد مبتلا به اختلالات روانی و تاثیر پذیرفتن از محیط سه حالت وجود دارد:

- ۱- حالت اول: اختلالات روانی + وجود شرایط محیطی و اجتماعی مناسب برای ارتکاب جرم = شکستن سد مقاومت شخص و در نهایت ارتکاب جرم
- ۲- حالت دوم: اختلالات روانی + عدم وجود شرایط محیطی و اجتماعی مناسب = شخص به حالت سازگاری با محیط باقی مانده و قدرت تطابق با محیط افزایش یافته و به عبارت دیگر عوامل روانی نه تنها تاثیر گذار نبودند بلکه به وسیله‌ی محیط خنثی می‌شوند.
- ۳- حالت سوم: اختلالات روانی + عدم کفایت قدرت هدایت شخص به سوی بزهکاری = حالت

۱. فرجاد، محمد حسین، آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات ویستا.

۲. جوانمرد، غلامحسین، آسیب‌شناسی روانی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۸.

۳. دادستان، پریخ، روان‌شناسی جنایی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.

سازگاری شخص با محیط اجتماعی

ب - علل اجتماعی وقوع جرم

۱. محیط خانوادگی

خانواده به عنوان اولین و کوچکترین واحد اجتماعی از دیرباز در زندگی بشر وجود داشته است. از جمله نیازهای اولیه طفل علاوه بر خوراک و پوشاک و مسکن، تامین احتیاجات معنوی و اخلاقی طفل است. تامین این نیاز یک جو مناسب و هماهنگ و پراز احساس امنیت می‌طلبد که ایجاد این شرایط توسط مادر امکان پذیر است. هر نوع فقدان در این خصیصه و عدم اجابت نیاز طبیعی به هر دلیل خواه سخت گیری بیش از حد مادری ناتوانی در درک کودک، احساس کمبود عواطف مادری را در کودک بر می‌انگیزد. پدر نیز همچون مادر نقش عظیمی در تکوین شخصیت فرزند دارد. طفل پدر خود را نمونه قدرت و امنیت و بهترین حامی تلقی می‌کند بنابراین هر نوع ضعف مانند غیبت در دوران طفولیت، تقلیل اقتدار با حالتانفعالی، خشونت و سختگیری بیش از حد بدون شک بر رفتار طفل اثرگذار است و در وی کمبود عاطفی پدری را ایجاد می‌کند.^۱ همچنین در کنار این نقش پررنگ پدر و مادر به عنوان ستونهای خانواده، از عوامل موثر موجود در محیطهای خانوادگی که باعث گرایش به جرایم توسط فرزندان می‌گردد می‌توان به کمبودهای خانوادگی و طلاق اشاره کرد.

کمبودهای خانوادگی به اشکال حضور کمرنگ فیزیکی و معنوی والدین در منزل، دائم الخمر بودن، سطح تفاوت و درک فرهنگی، مشکلات مادی خانواده‌ها، اغماض و یا بی تفاوتی نسبت به رفتار فرزندان، توجه بیش از حد به رفتار آنها و... باعث می‌شود که فرزند، فردی مغرور و خود خواه شود و انتقام کمبودهای خویش درون خانواده را از جامعه مطالبه کند. تلاش والدین برای جوان ماندن و تلاش فرزندان برای خودبزرگ نشان دادن (جوان گرایی) نیز عاملی شده است که در رشد خانوادگی فرزندان، حالت بی تفاوتی فرهنگی و تربیتی برای والدین پدیدار گردیده است و فرزندان نیز با تمایل به ارتباط جنسی زودرس، سیگار کشیدن و مصرف مشروبات الکلی و... دچار مشکل در تعامل ارتباطی، کلامی و رفتاری با والدین و خانواده خود می‌شوند. واقعه ناگوار طلاق نیز که ممکن است گاهی اوقات برای والدین یک راه نجات باشد اما همیشه برای طفل یک فاجعه است زیرا طفل از عواطف پدر و مادر محروم می‌شود. بر اساس نتایج، ۸۰-۹۰٪ بزهکاری اطفال نتیجه‌ی طلاق و از هم پاشیدگی خانوادگی است. از جمله دلایل طلاق نیز

۱. نجفی توانا، علی، جرم‌شناسی، انتشارات آموزش و سنجش، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۹۰، ص ۲۰۱.

می‌توان به شهرنشینی، سستی اعتقادات مذهبی، تنوع و تعددطلبی مردان، مشکلات اقتصادی، مشکلات شخصیتی و ازدواج‌های اجباری اشاره کرد.

۲. محیط آموزشی

مدرسه به عنوان یک محیط آموزشی عام و سنتی و دانشگاه به عنوان یک محیط آموزشی خاص و مدرن، از محیط‌های هستند که افراد بنا به حضورشان و تشکیل گروه‌های همسالان، جامعه پذیری را می‌آموزند. هر چقدر سیستم آموزشی این دو نهاد چه در زمینه تعلیم (امور آموزشی) و چه در زمینه تربیتی (امور فرهنگی و اجتماعی)، قویتر و با برنامه‌تر باشد الگوی پذیری آن جامعه آموزشی بالاتر و خروجی آن نیز مفیدتر خواهد بود. به تعبیر ویکتور هوگو در برابر بازکردن در هر مدرسه، در یک زندان بسته خواهد شد. نقش و تأثیر بی‌بدیل تحصیل و آمارسنجی از سطح سواد و تحصیلات مجرمین نیز گویای این واقعیت می‌باشد که اکثر بزهاران، از سوابق تحصیلی مناسبی برخوردار نبوده‌اند و به علت ضعف در سیستم محیط آموزشی، در آن ناموفق بوده و به تدریج از آن رانده شده‌اند و به علت سرخوردگی حاصل از این طرد نیز، با تجمع سایر عوامل به سوی ارتکاب جرایم سوق داده شده‌اند.

۳. فقر، مهاجرت و حاشیه نشینی

فقر، مهاجرت و حاشیه نشینی را می‌توان از علل و عوامل اقتصادی دانست که بنا به نسبت آنها، محیط زندگی فرد تحت تأثیر حضور آنها قرار می‌گیرد. هرچقدر خانواده از نظر مالی، از تمکن قویتر برخوردار باشد و ثبات خانوادگی و استقرار بنیان خانواده در یک محله و محیط سالم و با حضور امکانات شهری لازم باشد، درصد و خطای کشیده شدن فرزندان به سوی ناهنجاری و ارتکاب کاهش می‌یابد و هر چه توان اقتصادی خانواده ضعیفتر، محله سکونت متغییر و نوعاً در حاشیه شهرها باشد خطر ابتلا به انحراف و جرایم در فرزندان بیشتر می‌باشد. به طور کلی عدم توانایی والدین به هر دلیل مادی یا معنوی، تربیت و آموزش فرد را دچار خدشه می‌کند. درآمد ناکافی و وضع نامناسب مسکن و عدم تکافوی در آمد خانواده جهت تامین احتیاجات، کیفیت ناهماهنگی ساعات کار و عدم توانایی در کنترل رفتار فرزندان از جمله موضوعاتی است که همیشه در روابط با بزهارکاری مطرح بوده است.

مهاجرت نیز صرفنظر از اثرات مثبت آن و تأکیدات دینی، با توجه به مشکلات فرهنگی و اقتصادی که به همراه دارد از نظر جامعه شناسی بالاخص جرم‌شناسی در شرایط خاص یکی از عوامل اختلال رفتاری است. چرا که با تغییر محیط، فرد گروه هماهنگ و همگون فرهنگی خود

را از دست می‌دهد در محیط جدید باید به نیازها و شرایط جدید که با ساختارهای تربیتی و فرهنگی وی هماهنگ نیست پاسخ گوید. عدم توانایی در انطباق با ویژگی‌های محیط جدید و تضاد فرهنگی مترتب بر آن اختلالات فرهنگی و شخصیتی در فرد ایجاد کرده و تعامل اجتماعی فرد را دچار مشکل می‌کند. مهاجران به محض ورود به محل جدید به علت وضع نامناسبی اقتصادی که دلیل اصلی مهاجرت آنها است به سوی محله‌های کم درآمد و ارزان هجوم می‌برند این افراد به جهت امرار معاش مجبور به انجام کارهایی هستند که نیازی به تخصص ندارد^۱ و نوعاً نیز منطبق با قوانین و مقررات دینی و حکومتی نمی‌باشد. حاشیه‌نشینی و به تبع آن مسکن نامناسب نیز به دلیل دوری از مرکزیت امکانات توزیع شده در شهرها، بستری برای کجروی‌های اجتماعی را پدید می‌آورد. برحسب آمار سال ۸۴ یک میلیارد نفر از مردم جهان یا در محله‌های غیر استاندارد و آلودگی و حلبی آبادها زندگی می‌کنند یا اینکه اساساً پناهگاهی ندارند بطوریکه در حدود ۱۰۰ میلیون نفر شب را در خیابان‌ها و کوچه‌ها و زیر پلها و... به روز می‌رسانند^۲ طبعاً چنین شرایطی بر نحوه هنجارها و رفتار فرد اثر مخرب و منفی خواهد داشت. مطالعات نشان می‌دهد کیفیت مسکن اثر فوق العاده‌ای بر سازگاری فرد خواهد داشت، فردی که در منطقه مسکونی مجهز به امکانات سکونت دارد کمتر از دیگر افرادی که در محله اشباع از جمعیت و فاقد حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی زندگی می‌کنند کمتر در معرض ناسازگاری و بزهکاری قرار می‌گیرند. در کنار علل و عوامل فردی و اجتماعی ذکر شده می‌توان از علل و عوامل دیگری مانند جنگ، وقوع بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله، بیکاری، اشتغال کاذب و... نیز نام برد.

گفتار دوم – نحوه تقابل حقوق ملت با عوامل جرم‌زا

همانطور که بیان شد در جرم‌شناسی، رفتارهای انسانی نتیجه‌ی عوامل مختلف زیستی، روانی و اجتماعی شرایط زندگی خانوادگی، کیفیت سلوک والدین با یکدیگر با اوضاع اقتصادی، سطح سواد و آموزش والدین و خود شخص وضعیت مسکن و بومی‌گزینی، همگی در سقوط یا صعود هنجاری شخص نقش ارزنده‌ای به عهده دارند. اصولاً نقش عوامل اجتماعی در تکوین و تکامل مراحل رشد روانی و شکل‌گیری تشخیص افراد تعیین‌کننده‌ای، عوامل مثبت اجتماعی می‌تواند

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸.

۲. نوربها، رضا، زمینه‌ی جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۷.

۳. چیت‌ساز، محمد علی، بررسی پدیده حاشیه‌نشینی از دیدگاه جامعه‌شناسی، چاپ دادگستری استان تهران.

نقش عوامل منفی فردی را خنثی نماید. بهترین راه مبارزه با بزهکاری از بین بردن عوامل جرم‌زا است و درست‌ترین روش برخورد با بزهکار و معالجه‌ی بیماری وی بازگرداندن او به آغوش جامعه است. اجرایی مجازات امر استثنایی است و اگر نامناسب با شخصیت مجرم باشد هیچ‌گاه نتیجه‌ی نیکو به بار نخواهد آورد مجازات بیش از حد صرفاً با هدف سزادهی نتیجه معکوس خواهد بخشید.

قانون اساسی به عنوان بالاترین قانون کشور ایران، در خود فصلی به نام «حقوق ملت» جای داده است که تحقق این حقوق ملت که به حقوق شهروندی نیز تعبیر می‌گردد، یکی از راهکارهای کاربردی در مبارزه با آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و ارتکاب جرم می‌باشد. این حقوق که در فصل سوم ق.ا و ط. اصول ۱۹ تا ۴۳ بیان شده‌اند و در سایر اصول نیز قابل رویت هستند، بر اساس خواست‌ها و نیازهای ملتی نگارش شده‌اند که حقوق فردی، اجتماعی، قضایی و آزادی‌های اساسی مردم را درمیان می‌داند بر دردهای جامعه‌ای که احقاق حق خویش را از حکومت، دولت و مجری ق.ا یعنی ریاست جمهوری مطالبه می‌کنند. این اصول که پشتوانه مردمسالاری دینی و دموکراسی حقوق بشری آن نیز اثبات شده است «تقابلی» دارند با علل و عواملی که می‌خواهند یک شهروند قانونمدار را به یک مجرم تبدیل کنند. احقاق حقوق ملت به عنوان عامل مقابله و پیشگیری از جرایم، رسالتی است نگارش شده که قانون اساسی آن را بر ریاست جمهوری محول نموده است. یکی از بخش‌های مهم قانون اساسی هرکشوری، بخش حقوق و آزادی‌های اساسی مردم آن است، زیرا در این بخش است که قدرت و دیکتاتوری با قانون و جمهوریت، مهار و محدود می‌شود و رابطه‌ی افراد با دولت مشخص می‌گردد. به همین دلیل، در نگارش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، اصول متعددی را به حقوق و آزادی‌های فردی، اجتماعی، قضایی و امنیتی مردم اختصاص داده شده است.

الف - حقوق و آزادی‌های فردی (شخصی)

۱. مصونیت از تعرض

در اصل ۲۲ قانون اساسی در این مورد آمده است: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۲. مصونیت از تبعید:

یکی از انواع آزادی فردی در قانون اساسی، آزادی انتخاب محل اقامت است و هرکس حق دارد محل زندگی و اقامت خود را انتخاب کند یا از جایی که نمی‌خواهد زندگی کند، هجرت نماید.

قانون اساسی هم به این امر مهم توجه کرده و در اصل ۳۳ درباره‌ی این گونه آزادی فردی آورده است:

هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

۳. مصونیت از شکنجه:

از موارد ضدّ انسانی که در حال حاضر در دنیا رایج است، شکنجه و تحت فشار قرار دادن افراد برای گرفتن اقرار است. اصل ۳۸ قانون اساسی نه تنها این امر ضدّ بشری را ممنوع کرده بلکه آن را فاقد اعتبار دانسته و متخلف از این اصل را قابل مجازات می‌داند.

۴. مصونیت از هتک حرمت:

هیچکس حقّ ندارد به فردی حتی کسی که به حکم قانون دستگیر، زندانی یا تبعید شده، بی احترامی کند و حیثیت او را پایمال نماید. در اصل ۳۹ ق.ا در این مورد به صراحت آمده است: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع است و موجب مجازات است.

۵. مصونیت از توقیف غیرقانونی:

بر اساس اصل ۳۲ قانون اساسی: اولاً هیچ کس رانمی‌توان بازداشت کرد مگر با حکم و ترتیبی که در قانون مشخص شده است. ثانیاً در صورت بازداشت افراد، اتهام باید با ذکر دلیل بلافاصله به صورت کتبی به مّتهم ابلاغ و تفهیم شود. ثالثاً حداکثر به مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه‌ی فرد فراهم گردد.

۶. مصونیت از افشای امور خصوصی:

از مواردی که به آن بسیار سفارش شده و مبانی فقهی نیز دارد، عدم افشای امور شخصی و خصوصی افراد است. به همین دلیل، قانونگذار نیز به این امور خصوصی افراد توجه نموده و بازرسی، ضبط و افشای آنها را ممنوع کرده است. در اصل ۲۵ قانون اساسی آمده است: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

ب - حقوق و آزادی‌های مدنی (اجتماعی)

۱. آزادی و حقّ داشتن شغل مناسب:

اشتغال هر فرد در نظام جمهوری اسلامی ایران از دو جهت مورد توجه اصل ۲۸ ق.ا قرار گرفته

است. اول این که هرکس آزاد است و حق دارد هر نوع شغلی را که بدان مایل است انتخاب کند، به شرط این که مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نباشد. دوم این که دولت موظف است با توجه به نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همهی افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را فراهم کند.

۲. آزادی و حق داشتن مسکن:

در اصل ۳۱ ق.ا آمده است: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به خصوص روستائین و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. نرخ رشد بالای جمعیت در ایران و مشکلات اقتصادی به خصوص تحمل خسارت فراوان ناشی از آسیب‌های جنگ تحمیلی باعث شده که این اصل به طور کامل اجرا نشود، اما تاکنون گام‌های ارزشمندی در این زمینه برداشته شده است. آن چه مسلم است، ق.ا داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق هر ایرانی دانسته و دولت را موظف به تلاش در این زمینه کرده است.

۳. حق برخورداری از آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان:

تحصیلات رایگان تا پایان دوره متوسطه، حق همهی مردم ایران است. علاوه بر این، قانون اساسی دولت را موظف کرده است تا زمینه تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان فراهم کند. در اصل ۳۰ آمده است: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همهی ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. قانونگذار به این امر اکتفا نکرده و حتی تربیت بدنی رایگان را برای همهی مردم در نظر گرفته است و دولت را موظف به فراهم کردن زمینه آن نموده است. ۱.

۴. حق برخورداری از تأمین اجتماعی:

افراد جامعه ممکن است بنابر دلایلی توان تأمین زندگی و اداری اقتصادی خانواده‌ی خود را نداشته باشند. از این رو، قانون اساسی، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره را حق همگانی مردم دانسته است. قانون اساسی در اصل ۲۹، دولت را مکلف می‌کند که طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای يك يك افراد

کشور تأمین کند.

۵. آزادی و حق برخورداری از کسب و کار و مالکیت مشروع:

قانون اساسی بر اساس تعالیم حیات بخش اسلام، مالکیت خصوصی را به رسمیت شناخته است. اما ابزارها و راههایی را نیز پیش بینی کرده که در صورت رعایت آنها، بی عدالتی و ثروت اندوزی‌های نامشروع و بی حد و حص، مهار خواهد شد. اصل ۴۶ می‌گوید: هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت، نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند. در اصل ۴۷ آمده است: مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند. بر اساس اصل ۴۹، مالکیت‌های نامشروع عبارتند از: ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سویی استفاده از موقوفات، سویی استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی و دایر کردن اماکن فساد.

ج - حقوق و آزادی‌های قضایی

۱. حق دادخواهی:

دادخواهی یعنی این که اگر کسی مورد ظلم و تعدی واقع شد حق و توان دادخواهی و مراجعه به مقام‌های صلاحیت دار قانونی را داشته باشد تا با استمداد از آنها، بتواند حقوق از دست رفته اش را استیفا کند و متجاوزان نیز به سزای اعمال خود برسند. این حق مسلم هم‌ه‌ی مردم ایران اعم از مسلمان و غیرمسلمان است. در اصل ۳۴ آمده است. دادخواهی حق مسلم هر فرد ایرانی است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید.

۲. حق انتخاب وکیل:

بسیاری از مردم به علت عدم آشنایی با قوانین قضایی توان احقاق حقوق خود را ندارند، از این رو، قانون اساسی به آنها اجازه داده است که برای دفاع از خود و حقوق خود، وکیل انتخاب کنند، و در صورت عدم توانایی، امکان تعیین آن را برایشان فراهم گردد. در اصل ۳۵ آمده است: در همه‌ی دادگاه‌ها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

۳. اصل برائت:

فرض قانونگذار بر این است که هیچ کس را نمی‌توان مجرم دانست، مگر این که جرم او در دادگاه صالح، اثبات شود و تا زمانی که جرم متهم در دادگاه ثابت نشود، هیچ کس حق هتک

حرمت و حیثیت او را ندارد. اصل ۳۷ قانون اساسی می‌گوید: اصل، بر برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

۴. اصل مستند بودن حکم قاضی:

قاضی نمی‌تواند حکم خود را بدون استناد صادر کند. تمام احکام دادگاه‌ها باید مستند به قانون و احکام شرع باشد، در غیر این صورت فاقد اعتبار قانونی و اجرایی است. در اصل ۱۶۶ آمده است: احکام دادگاه‌ها باید مستند و مستدلّ به موادّ قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

۵. اصل جرم شناخته شدن عمل از نظر قانون:

هیچ فعل یا ترک فعلی جرم محسوب نمی‌شود مگر این که آن فعل یا ترک فعل بر اساس قانون جرم شناخته شود. از این رو، هیچ دادگاه یا قاضی حق صدور حکم یا اجرای مجازات برای انجام کاری که در قانون جرم شناخته نشده باشد، ندارد. حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

۶. اصل عطف به ما سبق نشدن قوانین:

هرگاه فعل یا ترک فعلی به موجب قانونی جرم نباشد و یا در قانون از آن ذکر نشده باشد، نمی‌توان به موجب قانونی که پس از ارتکاب چنین اعمالی، تصویب می‌شود، افراد را محاکمه و مجازات کرد. به همین دلیل در اصل ۱۶۹ قانون اساسی آمده است: هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌شود.

۷. اصل علنی بودن محاکمات:

به موجب اصل ۱۶۵ ق.ا، محاکمات در دادگاه باید به صورت علنی انجام شود و حضور افراد در دادگاه هم بلامانع است، مگر این که قاضی تشخیص دهد که علنی بودن دادگاه منافی عقّت عمومی یا نظم عمومی است، یا این که طرفین دعوا بنا به دلایلی تقاضا کنند که دادگاه به صورت غیر علنی باشد.

د - آزادی‌های اساسی مردم

۱. آزادی فردی:

آزادی فردی یعنی این که شخص در رفت و آمد، اقامت و ترک محل زندگی، پذیرش تابعیت کشور خود یا کشور دیگر و... آزاد باشد و از توقیف بدون دلیل مصون و محفوظ بماند. در اصل ۳۲ قانون اساسی آمده است: هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند.

۲. آزادي فكر و عقیده:

آزادي اساسي ديگر مردم، كه در واقع پس از آزادي فردي مهم‌ترين آزادي است، آزادي اندیشه و عقیده است. آزادي فكر، اندیشه و عقیده يعني اين كه داشتن هرگونه فكر و عقیده آزاد است و كسي را نبايد به صرف داشتن فكر و عقیده، تحت پيگرد قرار داد. اما بيان و اظهار عقیده در هر جامعه‌اي تابع قوانين و مقررات است. در اصل ۲۳ آمده است: تفتيش عقايد ممنوع است و هيچ كس را نمي توان به صرف داشتن عقیده‌اي مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

۳. آزادي مطبوعات:

در حكومت اسلامي، همان طوري كه اشخاص حقيقي در چارچوب قانون در بيان نظر و عقیده آزاد هستند، اشخاص حقيقي يعني مطبوعات، نشریات، روزنامه‌ها و... نيز در بيان مطالب و عقايد خود كاملاً آزاد هستند مگر اين كه مطالبشان مغاير با اسلام و تهديد كننده‌ي امنيت ملي و حقوق فردي باشد. اصل ۲۴ قانون اساسي ميبن چنين مطلبي است.

۴. آزادي احزاب و گروه‌هاي سياسي:

همان گونه كه اظهار نظر و انتشار مطالب در چارچوب قانون، آزاد است، تشكيل احزاب، جمعيت‌ها و گروه‌هاي سياسي و صنفی نيز آزاد و مجاز است، مگر آن كه اصول استقلال، آزادي، وحدت ملي و موازين اسلامي و اساس جمهوري اسلامي ايران را نقض كند.

۵. آزادي تشكيل اجتماعات و راهپيمايي‌ها:

يكي ديگر از آزادي‌هاي اساسي مردم، آزادي تشكيل اجتماعات و راهپيمايي‌ها است. آزادي اجتماعات هم مثل ديگر آزادي‌ها در حال حاضر در كشورهاي مختلف پذيرفته شده است، به طوري كه اشخاص مي‌توانند با كسب اجازه، در محل معيني جمع شده درباره مسائلي سياسي، اجتماعي، و... تبادل نظر نمايند. در قانون اساسي ايران نيز اين امر پذيرفته شده و در اصل ۲۷ آمده است:

تشكيل اجتماعات و راهپيمايي‌ها بدون سلاح، به شرط آن كه مخل به مباني اسلام نباشد آزاد است.

مبحث دوم - رئيس جمهور و الگوسازي در گفتمان پيشگيري از جرم

شايد يكي از مباني تمايز رئيس جمهور از ساير روساي قواي حاكم و همپرازان آن را مي‌توان، «منتخب مستقيم مردم بودن» دانست. سرمايه اجتماعي كه پشتوانه بسيار محكمي براي دستيابي به اهداف و آرمانها مي‌باشد. در واقع مردم هر جامعه‌اي با رأي دادن به كانديداي مطلوب خود، به ديده‌گاه‌ها، برنامه‌ها و راهبردها و راهكارهاي فردي رأي مي‌دهند كه عقايد و نگاه او به مسائل

کشور را قبول دارند و با او عهد و پیمانی می‌ببند بر اساس يك میثاق ملي؛ خود این عهد و پیمان و رأي اعتماد مردم، بر اساس نزدیکی به تفکری است که رییس جمهور منتخب برای حل مسائل در نظر گرفته است که در باور مردم، به این راه اصلی که بر مبنای عقاید سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، بین‌المللی و نوعاً دینی فرد کاندیدا نگارش و طراحی شده است، گفتمان نامیده می‌شود.

واژه ی «گفتمان» در مقابل واژه‌ی discourse برای جامعه فرهنگی پارسی‌گو برابری گردیده است. پیش از رواج واژه ی «گفتمان»، واژه فرنگی discourse با همسنگ‌های دیگری همچون «گفتار»، «سخن»، «وعظ و خطابه»، «درس و بحث»، «مقال»، «سخنرانی»، «مراوده»، «مکالمه» و «نطق»، در زمینه‌ها و رشته‌های مختلف، و توسط مترجمان گوناگون، به فارسی برگردانده می‌شد.

در واژه‌شناسی تخصصی، گفتمان، به معنی پرداختن مفصل و جزء به جزء یک موضوع، در قالب نوشتن یا گفتن است. به بیانی دیگر، به کاربردن زبان در گفتار و نوشتار، برای پدیدآوردن معنا و مفهوم.^۱

در واقع گفتمان نوعی نظام معنایی و مجموعه‌ای از اظهار نظرها و گفتارهای سازمان یافته‌ای است که معانی و ارزش‌های نهادها را تبیین می‌کند.^۲ نظریه گفتمان نیز، راه و روشی را که نظام‌های معنایی برای آگاهی یافتن مردم از نقش‌هایشان در جامعه بیان می‌کنند بررسی کرده و به تجزیه و تحلیل شیوه تأثیرگذاری این نظام‌های معنایی یا گفتمان‌ها بر فعالیت‌های سیاسی می‌پردازد. در واقع مفهوم گفتمان، دربرگیرنده تمامی اعمال سیاسی و اجتماعی و از جمله نهادها و سازمان‌ها است.^۳

به طور ساده می‌توان گفت که گفتمان‌ها با توجه به واقعیت‌های موجود جامعه ساخته می‌شوند و مصداق‌هایی برای آنها در سطح جامعه مشخص می‌شود. در واقع گفتمان‌ها را هم می‌شود ساخت و هم می‌شود از گفتمان‌های موجود بهره گرفت. گفتمان‌ها دو گونه‌اند: برخی از آنها مبنای فلسفی دارند و برخی مبنای زبانی و گویشی. گفتمان‌هایی که مبنای زبانی و گویشی دارند موفق‌ترند

۱. شهرکی، آرمان، مفاهیم و اصطلاحات انسان‌شناسی توسعه (۱) گفتمان، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ www.anthropology.ir

۲. اشرافی، مرتضی، تحول گفتمان توسعه در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات وحدت بخش، ۱۳۹۰، ص ۳۲.

۳. هوراث، دیوید، نظریه گفتمان، ترجمه اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ش ۲، پاییز ۱۳۷۷، ص ۱۵۶.

چون قابلیت جذب توده‌های مردم را دارند و بدین ترتیب مسلط می‌شوند.^۱

گفتار اول - گفتمان پیشگیری از جرم

گفتمان‌ها طبقه بندی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، بین‌المللی و... نیز دارند. از ابتدای انقلاب، در بعد سیاسی، دو دوره حاکمیت گفتمان چپ و راست و دو دوره حاکمیت گفتمان اصلاح‌طلب و اصولگرا وجود داشته است. اما در منظرهای دیگر، گفتمان‌های متعددی از سوی اشخاص و جناح‌ها و طیف‌های گوناگون جامعه در زمینه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، حوزه روابط خارجه و بین‌الملل، دین و... مطرح شده است که هر یک در دوره‌ای از تاریخ انقلاب اسلامی نمود داشته‌اند.

الف - انواع گفتمان‌های روسای جمهور در ایران

در منظر جامعه‌شناسی سیاسی، گفتمان‌های موجود بین دولت و جامعه مدنی را به براساس رابطه بین این دو، به چهار گفتمان تقسیم می‌کنند:

(۱) گفتمان جامعه نیرومند و دولت ضعیف

(۲) گفتمان جامعه نیرومند و دولت نیرومند

(۳) جامعه ضعیف و دولت نیرومند

(۴) جامعه نیرومند و دولت کوچک^۲

اما گفتمان‌های روسای جمهور در نظام جمهوری اسلامی ایران، بنا به بالابودن تب سیاسی و سیاست‌زدگی در ایران، بیشتر متکی بر اندیشه‌ها و بعد سیاسی و نوعاً اقتصادی روسای جمهور و دولت‌هایشان بوده است. گفتمان‌های حاکم در طول عمر ۳۵ ساله نظام جمهوری اسلامی و ده دولت حاکم با ۶ رئیس جمهور، را می‌توان به ۵ قسمت تقسیم نمود:

۱. دوره رقابت گفتمانی

دوره اول که مربوط به سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ می‌گردد به دوره «رقابت گفتمانی» مشهور است. در این دوره گفتمان‌های لیبرال و گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه سیاسی حاضر شدند که نهایتاً با رأی مردم و انتخاب روسای جمهور مکتبی چون شهید رجایی و پی‌آن، آیتا... خامنه‌ای که از پیروان اندیشه انقلاب اسلامی بودند، گفتمان حاکم و غالب، گفتمان انقلاب اسلامی

۱. اسماعیلی، مهدی، گفتمان رئیس‌جمهور آینده چه باید باشد؟ سرویس سیاسی پایگاه خبری تعامل www.taamolnews.ir

۲. بشیریه، حسین، دولت و جامعه مدنی (گفتمان‌های جامعه‌شناسی سیاسی)، کتاب نقد و نظر (ویژه مجله نقد و نظر)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم، ۱۳۷۸، ص ۳۲.

گردید.

۲. گفتمان توسعه اقتصادی دولت محور با گرایش توزیعی

دوره دوم که از سال ۱۳۶۰ و اوج گیری اندیشه انقلاب اسلامی تا پایان جنگ و آغاز دولت سازندگی در سال ۱۳۶۸ می‌باشد به دوره ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای و نخست وزیر مهندس میرحسین موسوی مربوط می‌شود. وقوع و تدوام جنگ تحمیلی و تبدیل آن به یک ارزش به عنوان «دفاع مقدس» و استقامت در شرایط اقتصادی جنگ با اقتصاد کوپنی و محوریت دولت در اقتصاد جهت پرداخت هزینه‌های جنگ به مردم و سرآخر هم، ایستادگی جانانه بر ارزشهای انقلاب اسلامی به قیمت هدیه دادن بیش از ۳۰۰,۰۰۰ شهید از ویژگی‌های این دوره گفتمانی بوده است.

۳. گفتمان توسعه اقتصادی دولت محور با محوریت تشویق اقتصاد بازار و خصوصی سازی

دوره سوم که به دوره سازندگی معروف است و در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ و رییس جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بررسی می‌شود تلاش برای سازندگی‌های خرابی‌های جنگ و توسعه اقتصادی کشور با گرفتن وام و ورود تکنولوژی به چرخه صنعت کشور بوده است. در این دوره قانون برنامه‌های پنجساله توسعه کشور نگارش و پس از تصویب، وارد مرحله اجرا در دولت‌ها گردید.

۴. گفتمان توسعه سیاسی با محوریت اصلاحات و جامعه مدنی و گفتگو

دوره چهارم که مربوط به سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ و ریاست جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین خاتمی می‌باشد دوره‌ای پرالتهاب از نظر سیاست داخلی و قوی از نظر سیاست خارجی در کشور می‌باشد که بسط گفتمان «جامعه مدنی و گفتگو» در داخل کشور، منجر به آزادی اندیشه و قلم خصوصاً گسترش مطبوعات شد و در نگاه بین‌المللی نیز پدیده «گفتگوی تمدن‌ها» با محوریت کشور و تمدن ایران از بازخوردهای گفتمان این هشت سال بوده است.

۵. گفتمان «توسعه اقتصادی با محوریت عدالت توزیعی

اما دوره پنجم که به سالهای ریاست جمهوری آقای دکتر احمدی نژاد از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ منتهی می‌شود، دوره‌ای است که در آن عدالت و تحقق آن، شعار و محور اصلی دولت در داخل و خارج کشور بوده است. حجم بالای سفرهای استانی از کوچکترین شهرها در دور افتاده‌ترین مناطق کشور بر اساس نگاه عدالت ورزی تا اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و پرداخت یارانه ماهیانه به مردم از درآمد حاصل از افزایش نرخ حامل‌های انرژی و دستیابی هسته‌ای و ...

کشور از کارنامه‌های گفت‌وگو عدالت بوده است.

البته جدای از تیپ بن‌دلی زمانی گفت‌وگوها بر اساس دولت‌ها می‌توان دوره‌های گفت‌وگویی پساانقلاب را به گفت‌وگو توسعه‌ای - لیبرال و گفت‌وگو انقلابی - سنتی نیز تقسیم نمود.^۱ به هر حال در طول این سالها، هرچند که غالبیت شخصیت روسای جمهور بعد سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی بوده است اما فارغ از این نگاه‌ها، از آنجایی که رییس جمهور بعدی حقوقی، فرهنگی و اجتماعی نیز دارد که باید به آن بها داده شود و بر مبنای آن حق بر مردم و تکلیفی بر رییس جمهور نوشته شود، باید کمی دور از قال و قیل دنیای سیاست، نقش و جایگاه رییس جمهور را به عنوان اولین مقام پاسخگو در قبال «امنیت، آزادی و حقوق شهروندی» جویا شد.

در واقع رییس جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی کشور، از يك «بعد اجتماعی» نیز برخوردار می‌باشد که پیرو آن گفت‌وگویی نیز بر اساس اندیشه و دغدغه خویش ترسیم نموده است که مورد حمایت و تأیید جمهوریت مردم قرار گرفته است و به عنوان سرمایه اجتماعی آن گفت‌وگو موجود می‌باشد. گفت‌وگویی که در بطن آن تلاش برای کاهش آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌ها و بی‌فرهنگی‌ها متبلور است. گفت‌وگویی که در آن، رییس جمهور به عنوان مجری قانون اساسی و به عنوان کسی که سوگند خورده است از حقوق ملت دفاع نماید، موظف است برای «پیشگیری از جرم» به عنوان يك «حق ملی» و «تکلیف ریاست جمهوری» تلاش و برنامه ریزی نماید.

ب - ویژگی‌های يك گفت‌وگو پیشگیرانه از جرم

پیشگیری از وقوع جرم به عنوان يك رسالتی که در فحوای برنامه‌های اجتماعی بر رییس جمهور نوشته شده است، یکی از مطالبات به حق جامعه مدنی از مجری قانون اساسی می‌باشد. مطالبه‌ای که برای آن نیاز به مطالعه و کار کارشناسی، پژوهش و برنامه ریزی، اجرای دقیق و نظارت و ارزیابی مطلوب ضرورتی انکارناشدنی است. چرا که بازخورد مثبت یا منفی مدل و الگوی اجرایی اقدامات پیشگیرانه در ارتکاب جرم، گاه به خاطر جهل به قانون، سطحی‌نگر و اعمال نظر و سلیقه‌های شخصی دچار تزلزل می‌شود و اصل هدف این کار مورد سوال و تخریب قرار می‌گیرد.

همیشه باید توجه داشت که هر اقدامی که مستقیم یا غیرمستقیم در خصوص پیشگیری از جرائم و

۱. صدیق سروستانی، رحمت ا...، زائری، قاسم، بررسی گفت‌وگوهای فرهنگی پسا انقلابی و روندهای چهارگانه موثر بر سیاست‌های فرهنگی در جمهوری اسلامی، نشریه جامعه شناسی و علوم اجتماعی، شماره ۵۴، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۶.

آسیب‌های اجتماعی در سطح کلان صورت می‌گیرد، باید از يك نگاه جامع و گفتمان ملی برخوردار باشد. هرچند که در صحبت از گفتمان در منظر جرم‌شناسی کمی سخت به نظر می‌آید اما به اختصار می‌توان از موارد ذیل به عنوان راهبردها و ویژگی‌های يك گفتمان پیشگیرانه از جرم نام برد:

۱. جامعیت

پیشگیری از جرم می‌تواند از جزئی‌ترین مسئله فردی شروع و به کلی‌ترین مباحث اجتماعی ختم شود و در واقع هر نوع رفتار فردی و اجتماعی می‌تواند موضوع آن قرار گیرد. بررسی پژوهش‌های اجتماعی نشان می‌دهد که در ارتکاب جرم از مسائل جزئی پیش‌پاافتاده تا مباحث کلان می‌توانند دخالت داشته باشند و گاهی پیشگیری از امور جزئی پیش‌نیاز مسائل کلی قرار گرفته و از ارتکاب جرم ممانعت می‌کند^۱. این جامعیت گفتمان پیشگیرانه است که می‌تواند پیشگیری فردی و اجتماعی را رقم بزند.

۲. هدفمند بودن

هدفمندی به معنی با برنامه بودن و مبتنی بر اندیشه و مقصد مشخصی بودن، یکی از الزامات هر گفتمانی است که گفتمان پیشگیری از جرم نیز باید از این ویژگی حیاتی و مهم برخوردار باشد. تلاش برای از بین بردن علل جرم و کاهش موقعیت‌های پیش‌جنایی و بالابردن هزینه ارتکاب جرم در قبال سود ناچیز و اندک آن، نشان از هدفمند بودن این گفتمان است. اتکاء بر نظریات، دیدگاه‌ها، آمارهای جنایی و دکترین جرم‌شناسی نیز، بر ارزش کیفی و راهبردی این گفتمان نیز خواهد افزود.

۳. ترکیبی

در مقابله با يك پدیده مجرمانه که ترکیبی از عوامل گوناگون است، باید يك نگاه ترکیبی طراحی و اندیشیده شود که بتواند کارایی لازم را داشته باشد. فرینگتون درخصوص چرایی شکست مداخلات یکجانبه و پیشگیری جزء به جزء معتقد است که بزهداری تحت تأثیر بسیاری از عوامل به هم پیوسته است و پیشگیری از آن مستلزم همکاری و اقدام مشترک در چندین فضا است^۲. در واقع يك گفتمان پیشگیرانه از جرم باید با نگاه ترکیبی مشتمل بر اقدام‌های مکمل

۱. بای، جعفر، ویژگی‌های پیشگیری از جرم، اجتماع، جامعه‌شناسی، تارنمای همشهری آنلاین www.hamshahrionline.ir

۲. home et al. (۲۰۰۷), The Pervasive Impact of Poverty on Children in Pathways and Crime Prevention, Villan Pub. P. ۲۲۷.

بوده و با اتخاذ راهبردهای جامعه‌پذیری و توجه به ویژگی‌ها و نیازهای فردی، عوامل خطر را مورد هدف قرار دهند.

۴. تساوی در نگرش به بزه‌دیده و بزه‌کار

در منظر رویکردهای پیشگیرانه باید یک تعادل و نیازسنجی برای میزان توجه و اهمیت نسبت به جامعه یا جوامع هدف تعریف شود. بعضی از اندیشمندان معتقدند که پیشگیری از وقوع جرم می‌بایست معطوف به بزه‌کاران باشد و اگر هنجارشکنان اجتماعی اصلاح شوند در جامعه مشکل نخواهد بود. گروهی دیگر بر این باورند که در هر جامعه قشری آسیب‌پذیرند و اگر آسیب‌پذیران را از دسترسی منحرفان اجتماعی خارج کنند جرائم در جامعه کاهش خواهد یافت؛ اما گفتمان کارآمد پیشگیرانه از جرم آن است که بتواند تعادلی بین این ۲ رویکرد براساس نوع جرم ارتكابي ایجاد نماید.

۵. احترام به حقوق شهروندی

اجرای قانون و گفتمان پیشگیرانه نباید حقوق قانونی و مشروع شهروندان را به خطر بیاندازد یا آنان را نسبت به دسترسی به حقوق و امکاناتی که قانون برایشان مجاز دانسته است منع نماید. احترام به حقوق شهروندی و التزام مجریان گفتمان پیشگیری از جرم از عالی‌ترین مقام یعنی رییس جمهور تا خردترین مجری یعنی یک سرباز پلیس، وظیفه‌ای است که در گفتمان پیشگیرانه از جرم باید مورد توجه قرار گیرد. در کنار موارد ذکر شده در خصوص بایسته‌های یک «گفتمان پیشگیرانه از جرم» می‌توان به موارد دیگری از قبیل زمان محوری، پویایی، طبقه بندی، مردم محوری و... اشاره کرد.

گفتار دوم - راهکارهای رییس جمهور در گفتمان سازی پیشگیرانه از جرم

الف - احقاق حقوق شهروندی برای پیشگیری از جرم

همانگونه که بیان گردید ملت حقوق بسیاری بر گردن حکومت و دولت دارند. حقوق شهروندی که تأمین و پاسخ به هر کدام از آنها، ادای تکلیف شهروندی را نیز مستحکم‌تر می‌نماید؛ به راستی که اگر به نیازها و حقوق شهروندان، به موقع و با حفظ شأن و شخصیت شهروندی شان پاسخ داده شود راه‌گریز به سوی بسیاری از نابهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی بسته خواهد شد.

بر اساسی‌ک تقسیم‌بندی، حقوق شهروندی شامل سه‌گونه؛ حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است.^۱

در کنار همه حقوق شهروندی که قانون اساسی، قوانین مدنی، اداری، تجاری، کیفری، دادرسی

۱. دستمالچیان، احمد، کلیاتی راجع به حقوق شهروندی، اداره صیانت از حقوق شهروندی وزارت کشور، ۱۳۹۰، ص ۳۵.

و... برای مردم در نظر گرفته‌اند حقوقی وجود دارند که مستقیم در مقابله با جرایم و پیشگیری از آنها تعریف شده‌اند. ما در این قسمت به ۷ حق اصلی که در زمره حقوق شهروندی نگارش و تثبیت شده است و تحقق آنها، تقابل مستقیمی با آمار کاهش جرایم در کشور دارد خواهیم پرداخت و آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. حق امنیت

امنیت یکی از بالاترین نعمت‌های الهی می‌باشد که وظیفه هر دولت و حکومتی است که آنرا برای مردم سرزمینش فراهم آورد. ارزش این حق به اندازه‌ای است که اگر وجود نداشته باشد احقاق سایر حقوق فردی و اجتماعی نیز امکان‌پذیر نخواهد بود.

واژه امنیت، به ایمنی داشتن و حالت و احساس امن بودن تلقی می‌گردد که فرد می‌تواند بدون احساس خطر، خواسته خویش را تحقق بخشد. در واقع «امنیت» مانند لایحه حفاظتی فرد را از آسیب‌ها و خطرات محفوظ نگه می‌دارد.^۱ حق امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۲ ذکر شده است که براساس آن حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

هرچند که برای امنیت تقسیم بندی‌های گوناگونی ارائه شده است و اولین و متداول‌ترین برداشت شهروندان از حق امنیت، امنیت نظامی می‌باشد اما می‌توان در تلفیق این تقسیم بندی‌ها و همسو با قانون اساسی، مجموعه حق‌های امنیت برای شهروندان ایرانی را به حق امنیت فردی، حق امنیت اجتماعی، حق امنیت اقتصادی، حق امنیت شغلی، حق امنیت دینی، حق امنیت اخلاقی و... تقسیم بندی نمود. حال در جامعه‌ای که امنیت در یکی از زمینه‌های مورد خواست و به حق شهروندان است، وجود نداشته باشد، چه ضمانت اجرا و تعهدی برای شهروندان وجود خواهد داشت تا به حقوق فردی و اجتماعی دیگران و جامعه احترام بگذارند. رییس جمهور نیز به‌عنوان عالی‌ترین مقام پاسخگو در خصوص امنیت، همواره باید بر این زمینه تأکید ورزد که ناتوانی دولت در حفظ امنیت جان، مال و مسکن افراد یعنی از دست رفتن امنیت فردی و تقابل شخصی شهروندان با ناامنی و عوامل آن؛

از دست رفتن امنیت شغلی مساوی است با استثمار نیروی کار توسط کارفرمایان، نقض قانون و حقوق کار مانند بیمه، بازنشستگی، ازکارافتادگی و...، افزایش نگرانی و اضطراب جامعه

۱. علیزاده، عبدالرضا، کاویانی، محمد هادی، حق امنیت فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴، زمستان ۹۰، ص ۲۵۹.

کارگري و کارمندی از اخراج و تعدیل از کار که منجر به ناتوانی در تأمین معیشت خویش و خانواده و سرانجام ابتلا به بیکاری که فرد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد. امنیت اقتصادی نیز به معنای فراهم بستری امن و مطمئن برای سرمایه‌گذاری، تولید و حمایت از سرمایه ملی که نقش بسیاری در پیشبرد اهداف کلان اقتصادی نظام و نتایج مثبت در حل مشکلاتی مانند بیکاری، توزیع عدالت، کاهش تورم و... دارد اما اگر چنین فضای امن اقتصادی در درون کشور فراهم نباشد مسلماً ثروت‌های کشور به جای سرمایه‌گذاری در اقتصاد، در مشاغل و بنگاه‌های سرمایه‌گذاری کاذب و البته زودبازده و بسیار پر سود مانند ملک و زمین، سکه و ارز و... نمود پیدا می‌کند و ضمن افزایش شکاف طبقاتی، ثبات اقتصادی را در جامعه از بین برده و تصمیم‌گیری‌ها برای سرمایه‌گذاری را مشکل می‌نماید.

امنیت اخلاقی، دینی و اجتماعی نیز یعنی وجود فضای احترام متقابل بین شهروندان در خصوص رعایت آداب تعاملات شهروندی از قبیل احترام به عقاید یکدیگر، حفظ شئون تقدسات، پرهیز از هنجارشکنی اخلاقی و...؛ اگر بین آنچه که شهروندان به آن، باور و ایمان دارند و بر اساس آن به حکومت و دولت رأی داده‌اند با آنچه که در ظاهر و باطن جامعه می‌بینند و نمی‌پسندند، تقابل و تضادی وجود داشته باشد و فضایی حاکم گردد که اخلاقیات، دین و اجتماعیات افراد نه تنها در تضاد بلکه در ستیز یکدیگر قرار بگیرند و افراد نگران مواجه شدن با چنین ناامنی در جامعه باشند، در چنین جامعه‌ای به خاطر حس تقابل و انتقام جویی و دفاع فردی افراد از امنیت اخلاقی خویش، بستری خواهد بود برای وقوع جرایم؛ شکل‌گیری موقعیت‌های پیش‌جنایی در مزاحمت‌های خیابانی برای نوامیس مردم و بروز درگیری لفظی و فیزیکی که نهایتاً منجر به ضرب و جرح، نزاع دسته‌جمعی و قتل می‌گردد بازخوردی است از نبود امنیت اخلاقی و اجتماعی در جامعه؛ امنیتی که افراد را در معرض بی‌احترامی، توهین و تحمل رفتار و گفتار ناپسند قرار می‌دهد.

راه اندازی پلیس امنیت اخلاقی، جدای از مباحث سیاسی و اختلاف نظرهای نوعاً احساسی که به نوع کارکرد و تعامل پرسنل آن بازمی‌گردد، پاسخی است برای ایجاد ثبات در امنیت اجتماعی. امنیت اجتماعی که در بند ۲۰ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ابلاغی از سوی رهبر انقلاب ه رئیس‌جمهور، ارتقای آن یکی از محورهای حقوق شهروندی تعریف شده است. امنیتی که بند ج

و د ماده ۱۰۰ حقوق شهروندی برنامه سوم و سند چشم انداز نیز بر آن تأکید ورزیده اند.^۱

۲. حق آزادی

آزادی با کاربرد حقوقی خود یکی از حقوق اساسی افراد است که آنان را در برابر قدرت حاکمه پشتیبانی می‌کند و جلو اعمال غیر عادلانه قدرت سیاسی را می‌گیرد و در نتیجه تا حدی آن را تعدیل می‌کند؛ به عبارت دیگر، آزادی در این سویه به وضعی گفته می‌شود که انسان بتواند قدرت آفرینندگی خود را پیاده کند.^۲ واژه آزادی به خودی خود، واژه گسترده‌ای است و با عبارتهایی همچون آزادی‌های اجتماعی و حقوق بشر آمیخته شده است. برخی از آزادیهای شناخته شده عبارتند از:

آزادی مذهب، آزادی پوشش، آزادی اقتصادی، آزادی تجمع‌های صلح‌آمیز، آزادی رای‌دادن و انتخابات آزاد و دمکراتیک، آزادی‌های اجتماعی، آزادی آکادمیک، آزادی‌های قومی و ملیتی، آزادی‌های مدنی، آزادی بیان، آزادی پس‌ازبیان، آزادی رسانه و مطبوعات، آزادی انتقاد کردن از قدرت، آزادی اعتراض کردن، آزادی مقاومت و...^۳

اما «آزادی و حق آزادی» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در برخی موارد به آزادی‌های فردی و در برخی موارد بر جنبه‌ی سیاسی و اجتماعی آن تبیین شده است. نکته‌ی مهم این است که مطابق اصل چهارم قانون اساسی "هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد." بنابراین، می‌توان از آزادی در محدوده‌ی قانون بهره‌مند شد، مشروط بر این که اعمال حق آزادی به دیگران یا منافع عمومی اخلال وارد نکند.

در کنار این انواع آزادی پیش بینی شده، در قانون اساسی برای این که از آزادی‌ها، استفاده‌ی مطلوب به عمل آید، تمهیداتی جهت حفظ، تضمین و گسترش آنان اندیشیده شده است. در بند ششم و هفتم از اصل سوم، «دولت» جمهوری اسلامی موظف شده است جهت نیل به اهداف اصل دوم قانون اساسی - که یکی از آن‌ها ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا است - به "محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی" و "تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون" بپردازد. علاوه بر این، رئیس جمهور بر اساس

۱. آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، چاپ اول، تهران، مرداد ۱۳۸۹، ص ۳۸.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱، واژه آزادی، ص ۲۴.

۳. ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، مقاله «آزادی» www.fa.wikipedia.org

اصل ۱۲۱، سوگند یاد می‌کند که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشد و از هرگونه خودکامگی بپرهیزد و از «آزادی» و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است، حمایت کند. در واقع جمهوری اسلامی موظف به تأمین آزادی‌های مشروع و مصرح در قانون اساسی است و قوای سه‌گانه مأمور تضمین، گسترش و پاس‌داشت آزادی‌های اساسی مردم‌اند. سلب آزادی حتی با وضع قوانین، مجاز نیست، چونان که سوءاستفاده از آزادی و خدشه‌دار کردن استقلال و تمامیت ارضی کشور نیز ممنوع است.^۱ همچنین در کنار تقسیم بندی رایج در قانون اساسی، آزادی در یک تقسیم بندی کلان به دو نوع آزادی مثبت و آزادی منفی تقسیم می‌شود.^۲ تلاش برای کاهش جرایم و پیشگیری از وقوع جرم نیز بر اساس همین رویکرد «آزادی مثبت» تعریف می‌گردد که در آن دولت‌ها به معنای عام و شخص ریاست جمهوری به عنوان مجری قانون اساسی، موظف است آزادی مثبت و زیرشاخه‌های آنرا در جامعه تحقق بخشد.

فقدان آزادی و غصب آن غیر عادلانه‌ترین اقدام یک حکومت است. در جامعه‌ای که آزادی در آن وجود نداشته باشد، استقلال نیز به مخاطره خواهد افتاد. چرا که حق آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی، زمینه‌ساز استقلال سیاسی و موجب حفظ تمامیت ارضی خواهد شد. در جامعه‌ای که افراد حق آزاد اندیشیدن، آزاد صحبت کردن، آزاد لباس پوشیدن، آزاد ارتباط داشتن، آزاد دین داشتن، آزاد رأی دادن و در يك کلام، حق «آزاد زندگی کردن» را نداشته باشند، این چنین جامعه‌ای چه از نظر عقاید دینی و چه از منظر نظریات دموکراسی، به خاطر ظلم به مردم، بستر اعتراضات و آشوب‌ها و خطر سقوط و از دست رفتن استقلال را خواهد دید. جامعه‌ای که در آن منتقد، حذف و یا طرد می‌شود، مهمترین رکن دموکراسی آن یعنی آزادی بیان در آن از بین رفته است و این رسالت رییس جمهور است که از بدیهی‌ترین حق شهروندی یعنی «حق آزادی» دفاع نماید تا گفتار و کلام مشفقانه، دلسوزانه و نقادانه مردم به عمل مجرمانه و و معادانه با نظام تبدیل نشود و مسائل با گفتگو و نقد و نظر، بیان و حل شود نه در بستر آشوب‌های خیابانی که تخریب اموال، صدمه به مردم، قتل، سرقت، تجاوز به حریم شهروندان و نهایتاً ایجاد

۱. لک زایی، شریف، سازوکارهای مسأله آزادی در قانون اساسی، www.sharifl.persianblog.ir/post/112

۲. قراچورلو، رزا، حق آزادی بیان در نظام بین‌المللی و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر گزارش ۱۲ ژانویه ۲۰۰۴ آقای آمیبیو لیگایو گزارشگر ویژه موضوعی سازمان ملل متحد در رابطه با حق آزادی بیان، نشریه وکالت، شماره ۲۵ و ۲۶، تیر ۱۳۸۴، ص ۴۵.

ناامنی و امنیتی شدن فضای کشور را در پی خواهد داشت.

یکی دیگر از نقش‌های ریاست جمهوری در پاسداشت آزادی، مرزبندی دقیق و برقراری تعادل و تعامل بین امنیت و آزادی است. چرا که آزادی و امنیت دو گوهر همزادند و آزادی در غیاب امنیت فاقد ارزش است و امنیت در فقدان آزادی بی‌اعتبار است.^۱ رییس‌جمهور باید بر این موضع تکیه ورزد که نباید به بهانه امنیت، آزادی را خصوصاً آزادی بیان را از بطن اجتماع گرفت. بروز جرایم سیاسی سواي فایده آنان در پیشرفت تعالی و گفتمان اندیشه بشری، نمود برخورد امنیتی با آزادی بیان، قلم و اندیشه است که رییس‌جمهور موظف است در حفظ حقوق آزادی مردم، بر این مهم جانانه بایستد.

۳. حق اشتغال

اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تاکید می‌کند: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.» بدین ترتیب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق اشتغال و انتخاب آزادانه شغل به رسمیت شناخته شده است. تکلیف دولت در این خصوص نیز در ادامه این اصل بیان شده است: دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه ی افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز شغل ایجاد کند. بدین ترتیب در قانون اساسی که مهم ترین قانون موجود در کشور است این حق به رسمیت شناخته شده است. در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر نیز حق اشتغال و انتخاب شرایط کار مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر تاکید شده: هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب کند، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد. حق کارکردن در شرایط عادلانه و مناسب یکی از حقوقی است که این اعلامیه می‌کوشد از آن حمایت و آن را تضمین کند.

پس براساس آنچه بیان شد، حق کارکردن شامل حق هر کس است به اینکه فرصت یابد به وسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می‌کند معاش خود را تامین کند، به رسمیت می‌شناسند و

۱. جعفری، عباس، تعامل امنیت و آزادی، یادداشت در سایت دادسرای عمومی و انقلاب تهران،

اقدامات مقتضی برای حفظ این حق معمول خواهند داشت.^۱ شهروندان علاوه بر اینکه حق کار کردن دارند، حق تعیین نوع کار خود را دارند. اشتغال به‌جز اهمیتی که از نظر اقتصادیدارد، از پیامدهای اجتماعی فراوانی نیز برخوردار است که یکی از آنها تأثیری است که در کاهش جرایم می‌گذارد. جرم‌شناسان تصریح می‌کنند که بیکاری و جرم ارتباط مستقیمی با هم دارند؛ علاوه بر این، کیفیت شغل و کار روزانه هم می‌تواند در گرایش افراد به سمت بزهکاری موثر باشد. داشتن شغل باعث ایجاد یک نوع هویت و تعلق خاطر به ارزش‌های حرفه‌ای و صنفی می‌شود؛ در نتیجه وابستگی فرد به این ارزش‌ها و هنجارها باعث پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی می‌شود. با توجه به این نکته می‌توان مدعی بود که با ایجاد اشتغال و فراهم‌سازی فضای مناسب کسب‌وکار، ناهنجاری کمتری در زندگی فرد ایجاد خواهد شد. با بررسی آمار مربوط به جرایم مواد مخدر مشاهده می‌کنیم که اکثر قریب به اتفاق آنان افرادی هستند که دچار مشکلات مالی از نظر نداشتن شغل بوده‌اند؛ آمار دیگر جرایم نیز با این قاعده سازگار است، مثل بررسی جمعت کلاهبرداران یا افرادی که چک بی‌محل کشیده‌اند یا کسانی که در امانت خیانت کرده‌اند؛ همه این‌ها ریشه در مسایل مالی افراد و شاغل بودن و یا نبودن آنها دارد. در واقع اگر در جامعه‌ای بیکاری گسترش یابد و تعداد بیکاران زیاد شود، طبیعتاً میزان ارتکاب جرایم و تخلفات نیز به نسبت قبل از رشد آمار بیکاری، افزایش می‌یابد.^۲

در واقع اگر جرم برای یک جامعه تهدید است، کارآفرینی یک فرصت خواهد بود و برآیند توجه چند بعدی به این دو، پیشگیری از جرم می‌باشد. تلاش‌های مسئولین دولت خصوصاً رییس‌جمهور که متولی اصلی حمایت از کارآفرینی است می‌بایست معطوف به آموزش، اطلاع‌رسانی و توسعه کارآفرینی و نهادینه شدن این فرهنگ در کلیه سطوح جامعه می‌باشد. طرح‌هایی چون اختصاص شبکه تلویزیونی ویژه کارآفرینی، ایجاد واحد درسی با این موضوع در مقاطع مختلف آموزشی، (از مدرسه تا دانشگاه) تقویت نهادهای دولتی و غیر دولتی پشتیبان از کارآفرینان، شناسایی افراد خلاق، تبیین فرهنگ کارآفرینی در بین نهادهای مختلف اجتماعی مانند خانواده، ادارات، مدارس دانشگاه‌ها، ترویج تفکر اقتصاد دانا محور، تهیه طرح و نقشه جامع کارآفرینی که همواره مورد تأکید مسئولان ارشد نظام و مقام معظم رهبری بوده است و نهایتاً بهره‌گیری از

۱. بررسی حق اشتغال در حقوق‌موضوعه ایران، حمایت از کار؛ وظیفه مصرح دولت در قانوناساسی، روزنامه حمایت، ۱۳۹۱/۲/۱۴.

۲. اشتغال‌زایی، سهم دولت در پیشگیری از جرایم، روزنامه حمایت، ۱۳۹۲/۲/۱۴.

تجارب سایر کشورها در این حوزه می تواند نقطه عطفی در تلاقی مثبت کارآفرینی و پیشگیری از جرم پدید آورد.^۱

۴. حق تحصیل

حق دانستن، آموزش و تعلیم از حقوق حقه‌ای می‌باشد که در طول تاریخ، بشریت برای به دست آوردن آن همت بسیار کشیده است. حضرت علی^۷ نیز یکی از حقوق مردم بر گردن حاکم را همین سوادآموزی و حق تحصیل می‌دانند تا مردم نادان نمانند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس رسالت مبین اسلام و همسویی با اعلامیه جهانی حقوق بشر و توافقات بین المللی بخصوص میثاق بین المللی حقوق فرهنگی اقتصادی و اجتماعی، حق آموزش رایگان و همگانی را برای شهروندان به رسمیت می‌شناسد.^۲

بند دو اصل ۳، اصل ۳۰ و بند یک از اصل ۴۳ قانون اساسی نیز این وظیفه خطیر را برای دولت جمهوری اسلامی تعیین و مقرر می‌دارد. در واقع حق تحصیل مردم خصوصاً کودکان، تکلیفی است بر عهده دولت و رییس جمهور که باید آنرا بر اساس قانون اساسی و اهداف بلند مدت آموزش و پرورش در کشور اجرا نماید.

بند ۱ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنابه استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند.» در واقع هر کودکی در جهان، بر طبق اعلامیه حقوق بشر حق برخورداری از تحصیلات ابتدایی را دارا می‌باشد. هدف توسعه در هزاره دوم که به صورت اعلامیه ای مصوب، توسط تمام کشورهای عضو سازمان ملل پذیرفته شده، این است که "اطمینان حاصل شود، تا سال ۲۰۱۵، کودکان سراسر جهان، چه دختران و چه پسران به طور یکسان، قادر خواهد بود برای تکمیل یک دوره کامل تحصیلات ابتدایی" اقدام نمایند. با این حال ۱۲۱,۰۰۰,۰۰۰ کودک (در یک برآورد محتاطانه) نمیتوانند به مدرسه ابتدایی بروند. این رقم معادل تقریباً ۲٪ از جمعیت جهان است! امروزه کودکان به دلایلی آشکار، اهم از: کسب درآمد

۱. سعیدی، غلامرضا، نگاهی به ظرفیت‌های کارآفرینی در پیشگیری از جرم، سایت وزارت دادگستری www.justice.ir

۲. حسینی پيله رود، حلیمه، قانون اساسی ایران و حق آموزش رایگان و همگانی، www.bashgah.net.

برای حمایت از خانواده، ناتوانی و عجز، باورهای غلط مذهبی-جنسیتی و برخی سیاستهای اشتباه برخی کشورها از تحصیل محرومند، هرچند که همه کودکان میبایستی از آموزش و پرورش مطلوبی برخوردار باشند.^۱

از ملاحظه بندها و اصولی که در ق.ا نسبت به حق تحصیل و آموزش و پرورش بیان شده است نکاتی قابل استخراج است که دولت و رییسجمهور بهعنوان مجری ق.ا باید نسبت به آنها توجه نمایند.

۱. در ضمن اینکه وسایل و محیط آموزشی رایگان باید توسط دولت مهیا شود، شرایط باید به گونه‌ای باشد که هیچ کس از هیچ قشری به دلیل فقر و ناداری از نعمت دانش‌اندوزی بی‌بهره نماند.^۲ دولت باید برای حمایت از اقشار ضعیفی که توان پرداخت هزینه‌های مدارس خصوصی را ندارند امکان تحصیل رایگان را فراهم آورد. از سوی دیگر این فضاها را باید دارای شرایط صحیح ایمنی، بهداشتی و استانداردهای پذیرفته شده باشند.^۳

۲. مربیان و معلمان مرتبط با این مراکز باید از حداکثر صلاحیت علمی، اخلاقی و دیگر استانداردها برخوردار باشند و محتوای آموزشی باید با اهداف عالی‌ه‌ی اسلامی و قانون اساسی کاملاً منطبق باشد.

۴. همچنین دولت موظف است که فضای آموزشی لازم و سایر امکانات، نظیر استاد، آزمایشگاه، منابع تحقیقات و ... را برای سطوح آموزش عالی فراهم نماید تا هر کس که مستعد برای حضور در مقاطع بالاتر و تحصیل مراتب علمی ویژه است بتواند به این مرتبه دست یابد و دولت نیز از دانش این فرد در راستای خودکفایی کشور استفاده نماید.^۴

در خاتمه این موضوع می‌توان جمع‌بندی کرد که رییس‌جمهور به عنوان مسئول اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی، مکلف به تحصیل و دانش‌اندوزی مردم جامعه می‌باشد و باید با بالابردن سطح سواد و تحصیلات افراد جامعه از ابزار دانش در مقابله با جهل و جرم استفاده نماید. در واقع دولت‌ها و جوامع برای آن‌که یک ساز و کار واحد و منظمی برای انتقال ارزش‌های اجتماعی به فرزندان خود فراهم کنند، نهادی را به نام آموزش و پرورش تعریف کرده‌اند که

۱. www.posterfortomorrow.org

۲. شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت اسلامی، انتشارات اطلاعات، چاپ بیست و هشتم، تهران، ۱۳۸۶، ص ۸۶.

۳. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۰، ص ۹۱.

۴. عصاره، عبد...، آزادی (حق) آموزش و پرورش، فرهنگ علوم اسلامی و انسانی، تارنمای پژوهشکده باقرالعلوم (ع).

ارزش‌های اجتماعی را به کودکان و نوجوانان منتقل کند. شاید مهمترین اثر آموزش و پرورش را این بدانیم که دولت‌ها آن را به عنوان راهکاری برای انتقال ارزش‌های اجتماعی به نسل جدید مقرر کرده‌اند.^۱ استفاده از پیشگیری رشدمدار که در حال حاضر در کشور ما در مهدهای کودک و پیش دبستانی و دبستان در حال اجرا می‌باشد از تکنیک‌های جرم شناسانه پیشگیری از شکل گیری شخصیت مجرمانه در فرزندان می‌باشد.

۵. حق آتیه، رفاه و تأمین اجتماعی

حق آتیه به معنی حق آینده و آینده نگری یکی از حقوق دیگر بشر امروز می‌باشد که بداند و بتواند برای فردا و فرداهای خویش برنامه ریزی نماید. حق رفاه و تأمین اجتماعی نیز به معنی تأمین و در اختیار داشتن اولیه حقوق و امکاناتی است که دولت برای اجتماع مردم باید فراهم سازد. در واقع تأمین اجتماعی، حوزه‌ای از خدمات رفاه اجتماعی است که مرتبط با حمایت اجتماعی در مقابل شرایط مشخص اجتماعی شامل فقر، سن پیری، ناتوانی، بیکاری خانواده‌های دارای فرزند و نظایر آن می‌شود. واژه‌های تأمین اجتماعی و حمایت اجتماعی نیز گاهی به جای هم کاربرد دارد.^۲

مطابق سند چشم انداز، یکی از حقوق شهروندی در نظر گرفته شده برای هر فرد ایرانی در سال ۱۴۰۴، برخورداری از «رفاه ملی» می‌باشد که برخی از مصادیق آن عبارتند از: سلامت، رفاه، تأمین اجتماعی و فرصت‌های برابر، توزیع مناسب در آمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر و تبعیض.^۳

قانون اساسی ایران نیز مطابق اصل ۲۹ خود، مقرر می‌دارد:

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. «دولت» مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را

۱. بررسی نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از بزهکاری، گفتگو با دکتر محمود مهدوی، جرم‌شناس و استاد حقوق دانشگاه، سایت دادگستری کل استان اصفهان www.dadesfahan.ir

۲. شهبازی نیا، مرتضی، حق برخورداری از تأمین اجتماعی ویژگی‌ها محتوا و اصول کلی حکمیران، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۸۶، ص ۴۰.

۳. آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات ریاست جمهوری، ص ۴۹.

برای يك افراد کشور تامین کند.

در واقع این اصل نیز یکی دیگر از شروح وظایف دولت می‌باشد که ملزم است خدمات تأمین اجتماعی را برای يك افراد کشور تأمین نماید. اصول ۲۱ و ۴۳ قانون اساسی، مواد ۸۴، ۸۶ و ۹۰ حقوق شهروندی در قانون برنامه چهارم توسعه و قانون ساختار نظام جامع رفاه نیز فحوائی در خصوص حق تأمین اجتماعی در خود گنجانده اند.^۱

اما آنچه که در نهایت، مجموع این قوانین و بالاترین آنها یعنی قانون اساسی مدنظر دارد و دولت موظف به انجام آن است، تأمین يك «آتیه و رفاه اجتماعی» است که در آن مردم دغدغه‌ای نسبت به روزهای سخت و ناگوار خویش مانند ایام بیکاری، درمان و مریضی، از کارافتادگی و بازنشستگی و این چنین موارد خاص نداشته باشند و ضمن آینده نگری، عاری از استرس فردی خویش باشند. دولتی که چنین هدفی را رسالت خویش قرار می‌دهد را به اصطلاح «دولت رفاه» می‌نامند.

دولت رفاه، دولتی است که نهادهای قدرت از طریق قانون، وظیفه‌ی تهیه و بهبود رفاه عمومی را وظیفه‌ی مقدم خود می‌شمارند. و دولت رفاه در عمل، بدان معناست که هیچ کس بدون درآمد نمی‌تواند زندگی کند. لذا دولت همه‌ی کسانی که به نحوی از انحاء و بنابر هر دلیلی قادر به تأمین هزینه‌های خود نیستند، کمک‌های نقدی می‌کند. بدین ترتیب دولت یا از طریق تضمین يك حداقل درآمد ثابت (به عنوان مثال حقوق بیکاری، بیمه‌ی سالخوردگی) یا از طریق کمک‌های نقدی دیگر، در هنگام سوانح کاری، ناتوانی جسمی و روحی، بیماری، سالخوردگی و فشارهای اقتصادی و ناتوانی در امرار معاش موقعیت افراد را تضمین می‌کند.^۲ چنین دولتی وظیفه دارد برای همگان، از زمان تولد تا مرگ، امکانات پرستاری درمانی، بیمه‌ی بیماری و بیکاری، بازنشستگی، اعانه-ی خانوادگی و مسکن و خدمات آموزشی و مانند آن‌ها را فراهم کند. در واقع مطابق با ایده‌ی دولت رفاه، دولت علاوه بر برنامه‌ریزی و کنترل در زمینه‌ی بی‌نظمی‌ها و اغتشاشات داخلی و تجاوزات خارجی، تأمین امنیت و فعالیت‌های حمایتی و پلیسی، باید در جهت بهبود امنیت اقتصادی و گسترش تعلیم و تربیت اقدامات لازم را انجام دهد. همچنین دولت‌های رفاه وظایفی نظیر باز توزیع درآمد را نیز بر عهده دارند.^۳

۱. شهبازی نیا، مرتضی، منبع پیشین، ص ۵۵.

۲. رحیق اغصان، علی، دانشنامه در علم سیاست، انتشارات فرهنگ صبا، تهران، ۱۳۸۴، ص ۴۰۳.

۳. زندی، محمدعلی، دولت رفاه، فرهنگ علوم اسلامی و انسانی، تارنمای پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، www.pajooh.com.

یکی دیگر از بایسته‌های حق آتیه و تأمین اجتماعی، وجود شاخصه‌های رفاه اجتماعی می‌باشد که خود دارای ۵ جزء مهم است: بیمه‌های اجتماعی، اشتغال، آموزش و پرورش، بهداشت و مسکن؛^۱ از شاخصه‌های متداول برای رفاه اجتماعی یک جامعه نیز می‌توان به سطح بالای زندگی و بهره‌وری، نرخ پایین رشد جمعیت و بار تکفل، سطح بالای اشتغال و نبود انواع بیکاری، نرخ بالای باسوادی، امید به زندگی، وجود کالاهای ضروری برای همه، توزیع درآمد، پوشش بیمه‌های درمانی و بازنشستگی، نبود سوء تغذیه، محیط زیست سالم، تعادل در خط فقر، عزت نفس و...^۲ اشاره کرد.

همانگونه که بیان شد اصل ۲۹ قانون اساسی که اصل تأمین اجتماعی مردم است بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و ... را از مواردی می‌داند که دولت مکلف است برای تأمین آنها برنامه ریزی نماید. حال اگر دولت و رییس جمهور به عنوان متولی قانونی و قراردادی رفاه اجتماعی، نتواند به این وظیفه خطیر در مقابل وضعیت‌های ذکر شده در اصل ۲۹، عمل نماید یا در تأمین اجتماعی آنان ضعیف و ناتوان حاضر شود و گستردگی پوشش‌ها و چترهای حمایتی اش، نتواند آحاد جامعه هدف را پوشش دهد، واقعاً چه خطرات و آسیب‌هایی جامعه را تهدید می‌نماید؟

پیرمرد بازنشسته‌ای که توان جسمی کار کردن ندارد ولی هنوز خرج خانواده‌ای بر گردنش نهاده شده و روز به روز بر بار تکفلش افزوده می‌شود و با بیکاری فرزندان خویش و تورم و گرانی و خط فقر و... دست و پنجه نرم می‌نماید، خانواده بی‌سرپرستی که به علت از زندانی شدن و یا از دست دادن پدر خانواده، فرزندان یتیم و همسری بیوه را در بستر جامعه رها کرده است، از کار افتاده‌ای که به علت عدم پوشش بیمه‌ای مناسب و جانبداری و حمایت حقوق کار از کارفرمایان نتوانسته است حقوق کارگری خویش را کسب نماید، خیل عظیم بیکاران جوان و مسن و پیر که ناتوان و شرمنده از تأمین اولین و کمترین نیازهای خویش و خانواده هایشان هستند، به راستی چه آتیه‌ای دارند؟ تا چه زمانی در مقابل نبود رفاه و تأمین اجتماعی استقامت می‌کنند و تا چه حد در مقابل وسوسه کشیده شدن به کار خلاف و کسب لقمه حرام از راه عمل مجرمانه ایستادگی می‌کنند.

۱. شفیعی سردشت، جعفر، رفاه، توسعه و مداخله دولت، روزنامه جام جم، پنجشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۸۷.

۲. لشکری، محمد، شاخص‌های رفاه اجتماعی، نشریه اقتصاد، شماره ۱۳۱ و ۱۳۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۷، صص ۲۱۶ - ۲۲۰.

هر چند که نهادهایی مانند وزارت کار، رفاه و تأمین اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بهزیستی تحت نظر ریاست جمهوری مشغول به فعالیت می‌باشند اما نگاه مستقیم رئیس دولت به مسئله آتیه مردم یکی از مواردی است که باید همواره در نظر گرفته شود. پرداخت حق آتیه به نوزادان تازه متولد شده آن یکی از گام‌هایی بوده است که توسط رییس جمهور در راستای تأمین آتیه فرزندان برداشته شده است. در واقع وقتی فرد به عنوان یک شهروند، از یک حق آتیه و رفاه اجتماعی برخوردار باشد و از یک زندگی آرام و با آرامش بهره‌مند گردد، چنین فردی خود را در بسترهای خطرآفرین ارتکاب جرایم نخواهد انداخت. این نبود امید به آینده و نگرانی برای روز مبادا می‌باشد که او را وادار می‌کند از امروز نگران فردای خویش باشد. نگرانی که نه در وصف آینده اندیشی بلکه در قامت زود رسیدن به مقصد و ره صدساله را یک شبه رفتن آنهم با ارتکاب جرم می‌باشد.

۶. حق مسکن و شهرنشینی

از زمان تصویب بیانیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ که «حق داشتن مسکن مناسب» به عنوان یکی از اجزای مهم «استانداردهای زندگی مطلوب» معرفی شده است، همه دولت‌ها مقررات خاصی در بخش سرپناه وضع کرده و اقدام به ایجاد وزارتخانه‌های مسکن یا گنجاندن دیارتمان مسکن در سایر وزارتخانه‌ها به منظور تخصیص وجوه و تدوین سیاست‌ها، مقررات برنامه‌ها و پروژه‌های خاص در بخش مسکن کرده‌اند. ایران نیز با تشکیل وزارت آبادانی و مسکن در سال ۱۳۴۳ و سپس وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۵۳ قدم‌هایی در این راه برداشته است که در حال حاضر این رسالت دولت، تحت عنوان وزارت راه و شهرسازی در حال فعالیت می‌باشد.

در سال ۱۹۹۱ «کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» سازمان ملل متحد توصیه‌های کلی شماره ۴ خود را در مورد «حق مسکن مناسب» به تصویب رساند. این سند جامع‌ترین مفهوم «حق مسکن» را بیان کرده است. شاخص‌هایی که مسکن مناسب را بیان می‌کنند، چنین‌اند: امنیت قضایی مالکیت، دسترسی به خدمات، تسهیلات و زیربنای سکونتی، انطباق با استطاعت لی نیازمندان، قابلیت دسترسی برای آسیب دیدگان و محرومین، مکان مناسب در محیط زیست سالم، انطباق با نیازهای فرهنگی نیازمندان؛

در واقع کمیته «حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی» حق مسکن را تنها «حق برخورداری از سرپناه» نمی‌داند. حق مسکن در این اعلامیه به معنای برخورداری همه انسان‌ها از حق زیست

در محیطی امن و آرام با حفظ عزت و کرامت انسانی است.^۱ کرامتی که در دین مبین اسلام بر آن تأکید شده است و خانه امن و خانواده سالم از بایسته‌های آن تعریف شده اند. طبق تخمین ملل متحد بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در جهان خانه. زنان ۷۰ در صد کسانی را تشکیل می دهند که در فقر مطلق زندگی می کنند. بین ۳۰ تا ۷۰ میلیون کودک در خیابان‌ها زندگی می نمایند. یک میلیارد و هفتصد میلیون نفر در سراسر جهان به آب پاکیزه دسترسی ندارند.^۲

قانون اساسی ایران نیز بر اساس اصل ۳۱، داشتن مسکن متناسب با نیاز، را حق هر فرد و خانواده ایرانی دانسته است و دولت را موظف نموده تا با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم نماید. همچنین در بند دوازدهم از اصل سوم آمده است که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است در پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه همه امکانات خود را به کار گیرد.

در يك نظر باید گفت که وظیفه دولتها است که با تمام توان و ابزار و امکانات موجود، برای دسترسی همگان به مسکن مناسب تلاش کنند و با انجام یکسری اقدامات اساسی و قانونگذاری صحیح این امر را نشان دهند و به اندازه منابع خود برای تامین این حق برای شهروندان کوشش کنند.^۳ اما در کنار همه آثار سویی که نداشتن مسکن و یا برخوردار نبودن از مسکن مناسب بر مدیریت شهری و اقتصاد جامعه دارد، آثار و پیامدهای گوناگون فرهنگی و اجتماعی نیز در بطن جامعه به همراه خواهد داشت.

از طرفی معماری شهرها و خانه‌ها نیز بر فضای فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار است چرا که معماری هر جامعه در هر دوره از تاریخ، تبلور ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... حاکم بر آن جامعه و متشکل از تفکرات آنان است. از طرف دیگر، معماری و نحوه ارتباط عناصر آن، بر رفتار انسانها تأثیر گذاشته و فرهنگ آنان را متأثر مینماید.

۱. حق مسکن در آیین قوانین، روزنامه اعتماد، شماره ۱۳۴۳، ۱۳۸۵/۱۲/۹، ص ۱۳، گزارش اجتماعی.

۲. Adequate housing a human right, The Wire, Amnesty International's Monthly Magazine, February, ۲۰۰۶

۳. قشلاقی آذر، هومن، حق مسکن از دیدگاه قانون اساسی، روزنامه اعتماد، شماره ۲۶۲۵، ۹۱/۱۲/۶، صفحه ۱۲، حقوق.

امروزه معماران به این موضوع پی برده‌اند که فضای فیزیکی دقیقاً همانند حقوق می‌تواند موجب تقویت هنجارها شود. مطالعه معماری نشان می‌دهد که نه تنها قواعد حقوقی ابزار بیان اصول و ارزشهای جامعه می‌باشند، بلکه محیط فیزیکی نیز ممکن است بیانی از اهداف و اصول جامعه باشد. محیط فیزیکی می‌تواند بدون واسطه با هر کسی که آن را مشاهده کند «با زبان بسته» سخن گوید.

به طور کلی حوزه محیط و رفتار به صورت عام و رفتارهای مجرمانه به صورت خاص، برآیند چند رشته است. از این رشته‌ها می‌توان به رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی و طبیعی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، جغرافیا، زیست‌شناسی، مردم‌شناسی، جرم‌شناسی و نیز متخصصان رشته‌های کاربردی یا عملی مانند معماری، برنامه‌ریزی شهری و اجتماعی، طراحی داخلی، طراحی فضای اداری و طراحی منظره اشاره کرد.^۱ بر این اساس می‌توان گفت از آنجا که کیفیت معماری و شهرسازی بر منش و خلق و خوی انسان‌ها تأثیر فراوانی می‌گذارد، به نحوی که افراد ساکن در یک شهر فاسد و منحرف امکان رشد و تعالی ندارند، از این رو در طراحی شهرها و معماری شهری باید به الگوهای معماری اسلامی و ایرانی که متناسب با خصوصیات اجتماعی و فرهنگی کشورمان هستند، توجه شده و درالگو برداری از طراحی‌های سایر کشورها مراقبت شود که از هویت اسلامی خارج نگردد.^۲

امروزه افزایش میزان جرم و جنایت، معماران و مدیریت شهری را به فکر دستیابی به راه حل مناسبی در راستای پیشگیری از جرم انداخته است. مسلماً پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط چیزی فراتر از استفاده از حصار و یا قفل زدن به درب منازل است. امروزه نظریه فضاهای قابل دفاع نقش تعیین کننده‌ای در کاهش فرصت‌های جرم دارد. همچنین یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل در طراحی شهرها افزایش نظارت بر نقاط آسیب پذیر است چرا که معماری قادر است انگیزه‌ها و وسوسه‌های ارتکاب جرم را تا حد زیادی کاهش دهد و این امر نیز با عامل مهم نظارت امکان پذیر است.^۳

حاشیه‌نشینی، نیز به عنوان یکی از مهمترین آثار منفی فقدان مسکن، نقطه مقابل عدم تحقق حق

۱. تاثیر معماری شهر در پیشگیری از وقوع جرم، سایت انجمن دانشجویان ایران، انجمن تخصصی دانشجویان مهندسی معماری، www.start.unicloob.ir

۲. محمدیکی خورتابی، علیرضا، نقش معماری و شهرسازی در کاهش جرایم و افزایش امنیت اجتماعی، نشریه مأوی، داخلی قوه قضاییه، شماره ۷۰۷، ۱۳۸۶/۱۲/۵، ص ۴.

۳. رحمت، محمدرضا، نقش محیط‌های شهری در وقوع جرم، روزنامه ایران، شماره ۵۰۵۰، ۹۱/۱/۲۲، ص ۱۶، ایران اجتماعی.

مسکن مناسب برای شهروندان می‌باشد. پدیده‌ای که در زمره یکی از علل و عوامل جرم‌زا در سراسر جهان به ثبت رسیده است و به خاطر نگاه متمرکزگونه دولت‌ها و رسیدگی به مراکز شهرها و بی‌متولی ماندن حاشیه‌ها، نوعاً چاره‌اندیشی برای آن انجام نمی‌شود. حاشیه‌نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می‌دانند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. جاذبه شهر نشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطبهای صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و اکثر آنها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند. ^۱ سیمای نامطلوب معماری شهری، پایین بودن سطح بهداشت عمومی، سلامت، سطح سواد و تحصیلات، امکانات آموزشی و رفاهی، بالابودن تراکم جمعیت، وجود خرده‌فرهنگهای خاص مناطق کوچک، شیوع پدیده خانمان سوز اعتیاد و منبع و مرکز شدن برای انحرافات و کجرویهای اجتماعی از ویژگی‌های یک منطقه حاشیه‌نشین می‌باشد. ^۲ اعمال مجرمانه یا بزهکارانه در مناطق حاشیه‌نشینی را می‌توان در ۲ دوره اعمال مجرمانه قبل یا در حین شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و اعمال بزهکارانه در بعد از شکل‌گیری آن بررسی کرد. ^۳

بطور کلی دولت و شخص ریاست جمهوری باید به راهکاری‌هایی در حوزه مسکن و شهرسازی توجه داشته باشد که بتوان در کنار شهرسازی و خانه‌دار شدن مردم، پیوسته‌های فرهنگی برنامه‌ها و سیاست‌ها را نیز دنبال کرد و به چند محور امنیتی، سازه‌ای، معماری، فرهنگی و رفاهی، خدماتی، نظارتی و... همزمان نگریت. ارتقاء کیفیت سکونت با اعطاء برخی امکانات و تسهیلات شهری و سعی در تطبیق منازل و محلات با اصول و معیارهای شهرسازی، بالابردن ضریب امنیتی مناطق توسط مراجع انتظامی و امنیتی، زیباسازی ظواهر ساختمانها و بناها، ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم، ضابطه‌مند ساختن فعالیت بنگاههای معاملاتی املاک و شناسنامه‌دار شدن فعالین بازار زمین، مسکن و ساخت، ذخیره‌کردن اراضی در حال توسعه و برنامه‌ریزی برای آنان... از این قبیل راهکارها می‌باشند.

در خاتمه باید ذکر کرد که احقاق حق مسکن مناسب و شهرسازی خوب و پیرو آن تلاش در جهت

۱. اصغری زمانی، اکبر، پژوهشی در روند حاشیه‌نشینی ایران مطالعه موردی تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز، صص ۳۸ و ۳۹.

۲. حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن، خبرگزاری ایسنا، پنجشنبه ۱۴ دی ۱۳۹۱، کد خبر: www.isna.ir/91101408396

۳. مسعودی فر، رضا، تاثیر حاشیه‌نشینی در وقوع جرم، سایت شورای حل اختلاف استان آذربایجان شرقی، www.shoraas.ir

پیشگیری از جرایم و آسیب‌های اجتماعی، منحصرأ در حوزه اختیارات شخص دولت نمی باشد و همه دستگاه‌های از جمله شهرداری‌ها، جهاد کشاورزی، منابع طبیعی محیط زیست، آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیروی انتظامی و ... بعنوان نهادهای دولتی محلی و متولی در امر مدیریت شهری میتوانند نقش موثر و سازنده‌ای را در این امور ایفاء نمایند.

طراحی و جانمایی ساختمانها، توجه به مبلمان شهری، ایجاد تفرجگاه‌های جنگلی خارج از شهرها، تعیین حریم روستاها و اجرای طرح‌های هادی برای جلوگیری از تعرض به اراضی، مشخص نمودن محدوده اراضی ملی، گسترش فضاهای ورزشی و مدیریت اماکن ورزشی به‌نحو غیرانتفاعی، برگزاری جشن‌های ملی مذهبی با نگاهی فراتر از پر کردن اوقات فراغت،^۱ از جمله اقداماتی است که بر عهده متولیان مدیریت شهری می‌باشد و اجرای صحیح آن می‌تواند نقش موثری در کاهش جرم ایفاء نماید.

۷. سایر حقوق شهروندی موثر در پیشگیری از جرم

در کنار حق امنیت، آزادی، اشتغال، تحصیل، رفاه و تأمین اجتماعی و مسکن و شهرنشینی، حقوقی دیگری نیز در ق.ا تحت عنوان «حقوق ملت» در نظر گرفته شده است که احقاق آنان و اعطای آن به مردم، در همگرایی و همسویی زندگی مردم با هنجارهای جامعه بسیار تأثیرگذار می‌باشد. یکی دیگر از این حقوق دادخواهی می‌باشد که براساس اصل ۳۴ قانون اساسی هر کس بتواند بدون ترس و نگرانی به دادگاه صالح مراجعه کند و از طریق مراجع قانونی از تضییع حقوق خود یا افرادی که تحت سرپرستی و تکفل او هستند، جلوگیری کرده و رفع ستم کند.^۲ در مقابل حق دادخواهی، «حق دفاع» نیز برای شهروندان نیز قابل تصور است. از مفاد اصول ۳۲ و ۳۵ قانون اساسی می‌توان حمایت قانونگذار را از این طریق به خوبی درک کرد. حق انتخاب وکیل بر طبق اصل ۳۵، حق شکایت از طرز کار قوای سه‌گانه براساس اصول ۹۰ و ۱۷۳، حق مصونیت در برابر اعمال شکنجه براساس اصل ۳۸، حق برخورداری از محاکمه علنی براساس اصل ۱۶۵ نیز از دیگر حقوق قضایی ملت در قانون اساسی می‌باشد. هرچند که مرتبط نمودن این اصول قضایی با قوه مجریه و دستگاه ریاست جمهوری کمی دور از ذهن باشد اما از آنجایی که رییس جمهور، مجری همه قانون اساسی خصوصاً همه حقوق ملت در فصل سوم می‌باشد، باید ناظر بر اجرای این اصول قضایی نیز باشد تا احساس عدالت قضایی

۱. ناظری، محمد، نقش مدیریت شهری در پیشگیری از جرم، نشریه مآوی، داخلی قوه قضاییه، شماره ۹۲۸، ۱۳۸۹/۴/۳۰، ص ۴.

۲. حق دادخواهی و ضمانت اجرای آن، روزنامه شرق، شماره ۱۰۳۷، ۱۳۸۹/۵/۲۴، ص ۱.

در جامعه از بین نرود. حق برخورداری از محیط زیست سالم طبق اصل ۵۰ نیز از حقوق شهروندی است که عدم تحقق آنها، بازخوردهای گوناگون فرهنگی و اجتماعی و ناهنجاری‌های متعدد در جامعه پدید خواهد آورد.

ب - الگوسازی در ایجاد گفتمان غالب پیشگیری اجتماعی

قسمت پایانی این پژوهش در خصوص الگوسازی از سوی رییس جمهور به عنوان حاکم شرعی و قانونی در نظام جمهوری اسلامی ایران برای مردم جامعه می‌باشد. حضرت امیرالمومنین علی^۷ در اینباره به زیبایی می‌فرماید: النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ مردم، به دولت مردان خود شبیه ترند تا به پدرانشان.^۱ همچنین در روایتی دیگر می‌خوانیم: «النَّاسُ عَلَى دِينِ مُؤَكِّهِمْ» دین مردم بر طبق دین رهبران و حاکمان آنان است.^۲ در واقع سیر و سلوک دولتمردان در زندگی مردم اثر مستقیم دارد و سبک زندگی مردم براساس نوع حکومتداری حاکمان تعریف می‌شود. قضاوت مردم جامعه در خصوص صدق گفتار و رفتار حاکمان و کارگزاران، یکی از مهمترین و مبنایی‌ترین مسائل در سبک زندگی می‌باشد چرا که حاکمان چه بخواهند و چه نخواهند، رفتار و گفتارشان بر سبک زندگی مردم تأثیر می‌گذارد و اگر بین آنچه که باور دارند و آنچه می‌گویند و آنچه انجام می‌دهند، تعارض و نفاقی باشد، روحیه و فرهنگ زشت نفاق را در جامعه گسترش می‌دهند.^۳

بعد از گذشت سالها از گذر این حدیث و سیاست کلی که امیرالمومنین برای همه تاریخ بیان نموداند، در حکومت جمهوری اسلامی ایران نیز، این نکته همواره مورد تأکید و توجه بوده است که رفتار و گفتار و خط و مشی حاکمان حکومت اسلامی اعم از رئیس جمهور، روسای قوا، نمایندگان مجلس، وزاری دولت، مسئولین دولتی و حکومتی و... بر سبک رفتاری و گفتاری مردم نیز تأثیرگذار است. نکته‌ای که به تعبیر رهبری، مُؤَكِّهُمُ به معنی پادشاهان در جمهوری اسلامی، به «مسئولینحکومتی» در هر مقام و پست و لباسی تعبیر می‌شود. در واقع «النَّاسُ عَلَى دِينِ مُؤَكِّهِمْ» در عصر حاضر یعنی الناس علی دین ماها؛ ماها که مسؤولیم چه نماینده‌ی مجلس باشیم، چه عضودولت باشیم، چه مدیرفلان بخش نظامی باشیم، چه بخشقضایی باشیم و... ما

۱. حرانی، حسن، منبع پیشین، ص ۲۰۸.

۲. بهاء‌الدین اربلی، علی، منبع پیشین، ص ۲۱.

۳. منصوری، سید محمد سادات، تأثیر افکار و رفتار دولت برسبک زندگی مردم در گفتگو با رئیس مرکز پاسخگویی به سؤالات

دینی سازمان تبلیغات اسلامی، خبرگزاری مهر، کد خبر: ۲۰۶۷۷۵۱، www.mehrnews.com

ملوکهمهستیم. ماکه مسئولیم.^۱

بر این اساس رئیس جمهور و گفتمان او چه در مقام نظر و چه در گام عمل، همواره مورد سنجش و قضاوت و ارزیابی مردم و تاریخ قرار خواهد گرفت. صدق در گفتار، ادب در کلام، اندیشه در عمل، صبر و استقامت در کار و توکل به خدا و اعتماد و احترام متقابل به رأی و خواست مردم همه و همه مبانی هستند که رییس جمهور بر پاسداشت آنها باید اهتمام لازم را بورزد چرا که بازخوردهای اقدام معکوس در عمل، نتیجه‌ای مخرب در اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی ناشی از جمهوریت، اول از همه برای رییس جمهور، دوم برای دستگاه قوه مجریه و نظام جمهوری اسلامی و در گام آخر برای دین مبین اسلام که مبانی این نظام می‌باشد خواهد داشت.

استفاده از دین و نزدیکی دیانت به سیاست نه سیاست به دیانت، خطر بزرگی است که دنیای سیاست و سیاستمداران امروز را تهدید می‌کند و از آنجایی که در این بین، باورها و اعتقادات دینی، مذهبی و معنوی مردم نیز در مقام عمل و فایده سنجی مورد قضاوت قرار می‌گیرند، هر گونه خبط و خطای نهادهای متولی به نام دین و ناکارآمدی دین در حل جامعه نوشته می‌شود. همانگونه که بیان شد رئیس جمهور به استناد سوگندنامه خویش، علاوه بر مجریّت قانون اساسی موظف است دین و مذهب رسمی کشور نیز پاسداری نماید. یکی از ابزارهای این پاسداری که خود یک فرایند پیشگیرانه از جرم را نیز به دنبال دارد، راهکار «الگوسازی» می‌باشد. الگوسازی آن هم براساس یک گفتمان منسجم حقوقی و اجتماعی که براساس خواست‌ها و نیازها و باید و نبایدهای جامعه ایرانی اسلامی تدوین شده باشد. هدف از این الگوسازی، تبدیل «ارزش‌های والای اجتماعی» به «ارزش‌های غالب جامعه» می‌باشد. ارزش‌هایی که در آنها، مردم جامعه براساس الگوگیری از حاکمان خویش، راه و رسم نیک زندگی کردن را می‌آموزند. با نگاهی کوتاه به تاریخ می‌توان دریافت که جوامع و مردم آن همواره متأثر از نوع زندگی حاکمان خویش بوده‌اند. در واق حاکمیت نقش معلمی و آموزشی برای مردم دارد. حکام مسرف، جامعه‌ای مسرف، حکام اشرافی، مروج اشرافیت در جامعه، حاکم ساده زیست، مبلغ فرهنگ ساده زیستی، حاکم عادل و عدالت خواه، جامعه‌ای عدالت جو، حاکم رؤوف و مهربان، جامعه‌ای دارای ارزش‌های محبت و مهرورزی و ایثارگری و... خواهد داشت.

۱. گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) www.farsi.khamenei.ir

بازخورد مشکلات و اختلافات بین مسئولیت در مقامات عالی کشوری و علنی نمودن و کشاندن آنها با سطح جامعه و پرخواشگری نسبت به یکدیگر نیز آسیب‌های فراوانی را در بطن جامعه به همراه خواهد داشت. تشدید اختلافات به گونه ای است که به طور مثال اگر از نظر آماری ۲۰٪ بین رفتار مسئولین و عمل آنها اختلاف وجود داشته باشد، سطح جامعه به صورت تساعدی عمل خواهد کرد و ممکن است این اختلافات در بین مردم به چندین برابر هم افزایش پیدا کند که می‌تواند بر آرامش و آینده مردم تاثیر گذار باشد.^۱ ما در این قسمت، به چندین الگو که می‌تواند توسط شخص ریاست جمهوری، به عنوان يك الگوي گفتمانی مطرح شود و ملاک و معیار مناسبی برای بازخورد رفتارهای اجتماعی بین مردم و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی شود اشاره می‌کنیم:

۱. الگوی رفتاری

رفتار عبارتست از هر نمود و عمل و موضع‌گیری که از انسان در زندگی مادی و معنوی بروز می‌نماید. در واقع رفتار یکی از اجزای روان انسان می‌باشد که ناشی از شخصیت درونی فرد می‌باشد که گاهی رفتاری که فرد از خود نشان می‌دهد با رفتاری که جامعه از آن انتظار دارد متفاوت و متغایر است که چنین فردی به نوعی از اختلال شخصیتی رنج می‌برد.

اما رییس جمهور به عنوان يك چهره ملی و بین‌المللی که رفتار و کردارش، زیر نظر و ذره‌بین مردم، رسانه‌ها و افکار عمومی جهان می‌باشد باید از يك الگوي رفتاری مناسب در شأن و جایگاه ریاست قوه مجریه برخوردار باشد و یا اینکه حداقل این شأنیت را حفظ نماید. یکی از محورهای الگوپذیری جوامع، همین الگوسازی رفتاری ریاست جمهوری می‌باشد. خوش برخوردی در مواجهه با مردم، سادگی و صمیمیت در مواجهه با آنان و دوری هرگونه تشریفات و حائل اضافی برای برقراری ارتباط با مردم مانند محافظ، تیم حفاظت و...، بشاش و خنده رو بودن، احترام به حضور مردم و پاسخ به انتظارات اولیه آنان، داشتن روحیه محبت و مهرورزی نسبت به هموطنان و مهمتر از همه برخورداری از روحیه و ظرفیت چند بعدی و همه‌جهدی در مواجهه با اقلیت‌ها و اقشار گوناگون جامعه از کودک و نوجوان و بانوان و کهنسالان تا چهره‌های سیاسی، کارگری، حکومتی، بین‌المللی و... همه و همه باید از ظرفیت‌هایی می‌باشند که باید در شخص رییس جمهور وجود داشته باشد تا بتواند براساس الگوسازی رفتاری، به عنوان يك نمونه «رفتار

۱. آثار روانی مشاخره مسئولین در جامعه، گزارش سرویس سیاسی سایت خبری بی‌باک نیوز، کلدخبر: ۲۱۷،

اجتماعی» در گفتمان پیشگیرانه از جرم مطرح شود.

به‌عنوان مثال در روانشناسی دست‌ها هر قدر این حرکات در سخنرانی بیشتر و سریع‌تر باشد، نشان از روحیه عصبی سخنران دارد که به‌نوعی نگرش تهاجمی و پرخواشگرایی را نیز به مخاطب انتقال می‌دهد.

۲. الگوی کلامی

دومین الگوسازی رییس جمهور در راستای ایجاد یک گفتمان پیشگیرانه از جرم، الگوسازی کلامی یا گفتاری است. رییس جمهور به عنوان نماینده یک ملت و ارائه دهنده هویت، تمدن و اندیشه آن جامعه می‌باشد. سنجیده و شمرده سخن گفتن، استفاده از واژگان زیبا و مناسب، رعایت ادب در کلام، با مطالعه و مشورت سخن گفتن، پرهیز از تهمت و دروغ و فرافکنی، احترام برای شعور و درک مردم و مخاطب، استفاده از آیات، روایات و تمثیل‌های کاربردی و... از ابزارهای الگوسازی کلامی می‌باشد. خصوصاً استفاده از واژگان همسو با گفتمان مانند مهرورزی، محبت، سعادت، انسان دوستی، عشق و ایثار و... در بین سخنان رییس‌جمهور خود یک حس نوع‌دوستی و مهربانی و محبت را به مردم جامعه تزریق می‌کند. دروغ، تهمت زدن به مسئولین دیگر و استفاده ابزاری از دین جهت اثبات کلام خویش نیز می‌تواند به همان اندازه آثار مخرب فرهنگی در جامعه ایجاد نماید و هنجارهایی را پدید آورد که خشونت و بی‌تفاوتی را بین مردم گسترش داده و سیمای جنایی جامعه را تحت تأثیر خود قرار دهد.

۳. الگوی ظاهری

آراسته بودن، ساده ولی در حین حال شیک پوش بودن، استفاده از رنگ‌ها و لباسهایی مناسب از دیگر ابزارهای ریاست جمهوری در ایجاد گفتمان با الگوسازی ظاهری می‌باشد. اینکه رییس جمهور مردم، با چه لباس و ظاهری بین مردم ظاهر می‌شود و چه مقدار نسبت به جایگاه خطیری که در آن است احساس شأنیت می‌نماید خود در ظاهر مردم نیز تأثیرگذار است. داشتن سیمای ظاهری آراسته، جدای از اینکه در دین اسلام نیز توصیه شده است از منظر روانشناسی نیز بازگویی روحيات و خلیقات درون افراد نیز می‌باشد و مردم بر اساس تز الگوگیری از حاکمان، ظاهر خویش می‌آیند.

۴. الگوی معنوی

شاخصه دیگر در الگوسازی برای گفتمان پیشگیری از جرم، راهبرد الگوی معنوی می‌باشد. البته معنویت در اینجا کمی فراتر از دین و مذهب می‌باشد و به انسانیت، شرافت، صداقت،

احساس مسئولیت و خداترس بودن رییس جمهور گفته می‌شود. ترغیب خویش و مردم به یاد خدا با محوریت نظارت همیشگی او بر اعمال مردم خصوصاً مسئولین، باور قلبی به روز معاد و پاسخگویی دنیوی و اخروی نسبت به دوران تصدی و مهمتر از همه رعایت «اخلاق دینی» برای رسیدن و ماندن در حکومت از مهمترین ویژگی‌های ساختن يك الكوي معنوي می‌باشد.

در واقع مسئولین سیاسی و عالی‌ترین آنها یعنی رییس جمهور باید خود را مربی اخلاقی در جامعه جامعه بدانند و مردم نیز باید بدانند که اخلاقی بودن یک مسئول چقدر در تربیت فرزندان‌شان تأثیر دارد. هر چند که مطالعه میدانی این مسأله هم خیلی سخت است که انسان بخواهد بفهمد کدامیک از بداخلاقی‌های بدنه جامعه مربوط به کدامیک از بداخلاقی‌های سیاسیون بوده است اما بطن جامعه گویای این مطلب است که کوچک‌ترین اتفاق خلاف اخلاق مانند لجبازی یا بی‌ادبی، اگر بین چند نفر از مسئولین صورت بگیرد یک‌دفعه‌ای اثر خودش را در دامنه جامعه نشان می‌دهد و مثلاً باعث می‌شود که یک محصل سر کلاس با معلم خودش برخورد نادرستی داشته باشد، یا یک خانمی حجاب خودش را رعایت نکند، یا یک مغازه‌دار غیرمنصفانه خرید و فروش کند و

وقتی یک جایی از سوی مسئولین یک بداخلاقی صورت گرفت همین موجب می‌شود یک نوع بداخلاقی در میان مردم رواج پیدا کند. این مسأله ربطی به جامعه دینی یا نگاه دینی ما ندارد. چه جامعه‌ای دینی باشد و چه دینی نباشد این قاعده در آن جامعه وجود دارد. لذا حتی در جوامع غربی نیز تا حدی اخلاق سیاسی را رعایت می‌کنند و سعی می‌کنند برخی بداخلاقی‌ها در میان مسئولینشان دیده نشود. چون اثرش را در جامعه می‌دانند و می‌فهمند که با وجود بداخلاقی بین سیاسیون، دیگر نمی‌توانند جامعه را اداره کنند.^۱

در واقع برای ارتقای ایمانی يك جامعه اسلامي، قدم اول از مسئولین شروع می‌شود. اگر مسئولین به قوانین اسلام پایبند باشند، مردم هم از آنان تبعیت می‌کنند. مردم وقتی ببینند و بشنوند که مسئولین به قوانین اسلام پایبندند و خانواده‌ی آنان هم تقید دارند، آن وقت آنها هم یاد می‌گیرند که قوانین اسلام را در جامعه اجرا کنند. قاعده‌ی «التَّاسُ عَلَى دِينِ مَلُوكِهِمْ» در اینجا جاری است. اما اگر مسئولین به قانون اسلام عمل نکردند، مردم هم تدریجاً به عمل نکردن به قوانین

۱. چرایی اهمیت "اخلاق در سیاست" از نگاه امیرالمؤمنین(ع)، مشاور نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، مشرق نیوز،

کد خبر: ۲۱۸۷۰۵، ۱۳۹۲/۳/۷، www.mashreghnews.ir

اسلامی گرایش پیدا می‌کنند و وضع جامعه خراب می‌شود.^۱

به عنوان حسن ختام نیز بار دیگر بر این نکته تأکید ورزیده می‌شود که رییس جمهور به عنوان يك انسان و شخصي حقيقي همانند همه شهروندان می‌باشد اما با این تفاوت که «الگو و اسوه‌بودن» او در جایگاه ریاست‌جمهوری به‌عنوان يك شخص حقيقي، همواره مورد ارزیابی مردم و تاریخ خواهد بود و اوست که با ایجاد گفت‌وگو و نشر آن در بطن جامعه، خواستگاه‌های مردم را نسبت به مسائل مختلف تبیین می‌نماید و از منظر مسائل اجتماعی و جرم‌شناسی پیشگیری از جرم نیز، جدای از ابزارهایی که قانون در اختیار او قرار داده است، رفتار و منش او که منتخب مردم است بر جامعه نیز تأثیر مثبت و منفي خواهد گذاشت و گفت‌وگو، تاریخ يك ملت و سرنوشت جامعه‌ای را رقم خواهد زد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱. خوشوقت، عزیزا...، عمل مسئولین سازنده ایمان مردم است، سایت جامع فرهنگی مذهبی شهید آوینی، www.aviny.com

نتیجه‌گیری

رئیس جمهور به‌عنوان يك «حاکم دینی» و «مجری قانون اساسی» از نقش‌ها و ویژگی‌های مختلف و متفاوتی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار می‌باشد. این گستردگی دامنه شمول شرح وظایف و حوزه اختیارات، خواسته و ناخواسته، يك باور عمومی درست یا غلطی را در اکثر جوامع خصوصاً کشور ما به وجود آورده است که علل بسیاری از مشکلات و درمان آنها نیز، ریشه در جایگاه خطیر «ریاست جمهوری» و دستگاه قوه مجریه دارد.

تلاش همه‌جانبه دولت‌های گذشته و کنونی نیز، علی‌رغم همه بضاعت‌ها و محدودیت‌ها و نتوانستن‌ها، گویای این واقعیت است که در ایران، علی‌رغم وجود يك باور روانی بر روی شخص رئیس جمهور در قبال پاسخگویی به ملت، او در کمیت و کیفیت برخورداری و استفاده‌ها از ابزارهای خویش حتی ابزارهای قانونی خود، با معذوریت‌هایی مواجه بوده است.

اما در کنار همه این نبوده‌ها و کمبودها، همواره سوگند برای بهترین بودن و بهترین برای ملت ایران خواستن، نقطه اطمینانی برای ملت در طول تاریخ بوده است که ایمان می‌آورند و اعتماد می‌کنند که رئیس جمهور همه تلاش خود را برای تحقق خواست‌ها، نیازها و در يك کلام «حقوق ملت» به کار می‌بندد و لحظه‌ای از آنچه که ملت بر آن با او عهد و پیمان بسته اند، روی نگردان نخواهد شد.

یکی از این عهد و پیمان‌های نوشته و نانوشته که در بطن «حقوق حاکم و مردم» دین اسلام و حکومت علوی ریشه دوانده است و بر تارک تاریخ در میثاق ملی ما یعنی «قانون اساسی» ثبت شده است، «پیشگیری از جرایم و آسیب‌های اجتماعی» است. خواسته به حقی که سواي باور، دین، قومیت و نژاد، همه ملت بر تحقق آن استوار هستند و آنرا از «رئیس جمهور» به عنوان منتخب ملت خواستار هستند.

باز بر این نکته تأکید ورزیده می‌شود که هر چند ظاهر شریعت و قانون ما، آنگونه که باید و شاید بر دغدغه‌بودن مسئله «پیشگیری از جرم» تأکید ننموده است، اما بازگویی و واگویی‌های متعدد از حقوق حقه مردم، گواه این مطلب می‌باشد که وظیفه شرعی و قانونی هر حاکم و حکومتی است که برای این مسئله «فراحقی»، تدبیری نیک بیاندیشد.

در همسان و همسو سازی این احقاق حق توسط حاکم شرعی و قانونی (رئیس جمهور) با دانش علوم انسانی و جرم‌شناسی پیشگیری از جرم، به ۲ رویکرد پیشگیرانه مواجه هستیم. رویکرد

اول، نوع ارتباط و نظارت رئیس جمهور بر ابزارهایی است که قانون اساسی و نوعاً برخی از قوانین برای او در اجرای قانون اساسی و فرامینش پیش بینی نموده است. نهادها، وزارتخانه ها، سازمان ها، کمیته‌ها و... که همه چشم به خطوط خط کشی شده قانون و گوش به دستور و فرمان ریاست جمهور هستند. در واقع این ابزارها، نقش بازوان رئیس قوه مجریه در هر بهتر و بیشتر اجرا نمودن شرح وظایفش را برعهده دارد؛ چرا که برخلاف باور عامه مردم که «ریاست جمهوری» را متکی و وابسته به یک نفر و تصمیمات او می‌دانند، «دستگاه عظیم ریاست جمهوری» مجموعه‌ای متشکل از معاونین رییس جمهور، وزراء، روسای سازمان ها، استانداران و... می‌باشد که همه با هم در پیشبرد حرکت این دستگاه عظیم نقش‌آفرین هستند و رئیس جمهور به عنوان رأس این هرم، نقشی تصمیم‌سازتر از دیگران را بنا به اعتماد و رأی مستقیم مردم برعهده دارد.

براین اساس، رئیس جمهور در مقام پاسخ به خواست مردم درخصوص «پیشگیری از جرم» بر مبنای «رویکرد جرم‌شناسانه پیشگیری وضعی»، نقش مدیریت کلان و نظارت عالی را درخصوص اجرای قوانین و صدور دستورات لازمه و سپس نظارت و ارزیابی نتیجه حاصله را ایفا می‌نماید و با هژمونی که نسبت به اعضای هیئت دولت تبیین می‌نماید و قدرت تصمیم‌گیری که برایش تعریف شده است، در راستای کاهش فرصت‌های خطر ارتکاب جرم و بالابردن منفعت ارتکاب جرم به نسبت هزینه آن و اجرای اصول پیشگیری وضعی از جرم اقدام می‌نماید.

اما در منظری دیگر که به بعد جامعوی پیشگیری از جرم و «پیشگیری اجتماعی» تعریف می‌شود، نقش رئیس جمهور، نقشی نزدیکتر به خود او و خصوصیات و ویژگی‌های فردی و تفکراتی او توصیف می‌شود. در این منظر، از ابزارهای موجود کمی فاصله گرفته و بیشتر بر خود دغدغه‌ها و برنامه‌های رئیس جمهور که اعتماد مردم را نیز در پی داشته است و سرمایه اجتماعی برای او کسب نموده شده است، بحث می‌گردد.

در این نگاه، آنچه که بتوان بطور کلی و عام بتوان به آن پرداخت و در عین حال در حفظ خواسته‌های ملت، مطلبی را جا نگذاشت همان پرداختن به حقوقی است که در فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان «حقوق ملت» وضع شده است و رئیس جمهور باید به عنوان مجری قانون اساسی، این اصول و سایر اصولی را که ولو ذره‌ای از حقوق ملت در آن نهفته شده است را پاسداری و اجرا نماید. حقوقی که بر مبنای اندیشه دینی، تفکر آزادیخواهی و رسالت دموکراسی و جمهوریت بنا نهاد شده است و فارغ از هرگونه خط‌کشی سیاسی و عقیدتی و مذهبی و... باید

برای همه ملت احقاق شود. پیشگیری از جرم نیز به عنوان يك خواسته «حقی» و شاید «فراحقی» را نیز می‌توان در هر يك از این اصول و حقوق پیدا کرد. خواسته هایی که تحقق هر يك از آنها از قبیل، شغل، مسکن، آزادی، امنیت، آینده و... يك گام در مقابله با علل جرایم مانند بیکاری، حاشیه نشینی، فقر، جنگ و... و پیشگیری از بروز و ظهور انحراف و آسیب و ارتکاب جرم توسط شهروندان می‌باشد. چرا که اگر حقی برای شهروندی تعریف و تبیین و تصویب شده است و بنا به هر علتی حکومت نخواهد و نتواند آنرا به مردمش عطاء کند، آرام آرام سرمایه اجتماعی و پتانسیل دینی حمایت مردمی را از دست داده و نه تنها شهروندانی قانون‌گریز خواهد داشت بلکه مردمی قانون‌ستیز و حتی دین‌ستیز را نیز در تاریخ به یادگار خواهد گذاشت. در این بین وظیفه رئیس جمهور این می‌باشد که براساس سوگند خویش، در اجرای قانون اساسی و حقوق ملت کوشا باشد و با تحقق آنها، براساس مدل پیشگیرانه جامعوی از جرم، راه را بر رفتن مردم خصوصاً جوانان به سوی انحراف و ارتکاب جرم ببند و در واقع با احقاق حق آنان، تدبیری پیشگیرانه قبل از درمان نمایند.

اما در این راه سخت و زمان‌بر، ۲ گام و راهکار پیش از دیگر راهکارها، مفید و پرفایده خواهد بود و می‌تواند چراغ راهی استوار برای دولت‌ها و حکومت‌های بعدی باشد.

راهکار اول، ایجاد گفتمان و در واقع «گفتمان سازی» است که همه روسای جمهور در طول تاریخ، بر آن تکیه ورزیده‌اند و هرچند که غالبیت این گفتمان‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران، دارای «وزن اقتصادی» بوده است اما خالی از بازخوردهای اجتماعی و جرم‌شناسانه نیز نبوده است و با نگاه به گذشته و حال، می‌توان با ارزیابی ویژگی‌های يك گفتمان پیشگیرانه از جرم از قبیل جامعیت، هدفمند بودن، شهروندمدار بودن و... با تعمیق در سیمای جنایی مردم دریافت که نقش روسای جمهور و گفتمان آنان و تلاش برای احقاق حقوق شهروندی، چه تأثیری بر بطن جامعه گذاشته است.

راهکار دیگر نیز که کمی بیشتر و بیشتر در راستای تحقق پیشگیری اجتماعی از جرم، کمک‌کار رئیس جمهور می‌باشد و به خود او وابستگی دارد، الگوسازی رئیس جمهور در ایجاد يك گفتمان غالب برای پیشگیری اجتماعی از جرم می‌باشد. مبنا و مبانی این راهکار، حدیث شریف نبوی است که بر این مهم تأکید می‌ورزند که نوع زندگی و خلق و خوی و رفتار حاکمان هر جامعه‌ای، بر مردم و ملت آن روزگار تأثیر گذار خواهد بود و این نفوذ و اثرپذیری حتی بیش از رابطه نسبیت پدر و فرزندی می‌باشد. در واقع این شبیه‌تر بودن مردم به حاکمان خود نسبت به

پدرانشان، گویای این نظریه می‌باشد که حتی رفتارهای حقیقی و حقوقی رئیس جمهور نیز بر سیمای رفتاری و جنایی مردم تأثیرگذار است و عدالت یا جور، صدق یا دروغ، توهین یا احترام، حق‌گویی یا زورگویی و... نیز همچون چشمه‌ساری روان از قلب و اندیشه رئیس جمهور به بطن فرد فرد افراد جامعه تسری می‌یابد و در این چنین شرایطی، نقش رئیس جمهور آنقدر خطیر است که او باید ضمن الگوسازی رفتاری، کلامی، ظاهری و معنوی خویش، خود را از چشمان تیزبین مردم و قلم قضاوت‌گونه تاریخ، دور نداند که هر آنچه که مردم در جامعه می‌کنند، بازخوردی است از ادبیات، دانش، فهم، دلسوزی، تدبیر و تدبیر مسئولین عالی نظام.

در واقع می‌توان گفت که رئیس جمهوری می‌تواند پرچم دار مبارزه با فساد، جرایم، انحراف و آسیب در جامعه باشد که خود نیز در میدان عمل بر گفته خویش و عهد و پیمانش با مردم، مهر «اجرا» گذارد و بتواند با عملی نمودن گفت‌ماند پیشگیرانه خویش، باوری دوباره به جان مردم درخصوص احقاق حقوقشان از مجرای پیشگیری از جرایم، وارد نماید و با تدبیر، «امید»، بالاترین سرمایه بشری را به جامعه‌اش هدیه نماید.

پیشنهادات

در پایان این پژوهش که بر مبنای بازخوانی «نقش ریاست جمهوری در پیشگیری از وقوع جرم» تبیین و نگارش گردید، بر اساس آنچه که بیان نمودیم، بر مبنای تجربه این سالهای زمامداری روسای جمهور و بر چشم انداز آنان که که طرحی خواهند انداخت بر قامت سیمای جنایی مردم ایران، پیشنهاداتی از سوی يك دانشجوي كوچك به بضاعت و جرأتی که فراهم شده است تقدیم حضور می‌گردد؛

باشد که روزی و روزگاری مفید فایده قرار گیرد.

۱. تشکیل يك «نهاد مستقل پیشگیرانه از جرم» زیر نظر ریاست جمهوری؛

ضرورت توجه و رسیدگی به دغدغه مردم و جامعه نسبت به جرایم و پاسخگویی شخص رئیس جمهور نسبت به اتفاقات جامعه، مسلماً نیازمند نهادی قوی است که در میان حجم کارها و فعالیت‌های عظیم ریاست جمهوری، این رسالت خطیر را مدیریت و ساماندهی نماید. مجموعه‌ای در قالب معاونت ریاست جمهوری و حتی سازمان که بتواند بحران‌های اجتماعی و جنایی را پیگیری، پیش‌بینی و پیشگیری نماید و به نوبه با شخص رئیس جمهور در ارتباط باشد و گزارش‌های کاربردی و مردم‌شناسانه‌ای را به اطلاع رئیس جمهور که عالی‌ترین مسئول امنیتی کشور است برساند و او همچون گزارش‌های گوناگون سیاسی، بین‌المللی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی و... که بر میز کارش مطالعه می‌نماید، از وضعیت موجود سیمای جنایی کشور نیز گزارشی (ولو محرمانه) در دست داشته باشد و بتواند با مشورت نخبگان و کارشناسان و البته با همیاری نهاد مذکور که مستقیماً زیر نظر رئیس‌جمهور مدیریت می‌شود، گام‌هایی در راستای پیشگیری از جرایم بصورت علمی و عملی بردارد.

۲. ساماندهی امر نظارت، بازرسی و بازرسان ویژه؛

استفاده به موقع و به‌جای هر حاکمی از چشمانی تیزبین که بتوانند در غیاب او، بر اجرای اوامرش توسط کارگزارانش نظارت و ارزیابی نماید، هم در آیین شریعت اسلام و منش حکومت داری امام علی⁹ و هم در ساختارهای گوناگون حکومت‌داران دنیای جدید، تأیید و تحکیم شده است. داشتن بازرسانی خیره، مطمئن، راستگو، امین و خداترس برای سرکشی و نظارت و ارزیابی بر آنچه که در لایه‌های پایین تر نظام و بین مردم می‌گذرد، ضرورتی است که باید بیش از این بر توسعه عده و عده آن اهتمام ورزید. چرا که بخش عظیمی از جرایمی که در بطن

ارتباطات مردمی خصوصاً در ساختار اداری اتفاق می‌افتد، همچون رشوه، ارتشائی، سوء استفاده از موقعیت و امکانات دولتی و... به خاطر ضعف در نظارت و بازرسی و یا نبود اراده قوی در ارسال گزارش به مقامات بالا می‌باشد. واقعیت تلخی که باور مردم به پاک بودن دستگاه حکومتی را زیر سوال می‌برد و ارزش کسب رزق و روزی حلال را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳. توسعه دولت الکترونیک؛

قرن بیست و یکم و سرعت بالایی ارتباطات در کره زمین و گسترش اینترنت و اینترنت‌های گوناگون، بروز پدیده‌های گوناگون تکنولوژی در زمینه فناوری اطلاعات از قبیل تلفن‌های همراه، ویدئوکنفرانس، مکالمه تصویری و به طور کلی تولد «دنیای مجازی» در کنار «دنیای واقعی» در این عصر، همه گویای این مطلب است که دیگر در بین انسانها در ارتباطات فاصله‌ای وجود ندارد و استفاده از این پتانسیل‌های عظیم در خصوص تسهیل و تسریع دسترسی به یکدیگر، یکی دیگر از گام‌هایی است که رئیس جمهور می‌تواند با تأکید بر آن و کاستن فاصله‌ها، از قدرت و ابزارهای خویش در جهت حضور در جامعه استفاده کافی را ببرد.

امروزه دولت الکترونیک در کنار فرصت‌ها و ظرفیت‌های گوناگونی که برای نهادهای مختلف دولتی در زمینه ارتباطات، اطلاع رسانی و نشر خبر، امور امنیتی، نظارتی و... فراهم آورده است هنوز هم از پتانسیل‌های بکر و استفاده نشده‌ای در خصوص مدیریت پیشگیری برخوردار می‌باشد که راه اندازی پورتال سامد(سامانه ارتباط مردم و دولت) و همچنین توسعه سایت‌ها و تارنماهای ارتباطی، سامانه‌های پیامکی، تلفن‌های گویا و بر گسترش این ارتباط و حضور دولت الکترونیک تأکید دارد که حداقل نتیجه آن، دسترسی آسان و سریع مردم به دولت جهت ارسال و ارائه گزارش از جرم و تخلف می‌باشد و این فضای روانی را در جامعه ایجاد می‌کند که هر شهروند، خود نیز یک «بازرس مخصوص و ناظر ویژه تام الاختیار از سوی شخص رئیس جمهور» می‌باشد.

۴. گزارش خدمت به مردم؛

مردم، ولی نعمت هر حکومتی هستند. ارتباط با مردم، همکلام شدن با آنان، آنان را محرم و از خود دانستن و صدق گفتار و همسان بودن قول و فعل، نقش بسیار ارزنده و تأثیرگذاری در جلب اطمینان و راه یافتن به قلوب مردم دارد. اینکه شخص رئیس جمهور ایمان داشته باشد که «دانستن حق مردم است» و باید مردم از حقایق و واقعیت‌های جامعه تا آنجا که منفعت ملی به

خطر نیافتد، مطلع باشند خود گویای این فرهنگ آشتی با مردم و مهرورزی است. چرا که مردمی که بدانند و بشنوند و باور کنند که رئیس جمهور همه تلاش خویش را برای سربلندی این مردم و سرزمین می‌نماید، تحمل مسائل و مشکلات برایشان آسانتر، صبوریشان در قبال نامالیقات بیشتر، استقامتشان بر آرمان‌ها فزونتر و مقاومشان در مقابل وسوسه‌ها و دسیسه‌های شیطانی و مجرمانه قوی‌تر خواهد بود و به خاطر احترام به قانون، حاکمیت و اعتماد و محبتی که در دو طرف پدیدار شده است، خطر بحران فقر و نداری را می‌پذیرند اما خطای فساد و جرم را مرتکب نمی‌کنند.

۵. مبارزه بدون مسامحه با فساد؛

فساد اداری، فساد اقتصادی و فساد اخلاقی، سه ضلعی فساد روزگار کنونی است که دامنه اکثریت حکومت‌ها و حاکمان بشریت را گرفته است و تاریخ، گواه آلوده شدن بسیاری از آنان به این سه ضلعی بوده است. اما آنچه که فراتر این سه ضلعی و در واقع در رأس این هرم می‌تواند قرار داشته باشد، بی‌تفاوتی و بی‌میلی حاکم نسبت به پایه‌ها و ارکان این سه ضلعی فساد می‌باشد. بُعد دیگر این مخروط نیز، تفاوت و تمایز قائل‌شدن در مبارزه با فساد در برخوردها می‌باشد. رئیس جمهوری در نگاه و برخورد با مسئله فساد موفق خواهد بود که نگاهی سطحی، گذری و ابزاری نداشته باشد و از این اهرم در مقام گروکشی نیز بهره نبرد و فرق و تبعیضی بین فساد اطرافیان خویش که درون حلقه قدرت هستند با بیرون‌شدگان و بیرون‌ماندگان از این عرصه، برایش ایجاد نشود و با جرم و فساد، بدون هیچ مسامحه و ملاحظه‌ای برخورد نماید. این است که احساس عدالت را در جامعه تسری می‌دهد و امید به احقاق حق و لودر میدان سخت عمل را برای مردم به تماشای و تحسین می‌گذارد.

۶. توسعه جنبش آموزش حقوق شهروندی؛

شهروند بودن و شهروند دیده شدن، بدون هیچ قیاس و طیفه‌گزاری و درجه‌بندی، حقیقت دینی، قانونی و جهانی؛ باوری که در متون و کتب ادیان الهی، قوانین اساسی، میثاق‌نامه‌های بین‌المللی و عهدنامه‌های جهانی به رسمیت شناخته شده است و هر حکومتی ملزم است آن را به شهروندان خود بیاموزد. شهروندان باید بدانند به ازای تکلیفی که نسبت به قانون و احترام به قانونیت و مشوریت حکومت حاکم، قائل می‌شوند از چه حق و حقوقی برخوردار می‌شوند و این حق و حقوق را کی، کجا و چگونه باید مطالبه کنند؟

قانون اساسی، مجری خویش را «رئیس جمهور» دانسته و مخاطب مردم در حق خواهی خویش از حقوق شهروندی را او دانسته است. در واقع رئیس جمهور در مقام اجرای قانون اساسی و پاسخ به خواست ملت، باید در «گام اول» با استفاده از ابزارهایی که دارد از قبیل وزارت دادگستری، معاونت حقوقی، معاونت نظارت بر اجرای قانون اساسی و... این حقوق را به مردم بیاموزد و حتی با کار کلینیکی و استفاده از فن آموزش خیابانی حقوق street law بر توسعه حقوق شهروندی در جامعه تلاش بورزد.

۷. تدبیر در سیاستگزاری، تدبیر در اجرای صحیح قوانین؛

برخلاف اکثر نظرات که دولت و قوه مجریه را صرفاً، قوه مجری قانون می‌دانند، رئیس جمهور به عنوان رأس هرم این قوه، ۲ رسالت را برعهده دارد: سیاستگزاری براساس تدابیر و نیازهای جامعه که نمایندگان مجلس بنا به هر علتی بر آن اهتمام نورزیدند.

مدیریت در اجرای صحیح قوانینی که به تصویب نمایندگان مردم رسیده است و برای ابلاغ و اجرا برای رئیس جمهور ارسال می‌شود.

در واقع رئیس جمهور، صرفاً مطیع و مجری املائی دیکته شده قوه مقننه نمی‌باشد بلکه خود و دولتش نیز، می‌توانند در قالب تدوین لوایح، سیاستگزاری کلان نماید و در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت ساز مملکتی نقش ایفا نماید. حال هر چقدر این اهمیت و اهتمام بر ورود در حوزه سیاستگزاری و تدوین لوایح از لحاظ کیفی و کمی بیشتر و با تدبیر و الاثری باشد، مسلماً در خروجی آن که قانون مصوب مجلس می‌باشد، فایده سنجی‌های بیشتری قابل درک می‌باشد. نمونه‌ای از این ورود دولت به عرصه قانون نویسی، «لایحه پیشگیری از جرم» می‌باشد که متأسفانه فعلاً سرنوشت نامعلومی دارد اما سنت مبارک و اقدامی شایسته در این راستا بوده است؛ حال تاکی به قانونی شدن برسد؛ همچنین از منظر دیگر، دقت و امانتداری در اجرای صحیح قوانین، اگر اهمیتی بیشتر از تدوین لایحه آن نداشته باشد کمتر از آن نیست. بازخوردهای صورت گرفته از اجرای ناصحیح برخی از قوانین در طول تاریخ گواه این مطلب می‌باشد که بدترین شکل قانون مداری، اجرای قانون به شکل غلط می‌باشد، ولو آن قانون به بهترین شکل نوشته و تصویب شده باشد. پس اجرای قوانین به هر قیمتی، نباید از نظارت و حساسیت رئیس جمهور بازخوردهایی که در جامعه ایجاد می‌کند بکاهد. نمونه‌ای از این اجرای سلیقه‌ای، اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی موسوم به گشت ارشاد می‌باشد که در حمایت «طرح جامع عفاف»

ابلاغی از سوی ریاست جمهوری به پلیس می‌باشد که بازخوردهای مناسبی بین افکار عمومی نداشته است و مورد اعتراض‌هایی از سوی مردم و بدبینی‌هایی نسبت به حکومت و دستگاه حاکمیت به وجود آورد که نیازمند است از سوی رئیس جمهور در اینخصوص تذکرات لازم بر اساس قانون اساسی به ناجا درخصوص حفظ حرمت شهروندان صادر گردد که اجرای بد یک قانون که هدف آن ایجاد امنیت، پیشگیری از جرایم و ارتقای اخلاق اجتماعی است، اثر عکس نیافریند و خود به پدیده و عاملی جرم‌زا تبدیل نشود.

۸. توجه به کار کارشناسی و پژوهش محوری در حوزه علوم جنایی؛

عقلانیت، رکن موفقیت هر اقدامی است و توجه به کار کارشناسی و استفاده از ظرفیت نخبگان هر دانش و رشته‌ای خصوصاً دانشگاهیان، رمز پیروزی و کارآیی هر برنامه‌ای است. وقتی که رئیس جمهور می‌خواهد یک طرح، ایده، پیشنهادی را به مرحله اجرا در آورد، در کنار همه فاکتورهایی که برای آن در نظر می‌گیرد از قبیل سرعت، زمان بندی و... باید به این نکته توجه داشته باشد که طرح و پروژه مذکور که یک اقدام ملی است باید از پشتوانه فکری و نظری قوی و حساب شده‌ای برخوردار باشد و همه جوانب آن در نظر گرفته شود چرا که کوچکترین، بی دقتی و کار غیرعلمی، اثرات جبران ناپذیری بر بدنه جامعه وارد می‌کند و دیگر کارهای ماندگار را نیز تحت شعاع قرار می‌دهد. در این بین، سهم توجه به علوم انسانی و علوم جنایی بیشتر است. چرا که محوریت این علوم انسانها و سرنوشتشان می‌باشد که اگر با مطالعه و تجربه، برایشان برنامه ریزی نگردد، سعادت دنیوی و حتی اخرویشان زایل خواهد شد.

توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه‌های مختلف علوم جنایی از قبیل جرم شناسی، جامعه‌شناسی جنایی، روانشناسی و روانپزشکی جنایی، پلیس علمی، بزهکاری اطفال و... و استفاده از دانش نخبگان این رشته‌ها و ظرفیتی که در دانشکده‌های حقوق و بین دانشگاهیان برای همیاری با حاکمیت در جهت ارائه پیشنهاد و مشاوره فراهم است از بسترهایی می‌باشد که رئیس جمهور می‌تواند با تأکید بر آنها و صدور دستورات لازم به نهادهایی چون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت دادگستری، معاونت حقوقی و... شرایط را برای نزدیک تر شدن جامعه حقوقی کشور اعم از قضات، وکلای دادگستری، مشاوران حقوقی، اساتید دانشگاه، پژوهشگران و... به حلقه مشاوران ریاست جمهوری محیا نماید. نمونه کمی از این اقدام، حمایت مادی و معنوی از پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی، برگزاری سالیانه و فصلی همایش‌های

حقوقی با همکاری دانشگاهیان، نشست‌های دوره‌ای با حقوقدانان و ارزیابی وضعیت حقوقی جامعه و... می‌باشد.

۹. بازخوانی در مخطاب شناسی جنایی جامعه و توجه به «عدالت ترمیمی»؛

جرم و جنایت، خلاف و بزه و هر عنوان دیگری که بخواهیم برای عبور از قانون بنامیم، همواره دارای مخاطبانی می‌باشد که در چند ضلعی آن ایستاده اند. یک سوی آن مجرم و بزهکاری است که براساس قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، رفتاری را مرتکب شده است که در قانون برایش مجازات تعیین شده است و سوی دیگر مجنی علیه یا بزه‌دهیده‌ای است که قربانی جرم شده است. سوی دیگر حاکمیت به عنوان قوای عادلانه مسئول تحقق عدالت و ستاندن حق قربانی و برخورد با بزهکار می‌باشد. اما آنچه که در این چند ضلعی دیده نمی‌شود و کمتر به آن پرداخته می‌شود و شاید قربانیان و متضرران اصلی جرایم باشند، خانواده‌ها و اطرافیان هستند که خواسته و ناخواسته در آتش به پا شده در این میدان می‌سوزند. از خانواده زندانیان که همسر و پدري را به خاطر شرایط نامناسب فردی و اجتماعی، اکنون پشت میله‌های زندان می‌بینند و عمری را باید با بی‌شوهری و یتیمی اجتماعی می‌گذرانند و خود به دلیل فقر و بی‌سرپرستی، در معرض جرم قرار می‌گیرند و خانواده قربانی که عزیزشان را یا از دست داده‌اند یا حیثیت و شرافت‌شان زیر سوال رفته است و درصدد انتقام جویی از جامعه هستند، نیازمندی حمایتی نه تنها از سوی دستگاه قضایی کشور بلکه از سوی دستگاه ریاست جمهوری نیز می‌باشند. چرا که فلسفه دستگاه قضا، اجرای عدالت بی‌هیچ مسامحه و ملاحظه‌ای است و اصطلاحاً هدف ابتدایی‌اش تحقق «عدالت کیفری» است و در این محکمه، دولت می‌تواند به عنوان مسئول جان و سرنوشت مردم خویش، بر اساس رویکرد «عدالت ترمیمی» ورود نماید و تا جایی که قانون مانعی برای او نشده است و توانایی‌ها و امکاناتی چون وزارت دادگستری، وزارت رفاه اجتماعی و... به او این اجازه را می‌دهد، در ترمیم زخم‌هایی که بر تن جامعه و اطرافیان این جرم وارد شده است التیامی ببخشد و خود با رسیدگی مادی معنوی به خانواده زندانیان و بزه‌دیدگان، مانعی بر ارتکاب یا تکرار جرم آنان باشد و حتی با همیاری دستگاه قضا در بحث زندان‌زدایی و مساعدت در پرداخت دیون زندانیان نیازمند و بدهکار و بسترسازی برای بازگشت دوباره آنان به آغوش خانواده و جامعه، به سهم خود گامی در جهت «پیشگیری از وقوع جرم» بردارد.

۱۰. تقویت توان امنیتی و تخصصی شدن پلیس؛

ناجا یا همان پلیس ایران هرچند که ساختاری تحت نظر وزارت کشور و دستگاه ریاست جمهوری می‌باشد اما انتخاب مستقیم فرمانده آن توسط فرمانده کل قوا، گویای این واقعیت است که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران بیش از آنکه به ملاحظات رئیس جمهور توجه داشته باشد، بر اساس اصل ۵۷ و ۱۱۳ قانون اساسی، مطیع فرمان رهبری است و نسبت رئیس جمهور به این مجموعه، بلا تشبیه همچون ناظری است که شخص واقف، بر فرد متولی قرار می‌دهد و اوج ضمانت تخلف متولی، ضم امین توسط حاکم است. اما با این حال رئیس جمهور نباید و نمی‌تواند نسبت به نیروی انتظامی و پلیس به عنوان امین جان و مال و ناموس و حیثیت مردم بی تفاوت باشد و ارتقای کمی و کیفی این نهاد انتظامی و امنیتی، ارتقای شأنت نظام و حاکمیت را بر عهده دارد. یکی از مواردی که شخص رئیس جمهور می‌تواند در حوزه پلیس ورودی داشته باشد، بحث «بودجه» ای است که برای این نیرو در نظر گرفته می‌شود و توجه رئیس جمهور به افزایش توان و قدرت نفری و تجهیزاتی این نیرو مسلماً نقش بسیاری در افزایش کارایی این مجموعه خواهد داشت. همانگونه که تفکیک نسبی، پلیس راهنمایی و رانندگی (راهور) توانسته است سالیانه از وقوع تصادف و فوت و جراحت و زندانی و مدیون شدن هزاران نفر جلوگیری نماید و این نشانه توجه دستگاه حکومتی به پلیس به عنوان ناجی مردم می‌باشد. همچنین تقویت پلیس برای تخصصی شدن آن مانند پلیس کودکان، پلیس زنان، پلیس فتا، و... که خود نیازمند توجه شخص رئیس جمهور می‌باشد از گامهایی می‌باشد که می‌تواند بستر تخصصی شدن رسیدگی به جرایم را از همین پرسنل ناجا که ظابطین قضایی اند، آغاز نماید.

۱۱. توجه بر کاربردی کردن مهندسی فرهنگی کشور؛

فرهنگ، پدیده مظلوم و غریبی است که همواره در طول تاریخ، بازیچه قدرتمندی‌های فراوانی شده است و در پشت سیمای آن، حوادث گوناگونی رخ داده است و هرچه که بیشتر تاریخ به جلو می‌رود و بر سرمایه‌ها و بودجه‌های فرهنگی کشور افزوده می‌شود، بازخوردهای فرهنگی، حکایت از ناکارایی مدل‌های اجرا شده در جامعه دارند و باز هر سال بدون تفکر و برنامه ریزی، بر انبوه مبالغ ریالی و ارزی بودجه‌های فرهنگی افزوده می‌شود؛ بی آنکه ارزیابی و سنجش در آن صورت گیرد.

مهندسی فرهنگی یا مهندسی فرهنگ، عنوانی است آشنا که هرچند یکی از مطالبات رهبری بوده است اما در این سالها، بیشتر در قالب همایش‌ها و نشست‌ها حضور داشته و کمتر در بین مردم و جامعه و خانواده‌ها و گروه‌های خرد و کلان جامعه چون خانواده، محله، مدرسه، دانشگاه، اداره

و... نمود داشته است. رئیس جمهور به عنوان عالی‌ترین مسئول فرهنگی کشور، باید با باور به اینکه «فرهنگ» و «کار فرهنگی» یکی از علل و عوامل موثر در «پیشگیری از وقوع جرم» می‌باشد، بر این امر تأکید ورزد و متذکر شود که هرچند که لازمه هر کار فرهنگی، برنامه ریزی و مهندسی است اما شرایط خاص کشور ما که مورد هجوم فرهنگ‌های گوناگون از سوی دوست و دشمن با ابزارهایی چون شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنت و... قرار گرفته است فرصتی دیگر برای وقت تلف کردن و صرف هزینه‌های کلان برای مبانی نظری و تئوری بدون خروجی نیست. دشمنی که با یک یا چند شبکه‌های ماهواره‌ای و مجموعه‌ای قریب ۵۰ نفر، صدا و سیما، عظیم جمهوری اسلامی ایران با همه ادعایش، را زمین زده و در مخاطب‌گیری از داخل کشور و رضایت‌مندی آنان، موفق‌تر بوده است، فرصتی دیگر برای نگارش آیین‌نامه و دستورالعمل و ضابطه برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و اجرایی شدن سند عفاف و حجاب باقی نخواهد گذاشت و رئیس جمهور باید به عنوان رأس هرم فرهنگی کشور با رصد این شرایط، بر افزایش سرعت خروجی‌های فرهنگی و توسعه محصولات و تولیدات فرهنگی و اجتماعی در قالب بسته‌های حمایتی اهتمام ورزد که اگر بتواند فرهنگ و کار فرهنگی را از دام و اسارت مبانی نظری برهاند و به سطح جامعه آورد، آن موقع می‌توان از این ویژگی در پیشبرد «پیشگیری اجتماعی از جرم» بهره بیشتری برد. حمایت از پیوسته‌های فرهنگی طرح‌ها نیز باید در اجرای پروژه‌های کشوری همواره مدنظر باشد که اجرای یک طرح ملی به هر قیمتی حتی بروز آثار سوء فرهنگی نباید بر بافت فرهنگی محیط و اقوام محلی تأثیر منفی بگذارد.

۱۲. توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه؛

N.G.O. ها یا سازمان‌های غیر دولتی مردم‌نهاد در هر کشوری، نقش کمک‌کار و همراه فعالیت‌های عام‌المنفعه را در کنار دولت ایفاء می‌نمایند و بسیاری از خلاءهایی که دولت نتوانسته است بنا به حجم بالای کاری‌اش، تأمین نماید را با حضور خود پاسخگو بوده اند. در ایران نیز، این حمایت باید از سوی دولت و شخص رئیس جمهور در دستور کار وزارتخانه‌ها و ارگانها قرار گیرد و از در اختیار گذاشتن امکانات تا تسهیل در ضوابط و مقررات و تخفیف و معافیت در امور مالیاتی و اقتصادی و... می‌تواند بر رشد کمی و کیفی این نهادهای غیردولتی تأثیر مثبت بگذارد. توسعه کلینیک‌های حقوقی، بنیادهای خیریه، مراکز بازپروری (N.A) و... که هر کدام از دور و نزدیک، همراه و همسنگر مجاهدین پیشگیری از جرایم هستند نمونه‌هایی از این توجه به این توسعه محوری غیردولتی می‌باشد. چرا که این اقدام دولت در واقع نوعی «خصوصی سازی

در پیشگیری از جرم» می‌باشد که بنا به دلایل مختلف، دولت این اقدامات نسبتاً فرهنگی و اجتماعی را به بخش خصوصی که در قالب نهادهای غیردولتی، بنگاه‌ها و بنیادهای خیریه و... می‌باشد واگذار می‌نماید و از دور نظارتی بر عملکرد و بازدهی آنان در سطح کلان دارد.

۱۳. سرمایه‌گذاری آموزش و پرورش بر روی دانش‌آموزان؛

خردسالان، کودکان و نوجوانان سرمایه‌های عظیم هر کشوری هستند که دیر یا زود، قدرت‌های علمی، اجرایی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور به آنان واگذار می‌شود. چه در مبانی دینی و چه در مبانی قانونی ما، تربیت آنان همانقدر مورد توجه بوده است که تعلیم و آموزش آنان مورد تأکید بوده است و نامگذاری یکی از بزرگترین وزارتخانه‌های کشور به نام «آموزش» و «پرورش» با جامعه آماری و مخاطب قریب ۱۵ میلیون نفر دانش‌آموز و معلم گویای این واقعیت است که رسالت عظیمی بر دوش این نهاد تابعه دستگاه ریاست جمهوری می‌باشد. اما آنچه که متأسفانه در طول سالیان و ادوار گذشته دیده شده تأکید بیش از حد بر امر «آموزش» با محوریت حفظ موقت معلومات بی‌فایده بوده است و آنچه مغفول و محروم مانده است امر مهم و سرنوشت‌ساز «پرورش» بوده است که همواره مورد کم‌لطفی و بی‌توجهی قرار گرفته است که نمونه‌ای از آن قرار دادن «معلم پرورشی» معمولاً بی‌تجربه در مدارس در کنار ده تا بیست «معلم آموزشی» بوده است.

رئیس‌جمهور به عنوان رئیس شورای عالی آموزش و پرورش که برای فرهنگ و پرورش این مملکت تصمیم‌گیری می‌نماید همواره باید بر این امر مهم تأکید و دستور فرماید که مسئله «پرورش» نه تنها نباید کمتر از دغدغه «آموزش» باشد بلکه باید بیش از آن در سرفصل‌های نظام آموزش و پرورش قرار گیرد چرا که هدف مدارس، انسان‌سازی است نه ساختن عالم بی‌عمل.

همچنین سرمایه‌گذاری بر روی کودکان در قالب «پیشگیری رشد‌مدار از جرم» که یکی از محورهای پیشگیری اجتماعی می‌باشد و همچنین ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی و آموزش سبک زندگی و مهارت‌های اجتماعی شدن به دانش‌آموزان در مدارس از ابزارهایی هستند که می‌تواند جامعه دانش‌آموزی را از سوق دادن به سمت انحراف و فساد و تباهی و نهایتاً «مجرمیت» مصون بدارد.

۱۴. استفاده از پتانسیل روحانیت در پیشگیری از جرم؛

رسالت اصلی روحانیت معظم که القابی همچون حجت الاسلام (حجت و نماینده دین مبین اسلام)

و آیت الله (نشانه‌های خداوند) بر ایشان نهاده شده است، همانگونه که رسول مهربانی‌ها 9 فرمودند کامل کردن اخلاق صالح در جامعه بشری می‌باشد. رسالت عظیمی که از طرفی در غوغای زندگی روزمره این نسل جامعه ما به فراموشی سپرده شده است و از طرفی هم کمتر بابتی در طول این سالیان برای ورود و ظهور این نسل در قالب سربازان امام زمان+ محیا نگردیده است. پیوند مبارکی که چندین سال پیش در قالب ستاد همکاری‌های حوزه‌های علمیه و وزارت آموزش و پرورش نیز صورت پذیرفت، هر چند که آغازی بود بر این راه دشوار اما هنوز آنگونه که باید و شاید نتوانسته است نقشی پررنگ از حضور روحانیت و طلاب حوزه‌های علمیه در بین دانش آموزان و مدارس و معلمان ایفاء نماید. جدای از سیاست‌گذاری، الزام و انگیزه سازی شورای عالی و مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه بر بحث «تبلیغ اجباری طلاب» در مناطق و جوامع مختلف کشور اعم از مناطق محروم، مدارس، دانشگاه‌ها، اداره جات، سازمان‌ها و حتی کانون‌های جرم خیز، رئیس جمهور و دستگاه قوه مجریه نیز موظف است بسترهای لازم برای این میزبانی را فراهم نماید و وزارتخانه‌هایی چون آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، مسئول امور ارتباط با روحانیت نیز در این امر باید تمامی تلاش و امکانات خود را جهت استفاده از پتانسیل مذهبی روحانیت در بحث راهنمایی و هدایت مردم و مسئله «پیشگیری از جرم» به کار ببندند.

۱۵. توسعه نهادهای مشاوره برای آموزش سبک زندگی؛

سبک زندگی ایرانیان، مسئله بسیار مهم و کلیدی می‌باشد که بارها از سوی رهبری به مردم و مسئولین مورد تأکید و توجه بوده است و تلاش‌های بسیاری از سوی نهادهای مختلف جهت بهبود سبک زندگی مردم صورت گرفته است. اما آنچه که در این میان، نیمه کاره مانده است، وجود نهاد پاسخگویی دقیق و سریع به مشکلات روحی و معنوی زندگی مردم می‌باشد. مرجعی که بتواند در سریع‌ترین وقت ممکن، بهترین راه حل را برای خانواده‌های ایرانی در مقابله با آسیب‌ها، بحران‌ها و ناهنجاری‌های پیش‌رویشان ارائه دهد. پدیده‌ای همچون راه اندازی اورژانس اجتماعی، هر چند که اقدامی مبارک در این زمینه بوده است اما باور مردم به نیاز به مشاوره و مراجعه به مشاور خانواده و روانشناس و عدم دسترسی سریع و مطلوب به آنان و هزینه بر بودن آن، نتیجه‌ای جز، برهم افزوده شدن مشکلات و فشارهای روانی بر افراد جامعه و بروز پدیده‌های مجرمانه و جبران ناپذیری می‌باشد که می‌توانسته است با یک مشاوره و راهنمایی کوچک، از وقوع آن پیشگیری کرد.

مدیریت کردن خانواده، مدیریت کردن همسر و فرزندان، نظارت بر ارتباطات و خفیات و نزدیکتر شدن افراد به هم و در يك کلام «تحکیم بنیان خانواده» بر اساس اصل ۱۰ قانون اساسی، رسالت مهمی است که بر دوش رئیس جمهور نهاده شده است و او باید در کنار همه ابزارها و نهادها برای ایجاد ازدواج آسان، مشاوره قبل از ازدواج، پاسداری از قداست خانواده و...، از امر مهم «سبک زندگی» در قالب توسعه نهادهای مشاوره‌های پس از ازدواج و... نیز غافل نشود که بستری بسیاری از جرایم، ریشه در همین مشکلات و نابسامانی‌های خانوادگی افراد و عدم دریافت مشاوره می‌باشد.

۱۶. ایجاد فضای آزاد نقد و آزاداندیشی؛

آزادی قلم، اندیشه و بیان و هر آنچه که آزادی آن نقض حقوق دیگران نباشد، نه تنها در قانون اساسی بلکه در شریعت اسلام و سیره نبوی و علوی پذیرفته شده است. تا جایی که در حکومت علوی هر آنکس که نسبت به حکومت منتقدتر بود، به خاطر این دلسوزی و نظارتش بر کار حاکم، به حکومت نزدیکتر از دیگران بوده است. این تفکر و عقیده، در دنیای امروز نیز نیازمند صبوری و حلم و بردباری حاکمان می‌باشد و تا آنجایی که به حقوق ملت خدش‌های وارد نگردد باید فضای نقد و تبادل آرا و اندیشه‌های مختلف را توسعه داد. برقراری کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها نیز گوشه‌ای از این موضوع بوده است که با چارچوب‌های سلیقه‌ای محصور و انحصار طیف خاصی شده است و در آن به هر چیز می‌شود اندیشید جز آزادی!

تأثیر وجود فضایی آزاد برای اظهار نظر بدون تفتیش عقاید و اتهام زنی و بازخواست تفکرات، مسلماً باوری در بین مردم جامعه ایجاد خواهد کرد که می‌توانند به راحتی صدای اعتراض خویش نسبت به مسائل اقتصادی، صنفی، رفاهی، کارگری، اجتماعی و... خویش را به بیان حضرت امیر 7 بدون هیچ ترس و لکنتی بیان نمایند و بالاترین جهاد یعنی گفتن حرف حق پیش ظالم ستمگر را ادا نمایند.

در چنین مملکتی است که از عقده و کینه حاکمان خصوصاً حاکمان دینی، مردم جامعه، قانون‌گریز و دین‌گریز می‌شوند و چرایی علت این قانون ستیزی و دین ستیزی را در نفرت و انزجار از حکومت به دلیل نبود فضای آزادی اندیشه و جرم‌انگاری سیاسی دلسوزان به خاطر اظهار نظر و انتقاد می‌دانند.

در چنین فضایی است که رئیس جمهور موظف است برای از بین رفتن امیدها و سرمایه‌های اجتماعی حکومت تلاش نماید و ضمن جلوگیری از خروج سرمایه‌های انسانی فعال و اندیشمند از

کشور، فرصتی برای حضور اندیشه‌های متفاوت و دلسوز ولو منتقد در کشور فراهم نماید و با رویکرد «جذب حداکثری و دفع حداقلی» از خروج افراد از دایره قانون پیشگیری نماید.

۱۷. هدفمند نمودن ورود به مسائل خاص در قالب صدور دستور ویژه؛

در برخی موارد در کشور اتفاقاتی رخ می‌دهد، که جو عمومی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و یک ضعف و شکست اجتماعی را برای آحاد مردم رقم می‌زند. به نحوی که نیازمند ورود شخص رئیس جمهور جهت ساماندهی مسائل خاص و صدور دستورات ویژه می‌باشد. این ورود جدای اینکه حس همراهی رئیس جمهور با مردم را برای آنان به ارمغان می‌آورد، خبر از میزان توجه و نگرانی ایشان به مسئله رخ داده و پیامدهای پس از آن می‌دهد که شخص رئیس جمهور فارغ از همه فعالیت‌های روزانه خویش، این موضوع را رصد کرده و دستورات لازم برای رفع کنونی آن و پیشگیری از اتفاقات بعدی را صادر نموده است. نمونه‌ای از این اتفاقات خاص و نادر، مدیریت بحران در خصوص مناطق زلزله‌زده و سیل‌زده می‌باشد که بخشی از مردم جامعه در کمتر از آبی سرمایه‌های انسانی و اقتصادی و اجتماعی خویش را از دست داده‌اند و همه مردم نسبت به رسیدگی به وضعیت آنان خصوصاً امنیستان، احساس نگرانی می‌کنند و این انتظار را دارند که رئیس جمهور شخصاً به این موضوع ورود نموده و با بسیج همه نهادها و وزارتخانه‌ها، راه را بر عواقب شوم و پیامدهای ناگوار بعدی این بحران از قبیل سرقت، تجاوز، تشکیل باندهای تبهکارانه و... ببندد. از دیگر مواردی که افکار عمومی انتظار ورود رئیس جمهور به مسئله را دارند، مسئله فسادهای اقتصادی و برخورد با مفسدین اقتصادی خصوصاً مسئله فساد بزرگ بانکی ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومانی می‌باشد که انتظار مردم، پیگیری بیش از پیش رئیس جمهور نسبت به حق تضعیف شده ملت می‌باشد. چرا که اگر رئیس جمهور در برخی موارد که جامعه از او انتظار ورود، توبیخ، صدور دستور ویژه، تشکیل هیئت رسیدگی و... دارد سکوت نماید و به عنوان منتخب ملت، همچون یک شهروند عادی نسبت به این مسائل بی تفاوت باشد، نه تنها روح عدالت و حقیقت را زائل نموده است بلکه شبهه همراهی و هم‌پیمالی نیز بر او نقش می‌بندد و جامعه‌ای که این بی‌عدالتی و بی‌دادگری را احساس نماید، خودنیز پایبندی‌اش به قوانین و مقررات را موضوعی بی‌ارزش و فایده خواهد دانست.

۱۸. استفاده از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی در اعتمادسازی؛

امروزه نقش رسانه‌های (نوشتاری، دیداری، شنیداری و...) بر هیچکس پوشیده نیست و نفوذ باورنکردنی این جعبه‌های جادو در بین مردم خصوصاً خانواده‌ها، توانسته رسانه را به عنوان

یکی از اولین ابزارهای تسلط بر انسان‌ها در دنیای مدرن تعریف نماید. در ساختار دستگاه ریاست جمهوری اسلامی ایران، هرچند که رئیس سازمان صدا و سیما از سوی رهبری منصوب می‌شوند اما حضور ایشان در هیئت دولت، نشان از نیاز به حضور نماینده رسانه در عالی‌ترین جلسه اجرایی کشور می‌باشد و گویای ظرفیت‌های بسیاری است که می‌توان در پوشش برنامه‌های خبری، اطلاع رسانی و آموزشی از طریق رسانه برای مردم فراهم آورد. توسعه رابطه دولت و وزارتخانه‌ها جهت انعکاس اخبار و دستاوردهای حوزه تخصصی، خود، پیام امید و سربلندی کشور را برای مردم به ارمغان می‌آورد و می‌تواند بسترهای فراوانی برای آموزش و تعالی دینی، فرهنگی و اجتماعی مردم نیز فراهم نماید. دستور به ساختن برنامه‌های ویژه با پشتوانه و حمایت‌های مالی دولت و وزارتخانه‌ها جهت پرداختن به «مسائل و آسیب‌های اجتماعی» مورد مطالبه مردم و شنیدن نیازها و خواسته‌های آنان در کنار استفاده از ابزارهایی نوشتاری، شنیداری، نرم افزاری و... نیز می‌تواند در همیاری دولت با جبهه «پیشگیری از جرم» مفید فایده و اثر باشد.

۱۹. تحول در ادبیات گفتاری جدید و نویدبخش؛

همانگونه که در بحث گفتمان‌ها بیان نمودیم، ادبیات یک رئیس جمهور خواسته و ناخواسته بر بطن تفکر و رفتار مردم جامعه تأثیرگذار خواهد بود. هر قدر که رئیس جمهوری از دایره واژگانی زیباتر، امیدوارانه‌تر و نویدبخش‌تر استفاده نماید، مسلماً روح امید، همدلی، شادی و نشاط در جامعه افزون خواهد شد و هر قدر دروغ، تهمت، اتهام و جنجال آفرینی در ادبیان گفتاری و رفتاری او نموده داشته باشد، سیمای جنایی جامعه پرخواشگرتر و تهاجمی‌تر و بی‌رحم‌تر خواهد شد. در واقع مبنای این اتفاق و سرایت رفتار از حاکم به مردم، نظریه «تلقین» است که همانگونه که فرزندان، به گونه‌ای تربیت می‌شوند که پدر مادر همانگونه هستند نه آنگونه که می‌خواهند، خلق و خوی مردم جامعه نیز تحت تأثیر رفتار حاکمان شکل می‌گیرد و با تلقین و زشت‌زدایی از رفتارهایی چون دروغ‌گویی، تهمت زنی و... به مردم، سیمای روانی و جنایی جامعه شکل خود را عوض می‌نماید.

پس رئیس جمهور نیز با توجه به چنین جایگاه خطیری باید همواره مراقب ادبیات و واژگان خود باشد و بداند که همواره مورد نظارت مردم و قضاوت تاریخ خواهد بود.

۲۰. تأمین نیازهای اولیه شهروندان براساس جامعه آماری دقیق؛

و اما پیشنهاد آخر، همان شاه کلید این پژوهش یعنی «احقاق حقوق ملت» می‌باشد. اگر رئیس جمهور بتواند يك جامعه آماری دقیق و به روز از وضعیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، رفاهی و... مردمش در اختیار داشته باشد و بداند که نیازهای نسل امروز، دیروز و فردای ایران چه می‌باشد، می‌توان گفت با تأکید بر حقوق ملت در قانون اساسی از قبیل حق تحصیل، اشتغال، مسکن، آزادی، تأمین اجتماعی و... می‌تواند در مقابل جرایم بایستد ولی تا زمانی که حکومت و دستگاه ریاست جمهوری، از درك و برآوردن نیازهای اولیه شهروندان عاجز و ناتوان باشد و هر روز بر میزان بیکاری، فقر، فساد اقتصادی و اجتماعی و... افزوده شود و چاره‌ای بر درد ملت اندیشیده نشود، نه تنها بر آمار جرایم افزوده می‌شود بلکه فرصت‌ها برای بازگشت به گذشته نیز از دست می‌رود.

در واقع این رئیس جمهور است که باید بر اساس سوگند خویش، در مقابل مردم پاسخگو باشد که او هر چه در توان داشته است برای خدمت به مردم و تأمین نیازهایشان و تلاش برای کاهش علل و عوامل جرم انجام داده است و در این راه سخت، از هیچ اقدامی دریغ نورزیده است. باشد که در محضر خداوند تبارك و تعالی نیز سربلند و شکرگزار باشد.

فهرست منابع و مأخذ

* قرآن کریم

الف) کتب فارسی و عربی

۱. ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۰ تهران.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، جلد ۲۰، انتشارات انوار الهدی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۹ هـ.ق.
۳. احسایی، ابن ابی جمهور، غوالی(عوالی) اللثالی العزیزیه، جلد ۱، انتشارات دار سید الشهداء، چاپ اول، قم، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۴. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۴.
۵. ارفع، سیدکاظم، ترجمه روان نهج البلاغه، انتشارات فیض کاشانی، چاپ دوم، تهران، غدیر ۱۳۷۹.
۶. آرمسترانگ، مایکل، خلاصه کتاب مدیریت استراتژیک منابع انسانی(راهنمای عمل)، ترجمه دکتر سیدمحمد اعرابی و داوود ایزدی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.
۷. اشرفی، مرتضی، تحول گفتمان توسعه در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات وحدت بخش، چاپ اول، قم، ۱۳۹۰.
۸. آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، معاونت تدوین، تفتیح و انتشار قوانین و مقررات، چاپ اول، تهران، مرداد ۱۳۸۹.
۹. آشناییمقدماتیبا طرح هدفمندساز بیارانهها، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۹.
۱۰. آشوری، داریوش، دانش‌نامه سیاسی، انتشارات مروارید، چاپ بیست و یکم، تهران، ۱۳۹۱.
۱۱. ایرانشاهی، حمید، پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان‌های مسئول در قوانین ایران، انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
۱۲. برنارد بولک، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۴.

۱۳. بشیریه، حسین، دولت و جامعه مدنی (گفتمان‌های جامعه‌شناسی سیاسی)، کتاب نقد و نظر (ویژه مجله نقد و نظر)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم، ۱۳۷۸.
۱۴. بندریگی محمد، المنجد الطلاب، انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۶۸.
۱۵. بهاء‌الدین اربلی، علی، کشف الغمّه فی معرفه الائمه، جلد ۲، انتشارات محمدباقر کتابچی حقیقت، تبریز، ۱۳۸۱ ه.ق.
۱۶. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه کیفی، ترجمه دکتر نجفی ابرندآبادی، نشر یلدا، بهار ۱۳۷۳.
۱۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، جلد ۶، انتشارات دارالکتاب اسلامی، چاپ سوم، قم، ۱۴۲۹ ه.ق.
۱۸. توکلی، احمد، مالیه عمومی، انتشارات سمت، چاپ هفتم، تهران، پاییز ۱۳۸۶.
۱۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ چهاردهم، تهران، ۱۳۸۳.
۲۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱.
۲۱. جوان جعفری، عبدالرضا، سیدزاده ثانی، سید مهدی، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.
۲۲. جوانمرد، غلامحسین، آسیب‌شناسی روانی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۸.
۲۳. جوانمرد، غلامحسین، آسیب‌شناسی روانی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۸.
۲۴. چیت‌ساز، محمد علی، بررسی پدیده حاشیه‌نشینی از دیدگاه جامعه‌شناسی، انتشارات دادگستری استان تهران.
۲۵. حرّ عاملی، محمد، وسائل الشیعه، جلد‌های ۴ و ۱۸، انتشارات ذوی‌القربی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۷.
۲۶. حرانی، حسن، تحف العقول، ترجمه صادق حسن‌زاده، انتشارات آل‌علی^(ع)، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲.
۲۷. حسن زاده آملی، حسن، کمره‌ای، محمد باقر، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، جلد ۱۹، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
۲۸. حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیاء، ج ۱، انتشارات دلیل‌ما، چاپ نهم، قم، ۱۳۸۶.

۲۹. خسروی، محمد حسن، راهکارهای کنترل جرم از نگاه امیرالمومنین^۷، انتشارات نورالسجاد^(ع)، چاپ دوم، قم، ۱۳۹۱.
۳۰. خلفی، مسلم، مبانی حقوقی پیشگیری از جرم، انتشارات نورالسجاد، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸.
۳۱. خمینی، روح ا...، ولایت فقیه «حکومت اسلامی»، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره)، تهران، ۱۳۷۹.
۳۲. دادستان، پریخ، روان شناسی جنایی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.
۳۳. دانش، تاجزمان، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، انتشارات کیهان، چاپ یازدهم، تهران، اسفند ۱۳۸۸.
۳۴. دستمالچیان، احمد، کلیاتی راجع به حقوق شهروندی، اداره صیانت از حقوق شهروندی وزارت کشور، ۱۳۹۰.
۳۵. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات الهادی، تهران، ۱۳۸۲.
۳۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد‌های ۱۲ و ۷، انتشارات مجلس، تهران، ۱۳۲۸.
۳۷. رحمان ستایش، محمد کاظم، حکومت اسلامی در اندیشه فقیهان شیعه، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، ۱۳۸۳.
۳۸. رحیق اغصان، علی، دانشنامه در علم سیاست، انتشارات فرهنگ صبا، تهران، ۱۳۸۴.
۳۹. رحیمی‌نژاد، اسماعیل، آشنایی با حقوق جزا و جرم‌شناسی، جلد ۱، انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول، قم، ۱۳۷۸.
۴۰. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، انتشارات دارالحدیث، چاپ نهم، قم، ۱۳۸۷.
۴۱. زاهدی اصل، محمدرضا، مفاهیم رفاه اجتماعی و تامین اجتماعی (مجموعه مقالات دومین سمینار جامعه‌شناسی و توسعه)، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۳.
۴۲. سند جامع پیشگیری اولیه از اعتیاد، ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، ۱۳۹۰.
۴۳. شریف رضی، محمد بن حسن، نهج البلاغه، ترجمه و شرح علینقی فیض الاسلام، انتشارات موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام، تهران، ۱۳۷۹.
۴۴. شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت اسلامی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ بیست و هشتم، تهران، ۱۳۸۶.
۴۵. شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۶۹، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ بیست و نهم، تهران، ۱۳۸۹.

۴۶. صفار، محمد جواد، حقوق اساسی، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، ۱۳۶۹.
۴۷. طباطبایی، محمد حسین، سنن النبی.
۴۸. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۰.
۴۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، جلد‌های اول و دوم، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، تهران، ۱۳۶۴.
۵۰. فرجاد، محمد حسین، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات ویستار.
۵۱. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۵.
۵۲. قدردان قراملکی، محمدحسن، حکومت دینی از منظر استاد شهید مطهری، انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۹.
۵۳. کتاب راهنمای سازمان ملل متحد در باب دادرسی ویژه نوجوانان، ترجمه سهیلا ماهر نیا، تصحیح و ویرایش لاله خاکپور، به سفارش سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی (PRI)، انتشارات وفاق، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
۵۴. کلینی الرازی، محمد ابن یعقوب، الفروع من الکافی، جلد ۷، انتشارات انصاریان، قم.
۵۵. کلینی الرازی، محمد محمد ابن یعقوب، اصول کافی، جلد ۵، انتشارات انصاریان، قم.
۵۶. کوسن، موریس، جرم شناسی، ترجمه میرروح ا.. صدیق، انتشارات دادگستر، تهران، ۱۳۸۵.
۵۷. گسن، ریموند، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۵۸. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات نی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۸.
۵۹. مارک، ج، سینگر، مدیریت منابع انسانی، ترجمه دکتر فریده آلفا، مرکز آموزش مدیریت منابع دولتی.
۶۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، جلد‌های ۱۶، ۷۵ و ۷۹، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۴.

۶۱. مجموعه مقالات همایش پیشگیری از جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
۶۲. محدث نوری طبرسی، میرزاحسین، مستدرک الوسائل و المستنبط المسائل، جلد ۱۷، انتشارات موسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لاحیاء التراث، چاپ اول، قم، ۱۴۰۷ ه.ق.
۶۳. محمد نسل، غلامرضا، پلیس و پیشگیری از جرم (مجموعه مقالات)، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری (ناجا)، تهران، ۱۳۸۷.
۶۴. مدرس، احمد و عبداللّه‌زاده، فرهاد، مدیریت مالی، جلد ۱، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۶.
۶۵. مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی، انتشارات پایدار، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۰.
۶۶. مظلومان، رضا، جرم‌شناسی (کلیات)، جلد ۲، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۷.
۶۷. معادیخواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، جلد ۴، انتشارات ذره، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۶.
۶۸. معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، انتشارات التمهید، چاپ اول، قم، ۱۳۷۷.
۶۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
۷۰. مهدوی، محمود، پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد مدار)، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، پاییز ۱۳۹۰.
۷۱. مهرپور، حسین، رئیس‌جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی، جلد ۱، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵.
۷۲. میرابی، وحید رضا، مدیریت (مبانی و استراتژی)، انتشارات شهر آشوب، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۲.
۷۳. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد ۴، انتشارات داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۲.
۷۴. نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۷.
۷۵. نجفی توانا، علی، جرم‌شناسی، انتشارات آموزش و سنجش، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۹۰.
۷۶. نوربها، رضا، زمینه‌ی جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۷.

۷۷. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم: حاکمیت و نهادهای سیاسی، انتشارات میزان، چاپ هفدهم، تهران، ۱۳۸۶.
۷۸. الهامینیا، علی اصغر، اخلاق اسلامی، انتشارات موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)، تهران.
۷۹. وکیل، امیرساعد، عسکری، پوریا، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات مجد، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۱.

ب) پایان نامه ها و رساله ها

۸۰. اصغری زمانی، اکبر، پژوهشی در روند حاشیه نشینی ایران مطالعه موردی تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز.
۸۱. اکبری، لیلا، بررسی شیوه های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در قواعد و اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۸۲. حقیقت خواه، سعید، نقش دادستان در پیشگیری از جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی، دپارتمان حقوق دانشگاه مفید، ۱۳۸۹.
۸۳. شریفی، صادق، مبانی حقوق اداری در عهدنامه مالک اشتر با توجه به دوران خلافت حضرت علی(ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۸۴. نادری، محمد علی، نقش و جایگاه وزارت کشور در پیشگیری از بزهکاری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
۸۵. نادری، محمد علی، نقش و جایگاه وزارت کشور در پیشگیری از بزهکاری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
۸۶. جنیدی، محمد علی، نقش احتمالی هدفمند کردن یارانه ها در کاهش جرایم، پایان نامه دانشگاه پیام نور فرمهبین، ۱۳۹۰.

ج) مقالات

۸۷. آرگراس، داگلاس و کپیوزی، دیوید، رهیافتهایی به پیشگیری، ترجمه محمود مهدوی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۵، سال ۱۳۸۶.
۸۸. آقاجانی، آرش، تبیین ویژگی‌های مدیران از دیدگاه حضرت‌علی(ع) در نهج‌البلاغه، نشریه اندیشه‌صادق، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۸۵.
۸۹. آقاخانی، عبدالرضا، راهکارهای مقابله با پدیده قاچاق کالا، اقتصاد پنهان www.epe.ir
۹۰. اسدالهی، قنبر، نقش پلیس در پیشگیری از وقوع جرم، www.haghgostar.ir
۹۱. اسماعیلی، محسن، نقش رییس‌جمهور در اجرای قانون اساسی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام‌صادق(ع)، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۳.
۹۲. اسماعیلی، مهدی، گفتمان رییس‌جمهور آینده چه باید باشد؟ سرویس سیاسی پایگاه خبری تحلیلی تعامل www.taamolnews.ir
۹۳. بای، جعفر، ویژگی‌های پیشگیری از جرم، اجتماع، جامعه‌شناسی، تارنمای همشهری آنلاین www.hamshahrionline.ir
۹۴. بدآغی، فاطمه، تفسیر اصل ۱۱۳ قانون اساسی، پایگاه هیأت‌نظارت بر اجرای قانون اساسی www.ghanoonasasi.ir
۹۵. برادران، فاطمه، اعتیاد و روشهای درمان و پیشگیری از آن، بانک مقالات جرم‌شناسی موسسه حقوقی هامون www.vakil.net
۹۶. پاک‌نهاد، نداداسادات، حقوق و وظایف رییس‌جمهور، تارنمای موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان www.tebyan.net
۹۷. تاجریان، علیرضا، وظایف مردم و حاکمان در منشور اخلاقی و سیاسی علی(ع)، www.tajerian.ir
۹۸. تقی‌زاده، داریوش، اعتیاد، علل، پیشگیری و درمان آن، فصلنامه علمی - پژوهشی اجتماع درمان مدار، سال دوم، شماره ۳.
۹۹. جباری، شعبانعلی، نقش رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی، پورتال شورای نگهبان www.shora-gc.ir
۱۰۰. جباری، شعبانعلی، واژه استناداری، فرهنگ علوم اسلامی و انسانی، تارنمای پژوهشکده باقرالعلوم(ع)، www.pajooh.com

۱۰۱. جعفری، عباس، تعامل امنیت و آزادی، یادداشت در سایت دادسرای عمومی و انقلاب تهران، ۱۳۸/۷/۱۷، www.dadsara.ir
۱۰۲. جوانفر، عباس، پیشگیری از جرم و جایگاه دستگاه قضایی در آن، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۳۹، خرداد ۱۳۸۴.
۱۰۳. خداپرست، یونس، حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ علوم اسلامی و انسانی، تارنمای پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، www.pajohe.com
۱۰۴. خسروشاهی، قدرت ا...، پیشگیری از جرم در آموزه هایقرآنی، پژوهش های مدیریت راهبردی، شماره ۳۰-۳۱، خرداد ۱۳۸۲.
۱۰۵. خنیفر، حسین، مدیرومنابع انسانی در سازمان، ص ۴۴ www.hawzah.net/fa/magazine
۱۰۶. خوشوقت، عزیزا...، عمل مسئولین سازنده ایمان مردم است، سایت جامع فرهنگی مذهبی شهید آوینی، www.aviny.com
۱۰۷. دادخدایی، لیلا، نقض قانون اساسی در مبارزه با مفسد اقتصادی، نشریه تعالی حقوق، سال سوم، شماره ۱۱، خرداد و تیر ۱۳۹۰.
۱۰۸. دری نجف آبادی، قربانعلی، نگاهی به امنیت از منظر امیرمومنان (ع)، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۸، ۱۳۸۶.
۱۰۹. رحمانی، محمد، ملاک های گزینش کارگزاران در حکومت علوی، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۷۹.
۱۱۰. رنجبر، احمد، جایگاه رئیس جمهور در رژیم های سیاسی مختلف، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۴.
۱۱۱. زندی، محمدعلی، دولت رفاه، فرهنگ علوم اسلامی و انسانی، تارنمای پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، www.pajoohe.com
۱۱۲. سعیدی، غلامرضا، نگاهی به ظرفیت های کارآفرینی در پیشگیری از جرم، سایت وزارت دادگستری www.justice.ir
۱۱۳. سعید، پدرام و مقصودی، مجتبی، حدود، وظایف، اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۱.

۱۱۴. سلیمان فام، محمد علی، آشنایی با نظام هدفمند کردن یارانه‌ها، مجتمع آموزشی و پژوهشی بناب، خرداد ۱۳۸۹، www.hadafmandi.mihanblog.com
۱۱۵. سوری، محمود، آشناترین همدرد (آغاز هفته بهزیستی)، نشریه گلبرگ، شماره ۵۲، تیر ۱۳۸۳.
۱۱۶. شریف، محمد، تحلیل اصل ۱۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۳.
۱۱۷. شریف، محمد، جایگاه حقوقی هیأت نظارت بر اجرای قانون اساسی www.hamshahrionline.ir
۱۱۸. شهبازی نیا، مرتضی، حقبر خوردار یاز تا مینا اجتماع‌یو پژوهی‌ها محتوا و اصول کلی حاکم بر آن، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۸۶.
۱۱۹. شهرکی، آرمان، مفاهیم و اصطلاحات انسان‌شناسی توسعه (۱): گفت‌وگو، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ، www.anthropology.ir
۱۲۰. صادق منتی‌نژاد، بررسی جایگاه قانونی نقش و اهمیت دستگاه‌های نظارتی قوای سه‌گانه در جمهوری اسلامی ایران، www.hoghoogh.com.online.fr/nezaratbardoolat.htm
۱۲۱. صدیق سروسستانی، رحمت ا...، زائری، قاسم، بررسی گفت‌وگوهای فرهنگی پسا انقلابی و روندهای چهارگانه موثر بر سیاست‌های فرهنگی در جمهوری اسلامی، نشریه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، شماره ۵۴، بهار ۱۳۸۹.
۱۲۲. صفا، داوود، علل گرایش به اعتیاد، راه‌های پیشگیری و درمان آن، نشریه معرفت، شماره ۹۱، تیر ۱۳۸۴.
۱۲۳. عبدالمهی، حسین، نگاهی به ابعاد حقوق اساسی، تحلیل اصل ۱۲۷ قانون اساسی در خصوص نماینده ویژه رییس جمهور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۱۲۱۹۷، ۱۳۹۰/۱۱/۳. www.rc.majlis.ir
۱۲۴. عصاره، عبدالم...، آزادی (حق) آموزش و پرورش، فرهنگ علوم اسلامی و انسانی، www.pajooh.com (باقر العلوم (ع))
۱۲۵. عظیم زاده اردبیلی، فائزه و حسابی، ساره، سیاست جنایی و تطور مفهومی، نشریه تعالی حقوق، شماره ۱۵، بهمن و اسفند ۹۰.

۱۲۶. علی صفاری، مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴، بهار تا زمستان ۱۳۸۰.
۱۲۷. علیزاده، عبدالرضا، کاویانی، محمد هادی، حق امنیت فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴، زمستان ۹۰.
۱۲۸. قاسمی، علی، ضرورت مبارزه با مفسد اقتصادی با راهکارهای اصلاحی، پایگاه شخصی اقتصادنا - اقتصاد سیاسی، www.alamoot-hir.blogfa.com
۱۲۹. قانون اساسی، مسئولیت اجرا و تفکیک قوا، در گفت و گو با آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی، دکتر حسین مهرپور و دکتر سید محمد هاشمی، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۲۰.
۱۳۰. قدر دانقراملکی، محمدحسن، مبانی حکومت مردم‌سالار دینی از دیدگاه علامه طباطبایی، اندیشه نویندینی، شماره ۵ و ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۵، www.maaref.ac.ir
۱۳۱. قراچورلو، رزا، حق آزادی بیان در نظام بین‌المللی و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر گزارش ۱۲ ژانویه ۲۰۰۴ آقای آمیبیو لیگابو گزارشگر ویژه موضوعی سازمان ملل متحد در رابطه با حق آزادی بیان، نشریه وکالت، شماره ۲۵ و ۲۶، تیر ۱۳۸۴.
۱۳۲. کریمی، عبدالوهاب، پیشگیری از جرم از منظر قرآن، نشریه معرفت، شماره ۱۴۸، فروردین ۱۳۸۹.
۱۳۳. گسن، ریموند، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه دکتر نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹ و ۲۰، سال ۱۳۷۶.
۱۳۴. لشکری، محمد، شاخص‌های رفاه اجتماعی، نشریه اقتصاد، شماره ۱۳۱ و ۱۳۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۷.
۱۳۵. لک‌زایی، شریف، سازوکارهای مسأله آزادی در قانون اساسی www.sharifl.persianblog.ir
۱۳۶. لواسور، ژورژ، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات جنایی، شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ و بهار و تابستان ۱۳۷۲.
۱۳۷. متولی زاده، نفیسه، پیشگیری رشدمدار، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره دوم، بهار ۸۶.

۱۳۸. محسنی، حسن، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پدیده قاچاق، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم.
۱۳۹. محنت فر، یوسف، فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن در فرایند توسعه اقتصادی، مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۷، www.confbank.um.ac.ir
۱۴۰. مسعودی فر، رضا، تأثیر حاشیه نشینی در وقوع جرم، سایت شورای حل اختلاف استان آذربایجان شرقی، www.shoraas.ir
۱۴۱. معظمی، شهلا، پیشگیری جرم شناختی، فصلنامه مجد، شماره اول، سال ۱۳۸۶.
۱۴۲. منصور، سید محمد سادات، تأثیر افکار و رفتار دولت برسبک زندگی مردم در گفتگو با رئیس مرکز پاسخگویی به سؤالات دینی سازمان تبلیغات اسلامی، خبرگزاری مهر، کد خبر: ۲۰۶۷۷۵۱، www.mehrnews.com
۱۴۳. مهرا، نسرین، در آمدی بر جرم زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی، مقدمه گزارش «کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی» وابسته به شورای اروپا، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱ و ۲۲، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷.
۱۴۴. موذن زادگان، حسن علی، حقوق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه حقوق، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۹، بهار ۱۳۷۷.
۱۴۵. میرخلیلی، محمود، پیشگیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام، فقه و حقوق، شماره ۱، ۱۳۸۳.
۱۴۶. نجف‌آبادی، علی حسین، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
۱۴۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، دی ۱۳۷۴.
۱۴۸. نظری، نصر...، حکومت دینی از منظر قرآن کریم، تارنمای مرکز علمی فرهنگی طلوع فجر، www.toloufajr.com
۱۴۹. نیازپور، امیرحسن، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، زمستان ۸۲.

۱۵۰. نیازپور، امیرحسین، حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.

۱۵۱. الهام، غلامحسین، جامعه علوی و اصل ۱۴۲ قانون اساسی، www.Elham.ir

۱۵۲. هدایت‌نیا، فرج‌ا...، نقد و بررسی لایحه اصلاح «قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۱۵، اسفند ۱۳۸۱.

۱۵۳. هوراث، دیوید، نظریه گفتمان، ترجمه علی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۷.

۱۵۴. ولی پوری، احسان، علل ایجاد جرایم، www.blogfa.com، ۱۳۶۰۰۰۰۰۰.

د) نشریات و مطبوعات

۱۵۵. روزنامه حمایت، ۱۳۹۲/۲/۱۴، اشتغال‌زایی، سهم دولت در پیشگیری از جرایم.

۱۵۶. روزنامه اعتماد، شماره ۱۳۴۳، ۱۳۸۵/۱۲/۹، حق مسکن در آینه قوانین، گزارش اجتماعی.

۱۵۷. روزنامه اعتماد، شماره ۲۶۲۵، ۹۱/۱۲/۶، حقوق، قشلاقی آذر، هومن، حق مسکن از دیدگاه قانون اساسی.

۱۵۸. روزنامه ایران، شماره ۵۰۵۰، ۹۱/۱/۲۲، ایران اجتماعی، رحمت، محمدرضا، نقش محیط‌های شهری در وقوع جرم.

۱۵۹. روزنامه جام جم، پنجشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۸۷، شفیعی‌سردشت، جعفر، رفاه، توسعه و مداخله دولت.

۱۶۰. روزنامه جام جم، کدخبر: ۱۰۰۸۳۸۵۷۱۴۵۵، وزیر اطلاعات دستاوردهای وزارت اطلاعات را تشریح نمود.

۱۶۱. روزنامه حمایت، ۱۳۹۱/۲/۱۴، بررسی حق اشتغال در حقوق موضوعه ایران، حمایت از کار؛ وظیفه مصرح دولت در قانون اساسی.

۱۶۲. روزنامه شرق، شماره ۱۰۳۷، ۱۳۸۹/۵/۲۴، حق دادخواهی و ضمانت اجرای آن.

۱۶۳. روزنامه مردم سالاری، نسخه شماره ۲۳۲، ۱۳۸۹/۱/۱۸، پیشگیری از جرم و خشونت، هدف مشترک جهانی، مروری بر کنگره‌های جهانی پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد.

۱۶۴. روزنامه همشهری، چهارشنبه ۱۳ تیر ۱۳۸۶، احمدی مقدم، اسماعیل، دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر.

۱۶۵. روزنامه همشهری، سال چهاردهم، شماره ۳۹۵۱، سه شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۸۵، همشهری ضمیمه، مرادی، یاسر، حقوق مفاسد اقتصادی.
۱۶۶. نشریه بانک و اقتصاد، شماره ۹۲، خرداد ۱۳۸۷، یادداشت: درباره رابطهبانک مرکزیبا دولت.
۱۶۷. نشریه مآوی، داخلی قوه قضاییه، شماره ۷۰۷، ۱۳۸۶/۱۲/۵، محمدبیک خورتابی، علیرضا، نقش معماری و شهرسازی در کاهش جرایم و افزایش امنیت اجتماعی.
۱۶۸. نشریه مآوی، داخلی قوه قضاییه، شماره ۹۲۸، ۱۳۸۹/۴/۳۰، ناظری، محمد، نقش مدیریت شهری در پیشگیری از جرم.
۱۶۹. هفته‌نامه برنامه، ویژه عملکرد دولت نهم، سال هشتم، شماره ۳۳۰، ۱۳۸۸/۶/۷، تحول چشمگیر در وزارت دادگستری.

ه) تقریرات و جزوات دانشجویی

۱۷۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی به‌کوشش شهرام ابراهیمی، تقریرات درس جرم‌شناسی (پیشگیری)، مجتمع آموزش عالی قم، تهیه و تنظیم مهدی سیدزاده، سال تحصیلی ۸۱-۸۲.
۱۷۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، تقریرات درس جرم‌شناسی (پیشگیری)، دانشگاه تربیت مدرس، تهیه و تنظیم محمدعلی بابایی، سال تحصیلی ۸۰-۷۹.
۱۷۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، تقریرات درس جرم‌شناسی، دانشگاه مفید، سال تحصیلی ۸۶-۸۷.
۱۷۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی نظری (دوره دکتری).

و) قوانین و مقررات

۱۷۴. آیین‌نامه داخلی شورای عالی اداری مصوب ۱۳۷۹/۷/۲۶.
۱۷۵. آیین‌نامه داخلی هیئت دولت مصوب ۱۳۶۸/۹/۸.
۱۷۶. آیین‌نامه اعطای نشانهای دولتی مصوب ۱۳۶۷/۱۱/۱.

۱۷۷. آیین نامه اجرایی سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات (تصمیم نماینده ویژه رییس جمهور) مصوب ۱۳۷۳/۸/۱ هیئت وزیران.
۱۷۸. تصویب نامه مورخه ۱۳۶۸/۲/۲۷ هیأت وزیران.
۱۷۹. دستور العمل نحوه مقابله با متهمین ضد انقلابی مورخ ۱۳۶۶/۱/۲۶ (اجلاس سران قوا).
۱۸۰. شرح وظایف استانداران و فرمانداران مصوب ۱۳۷۷/۷/۲۸ شورای عالی اداری.
۱۸۱. قانون الحاق يك تبصره به ماده ۷۴ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۱۴.
۱۸۲. قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۰.
۱۸۳. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
۱۸۴. قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مصوب ۲۷ مرداد ۱۳۶۲.
۱۸۵. قانون تشکیل شورای عالی اشتغال.
۱۸۶. قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۵۸
۱۸۷. قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱
۱۸۸. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۵۲/۳/۲۸
۱۸۹. قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱
۱۹۰. قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳۶۲/۶/۸
۱۹۱. قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ با اصلاحات مصوب ۱۳۵۳/۱۰/۳۰ و ۱۳۷۵/۹/۲۵
۱۹۲. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵
۱۹۳. قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۱۸
۱۹۴. قانون نحوه اجراء اصل هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه بامسئولیت های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸ و قوانین الحاقی بعدی.
۱۹۵. قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۱/۴/۲۷
۱۹۶. قانون همپرسی در جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸/۴/۴
۱۹۷. لایحه پیشگیری از جرم.
۱۹۸. لایحه اصلاح تبصره ماده ۶ و ۷ قانون تقسیمات کشوری و وظایف استانداران.

۱۹۹. ماده ۹۵ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی.
۲۰۰. نظر ۷۹/۲۱/۷۳۷ شورای نگهبان در پاسخ به نامه ۲۷۵۸/ه/ب-۴/۵/۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی.

۲۰۱. نظر ۴۲۱۴ - ۱۳۶۰/۱۱/۱ شورای نگهبان در پاسخ به نامه ۳/۱۲۸۹
۱۳۶۰/۱۰/۱۳ رئیس جمهور.

ز) منابع انگلیسی

۲۰۲. "Le president de la Republique veille Au respect la Constitution":
Art ۵ de la Consitution francaise. (۱۹۵۸)

۲۰۳. home et al (۲۰۰۷), The Pervasive Impact of Powerty on Children in
Pathways and Crime Prevention, Villan Pub.

۲۰۴. promoting the prevention of crime, ۲۰۰۴.

۲۰۵. Adequate housing a human right, The Wire, Amnesty International's
Monthly Magazine, February, ۲۰۰۶.

۲۰۶. cusson. Maurice. La criminology. Paris. ۲۰۰۲.

۲۰۷. Farrington, David p. & Welsh, Brandon c.(۲۰۰۸), Early
developmental crime prevention in Sholomo Gioro Shoham, *International
Handbook of Penology and Criminal Justice*. CRC press.

ح) منابع اینترنتی

۲۰۸. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله سید علی
خامنه‌ای (موظف‌العالی) www.khamenei.ir

۲۰۹. پایگاه ریاست جمهوری اسلامی ایران؛ www.president.ir

۲۱۰. پایگاه اطلاع رسانی دولت جمهوری اسلامی ایران، www.dolat.ir

۲۱۱. تارنمای معاونت تحقیقات و حقوق شهروندی آموزش
معاون حقوقی ریاست جمهوری www.lri.ir

۲۱۲. تارنمای هیئت نظارت بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
www.ghanoonasasi.ir

۲۱۳. تارنمای مجلس شورای اسلامی www.parliran.ir

۲۱۴. تارنمای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران www.cbi.ir
۲۱۵. تارنمای سازمان حفاظت محیط زیست www.doe.ir
۲۱۶. تارنمای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران www.vaja.ir
۲۱۷. تارنمای وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران www.justice.ir
۲۱۸. تارنمای وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران www.moi.ir
۲۱۹. تارنمای سازمان تعزیرات حکومتی www.tazirat.gov.ir
۲۲۰. تارنمای شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری www.atf.gov.ir
۲۲۱. بانک اطلاعات نشریات کشور www.magiran.com
۲۲۲. پایگاه مجلات تخصصی www.magiran.com
۲۲۳. پایگاه اطلاع رسانی کتابخانه‌های ایران www.lib.ir
۲۲۴. کتابخانه دیجیتال نور www.noorlib.ir
۲۲۵. پایگاه اطلاع رسانی کتاب قم www.ketabeqom.com
۲۲۶. آثار روانی مشاخره مسئولین در جامعه، گزارش سرویس سیاسی سایت خبری بی‌باک نیوز، کدخبر: ۲۱۷، ۱۳۹۱/۱۱/۱۸، www.bibaknews.com
۲۲۷. بررسی نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از بزهکاری، گفتگو با دکتر محمود مهدوی، جرم‌شناس و استاد حقوق دانشگاه، سایت دادگستری کل استان اصفهان www.dadesfahan.ir
۲۲۸. پاسخگویی به سؤالات دینی سازمان تبلیغات اسلامی، خبرگزاری مهر، کد خبر: ۲۰۶۷۷۵۱، www.mehrnews.com
۲۲۹. تاثیر معماری شهر در پیشگیری از وقوع جرم، سایت انجمن دانشجویان ایران، انجمن تخصصی دانشجویان مهندسی معماری، www.start.unicloob.ir
۲۳۰. تازه ترین آمار قاچاق در گفتگو هفته نامه تجارت فردا با سردار ابویی، معاون ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سایت تجارت نیوز، ۲۵ آذر ۱۳۹۱؛ www.tejaratnews.com
۲۳۱. چرایی اهمیت "اخلاق در سیاست" از نگاه امیرالمؤمنین(ع)، مشاور نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، مشرق نیوز، کد خبر: ۲۱۸۷۰۵، ۱۳۹۲/۳/۷، www.mashregnews.ir

۲۳۲. حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن، خبرگزاری ایسنا، پنجشنبه ۱۴ دی ۱۳۹۱، کد خبر:

www.isna.ir/۹۱۱۰۱۴۰۸۳۹۶

۲۳۳. حسینی پبله رود، حلیمه، قانوناساسی ایران و حق آموزش رایگان و

همگانی، www.bashgah.net

۲۳۴. شورای اقتصاد؛ از تنظیم بازار تا برنامه‌های خروج از بحران، گفتگو با بیژن رحیمی

دانش، مدیر کل اسبق دفتر شورای اقتصاد، سایت خبری

تابناک www.tabnak.ir/fa/news/۲۹۷۴۳۳

۲۳۵. گزارش عملکرد وزارت دادگستری در دولت نهم و دهم، تارنمای وزارت دادگستری

جمهوری اسلامی ایران www.justice.ir

۲۳۶. گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت،

۱۳۸۴/۶/۸، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای

(مدظله‌العالی) www.farsi.khamenei.ir

۲۳۷. گفتگو با شاهرخ هدایتی مشاور وزیر دادگستری و سرپرست اداره کل ارتباط با قوه

قضائیه، خبرگزاری مهر، www.mehrnews.com

۲۳۸. گفتگوی مدیرکل امور ایرانیان خارج از کشور وزارت امور خارجه، خبرگزاری

فارس www.farsnews.com

۲۳۹. نگاهی به عملکرد وزارت دادگستری در دولتهای نهم و دهم، خبرگزاری ایرنا،

کدخبر: ۸۰۲۹۶۰۸۷-۱۳۹۱/۶/۷ www.irna.ir

۲۴۰. ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، www.fa.wikipedia.org

۲۴۱. www.amozesh-khanevadeh.blogfa.com

۲۴۲. www.edalat-va-ghezavat.blogfa.com

۲۴۳. www.google.com

ط) نرم افزارهای رایانه‌ای

۲۴۴. نرم افزار لوح حق

Abstract

President As Islamicruling and Executive Constitution Whichhave
Thepowers andcharacteristicsof CanRole About Prevention of crime.

TheclassificationPrevention of crime to Situationalprevention and
Socialpreventionofcrime, President is too be Effective.

Use byConstitution and other RulestoolsLikeInterior Ministry,
intelligence,Justice, Staff of Combatsmuggling,Drugs,Economic
corruption,Targeted subsidies& ...Give this power to President the change
in StatusoffenseBased onSituationalpreventionapproach and
ReductionPositionsriorcriminal.

Thepresident's personal and social Role inCreating Discourse
onpreventionofcrime Based on Approach Socialpreventionofcrime is too
EffectiveFrom People's Choice.

Attention to RightsCitizenshipIncontrast withCauses
ofcrimeInverserelationshipwith each other is President Approaches in
DesignSocialpreventionofcrime and Modelingspeech, Behavioralmodeling,
Physicalmodeling and Spiritualmodeling can Effective in People
Benchmarkingc from President In everyday life and CriminalLandscape.

OverallPresidentcan Apartfrom theExcess
&OvercookPeopleAboutPresidentOptions, with Tools
Supervision&Management and create anModelDiscourseBased
onRightsCitizenshipRole in Prevention of crime.

Keywords:

President, crime, Prevention, Constitution, Situationalprevention,
Socialpreventionofcrime.



ISLAMIC AZAD UNIVERSITY
Central Tehran Branch
Faculty of law
"M.A" Thesis
OnCriminal Law andCriminology

Subject:

President role in prevention of crime

Advisor:

Dr. GHolamhossein Elham (Phd)

Consulting Advisor:

Dr. Amirhasan Niazpoor (Phd)

By:

Farzad Toutchi Fetidehiy

Summer ۲۰۱۳